

اردو



شماره ۹، ۷۱۷، قوس ۱۳۶۰

او بخاطر اتحاد شرابط

صلح آمیز در کشور مدت دو نیم

سال با عناصر ضد انقلاب جنگیده است



اردو

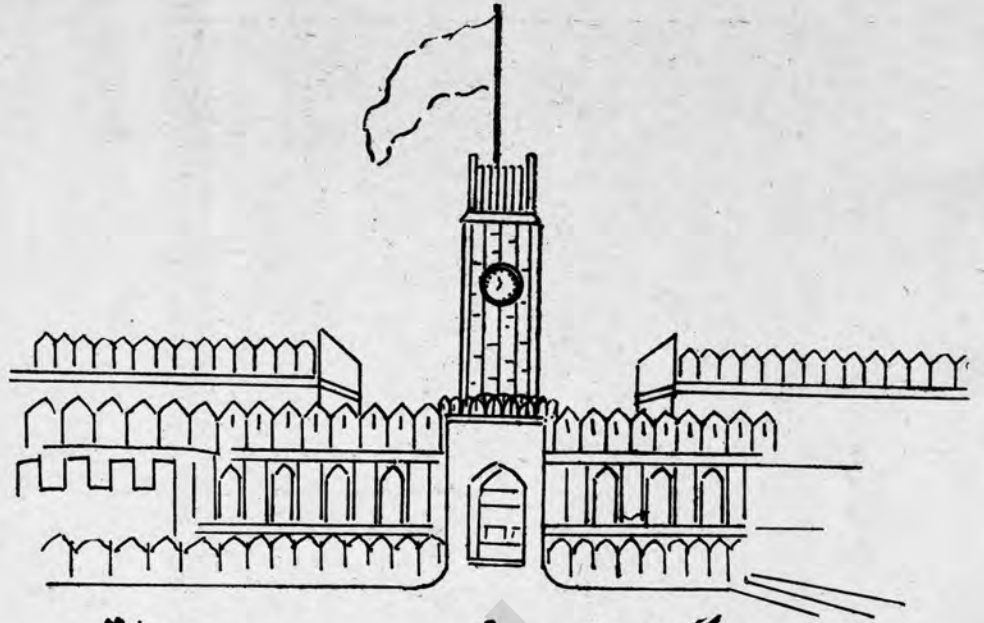
در این شماره

- یاد داشت اداره ۱۱ —
- دوستی افغان - شوروی دگروال نورالله تالقانی ۱۴
- سیاست هژمونستی بیکنگ و... دگرمن بهادرشاه ۱۸
- تحولات در کشورهای سمگیری... دگرمن مجد ابراهیم رزمی ۲۱
- جنگ ایدیا لویژیکمی دگروال غلام سخنی کاوون ۲۳
- چرا واشنگتن پارتینر... دگرمن نعیم «نیواد» ۲۷
- دمحدودی اتومی جگری... دگرمن امان الله «تلاش» ۳۱
- جاپان در راه ملیتاریسم... لومری بریدمن خیرمجد ۳۵
- افشای جنایات امپریالیسم جگرن عبدالعظیم «استوار» ۳۹
- دثور انقلاب دحقیقت په بری کی... اکبر کرگر ۴۱
- نقش حزب طبقه کارگر در... تورن امان الله «حقیقی» ۴۸
- حماسه آفرینان گزارشگر مجله اردو ۵۲
- کشف یگانه واسطه تامین... دگرمن عبدالرؤف «بیگی جان» ۶۱
- آموزش پرتاب بم دستی جگرن نیکمجد «کابلی» ۶۶
- منشأ و عوامل جنگها احسان «آذری» ۶۸
- اصطلاحات علمی و فلسفی ۷۱ —
- قوای مسلح در مسیر تاریخ ۷۲ —
- فرهنگ و هنر ۷۶ —
- در گستره زمین ۷۸ —
- آشنائی با سرزمین های دیگر ۸۴ —
- من سرگ را بهار میآورم دگرمن توریالی «عثمانی» ۸۷
- روی جلد:** محمد سلیم سرباز قهرمان قطعه انضباط یکی از غندهای فرقه ۸ که شرح مفصل آنرا در صفحه ۵۲ مطالعه خواهند کرد
- پشت جلد:** صحنه هایی چند از مبارزات قهرمانانه سربازان وطنپرست ما در نقاط مختلف کشور.

مجله ماهانه وزارت دفاع ملی
سال تاسیس ۲۱ ص ۱۲۹۹

د امتیاز خواهند
مسئول مدین
د ملی دفاع وزارت د نشر تو ریاست
دگرمن محمد نعیم «نیواد»

د تلفون بمبر ۲۳۲۰۸



گزارشات مهم حزبی و دولتی

دبيرك كارمل په مشري د مرکزی کمیټې اووم

پلینوم جوړشو

درېوټ له وړاندې کولو وروسته د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې غړي پوهنمل گل داد د گوند د مرکزی کمیټې علی البدل غړي سید طاهر شاه پیکارگر د غونډې درېوټ په باب وینا وی وکړی او هغه یې تائید کړ .

د باختر آژانس خبریال خبر راکړی وړپسی د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې د سیاسي بیرو د غړي او منشي نور احمد نور په مشري غونډې تعقیب شوه او په هغې کې د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې غړي میر صاحب کاروال د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې غړي فدایند دهنشین د گوند د مرکزی کمیټې علی البدل غړي بابه جان او د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې غړي سلیمان لایق داووم پلینوم د غونډې درېوټ په ارتباط خبری وکړی او د دغه رېوټ د تائید په ترڅ کې یې هغه په گوندی ژوند کې له اهمیت نه ډک و باله .

داووم پلینوم د درېمی غونډې په برخه کې چې بېرک کارمل په مشري وشوه نور احمد نور داووم پلینوم د مصریې مسوده و لوسته چې له رانی اخیستنې وروسته درایو په اتفاق تائید شوه .

د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې اووم پلینوم د شنبې په ورځ ۱۳۶۰ کال د قوس په ۱۴ له غرمې نه وروسته د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې د عمومی منشي او د انقلابی شورا د رئیس بېرک کارمل په پرا - نیستونکې وینا سره د انقلابی شورا په مقر کې جوړ شو او د گوندی موضوع گانو په باب یو لړ لازمه تصمیمونه و نیول شول .

پدغه پلینوم کې چې لومړی د افغانستان د خلک د یمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې د سیاسي بیرو د غړي او منشي ډاکتر صالح محمد زیری په مشري جرړ شوله هغه وروسته چې د غونډې د کار غرنګوالی درایو په اتفاق تصویب شو ، بېرک کارمل د شپږم اووم پلینوم ترمنځ و اتین کې د گوند د فعالیتونو په ارتباط یو رېوټ وړاندې کړ چې په هره برخه کې یې د پلینوم د برخه والو په پرله پسې چکچکو سره هرکلی کیده .



ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيک خلق افغانستان و رئيس شوراي انقلابي هنگام صحبت باهيأت اجرائيه انجمن نويسندگان آسيا و افريقا

ببرك كارمل با هيأت اجرائيه انجمن

نويسندگان آسيا و

افريقا در فضاي

نهایت دو ستانه

صحبت نمودند

افغانستان و حکومت جمهوری دموكراتيک افغانستان راجع به تدوير جلسه هيأت اجرائيه انجمن نويسندگان آسيا و افريقا در کابل اظهار تشکر کرده افزودند:

برای مردم افغانستان جای بس افتخار و خروشی است که به تعقیب تدوير مؤتقانه دهمین جلسه هیأت رئیس سازمان همبستگی خلقهای افريقا و آسيا اجلاس هیأت اجرائيه انجمن نويسندگان آسيا و افريقا در کشور ما تشکیل مییابد، حقیقت امر اینست که ایجاد انجمن نويسندگان آسيا و افريقا یکی از دست آورد های عظیم جنبشهای رهایی بخش در آسيا، افريقا می باشد.

ببرك كارمل ضمن تأکید بر رسالت نويسندگان مترقی جهان گفتند: جهانیان نقش شما نويسندگان را که چگونه از جنبشهای آزادی خواهی ویتنام، فلسطین، افغانستان، انگولا و افريقای جنوب غربی برهبری سواپو و سایر کشور های جهان پشتیبانی کرده اید هرگز فراموش نمیکنند و امروز نقش چون شما نويسندگان پر قدرت و توانا

ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيک خلق افغانستان و رئيس شوراي انقلابي جمهوری دموكراتيک افغانستان ساعت (پازده) قبل از ظهر ۱۳ قوس هیأت اجرائيه انجمن نويسندگان آسيا و افريقا را برای ملاقات در قصر گل خانه مقر شوراي انقلابي پذیرفته و در فضاي نهایت دو ستانه با ایشان صحبت نمودند.

ببرك كارمل طی این ملاقات در حالیکه فداحمد دهنشین عضو كميته مركزي و رئيس تبليغ، ترویج و آموزش كميته مركزي حزب دموكراتيک خلق افغانستان و دكتور اسدالله حبيب رئيس اتحاديه نويسندگان جمهوری دموكراتيک افغانستان نیز حاضر بودند، نخست از ملاقات با هیأت اجرائيه انجمن نويسندگان آسيا و افريقا اظهار خروشی نموده، نقش نويسندگان مترقی را در امر پید-روزی جنبش های آزادی بخش در جهان با اهمیت و سهم تلقی کردند.

ببرك كارمل در آغاز صحبت شان از طرف حزب دموكراتيک خلق

۸
۱۷۲۵۸۶

در سر نوشت بشریت مترقی بسیار عظیم است .

(مانوئیل گاندی بیطرف را نمیشناسیم) حتماً یا در جهت صلح ، ترقی رفاه و سعادت مردم جهان قرار دارند و یا از نیروهای اهریمنی امپریالیستی ، صهیونیستی فاشیستی و غیره حمایت میکنند .

امروز شما نویسندگان که از موضع طبقاتی با قلم خویش برخورد میکنید وظیفه دارید که واقعیت هارا عربان ساخته به پیشگاه جهانیان بسپارید و حقیقت طبقه کارگر و زحمتکش را مشخص و انعکاس دهید .

ببرک کارمل علاوه کردند که شما نویسندگان توانا توانا نستید که گنجینه های فرهنگی و سنن پرافتخار آسیا و آفریقا را نه تنها حفظ کنید بلکه آنرا تکامل دهید ، من یکبار دیگر مراتب تشکر خود را از ورودتان به کشور خویش و تدویر اجلاس هیأت اجرائیه انجمن نویسندگان در کابل ابراز میدارم .

ببرک کارمل خطاب به اعضای هیأت اجرائیه انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا گفتند : وظایف شما همه جانبه مختلف و متنوع است ، حتماً ما و شما هم عقیده هستیم ، که امپریالیزم در رأس امپریالیزم امریکا میخاهد روحیه صلح و دیانت را در منطقه و جهان برهم بزند و درین هنگام مهمترین وظیفه نویسندگان کمک به صلح در جهان است و این وظیفه باید بصورت جدی و فعال انجام گردد زیرا این امر یعنی صلح از ضرورت مبرم روزماست .

ببرک کارمل گفتند : از آنجا بیکه شما مبارزین حقیقت جو و حقیقت پرست هستید لازم میدانم راجع به حقیقت انقلاب شور و کمک های بموقع اتحاد شوروی مختصر صحبت نمایم . انقلاب شور که ناشی از اراده مردم افغانستان بود ارتجاع و امپریالیزم را در منطقه و آسیا به لرزه

در آورده و تمام محافل ارتجاعی و امپریالیستی در یک جبهه نامقدس بر علیه انقلاب افغانستان قرار گرفته و عملاً آجنگ اعلان نشده بی راپراه انداختند .

و اکنون هزاران نفر از اجیران و مزدوران خرد را که از طرف امریکا ، چین ، مصر و غیره تربیه میشوند از طریق پاکستان بخاک ما گسیل میدارند و با کشتار بیگناهان و اطفال معصوم بدهشت افگنی و تخریب کاری سپردازند .

ببرک کارمل به پلان شرم امپریالیزم قبل از مرحله نوین و تکاملی انقلاب شکوهمند شور اشاره کرده افزودند : مطابق پلان دقیقی که امپریالیزم ، هژمونیزم و ارتجاع طرح کرده بود و لولو با یک جنگ منطوقی و یا جهانی هم میبود میبایست به موجودیت افغانستان در نقشه جهان خاتمه داده میشد ، اما اتحاد شوروی بزرگ بود که بنا بر درخواست حکومت قانونی افغانستان به کمک مردم ستم دیده ماستافان و باین امر فرزندان و مردم افغانستان و نیروهای ملی و وطنپرست کشور معتقد اند که هرگاه کمک انترناسیونالیستی اتحاد شوروی نمیبود امروز افغانستان آزاد مستقل سربلند و قهرمان وجود نمیداشت . بنا بر آن مردم افغانستان سپاس بیکران خود را به حزب کمونست ، دولت و مردم اتحاد شوروی ابراز میدارند .

ببرک کارمل در ختم صحبت شان علاوه کردند ، بهر حال دشمن محکوم به شکست و انقلاب شکوهمند شور افغانستان پیروزمند است . افغانستان امروز تنها نیست ، بلکه در یک جبهه وسیع تمام کشور های مترقی ، جنبشهای آزادی بخش و نیرو های مترقی در سرتاسر جهان و منجمله نویسندگان پر قدرت مانند اعضای انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا قرار دارند و انقلاب ما پیروز است .

بعد از صحبت ببرک کارمل که با کفزدنهای مستند حاضرین بدرقه میشد ، سکرتر جنرال و چند تن از اعضای هیأت اجرائیه انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا مطالبی بیان داشته و ضمن اظهار امتنان ملاقات با ایشان هر نوع حمایت و جانبداری شان را با انقلاب افغانستان و اهداف عالی و انسانی آن ابراز کردند .

الکس لاگوما منشی عمومی انجمن نویسندگان آسیا و آفریقا طی بیانیه مختصری گفت : اجازه دهید بنمایندگی از رفتای خود که از کشورهای مختلف دو قاره در اینجا جمع شده و مورد استقبال گرم و مهربان نوازی قرار گرفتند اظهار تشکر کنم .

وی گفت : انجمن ما در سال (۱۹۵۸) در شهر تاشکند متکی بر اصول وسیع ضد امپریالیستی ، ضد استعمار ضد نژاد پرستی ، ضد اپارتاید ، ضد صهیونیزم میبایست ایجاد گردید .

وی علاوه کرد ما به افغانستان بادل باز و اندیشه روشن آمده ایم ، ما میدانیم که افغانستان بمثابه پدر وطن بمثابه حفظ کلتور کهن و بمثابه آرمانهای ایجاد جامعه نوین مردم افغانستان میبایست .

افغانستان نظر به موقعیت جغرافیایی اش نقش مهمی را در امر صلح جهانی بازی میکند ، مردم افغانستان مانند سایر مردم صلح دوست جهان در مقابل دشمن مشترک شان بخصوص امپریالیزم ایالات متحده امریکا مبارزه میکنند .

موصوف همچنان افزود : هژمونیزم های چین نیز برای مختنق ساختن انقلاب افغانستان میکوشند ، گرچه سرحدات آفریقای جنوبی با چین فاصله زیاد دارد اما آنها منافع مشترک خود را با نژاد پرستان آفریقای جنوبی عملاً ثابت نمودند .

(بقیه در صفحه ۶)

فرمان هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک

افغانستان

مورخ ۱۳۶۰/۸/۲۵ شهر کابل

مبنی بر وضع نشان خورشید آزادی

ماده اول : نشان خورشید آزادی وضع گردد .
ماده دوم : اصول نشان خورشید آزادی تصویب گردد .
ماده سوم : تشریحات نشان خورشید آزادی منظور گردد .

اصول نشان خورشید آزادی

- ۱- نشان خورشید آزادی از مکافات عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان بشمار میرود .
- ۲- نشان خورشید آزادی به اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان ، تصدی ها ، ادارات و سازمان ها ، قطعات و جزواتسهای عسکری ، موسسات تعلیمی عسکری ، ولایات و شهرها اعطاء می گردد .
- نشان خورشید آزادی به اتباع خارجی نیز اعطاء شده می تواند .
- ۳- نشان خورشید آزادی در برابر :
 - ۱- خدمات برجسته در انقلاب ثور ، در جهت دفاع از استقلال ملی و حاکمیت ملی ، تمامیت ارضی و نظام مردمی .
 - ۲- دست آورد های برجسته کار در عرصه رشد و ارتقای اقتصاد ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان .



۸- سایر خدمات برجسته در برابر دولت و زحمات کشان کشور اعطاء میگردد .

۴- نشان خورشید آزادی طرف چپ سینه و در صورت داشتن دیگر نشان های جمهوری دموکراتیک افغانستان مقدم از آن نصب میگردد .

۵- نشان خورشید آزادی بعد از فوت شخصیکه با اخذ آن مفتخر گردیده در فامیل او باقی میماند .

تشریحات نشان خورشید آزادی:

نشان خورشید آزادی به صورت خورشید دارای شکل مدور می باشد . طرف پیشروی نشان به قسم برجسته بوده از دایره خورد و بزرگ عبارت میباشد .

قطر دایره خورد آن (۲۰) ملی متر بوده که در آن نشان دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان حکک گردیده است .

در دایره بزرگ آن به قسم برجسته در سه طبقه اشعه خورشید بالای هم قرار دارند و در قطر آن اشعه ها به طور متساوی جا دارند . تمام اشعه ها طور برجسته می باشد . قسمت پایانی دارای (۲۲) اشعه و قسمت های وسطی و بالایی هر کدام دارای (۱۶) اشعه میباشد .

نوک اشعه قسمت پایان بین نوکهای اشعه وسطی و بالایی قرار دارد فاصله از نوک اشعه وسطی و بالایی (۲۷۵) ملی متر و از نوک اشعه قسمت پایانی (۲۶) ملی متر میباشد .

(بقیه در صفحه ۱۰)

۲- شجاعت و مردانگی در شرایط

محاربه با دشمنان دولت و مردم افغانستان .

۴- خدمات فوق العاده در امر

تحکیم قدرت دفاعی دولت افغانستان .

۵- دست آورد های برجسته در فعالیت انقلابی ، دولتی ، اجتماعی سیاسی .

۶- خدمات برجسته در جهت

انکشاف و تحکیم وحدت ، برادری و دوستی تمام ملیت ها ، اقوام و قبایل کشور .

۷- خدمات بارز در امر تحکیم

و تکامل دوستی و همکاری بین مردم افغانستان و خلقهای دیگر کشورها و تحکیم صلح بین خلقها .

ابلاغیه مورخ ۲۴ عقرب ۱۳۶۰

درباره پلان ایران راجع به

افغانستان

در ارتباط با اصطلاح پلان مطروحه ایران در مورد مسایل اطراف افغانستان قبل از ظهر ۲۴ عقرب طی يك كنفرانس مطبوعاتی كه به اشتراك ژور نالستان داخلی و خارجی و اعضای سفارت خانه های دول متحابه مقیم كابل در وزارت امور خارجه برگزار شد. نطق و وزارت امور خارجه جمهوری دموكراتيك افغانستان ابلاغیه آتی را قرائت نمود :

های نیروهای امپریالیستی و هژمونیستی جهانی را كه تلاش می ورزند انقلاب ملی و دموكراتيك افغانستان را خفه نمایند و مردم آزاده افغانستان را به ظلمت قرون اوسطایی بكشاند انعكاس میدهد .

رابعاً :

طراحان این پلان باغرور و خود خواهی تصویری می کنند كه میتوانند بر مردم افغانستان سیستم سیاسی مطلوب خود را تحمیل کنند آنها میگویند بر مردم افغانستان حكومتی را مشتمل از نمایندگان ارتجاع خارجی و متعصبین تحمیل کنند. آنها تلاش دارند تا مردم افغانستان را توسط با اصطلاح (نیروی اسلامی حافظ صلح) كه مركب از عساکر پاكستانی و ایرانی باشد در انقیاد و اسارت بیگانه در آورند. این طرح احمقانه را صرف کسانی میتوانند ارائه کنند كه از تاریخ عنعنه دیرین مردم آزاده افغانستان و مبارزات شان علیه همه انواع تجاوزگران خارجی آگاهی نداشته باشند.

شكی نیست كه پلان مذکور تلاش بیهوده آن نیروهای بنیاد گرای متعصب و ارتجاعی در ایران است كه با داشتن نظرات واهی و فرسوده تماس خود را با واقعیت های جامعه افغانی كه در آستانه دگرگونی هابرو فوق خواسته های مردم زحمتكش و غیور آن قرار دارد بكلی از دست داده اند آنها آشكارا میخواهند طرز تفكر و برداشت ذهنی خود را از دین مقدس اسلام برقیه جهان تحمیل نمایند كه این موضوعگیری خواهی نخواهی محكوم به زوال است در

بتاریخ دهم نوامبر وزارت امور خارجه ایران با اصطلاح پلانی را در باره افغانستان انتشار داد. وزارت امور خارجه جمهوری دموكراتيك افغانستان تاكنون رسماً متن این (پلان) را بدست نیاورده است، لذا درین مورد بر اساس گزارش آژانس های خبر رسانی بین المللی نظر خود را چنین توضیح مینماید .

نخست :

باید تا كید و رزید كه از همان آغاز آنها بیکه به اختراع چنین ادعاها مبادرت میورزند اصل و ماهیت انقلاب ثور را در افغانستان درك نكرده اند یا از فهم این پدیده تصدا ابامی ورزند و رویدادها را در كشور ما تعریف مینمایند .

ثانیاً :

طراحان این (با اصطلاح پلان) بخود حق و صلاحیت سخن زدن از طرف مردم افغانستان را داده اند، در حالیکه مردم مسلمان و متدین آزاد و سر بلند افغانستان هیچگونه تقاضایی را درین مورد از ایشان نكرده است. مردم افغانستان حكومت قانونی خود را دارند كه سخنگوی آرمانهای شان بوده مثل حقوق حقه شان میباشد.

ثالثاً :

با اصطلاح پیشنهاد های بیکه از طرف وزارت خارجه ایران ارائه گردیده دخالت صریح و مستقیم در امور داخلی جمهوری دموكراتيك افغانستان میباشد. قطع نظر از اینکه طراحان پیشنهادات مذکور چه در سر میپیر و رانند این، با اصطلاح پیشنهادات، قبیح ترین و زشت ترین نقشه

پرتو تذکرات فوق تردیدی نیست که (باصلاح پیشنهادات ایرانی) اساسی برای مذاکرات ثمربخش بوده نمیتواند و لذا قاطعانه و کاملاً رد می گردد.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از حلقه های مسرور ایران صادقانه تقاضا مینماید تا واقعیت انقلاب افغانستان را با درک سالم در بابد و تلاش های خود را که هدف آن تحمیل نظرات کهنه سیاسی و عقیدوی شان می باشد متوقف ساخته و یکجا با حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان دور میز مذاکره نشسته و مناسبات بین دو کشور را که با پیوند های تاریخی عمیق، عنعنات فرهنگی و لسانی با هم ارتباط دارند عادی سازند.

حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در اعلامیه تاریخی دوم سنبله ۱۳۶۰ خویش به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کرد تا مذاکرات را که هدف از آن طرح یک موافقتنامه پیرامون انکشاف روابط دوستانه و همکاری

چندین جانبه متقابل مفید و مثمر بین دو کشور بشمول مسایل ترانزیت، همکاری های اقتصادی و پیوندهای فرهنگی باشد آغاز نماید. این پیشنهادات جمهوری دموکراتیک افغانستان هنوز هم مدار اعتبار است و می تواند اساس مذاکرات جانبین قرار گیرد. ما همواره در همچو مسایل وسعت نظر داریم و آماده پذیرش هر نوع پیشنهادات سازنده و نظرات واقعینانه که از طرف ایران ارائه گردد می باشیم و از آن استقبال می نمایم.

مردم و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان از همان آغاز انقلاب ضد امپریالیستی در ایران همبستگی پیگیر خویش را با مبارزه مردم برادر ایران ابراز داشته است. مردم افغانستان آماده اند تا دوش بدوش مردم ایران مبارزات خود را بخاطر امحای آخرین بقایای سلطه زور گویی امپریالیستی و بخاطر ایجاد صلح دوا مدار انکشاف سریع مردمان جنوب غرب آسیا ادامه دهند.

ببرك كارمل با هیأت اجرائیه انجمن نویسندگان (بقیه صفحه ۳)

الکس لاگوما افزود، ما همه در مبارزه باهم برادر هستیم و به شما اطمینان میدهم که مردم افریقا فریب امپریالیست ها را که می خواهند پیروزیها و موفقیت های انقلاب افغانستان را کم جلوه دهند نخواهند خورد.

ما به مبارزه خود در جهت

مؤقتیت مردمان خود برای ایجاد جامعه نوین و دست آوردهای فرهنگی و کلتوری خویش ادامه میدهم مادر مبارزه مردم شما خود را شریک میدانیم و از انقلاب افغانستان پشتیبانی مینماییم.

همچنان درین ملاقات سرور عظیموف معاون سکرتر جنرال انجمن نویسندگان آسیا و افریقا و نویسنده برجسته اتحاد شوروی و معین بسیسو نماینده نویسندگان فلسطین عبدالرحمن الخمیسی نماینده نویسندگان مصری و انانولی سفونوف نماینده نویسندگان

اتحاد شوروی طی صحبت های پرشور و انقلابی حمایت قاطع و انقلابی شانرا از انقلاب شور و بخصوص مرحله تکاملی آن ابراز داشته و تلاش های مذبحانه امپریالیزم هژمونیزم و متحدین مرتجع شانرا تقبیح نمودند در ختم این ملاقات نماینده نویسندگان اتحاد شوروی و نماینده نویسندگان سازمان آزادی بخش فلسطین تحافی از طرف اتحادیه های مربوط شان به ببرك كارمل و اتحادیه نویسندگان جمهوری دموکراتیک افغانستان اهدا نمودند که با ابراز تشکر پذیرفته شد.

همدغه شان په دغه برخه کې ډاکټر صالح محمد زیری د افغانستان په دیمو کراتیک جمهوریت کې قوسو-نو ملیتونو او قبایلو ته د خطاب د اعلامیو مسودی ولوستلی.

د دغو اعلامیو مسودی هم درایو په اتفاق

تائید او تصویب شوی . د گوند د مرکزی کمیټې داووم پلینوم کار د افغانستان دخلک دیمو کراتیک گوند د مرکزی کمیټې د عمومی منشی او د افغانستان د دیمو کراتیک جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس ببرك كارمل په ویناسره پای ته ورسید چی جریان یی وروسته خپریږی .

د ببرك كارمل په مشرۍ د ۱ مخ پاتې

د فلسطین دخلکو بین المللی پیوستون دورځی دلمانځنی له امله

د افغانستان دخلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی د عمومی منشی او د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا د رئیس بېرک کارمل له خوا د فلسطین له دخلکو سره د بین المللی پیوستون دورځی دلمانځنی له امله دغه پیغام صادر شوی دی :

خوشحاله یم له دغه نیک مرغه وخت څخه په استفادی سره د فلسطین له دخلکو سره د بین المللی پیوستون دورځی دلمانځنی له امله چی دنو ابر له ۲۹ سره برابره ده یو محل بیاد خپلو انکار نه کیدو نکو حقوقو دا عادی لپاره چی د اسرائیلو له خوا او د امپریالیزم په ملاتړ غصب شوی دی د فلسطین دخلکو له قهرمانانه او عادلانه مبارزی سره د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت دخلکو او حکومت غوڅ اورښتینی ملاتړ څرگند کړم .

د اسرائیلو له خوا د عربو د نیول شویو محکمو خورشی کول د فلسطین دخلکو د انکار نه کیدو نکو حقوقو دا عادی له پاره یو ضروری شرط دی .

دغه شرط به د فلسطین دخلکو ته له بهرنی لاس وهنی څخه پرته دیومی خپلواک حکومت د جوړیدو د حق په گهون د خود ارادیت د حق د گټلو لپاره قدرت ورکړی .

د ملگرو ملتو د موسسی وظیفه او مسوولیت دی چی د فلسطین دخلکو دا اقتصاد دودی او بریالیتوب لپاره د هر ډول ضروری مرستو له وړاندی کولو څخه ډډه ونکړی .

د افغانستان دموکراتیک جمهوریت د عربو له ټولو نیول شو یوسیمو څخه د امرائیلی عسکرو د مسلای او بی قید او شرطه و تلو او د فلسطین دخلکو د آزادی بڅښو نکي سازمان

په مشری د فلسطین د ملی خپلواک دولت د جوړیدو پراساس د فلسطین دخلکو د انکار نه کیدو نکو حقوقو دا عادی له مخی د منځنی ختیځ دستونزی د جامع او د عادلانه حل د ټولو په باب د ملگرو ملتو د سازمان د پر له پسې هلو ځلو ملاتړ کوی .

د افغانستان دموکراتیک جمهوریت په دی مطلب باندی په پوهیدلو سره چی د فلسطین قضیه د منځنی ختیځ دکشالی زری دی . عقیده لری چی له دسیسو ډک تفاهمونه او قسمی مرافقی به د منځنی ختیځ دستونزی په تیره بیاد فلسطین د پوښتنی د عادلانه حل سبب نشی .

موږ عقیده لرو چی د موضوع د حل سمه لاره دیوی د امی بین المللی جرگی له لاری ټول کیدلی شی چی په هغی کی د فلسطین د آزادی بڅښو نکي سازمان په گهون ټول شام — ازخونه گهون ولری .

د ټولو سوله دوستو او عدالت خرنو نکو هیوادونو اخلاقی وظیفه ده چی د فلسطین له دخلکو سره اوږه په اوږه دهغوی دوروستی بری تر وخته پوری ودریږی .

په داسی حال کی چی له خپلو فلسطینی ورونو سره په خپل غوڅ او هراړخیز ملاتړ یو محل بیاتینگار کوو باور لرو چی دهغوی داعیه په پای کی په بری سره پای ته رسیږی او ژر په خپلو ریښتینو هدفونو بریالی کیږی . موږ د فلسطینی عربو د بریالیتوبو نو هیله لرو .

بېرک کارمل د افغانستان دخلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیټی عمومی منشی او د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس .

سلطان نعلی کشتمند بوطن باز گشت

و عده از روسا و کارکنان دواير حزبی و دولتی اتحاد شوروی وداع کردند .

سلطان نعلی کشتمند رئيس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان بتاريخ ۲۱ قوس بساعت شش عصر بونت مجلی وارد تاشکند گردید و از جانب خدای پرديوف رئيس شورای وزیران جمهوری ازبکستان شوروی و عده از شخصیت های عالیرتبه حزبی و دولتی آن جمهوری مورد استقبال قرار گرفت .

سلطان نعلی کشتمند بتاريخ ۲۲ قوس بکابل مواصلت نمودند در میدان هوایی بین المللی کابل از همکاری ها، مهمان نوازیها و استقبال گرمی که از جانب مقامات حزبی و دولتی اتحاد شوروی هنگام اقامت وی در مسکو به عمل آمده

سلطان نعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان اخیراً بوطن بازگشت و در میدان هوایی بین المللی کابل از طرف عده از اعضای بیروی سیاسی، عده از منشیان و اعضای کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان معاونین هیئت رئیسه شورای انقلابی معاونین و اعضای شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان و عده از مامورین عالیرتبه، مستشار وزیر مختار و اعضای سفارت کبری برای اتحاد شوروی مقیم کابل استقبال گردید .

سلطان نعلی کشتمند پس از شرکت در مراسم برگزاری جشن هزار و سه صدمین سالگرد تاسیس دولت بلغار یا که



سلطان نعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران هنگام مواصلت در میدان هوایی بین المللی کابل .

بود ابراز امتنان و سپاسگزاری کرد و همچنان از شرکت در جشن برگزاری هزار و سه صدمین سالگرد تاسیس دولت بلغاریا اظهار خرسندی نمود .

خبر نگار آژانس باخترا علاوه میکند که محترمه کریمه کشتمند سکرتر مسول سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که بنا بدعوت مقامات مربوط جمهوری مردم بلغاریا در این مسافرت با سلطان نعلی کشتمند همراه بودند نیز به کابل مراجعت کرد .

در میدان هوایی بین المللی کابل هیئت شورای مرکزی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و بعضی از اعضای آن سازمان از کریمه کشتمند استقبال کردند .

به دعوت مقامات عالیله حزبی و دولتی جمهوری مردم بلغاریا در رأس یک هیئت عازم صوفیه شده بود در راه بازگشت بوطن برای مدتی جهت انجام یک سلسله معاینات طبی در مسکو اقامت داشت .

قرار یک خبر دیگر هنگام پرواز از مسکو در میدان هوایی با سلطان نعلی کشتمند، ضیاء نوری معاون شورای وزیران اتحاد شوروی، ماتیسف معاون اول وزارت امور خارجه اتحاد شوروی اولیا نوفسکی معاون شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی، دوکتور حییب منگل سفیر کبیر افغانی و کارکنان سفارت افغانی در مسکو

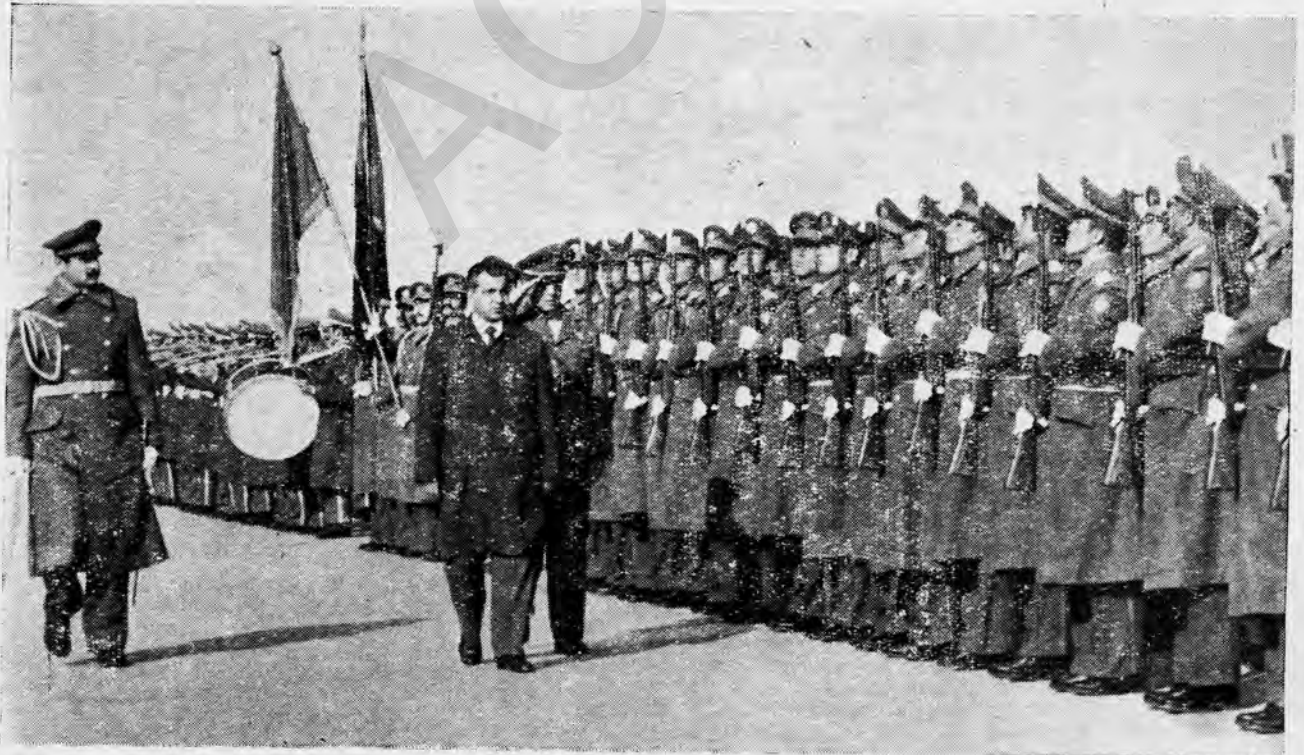
ببرک کارمل در رأس یک هیأت عالیرتبه حزبی و دولتی عازم بلغاریا گردیدند

رئیس و اعضای شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان
رئیس و اعضای شورای مرکزی کوپراتیفهای زراعتی ،
هیأت رهبری پیشاهنگان ، عده یی از جنرالها و افسران قوای
مسلح ، کارمندان عالیرتبه دولتی ، والی کابل ، سفرای
کبار و شارژدافیرهای کشورهای دوست مقیم کابل جهت
وداع با ببرک کارمل حاضر بودند .

اعضای هیأت افغانی درین مسافرت عبارتند از: محمود
بریالی عضو علی البدل بیروی سیاسی و منشی کمیته مرکزی
حزب ، نیاز محمد مومند منشی کمیته مرکزی ، تورن جنرال
عبدالقادر معاون هیأت رئیسه شورای انقلابی ، شاه مجدد دوست
وزیر مورخارجه ، امتیاز حسن سفیر کبیر و نماینده فوق العاده
جمهوری دموکراتیک افغانستان در صوفیه ، میر صاحب
کاروال عضو کمیته مرکزی ، محمد انور فرزام منشی هیأت
رئیسه شورای انقلابی .

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری
دموکراتیک افغانستان بنا بدعوت تودور ژیفکوف منشی
عمومی کمیته مرکزی حزب کمونسنت بلغاریا و رئیس شورای
دولتی جمهوریت مردم بلغاریا قبل از ظهر ۲۴ قوس در
رأس یک هیأت عالیرتبه حزبی و دولتی جمهوری
دموکراتیک افغانستان برای یک مسافرت رسمی و دوستانه
عازم صوفیه گردیدند .

در میدان هوایی بین المللی کابل اعضای بیروی سیاسی
اعضای کمیته مرکزی ، اعضای شورای انقلابی و شورای
وزیران ، رئیس و اعضای ستره محکمه ، معاونین و
اعضای هیأت اجرائیه کمیته ملی جهد ملی پدر وطن ،
رئیس و اعضای شورای عالی شئون اسلامی ، رؤسا و هیأت
های رهبری سازمان های دموکراتیک زنان و جوانان



ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح . د . خ . ا ، و رئیس شورای انقلابی ج . د . ا ، قبل از عزیمت جانب کشور
دوست و برادر بلغاریا در میدان هوایی بین المللی کابل مراتب احترام گارد تشریفاتی را پذیرفته و آنرا معاینه میفرمایند .

همچنان سخنی دانشجو مدیر عمومی سیاسی وزارت امور خارجه ، اسد کاشتمند و رحیم رفعت اعضای کمیسیون روابط بین المللی کمیته مرکزی دگرمن عزیز حساس و دگروال خطاب ، سرور ماموند کارمند شعبه روابط بین المللی حزب سرور دمنی معاون تشریفات و عنایت مدنی معاون اطلاعات و نشرات وزارت امور خارجه با ببرک کارمل همراه می باشند .

خبر نگاران آژانس باخترا گزارش میدهند که ببرک کارمل در حالیکه موتر حامل شان توسط یکدسته از موترسایکل سواران همراهی میشد ساعت ده قبل از ظهر به میدان هوایی بین المللی کابل موصلت نموده و هنگامیکه از موتر حامل شان پیاده شدند از طرف سلطانعلی کاشتمند رئیس شورای وزیران ، شاه نهد دوست وزیر امور خارجه ، شیر جان مزدور یار وزیر ترانسپورت و توریزم و جنرال بابا جان لوی درستیز استقبال گردیدند .

درین موقع عده از پیشاهنگان دسته های گل به ببرک کارمل اهدا نمودند .

ببرک کارمل بعداً به محل مخصوص تشریف برده و پس از آنکه موزیک سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان را نواخت مراتب سلام و احترام قطعه تشریفات گارد ملی را در حالیکه لوی درستیز به معیت ایشان بود قبول و معاینه کردند .

سپس ببرک کارمل جانب صفوف مستقبلین که در مقابل ترمینل میدان هوایی صف بسته بودند ، تشریف برده با هر یک از آنها مصافحه و خدا حافظی کردند .

خبر نگاران آژانس باخترا می افزایند که متعاقباً قطعات نظامی مشتمل بر قطعات پیاده و هوایی برسم احترام از برابر ببرک کارمل رژه رفتند .

ببرک کارمل سپس جانب طیاره تشریف برده اعضای بیروی سیاسی ، معاونین شورای انقلابی و معاونین هیأت رئیسه شورای انقلابی و لوی درستیز ایشانرا تا نزدیک

طیاره همراهی نموده و سفر با عافیت برای شان آرزو کردند . طیاره حامل ببرک کارمل و همراهان شان ساعت ده و سی دقیقه قبل از ظهر از میدان هوایی بین المللی کابل به قصد صوفیه اوج گرفت .

خبر نگاران آژانس باخترا علاوه میکنند بخاطر بزرگداشت از مسافرت رسمی و دوستانه ببرک کارمل به جمهوری مردم بلغاریا محوطه میدان هوایی و ترمینل آن با بیرق های ملی و حزبی مزین گردیده و شعارهایی در ارتباط به دوستی و پیوند های برادرانه میان دو کشور نصب گردیده بود .

در جمله شعار ها نیکه در عمارت ترمینل میدان هوایی نصب شده این شعار ها به چشم میخورد :

مستحکم باد دوستی برادرانه بین خلقهای افغانستان و بلغاریا . سفر بخیر رفیق ببرک کارمل ، درین مسافرت یک هیأت مطبوعاتی مشتمل بر نمایندگان آژانس باخترا راد پوتلویزیون و افغان فلم ببرک کارمل را همراهی مینمایند .

قرار یک خبر دیگر ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ، در راه سفر رسمی و دوستانه شان به جمهوری مردم بلغاریا در تاشکند مرکز جمهوری ازبکستان اتحاد شوروی توقف مختصر نمودند .

در میدان هوایی تاشکند از ببرک کارمل و هیأت همراهان شان ، رئیس شورای وزیران ، رهبران حزبی و دولتی جمهوری ازبکستان و نمایندگان زحمتکشانشهر تاشکند استقبال گرم بعمل آوردند .

میدان هوایی تاشکند به افتخار موصلت ببرک کارمل و هیأت همراهان شان با بیرقهای ملی افغانستان و اتحاد شوروی و جمهوری ازبکستان مزین گردیده بود .

ببرک کارمل پس از اقامت مختصر شان ، از تاشکند عزیمت نمودند .

فرمان هیأت رئیسه شورای ...

(بقیه صفحه ۴)

هر سطح اشعه وسطی و بالایی دارای (۵) نقطه برجسته وسطی و سطح اشعه قسمت پایانی دارای دو نقطه برجسته میباشد . در عقب نشان بصورت نیم دایره در قسمت بالایی آن بزبان پشتو (د آزادی لمر) و در قسمت پایانی آن بزبان دری (خورشید آزادی) نوشته شده است .

حروف عبارت (د آزادی لمر) و

(خورشید آزادی) در عقب نشان طور برجسته میباشد .

نشان توسط حلقه ناصبه و حلقه جداگانه به صفحه پنج گوشه که توسط فیته موج دار ابریشمی (۲۶) ملیمتر پوشیده شده وصل گردیده است . فیته موج دار ابریشمی دارای خطرط مساوی طولانی به رنگ های سیاه ، سرخ و سبز میباشد ، حواشی فیته را یک خط باریک سفید تشکیل میدهد . جهت نصب نشان بروی سینه در قسمت عقب نشان سنجاق قرار دارد .

نشان خورشید آزادی از نقره ساخته شده . دایره که در آن نشان دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان حکک گردیده است از طلا میباشد .

این فرمان از تاریخ تصویب آن توسط هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان نافذ میگردد .

ببرک کارمل

صدر هیأت رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان

رحمتگشان جهان با ما است

کشور باستانی مادارای تاریخ کهن و پرافتخار است، افغانستان در اعصار مختلف تاریخ مرکز تمدن های پیشرفته بوده و مردم آن همیشه آزاد زیسته اند، باشندگان افغانستان پشت کشورکشایانی چون اسکندر، چنگیز و ده ها متجاوز دیگر را به خاک آشنا کرده است.

در سده هجدهم که استعمارگران اروپایی به قاره های آسیا و آفریقا روی آوردند، تا از ثروت های طبیعی و قوه کار انسانی ارزان قیمت آن استفاده نمایند و به استعمار خیلی ها بیرحمانه مردمان آسیا و آفریقا پرداختند.

امپراطوری استعمارگران انگلیس از همه در این راه پیشقدم بوده است هندوستان طلائی و ثروت های بیکران آن پای انگلیس های متجاوز را به منطقه ماکشید، آنها برای محافظه هندوستان و برای آنکه این لقمه چرب را به تنهایی ببلعند، بنای تجاوز را به خاک آزاده گان گذاشتند.

اما بدان ما چنان در سهای به استعمارگران داده اند که نه تنها ما به افتخار مردم ما، بلکه راه کشایی نهضت های آزادی خواهی در شرق و الهام دهنده جنبش های آزادی خواهی در همه قاره ها بوده است.

در شروع سده ما وقتی مردم افغانستان برای اولین بار در شرق صدای آزادی خواهی را بلند کرد، لرزه آن محدود به سرحدات مانماند بلکه تمام نیم قاره هند را تکان داد و استعمارگران بر تانیا را ساخت نگران ساخت. مردم در سراسر نیم قاره فریاد میکشیدند، (زنده باد افغان های آزاد، .. از مبارزات مردم افغانستان باید آموخت ...) مبارزات مردم ما برای حصول استقلال الهام دهنده محافل خصوصی آزادی خواهان هند و هم شعار مظاهرات خیابانی بوده عکسهای امیرامان الله غازی چون سمبول آزادی در خانه هر مبارز هندی حتی در رستورانها و غیره محافل عام دیده میشد، اگر چه استعمارگران انگلیس با تو طئه در مقابل نهضت امانی توانست از انکشاف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این نهضت که برای مستعمره های شان خطر ناک تلقی میشد، جلوگیری کند.

مدت نیم قرن باروی کار آمدن دودمان (نادر، داود) همه امور برونق آرزوهای شان در جریان بود اما مردم قهرمان افغانستان تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان در هفتم ثور ۱۳۵۷ قدم بزرگ دیگری برداشتند، و برای اولین بار در منطقه زنجیرهای استعمار را برای ابد از هم گسستند.

انقلاب ملی و دموکراتیک ثور مانند دژی عظیمی در مقابل استعمار و بهره کشی انسان از انسان قرار گرفت.

و این بار هم این دگرگونی انقلابی، امپریالیسم جهانی و پیروانش را سخت دست و پاچه ساخت.

امپریالیسم جهانی با انقلاب های ملی و دموکراتیک آشتی ناپذیر است و تا الحال از هیچ جنایتی برای ناکام ساختن و به شکست روبرو کردن انقلاب های ویتنام، کیوبا، سوریه، لیبیا، یمن، دموکراتیک، آنگولا، موزمبیق و بالاخره انقلاب ایران و خصوصاً انقلاب افغانستان فروگذار نکرده است.

از هما نروز های اول پیروزی انقلاب ثور امپریالیسم جهانی، همسو نیست چین، ارتجاع عرب و منطقه جنگگ اعلان نشده راعلیه افغانستان انقلابی آغاز کردند، که بعد از مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور روز بروز آنرا شدت بخشیده و وسعت دادند.

باسازسان دادن و ایجاد دو گاههای آموزش جنگی و تربیه اجیران مزدور ضد انقلاب افغانستان در پاکستان از خاک کشور پاکستان

بحیث تخته خیز، تجاوز و مداخله نظامی علیه کشور آزاد و مستقل افغانستان استفاده میکند، این همه اقدامات خصمانه امپریالیسم جهانی و دستیارانش به مقابل کشور ما به خاطر بست که آنها به خوبی میدانند که انقلاب ثور و تاثیرات آن محدود به کشور مانده، بلکه منافع امپریالیسم را در منطقه و حتی مناطق نفت خیز شرق میانه به خطر مواجه خواهد کرد.

انقلاب افغانستان مانند چراغی تمام زوایای تاریک، ظلم و استبداد را در منطقه روشن خواهد ساخت و منبع الهام تلم حلقه های مترقی و دموکراتیک خواهد بود.

افغانستان انقلابی با همه کشورهای جهان، خصوصاً همسایه های خود خواستار روابط دوستانه و طرفدار احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر است. حکومت ج. د. ا. بر پایه سیاست صلح جویانه خود برای حل و فصل مسالمت آمیز اوضاع اطراف افغانستان پیشنهادها مشخص طرح نموده است. اعلامیه های چهارده می (۱۹۸۰) و چهارم اگست (۱۹۸۱) حکومت ج. د. ا. پیرامون حل و فصل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان و ابتکارات صلح آمیز که درین اعلامیه ها گنجانیده شده است متضمن اقدامات و تدابیر مشخص برای عادی ساختن اوضاع و مناسبات میان کشورهای همسایه ما ایران و پاکستان است که متأسفانه تا الحال از جانب کشورهای متذکره با حسن نیت متقابل مواجه نگردیده است.

اما این نکته قابل یادآوری است که افغانستان در دفاع از انقلاب ثور تنها نیست، مسئله دفاع از انقلاب ما به وجیه همه بشریت مترقی مبدل گردیده است، در شرایط فعلی همبستگی با انقلاب مامعنی پیوستن به پرو-انقلابی جهانی، دفاع از صلح و مقابله با توطیه های امپریالیسم بین المللی را دارد.

امروز در سرتاسر جهان خصوصاً کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین همه خلقهای مترقی انقلاب ما را تأیید کرده و آنرا منبع الهام برای جنبش های دموکراتیک و ملی میدانند.

در کشورهای متذکره هر گاه میتنگی و مظاهره خیابانی بر راه می افتد در جمله شعارهای که داده میشود افغانستان انقلابی و انقلاب ثور به حیث منبع نیرو دهنده، مضمون این شعارها رامیسازد.

هیچنان در پایان اعلامیه های مشترک که در اثنای مسافرت ها و بازدیدهای دوستانه سران ممالک دوست سوسیالیستی و کشورهای روبه انکشاف نشر میشود طرفداری مطلق از انقلاب ثور و دست آورد های آن به عمل می آید.

در عطفنامه های محافل مترقی و سازمانهای اجتماعی و سیاسی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای روبه انکشاف هم انقلاب ثور بصورت یک پدیده مترقی مورد تأیید قرار گرفته و از آن

طرفداری همه جانبه صورت میگرد. این یک حقیقت مسلم است که خلقها و زحمتکشانشان کشورهای برادرسوسیالیستی که یک سوم از جمعیت جهان را تشکیل میدهد، یکجا با زحمتکشانشان ممالک رو به انکشاف که ۵۰ فیصد نفوس جهان را میسازد، همبستگی پیکار جویانه خود را با افغانستان انقلابی ابراز داشته و با ما و انقلاب ما همنوایی کامل دارند.

تشکیل دهمین کنفرانس هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا که به یاد بود از بیستمین سالگرد ایجاد جنبش عدم انسلک که افغانستان از جمله کشورهای بنیانگذار آن بود، در قلب افغانستان انقلابی شهر کابل مثل پشتیبانی نیرومند جنبش های آزادی بخش ملی در ساحه بین المللی از انقلاب افغانستان است.

موضعگیری اصولی سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا در قبال انقلاب ثور مثالی برجسته نیرومندی جبهه جهانی دفاع از انقلاب ما بوده و ضربه قاطع بر پیکار تجاع و امپریالیسم جهانی است خصوصاً در شرایطی که مداخله محافل نظامیگر امپریالیستی و ارتجاع منطقه در امور داخلی ج. د. ا. شدت بیشتر کسب کرده است، رویداد مهمی در مقابله با مداخلات امپریالیستی و نقشه های توطئه گرانه نیروهای ارتجاعی بین المللی در راه تأمین صلح دائمی در منطقه به شمار میرود.

قابل تذکر است که تدویر دهمین جلسه هیأت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا که از بیست سازمان همبستگی از کشورهای مختلف آسیا، افریقا، اروپا و امریکای لاتین نمایندگی میکند اعتبار مهمی به کشور ما و انقلاب ماست.

همچنان شمول جمهوری دموکراتیک افغانستان در کمیته سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا برای جنبش عدم انسلاک که به اتفاق آراء اعضای آن تصویب گردید ضربه قاطعی به امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه وارد کرده است.

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. و رئیس شورای انقلابی ج. د. ا. در بیانیه افتتاحیه شان ضمن خطاب به نمایندگان جلسه هیئت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای آسیا و افریقا که بتاريخ (۲۶) عقرب در کابل دائر گردیده بود گفتند:

«مردم کشور ما با وضاحت احساس مینمایند که تدویر این کنفرانس یکی از عالیترین مظاهر زنده و گویای همبستگی بیدریغ انقلابی و برادرانه سازمان همبستگی خلقهای افریقا، و آسیا با مردم عذاب دیده مادر مبارزه عادلانه ولی دشوار و دو جوانب آن میباشد. ماسپاس بیکران انقلابی را بدین مناسبت نسبت به همه اعضای این سازمان برادر در اعماق قلب خود زنده نگه میداریم.»

دایرشدن چهارمین اجلاس نوبتی هیأت رئیسه انجمن نویسندگان آسیا و افریقا به تاریخ (۱۳) قوس در کابل به تعقیب تدویر مرفقانه دهمین جلسه هیأت رئیسه سازمان همبستگی خلقهای افریقا و آسیا نمونه دیگری از همبستگی بین المللی با مبارزه انقلابی ما بوده و گویای آنست که بهترین نویسندگان، نماینده زحمتکشان جهان با ما و انقلاب ما همبستگی کامل دارند.

الکس لاگوما منشی عمومی انجمن نویسندگان آسیا و افریقا در

یکی از بیانات خود اظهار داشت: (ما به افغانستان بادل باز و اندیشه روشن آمده ایم. ما میدانیم که افغانستان به مثابه پدر وطن به مثابه حفظ کلتور کهن و بمثابه ارمانهای ایجاد جامعه نوین مردم افغانستان میباشد. افغانستان نظر به موقعیت جغرافیایی اش نقش مهمی را در امر صلح جهانی بازی میکند، مردم افغانستان مانند سایر مردم صلحدوست جهان در مقابل دشمن مشترک شان بخصوص امپریالیسم ایالات متحده امریکا مبارزه میکنند.»

در خاتمه به صراحت گفته
میتوانیم که مبارزه مردم
ما تا پیروزی کامل ادامه
خواهد یافت مردمی که
مبارزه اش با مبارزه
نیروهای انقلابی سراسر جهان
در هم آمیخته است، و همبستگی
و پشتیبانی قاطع همه
نیروهای مترقی و زحمتکشان
جهان را با خود دارد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان در ضمن تاکید بر اهمیت حیاتی اصل همبستگی بین المللی برای تأمین اهداف خود به دشمنان خلق افغانستان خاطر نشان میسازند که به هیچ وجه به آنها اجازه نخواهند داد که معنی، مفهوم و اهمیت این اصل را تحریف نمایند.

در حالیکه دشمنان انقلاب پیروزمند ما با استفاده از سیستم بین المللی همکاری سیاسی، نظامی و اقتصادی خود برای مبارزه با انقلاب متحد میشوند، مؤثرترین سلاح مادر متقابل این دشمنان متحد شده عبارت از همکاری بر اساس اصل همبستگی بین المللی با دوستان واقعی ما میباشد. از تزه های کمیته مرکزی ح. د. خ. افغانستان

دوستی افغان شوروی

وسیاست تخریبی امپریالیزم و استعمار در رابطه با آن

انقلاب پدید آمد. افغانستان آ بستن یک حادثه‌ی بزرگ گردید. یک دگرگونی شگفت و هستی ساز انقلاب شکوهمند شور به پیروزی رسید این رویداد شگفت تاریخ افغانستان نمی توانست حلقه‌های امپریالیستی و هژمونستی را تکان ندهد. انقلاب افغانستان در جهان بازتاب و وطنین قوی یافت موجی از مخالفت و موافقت پدید آمد صف دوستان و دشمنان افغانستان مشخص گردید. امپریالیسم جهانی همیشه از پاکستان به ضد افغانستان استفاده کرده است روزنامه‌ی پاتریوت چاپ هند ۱۸ جنوری ۱۹۸۰ در زمینه نوشت . . . منابع مطلع خبر دادند که پاکستان جهت تدارک

عملیات ضد افغانستان تسهیلات و سیدمی تا بین میکند. در طول هجده ماه اخیر در حدود ۳۵۵ هزار تن اجیران استعمال اسلحه به شمول سلاح‌های ضد تانک را فرا گرفته اند. هر ماه بطور اوسط چهار تا پنج هزار نفر اجیران در پاکستان تربیه میگردند .

همین روزنامه در ۱۴ اگست ۱۹۷۹ نیز نوشته است . . . مقامات پاکستانی از سهم خویش در مسلح ساختن قیام کنندگان و تدارک مداخلات مسلحانه شان در خاک افغانستان انکار می ورزند ولی شخصیت‌هایی مانند اصغر خان و بیزنجو که بدون شک از جریان‌های داخلی کشور شان آگاهی دارند حکومت پاکستان را بدست داشتن در اعمال تخریبی علناً متهم نمودند. شواهد کافی در دست است از قبیل موجودیت کمپ‌ها در نقاط مختلف پاکستان که آوارگان افغانی تحت هدایت متخصصین چینی و پاکستانی تربیه میشوند و هم منابع پولی که از طرف اداره‌ی

الکسی گاسیگین رئیس فقید شورای وزیران اتحاد شوروی در زمینه مناسبات افغانستان و شوروی می نویسد - «مردم شوروی نسبت به همسایگان افغانی خود احترام عمیق دارند آنها می دانند که در آن سوی سرحد شوروی با افغانستان دوستان شوروی که مردم دلیر می باشند . و در طول تمام تاریخ خود به خاطر حیثیت ملی مبارزه کرده و آمادگی خود را نشان دادند که تا پایان از وطن خود دفاع کنند ، زندگی میکنند . خلق افغانستان طبیعت خشن وطن خویش را وادار می نمایند که به خیر انسان خدمت کند و ما خوشحالیم که تا حدودی در این کار سهم شرکت داریم . در کشور ما با توجه و علاقه زیادی مراقبت مؤقت‌های خلق افغانستان هستند و بر‌ای فعالیت ایشان که معطوف به تحکیم استقلال ملی و اعتلای سطح اقتصاد و فرهنگ می باشد ارزش به سزایی قایل اند .» تا اینجا آنچه به دست داده شده سیمایی از روابط دوستی و سابقه‌ی این پیوند بوده که ریشه در گذشته و تاریخ دارد، همکاری‌های اقتصادی و تکنیکی و فرهنگی اتحاد شوروی همیشه به افغانستان اهمیت و ارزش داشته است و آنچه یادآوری شد فقط می تواند فشرده و خلاصه‌ای باشد مردم افغانستان از آنجایی که حق شناسی در ضمیر و سرشت شان نهفته است هرگز کمک‌های بی دریغ شوروی را از نظر دور نمی دارند و این دوستی بیش از شصت سال را به دیده‌ی احترام مینگرند گذشت زمان دوستی افغان - شوروی را صیقل داده است دیگر خلق‌های دو کشور برادر به این دوستی باوری استوار دارند و در تحکیم و پایداری بیشتر آن می کوشند. چنانکه در سطرهای گذشته اشاره شد امپریالیسم و استعمار همواره می کوشیده اند که در افغانستان دست یابند و با استفاده از موقعیت ویژه‌ی ستراژیک این کشور، سرزمین شوراها ، گناهواری نخستین انقلاب کارگری جهان را مورد تهدید قرار دهند با وجود همه‌ی تلاش‌های مذبحانه امپریالیسم و استعمار طرح‌ها توطئه‌ها و نقشه‌های خائنانه‌ی امپریالیسم در افغانستان انقلابی رهایی بخش و دموکراتیک به پیروزی رسیده زمینه‌ی این انقلاب چندسال پیش بوسیله حزب دموکراتیک خلق افغانستان پدید آمده بود. یعنی با بنیاد گذاری حزب پیش آهنگ طبقه کارگر و کلیه زحمتکشان افغانستان ، شرایط ذهنی انقلاب در افغانستان بوجود آمد اعضای حزب دموکراتیک خلق افغانستان با تلاشی پیگیر در میان توده‌ها میرفتند اندیشه‌های انقلابی را در میان آنان تبلیغ میکردند از توده‌هایی آموختند و به آنها می آموختند از طرف دیگر طبقه‌ی حاکمه ستمگر افغانستان با آن شیوه‌های شناخته شده و عوامفریبانه نمی توانستند به حاکمیت ارتجاعی و بیدادگرانه خود ادامه دهند. و بدینسان شرایط عینی

« رهبران پیکن به همکاری مقامات حکومتی امریکا تلاش دارند پاکستان را در مقابل افغانستان و اتحاد شوروی قراردهد ایشان به پاکستان اسلحه میفرستند و حاضر شده اند عساکر و مربیان نظامی خود را به آنکشور اعزام بدانند. بخوبی معلوم است که رهبران چین در سیاست خارجی مشی ریاکارانه را تعقیب می نمایند آنها از یکسو از آرزوی دوستی دم می زنند و از دیگر سو میکوشند کشورهای همجوار را مطیع سازند.» گاردین در ۱۹ جنوری ۱۹۸۰ در این باره می نویسد :- « طبق معلومات دست داشته چینایی ها آماده هستند تا تانکهای سبک و انواع دیگر اسلحه را برای اسلام آباد تهیه نمایند .



دکتوران اتحاد شوروی همیشه باصمیمیت از مریضان افغانی پذیرایی و با توجه خاص به تداوی آنها اقدام میدارند

استخبارات مرکزی تهیه میگردد تمام اینها بدون موافقه مقامات رسمی ناممکن میبود .
اندین اکسپرس در ۱۵ دسامبر سال ۱۹۷۹ در باره ی مداخله چین در امور داخلی افغانستان نوشت - « عناصر ضد انقلابی در افغانستان از حمایت حلقه های حاکمه چین مائویست و پاکستان برخوردار اند . از مدت ها قبل به اینسو هیچکس شک و تردیدی ندارد که ضد انقلابیون افغانی بر پایگاه های واقع در خاک پاکستان اتکا می نمایند غارتگران و خرابکاران توسط صاحب منصبان اردوی پاکستان و چین تربیه میشوند .
دیلی تلگراف چاپ برتانیه در ۵ جنوری ۱۹۸۰ در این رابطه می نویسد .

« . . . چین مقدار زیاد اسلحه و مهمات را برای عناصر ضد انقلاب افغانی تهیه می نماید . چین انتقال این اسلحه را هم مستقیماً از طریق سرحد وهم از راه جاده ی قراقرم که در خاک پاکستان منتهی میگردد بعمل می آورد . محافل دیپلماتیک مربوط کشورهای آسیا به این عقیده اند که حمایت چین از ضد انقلابیون افغانی وسعت یافته و اخیراً ده ها نفر سربون چینیائی به کمپ های شان موصلت نموده اند .
اندیرا گاندی در این زمینه می گوید :-

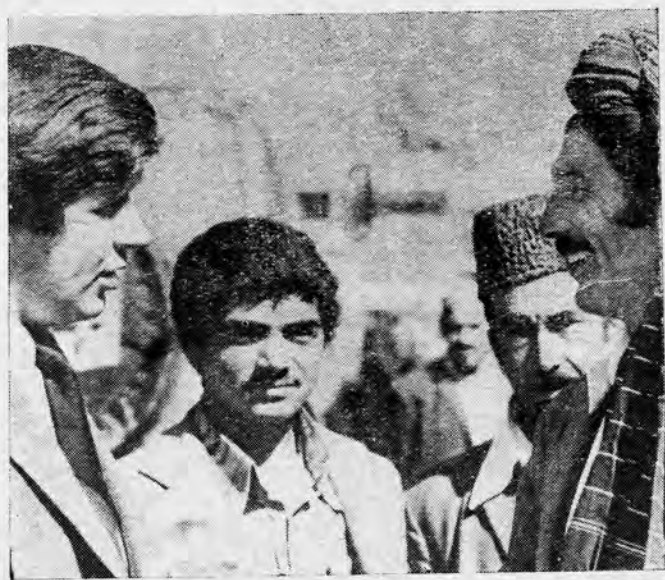
« ایالات متحده امریکا استراتژی جهانشمول مشخص را بعمل می آورد که یکی از مظاهران نزدیکی با چین و مسلح ساختن پاکستان می باشد که این امر خطر واقعی در بر دارد» روزنامه اندونیزیایی سردیکه در این باره مینویسد :

در ۲۲ جنوری ۱۹۸۰ اکسفورد چاپ لندن درین باره می نویسد « مداخلات علنی نظامی چین در امور داخلی افغانستان اوضاع منطقه را پیچیده ساخته و این حقیقت را به اثبات میرساند که زعمای چین سیاست تجاوزکارانه را پیش میبرند و تلاش دارند افغانستان را به کمپوچییائی تبدیل کنند. پیکنگ با ایالات متحده امریکا کاملاً ملحق گردیده است و در یک صـ صـ ف واحد پـ هـ لوی نیروهای ارتجاعی و تجاوزکار علیه قوای سوسیالیسم و دموکراسی می جنگد . چین به موافقه امریکا به شورشیان افغانی کمک میکند اسلحه و وسایل نظامی را برای شان تهیه مینماید و متخصصین و مشاورین خود را به نزد آنها اعزام می دارد بدین ترتیب زعمای پیکن به مداخله ی مستقیم جنگی علیه خلق افغانستان دست زده اند و از ادعاهای سابق خود مبنی بر اینکه گویا در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله نمیکند کاملاً صرف نظر کرده اند .

این شمه ای است از مداخلات علنی و آشکار مقامات نظامی پاکستان ، امپریالیسم امریکا و هژمونیت های چینی در امور داخلی افغانستان پس از پیروزی انقلاب ثور، دشمن محافل ارتجاعی بادست آوردهای انقلاب آغاز یافت امپریالیسم جهانخوار امریکا حفیظ الله امین خون آشام و باند تباہکار او را برمال و جان مردم حاکم گردانید . امین و باند سیاهکار او از انجایی که از مرکز ترور جهانی کاخ سفید دستور میگرفتند به تاراج و غارت توده ها پرداختند در دوره سیاه امینی های بی فرهنگ بسیاری از شخصیت های برجسته اجتماعی میهن ما به زندان ها انداخته شدند و باروانه کشتارگاه ها گردیدند امینی های جنایت پیشه ذره ای عاطفه و مهربانی را نمیشناختند آنان هوای تجزیه و تباہی افغانستان را بسر داشتند آنان میخواستند این نقشه را عملی نمایند اگرچه به قیمت جان نیمی از نفوس افغانستان تمام میشد . فعالیت های کارشکنانه و تخریبی از همان روز

های آغازین پیروزی انقلاب افغانستان شروع گردید. امپریالیسم جهانی می‌خواست انقلاب افغانستان در قیافه از دروغ نابود شود. یعنی موجودی را قیافه‌ی انقلابی بخشید که در باطن دشمنی عمیقی با اندیشه‌های انقلابی می‌ورزید. حفیظ الله و بانداو در ظاهر مردم از خدمت به مردم می‌زدند اما در باطن بر خلق ستم‌دیده و عذاب‌کشیده افغانستان بیداد صریحی روا می‌داشتند. مردم افغانستان هرگز دوره سیاه امینی‌های غارتگری و بی‌فرهنگی را از یاد نمی‌برند در آن دوره خونین و سیاه، شعارهای قلابی، مضمونیت، قانونیت و عدالت را عنوان می‌کردند. اما در واقعیت امر آرامش مردم برهم خورده بود توده‌ها اندک احساس امنیت نداشتند. سپاه امینی‌ها شبه‌نگام بر خانه‌ها یورش می‌بردند دارای‌های عامه را غارت می‌کردند و افرادی گناه را روانه سرنوشته مجبوری می‌ساختند. اگر حاکمیت ارتجاعی و کذاب امین و بانداو ادامه می‌یافت چنانکه رفیق ببرک کارمل در چند جای تصریح کرده‌اند «افغانستان یک پارچه متشکل و مستقل تجزیه می‌گردید و اکنون افغانستان با این نام و خصوصیت در جهان وجود نداشت.»

اتحاد شوروی کبیر چنانکه در روزهای دشوار همیشه دست افغانستان را گرفته است در این مقاله مختصر اشاره‌هایی با آنهمه همکاری و یاری اتحاد شوروی صورت گرفت. در رابطه با کمک قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی به افغانستان دستگاه‌های دروغ پراگنی غرب تاجایی که توانستند به پاوه سرایی و اجن پراگنی پرداختند. رادیو‌های مزدور و دروغ پرداز واقعیت درباره افغانستان را



هموطنان از متخصصین فنی اتحاد شوروی استقبال و توصیه‌هایشان را گوش میدهند

تحریف کردند در حالیکه کمک نظامی قطعات محدود اتحاد شوروی به افغانستان مطابق به روحیه ماده ۵۱ منشور ملل متحد است و این حق مسلم ملت‌هاست که در شرایط و اوضاع خاص از کشوری تقاضای نیروی نظامی و انسانی بنمایند چین که امروز به یکی از دشمنان سرسخت شوروی افغانستان و در مجموع اردوگاه امپریالیسم مبدل‌گشته و با امپریالیسم امریکا سر از یک‌گریبان بیرون می‌آورد و حتی با جاپان می‌جنگید از اتحاد شوروی تقاضای نیروی نظامی نمود. باری حلقه‌های ارتجاعی غرب، ارتجاع عرب، چین مرتد، حکومت نظامی گریه‌گرا پاکستان در امور داخلی افغانستان دست درازی زیادی کردند کفران‌سها و کنگره‌های نام‌نهاد در پیرامون اوضاع افغانستان پدید آمدند اما واقعیت برای همیشه در پرده نمی‌تواند بود اتحاد شوروی به تقاضای اشد مردم، حزب و دولت افغانستان پاسخ مثبت داده است و همچنان وظیفه انترناسیونالیستی خود را به پایان آورده اتحاد شوروی نه تنها به یاری افغانستان شتافته است چنانکه اشاره شد در شرایط خاص به کمک بسیاری از کشورها پرداخته و جنبش‌های ملی دموکراتیک و آزادی بخش را مورد پشتیبانی بیدریغ قرار داده است. این اعتراف را که امپریالیسم امریکا و هژمون‌نسیسم پکن و استعمار انگلیس و ارتجاع عرب در مورد افغانستان مداخله‌ی پیوسته و مستقیم دارند حتی روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی غربی هم کرده‌اند. چنانکه نشان داده شد قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های رسمی افغان و شوروی گفته شده است تا وقتی در افغانستان باقی میمانند که تجاوزات همسایگان در امور داخلی افغانستان قطع گردد، سران جمهوری دموکراتیک افغانستان همیشه بر مسئله‌ی صلح در منطقه تاکید کرده‌اند اما خاک پاکستان بدون قید و شرط در اختیار امپریالیسم قرار دارد و همیشه نقشه‌های تخریبی و ضد افغانستان در آنجا سازمان داده میشود. سیل اسلحه و تجهیزات جنگی از مرز پاکستان و مرزهای دیگر وارد افغانستان میگردد.

باری، تجاوزات در امور افغانستان به انجام نرسیده است اما آنچه مسلم است از آغاز پیروزی انقلاب کبیرا کتوبر تا انقلاب ثور و مرحله نوین تکاملی آن رابطه‌ی دوستی میان افغانستان و اتحاد شوروی از آزمون زمان در گذشته است و اکنون این دوستی به یک عنعنه مبدل شده است. پس از پیروزی مرحله‌ی نوین تکاملی انقلاب ثور افاق‌های تازه از دوستی



افغانستان انقلابی همیشه از مساعدت های تکنیکی اتحاد شوروی بطور موثر برخوردار بوده است . درعکس : تراکتور های زراعتی ساخت اتحاد شوروی دیده میشود که در رشد زراعت در کشور ما موثر بوده اند

کنگره های موسس اتحادیه روشنفکران ایجادگر افغانستان ، اتحادیه هنرمندان ، اتحادیه نویسندگان و شعراً ، اتحادیه هنرمندان ، کنگره های شکرهمند موسس جنبه ملی پدر وطن گام هایی استوار در زمینه همبستگی و اتحاد و تشکل توده های ملیونی افغانستان و اقوام ساکن در این سرزمین . باری شش جلدی که یعنی مرحله نجات انقلاب و مردم این زمینه را بوجود آورد و ارتش صلح اتحاد شوروی در قیام پیروزمند شش جلدی سهم شایسته و فعالی داشت که مردم افغانستان این همه کمک به موق و برادرانه اتحاد شوروی را فراموش نمی کنند .

ماخذ -

- ۱ - حقیقت درباره افغانستان - ص ۳۶ ، ۴۰ - ۵۰
- ۲ - افغانستان در مسیر تاریخ - ص ۴۴۴
- ۳ - جریده پرچم شماره پنجم سال سوم مناسبات افغان شوروی در پرتو وصایای لنین . که نویسنده آن دانشمند محترم سلطان علی کشتمند میباشد .
- ۴ - مناسبات افغانستان و اتحاد شوروی در سال های ۱۹۱۹ - ۱۹۶۹ ص ۲۹۲
- ۵ - پیشرفت پلان و تحلیل اوضاع اقتصادی سال های ۱۳۴۷ - ۴۹ - ۵۰
- ۶ - نگاهی به تاریخ جهان - جواهر لعل نهرو
- ۷ - برخی شماره های مجله های دنیا از انتشارات حزب توده ایران .

میان خلق های افغانستان و شوروی باز شده است . اتحاد شوروی در همه ی ساحات آمادگی خود را برای پیشرفت امور اجتماعی افغانستان اعلام داشته است . هم اکنون هزاران محصل در رشته های گوناگون مشغول تحصیل در اتحاد شوروی اند . روابط فرهنگی ، اقتصادی ، تکنیکی میان افغانستان و شوروی گسترش قابل ملاحظه ای یافته است . در افق نوین که رابطه با دوستی میان افغانستان و اتحاد شوروی به میان آمده است پس از پیروزی مرحله ی نوین تکاملی انقلاب ثور ، جمهوری های آسیائی اتحاد شوروی از گروه بیشمارتی از روحانیون ژورنالیستان شاعران نویسندگان و هنرمندان افغانستان پذیرایی کرده است . سفر روحانیون شرافتمند افغانستان به آسیای میانه اتحاد شوروی یک باردیگر این تبلیغات دروغین محافل ارتجاعی را بی فروغ میسازد که در اتحاد شوروی به مسایل ادیان و مذهب توجه نمیشود . روحانیون مادر بازگشت از سفر دریاد داشت ها و مصاحبه های خویش یاد آور گردیدند که در اتحاد شوروی کلیه مناسک و مراسم دینی به آزادی برگزار میشود ، مدرسه های دینی وجود دارد کتابخانه های دینی و اسلامی گشوده است مساجد و معابد آبادان است . کلیه تبلیغات غرب درین زمینه دروغ و بی بنیاد است . همچنان اشتراک مقامات بلند پایه حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی برای نخستین بار میتواند نشانه ی دیگری باشد از دوستی افغانستان و شوروی . اکنون انقلاب افغانستان وارد مرحله نوین کیفی و تکاملی خود گردیده است . چنانکه رفیق بیک کارمل در سفر تاریخی و دوستانه ی خویش در کارخانه ارسینوال اتحاد شوروی یاد آور گردید «درخت انقلاب را خون گرم فرزندان افغانستان و اتحاد شوروی آبیاری میکند» مردم افغانستان و اتحاد شوروی دیگر قدر دوستی را می شناسند و آن را با همه ی وجود خود پاسداری میکنند . اگر از همه ی کمک ها مساعدت ها و همکاری های دوستانه و بی دریغ اتحاد شوروی بگذریم که شمار آن اندک نیست بسیار است ، مردم افغانستان این را فراموش نمی کنند که رستاخیز شش جلدی سرنوشت شان را از پرتگاه نیستی نجات و هزاران خانواده شادی از دست رفته خود را باز یافتند . چشم هایی که در غم عزیزان شان گریسته بود ، لب هایی که در اثر بیداد جلاد و طاعون قرن حفیظ الله امین نمی خندید ، از هم گشوده شد . ظلم باستیل فاشستی پلچرخ فروریخت قیام پیروزمند شش جلدی زمینه ی رشد اجتماعی را به صورت گسترده ای در جامعه ما پدید آورد .

سیاست هرژمونستی پیکنگی و کشورهای روبه انکشاف

پراکنده بودن فعالیت های اقتصادی، فقر و غربت اهالی، کمبود ثروت، موجودیت بیکاری و غیره به مشکلات زیادی مواجه اند.

کشورهای سرمایه سالاری در طول تاریخ سیاه خویش پیوسته کوشیده اند تا بحیث نیروی غارتگر و بهره کش خون وهستی و دارایی های کشورهای فقیر را چوشیده و آن ها را به یغما ببرند، اما بر عکس کشورهای سوسیالیستی در راس اتحاد شوروی پیوسته بخاطر تأمین صلح و تنشنج زدایی و تحکیم صلح وهمبستگی در جهان توأم با همکاری های تخنیکسی و اقتصادی با کشورهای روبه انکشاف همکاری نموده اند.

اما بینیم که سیاست جمهوری مردم چین در قبال کشورهای روبه انکشاف چطور است؟ وظیفه مبرم سیاست هرژمونستی چین در حال حاضر اینست که کشورهای روبه انکشاف و فقیر را بطرف خویش جذب نموده و بمنظور تحقق اهداف ستراتیژیکی و تکنیکسی خویش این کشورها را در عرصه جهانی برضد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بسیج نماید. برای رسیدن به این هدف نخست در جنوب شرق آسیا، آرزوی ایجاد کشورهای که از شیوه رشد مطابق به «مادل» سیاسی وایدیولوژیکیما ئونستی پیروی نمایند، بسر می پروراند. تدابیر عملی

عمل موازی پیکنگ و واشنگتن در مورد افغانستان سرشت ضد انقلابی آن را بر ملا میسازد.

بعد از پایان جنگ خانما نسوز جهانی دوم یکده از کشورهای روبه انکشاف در عرصه جهانی عرض اندام نمودند که عده بیشتر آنها در سه قاره یعنی افریقا (۵۱ مملکت)، آسیا (۳۲ مملکت) و امریکای لاتین (۳۰ مملکت) موقعیت دارند که هر یک دارای شرایط بخصوص خود شان میباشد.

در حال حاضر کشورهای روبه انکشاف بیک سلسله مشکلات و پرابلم های بفرنج مواجه بوده و این کشورها در اثر مبارزات پیگیر، استقلال سیاسی شانرا بدست آورده اما در اثر تلاش های مذبو حانه و امپریالیستی کشورهای استثمارگر، هنوز هم استقلال اقتصادی آنها تأمین نشده است.

کشورهای روبه انکشاف که تعداد شان به ۱۱۰ میرسد و نفوس شان بالغ به ۲ میلیارد یا ۵۰ فیصد نفوس کل جهان میشود و از نگاه ساحه ۶۰ فیصد مساحت کره زمین را در بر میگیرند دارای ذخایر سرشار و منابع طبیعی فراوان میباشد. با وجود این شرایط مساعد برای انکشاف با آنهم این کشورها بنا بر محدودیت وسایل تولید،

در زمینه در سالهای دهه پنجاه بخاطر تحت کنترول آوردن جنبش های آزادی بخش ملی و وارد نمودن این کشورها به پروسه انقلابی مودل چین آغاز گردید.

اما فعالیت های مجدانه درین ساحه از طرف رهبران چین در نیمه اول سال های شصت انکشاف نمود. آسیای جنوب شرقی از طرف چین بحیث «شعله های طوفان های انقلابی» جهان نوین و مرکز «تمام تضاد های جهانی» اعلام گردید.

ستراتژی سیاست خارجی ما ئونیزم در مناسبات با کشورهای روبه انکشاف درین وقت توسط تیوری مبارزه «قرای جهانی» یعنی کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین برضد «شهر جهانی» یعنی کشورهای امریکای شمالی و اروپا منجمله اتحاد شوروی با شعله ور ساختن «جنگ های مردمی» افاده میگردید.

موضوع بحث البته تب و تلاش های رهبری مرتد چین در تحقق بخشیدن مفکوره منظوقی در آسیا پلانگذاری گردیده که تطبیق آنها بایست بزعم پیکنگ نخست اند و نیز یا و بعد اسایر ممالک نیم قاره و در خاتمه خود کشورهای هند را تحت کنترول در آورد. علاوه فعالیت های همه جانبه رهبران چین در زمینه در کشورهای چون مالیزیا، فلپاین، برما و تایلند در برمی گرفت.

چین تلاش دارد تا دامنه جنگ و آدمکشی درین کشورها شعله ور گردد و بدینصورت در امور داخلی نیپال، هند لاوس و سایر کشورهای منطقه مداخله نماید. اما اینگونه تلاش ها و فشارها از طرف پیکنگ نتایج مثبت ببار نیاورده بلکه برعکس باعث ورشکستگی سیاست چین بوده است و این کشور بدون آنکه از وضع، درس عبرت بگیرد از موضوع و ماجرا جویی دست بردار نشده است. همینکه نیروهای اساسی انقلابی از جمله انقلاب سوسیالیستی و جنبش های رهایی بخش ملی، به پیروزی های بزرگی نایل آمد، چین از دهه هفتاد به بعد در ساحه سیاست خارجی، تغییر روش داد و موازی با سیاست امپریالیستی و ارتجاعی، اقدام نمود و به حمایت پشتیبانی مرتجع ترین کشورها نظیر مصر سادات و چیلی پنوچت برآمد. در همین دهه، که سوسیالیزم شیلونی مائوئیستی فاقد اعتبار گردید، رهبران چین مجبور شدند تا به صورت موقت از تبلیغات نادرست «مردل رشد اقتصادی و اجتماعی چین» در کشورهای آسیا افریقا و امریکای لاتین خود داری نمایند.

در همین دوران بود که درسترا - تیزی چین در مورد کشورهای روبه انکشاف، اصلاحات بعمل آمد و استراتژی وسطی جمهوری مردم چین که در واقعیت در خدمت استراتژی و منافع امپریالیزم است، طرح گردید و آنهم به خاطر وضع و آینده مناسبات چین با ایالات متحده امریکا، کشورهای اروپای غربی و جاپان بوده است.

اهداف استراتژی وسطی سیاست خارجی جمهوری مردم چین در مناسبات کشورهای روبه انکشاف اکنون عمدتاً عبارتند از: تبدیل چین بحیث رهبر کشورهای روبه انکشاف، اختلال در مناسبات دوستانه و همکاری

متقابل با اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی، متحد ساختن کشورهای روبه انکشاف در «اتحادیه ضد هژمونیستی» در راس چین، پیوستن این اتحادیه ضد شوروی کشورهای پیشرفته سرمایه داری، با اشتراک بعضی کشورهای روبه انکشاف، پشتیبانی از پیمان های سیاسی و نظامی کشورهای امپریالیستی، لطمه زدن به جنبش های رهایی بخش ملی در کشورهای روبه انکشاف در دفاع از صلح، تشنج زدایی، امنیت، تشدید مسابقات تسلیحاتی و تقویه وابستگی به جمهوری مردم چین اهداف استراتژی و سطی فوق الذکر پیکنگ در مناسبات با کشورهای روبه انکشاف شاهد مطابقت جزئی و کلی با اهداف استراتژی نیوکلر نیالیستی امپریالیزم میباشد. دور از حقیقت نخواهد بود اگر یادآور شویم که بعضی از این استراتژی ها از طرف استراتژیست های پیکنگ و واشنگتن به صورت یکجایی طرح گردیده است و بطور مثال از نبرد برضد جامعه سوسیالیستی در راس اتحاد - شوروی به بهانه مبارزه برضد هژمونیزم نام برد.

بقول انترنیشنل هرالد تریبون ۳۰ ماه می ۱۹۷۸ برژنسکی در بازگشت از پیکنگ به واشنگتن یادآوری کرد که «مخالفان اصلی اتحاد - شوروی یعنی ایالات متحده امریکا و چین دارای منافع مشترک هستند» در جنوری سال جاری برائون وزیر دفاع امریکا به جمهوری توده چین سفر کرد. طرفین بادر نظر گرفتن «هدف های مشترک» درباره «عمل موازی» واشنگتن و پیکنگ در صحنه بین المللی که متوجه اختلال در امر تشنج زدایی و تشدید وخامت اوضاع در جهان است بموافقت رسیدند و از جمله بطور مشخص در باره پشتیبانی مشترک و

گسترده از ضد انقلابیون افغانی و در باره افزایش صدور اسلحه به پاکستان موافقه کردند.

همینکه انقلاب ملی و دموکراتیک مردم افغانستان در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید و حزب و دولت انقلابی افغانستان پروگرامها و پلان های وسیع را بمنظور انکشاف حیات اجتماعی و اقتصادی مردم طرح و بمنصه اجرا گذاشت، رهبران مرتد چین همراه با امپریالیزم جنایتکار امریکا و ارتجاع منطقه، اتحاد نامقدس را تشکیل کردند و علیه انقلاب افغانستان و علیه تمامیت ارضی و مردم شریف ما اقدام نمودند. محافل حاکمه مرتجع پیکنگ به منظور تحقق فرمانروایی به کشورهای آسیای جنوب شرقی از ۲۰ میلیون چینی هایی که به «خوا» مشهور اند و در آسیای جنوب شرقی (برما، اندونزی، کامپوچیا، مالیزیا، سنگاپور، تایلند، فلپاین ویتنام جنوبی و غیره) زندگی میکنند برای انجام مقاصد خویش استفا ده مینماید آنها بویژه به سرمایه داران کمپرادور و هم چنین سازمانهایی که تحت کنترل آنها قرار دارند و وسیله برای پیشبرد سیاست چین میباشد توجه فراوانی مبذول میدارند.

این نیروها که در حقیقت نقش ستون پنجم را ایفا میکنند و زمانی با هیئت حاکمه این کشورها وارد مذاکره شده و قرار مدار میبندند. گاهی برای سوداگری و معامله با امریکایی ها و برای تحت فشار قراردادن کشورهای مختلف و در صورت امکان برای سرنگون ساختن دولت ها هم استفاده میکنند.

آنچه سیاست مداران چین بمنظور تاثیر بالای کشورهای روبه انکشاف از آن استفاده مینمایند همانا تاثیر ایدیولوژیکی، بخش پروپاگند ها غرض ترویج نظریات مائوئیستی از یک طرف و از جانب دیگر بی اعتبار جلوه دادن

سوسیالیزم علمی اتحاد شوروی
میباشد .

اگر چه رهبران چین ظاهراً شعار
های تند و مبارزه علیه امپریالیزم ،
استعمار ، نژاد پرستی و صهیونیزم
را بزبان می آورند اما در عمل همه
اقدامات شان بر ضد کشور های روبرو
انکشاف میباشد و یقیناً با حاکمیت ملی
و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی این
کشور هامغایرت دارد .



هنگامی که هیات نظامی
چین سلاح برتانوی
را معاینه مینماید تا برای
پلان هژمو نیستی خویش
آنرا خریداری کند



ها بالای کشور های مذکور خواهان رشد
و انکشاف شخصی میگردد . باوصف
حاد بودن تضادهای بین کشور های روبرو
انکشاف امپریالیزم جهانی و چین سعی
میورزد تا این مناسبات را که به ضرر
کشور های روبرو انکشاف است بهبود
بخشند .

درفرجام باید یاد آور شد که آینده
ستراتژی چین در ارتباط مناسبات با
کشور های روبرو انکشاف نتیجه مطلوبه
را که رهبران چین در خواب خیال آن
اند بدست نیاورده و نخواهد آورد .

تجربه میرساند که چین در پیشبرد
سیاست انتی سوویتی و انتی کونیستی
خویش کشور های رو به انکشاف را
فریب داده نتوانسته و نخواهد توانست .
دوران خوش باوری ها و ابهامات

در باره مائو نیزم مدت ها است که
گذشته است . شواهد ومدارك انکار
ناپذیر در طول پانزده سال اخیر به
اثبات رسانیده که مائو نیزم يك جریان
ضدمارکسیستی لیننستی و يك پدیده ضد
انقلابی است . در قبال این پدیده موزی
و خطر ناك هیچ انقلابی واقعی نمیتواند
و نباید بی تفاوت بماند . باید با جبهه
متحد امپریالیزم - مائو نیزم مبارزه کرد
و مطمئن بود که درین مبارزه پیروزی
نهائی بانیرو های واقعا انقلابی است .

نباید آن را از نظر دور داشت ، چه
همواره کشور های مذکور به مسابقه
تسلیحاتی کشانیده میشوند که عامل عمده
آن را سیاست استعمار نوین کشورهای
امپریالیستی بغرض تحت نفوذ نگهداشتن
کشور های روبرو انکشاف و تضعیف
وحدت بین شان و غارت عواید بزرگ
از فروش اسلحه بالای شان میباشد .
حکومت چین در سالهای هفتاد نه تنها
از این سیاست حمایت نمود بلکه خود
در آن نیز سهیم گردید . چنان پیش
بینی میگردد که چین در سال های
هشتاد ونود پروسه نظامی ساختن
و مسابقات تسلیحاتی رادر بعضی کشور
های روبرو انکشاف که آرزوی بدست
آوردن مواد خام را غرض تأمین صنایع
روبو انکشاف نظامی خویش متوقع
میباشد افزایش بدهد .

همبستگی و نزدیکی چین با کشور های
پیشرفته سرمایه داری و تمرکز قدرت
اساسی در استقامت «چهارمورد نیزه
ساختن» باعث ایجاد يك سلسله پرابلم
ها در مناسبات چین با کشور های روبرو
انکشاف خواهد گردید . از تمایل چین
با کشور های پیشرفته سرمایه داری به
این نتیجه میتوان رسید که چین غرض
تحقق بخشیدن به آرزوهای شوم خویش
به بهانه کمک با کشور های رو به
انکشاف با قبو لاندن تلفات و قربانی

جمهوری مردم چین ارزش زیادی
در مورد مناسبات اقتصادی با کشور
های رشد یابنده قایل بوده و تجارت
این کشور با کشور های رشد یابنده
در دهه هفتاد طوری سرعت یافت که
در صادرات چین دومرتبه نسبت به
واردات آن تسریع بعمل آمده و بر عکس
کمک های اقتصادی ، سیر نزولی خود
را پیمود . در سالهای هشتاد اهمیت
عامل اقتصادی مناسبات چین با کشور
های رشد یابنده بلند خواهد رفت .
رهبران چین تصمیم دارند تا در سالهای
۲۰۰۰ - این کشور به يك حکومت
قوی از نگاه نظامی مبدل سازند .

البته هویدا است که تطبیق این
مامول بدون صدور فابریکه ها ، تجهیزات
ماشین آلات ، دانش علمی و تخنیکی
ناممکن است . از اینرو تأمین مناسبات
تجارتی با کشور های روبرو انکشاف
برای جمهوری مردم چین از لحاظ بدست
آوردن مواد خام کمیاب که از کشور
های پیشرفته سرمایه داری امکانات
بدست آوردن آن بنا بنا بر بحران
حاد سرمایه داری ناممکن است حائز
اهمیت است که بدین طریق چین
میتواند مواد خام خود را از مارکیت های
کشور های روبرو انکشاف بدست آورد .
بدون در نظر داشت امکانات حقیقی

تأثیر بالای کشور های روبرو انکشاف
نسبت عقب مانده گی جمهوری مردم چین

تحولات در کشور های سمت گیری سوسیالیستی

ترجمه: دیپلوم انجینیردگرمن محمد ابراهیم رزمی

تجدید و تنظیم نمودن سکتور خصوصی

با تحلیل و ارزیابی میتوان گفت که در آغاز سالهای شصت زمانیکه پروسه ایجاد دول ملی و دموکراتیک صرف شروع گردیده بود، به رول سکتور خصوصی ارزش لازمه داده- نمیشد اما در حال حاضر در تعدادی از کشور ها به سکتور مذکور ارزش بیش از حد قائل اند .

بطور مثال برخی مطالب مبنی بر ارزش دادن بیش از اندازه این سکتور در مصر در « پروگرام فعالیت ملی » ظاهر گشت که در چون ۱۹۷۱ به تصویب رسید، گرچه سائرموادسند مذکور این امکان رامیداد که با اتکا به آن از سمتگیری سوسیالیستی دفاع کرد .

اشتباه خواهد بود اگر فکر شود که میسر نمودن امکان به سرمایه خارجی بخاطر فعالیت معامله داری - بصورت عموم منظور از سیاست « دروازه های باز » برای سرمایه خارجی میباشد ، همیشه به معنی گذشت و عقب نشینی به استعمار نو و یارد نمودن خط مشی مترقی میباشد . عقده معاهده امتیازی و خصوصاً مبارزه برای رعایت دقیق آن در شرائط جبهه گیری شدید با استعمار نو صورت میپذیرد . لینن چنین اظهار میداشت : « امتیاز دادن - نیز نوعی مبارزه بوده ، ادامه مبارزه طبقاتی بشکل دیگری میباشد ، و هیچوقت تعویض مبارزه طبقاتی بوسیله سازش طبقاتی نیست (البته منظوروی امتیاز دادن در روسیه شوروی بود . »

اما سخن در اینجاست که در مصر نمیخواهند مبارزه طبقاتی را با امپریالیزم و استعمار نو پیش ببرند . در تمایلات خویش مبنی بر بدست آوردن وسائل ایکه واقعاً برای کشور ضروری باشد حکومت مصر حاکمیت ملی و منافع مملکت را در خطر

میاندازند . قرضه دهندگان خارجی حق پیدا میکنند که شرائط خویش را به دولت مصر تحمیل کنند . بطور مثال طبق خبر مطبوعات مصر در سال ۱۹۷۵ اداره کانال سویز با بانک بین-المللی انکشافی و تعمیراتی معاهده ای را به امضا رساند که به اساس آن به اندازه پنجاه ملیون دالر در صورت ربیع سالانه هشت درصد قرضه داده میشود . مطابق معاهده مذکور اداره نامبرده باید به « نمایندگان بانک بین المللی انکشافی و تعمیراتی حق کنترول وضع وامور همه شعبات مربوط کانال ، ساختمانها منطقه ، دارائی تخنیک و تجهیزات و همچنین اسناد را » بدهد .

سیاست حکومت مصر در کشور بمثابه رد نمودن مشی سمتگیری سوسیالیستی ارزیابی میگردد لیکن مبارزه بخاطر حفظ دستاورد های سمتگیری سوسیالیستی ادامه داشته و ختم آن معلوم نیست نخست اینکه سیاست « دروازه های باز » اهداف را برآورده نساخت . در سالهای اول از لحظه تعقیب این سیاست ساختمان هیچیک موسسه بزرگ آغاز نیافت . انحصارات می- ترسد که دیر یازود صاحب واقعی کشور - مردم مصر میتواند که موسسات شانرا ملی نمایند . علاوه از آن بورژوازی ملی نیز به ملحوظ خطر رقابت علیه توريد سرمایه های خارجی مخالفت میورزد . دوم اینکه برای ارائه نمودن تضمین قوی به انحصارات باید از دستاورد های اجتماعی صرف نظر نمود ، قانون مترقی کار ، دادن نصف چوکی ها در ارگانهای انتخاباتی به کارگران و دهقانان و غیره - که این امر عدم رضایت شدید زحمتکشان را برمی انگیزد .

سوم اینکه برای تضمین انحصارات امحای سکتور دولتی لازم پرابلم کشور های در حال رشد را حل نمیکند . مثال مالی نمود و موجب عدم رضایت این گروپ ذینفوذ و ماهر اجتماعی خواهد گردید . تعرض به دستاورد های مترقی باعث تشدید مبارزه طبقاتی میگردد که اوج آن هنوز در پیشرو میباشد . در جریان همین مبارزه مسئله جهت تکامل مصر در آینده حل و فصل خواهد گردید .

علاوه بر آن صرف نظر نمودن از سمتگیری سوسیالیستی پرابلم کشور های در حال رشد را حل نمیکند . مثال مالی و گانا حاکی از آنست که تقویه مشخص اقتصاد درین ممالک بعد از تغیر مشی رشد اجتماعی شان به لحاظ تحولات ایکه از طرف دولت ملی و دموکراتیک پیشتر انجام یافته بود (ایجاد موسسات و سکتور دولتی که بعد از زمانی به آوردن مفاد آغاز نمود ، آماده کردن متخصصین مورد ضرورت و غیره) حاصل گردیده است . این مسئله گواهی میدهد که سمتگیری سوسیالیستی ریشه های بسیار عمیق میدواند .

در کشور های سمتگیری سوسیالیستی شرائط برای رشد برتر سکتور های دولتی و کوپراتیفی و پیروزی نهائی شان در رقابت با سائتر سکتور ها ایجاد میگردد . پراکتیک نشان میدهد که اکثر کشور های انتخاب کننده راه رشد غیر سرمایه داری در قسمت ملی نمودن موسسات خصوصی و تامین کنترول دولتی بالای شان ماهرانه تدابیر اتخاذ مینمایند . در قانون اساسی جمهوری مردمی کوریا گفته میشود : « با اتکا



زنان و یقن نام در ساختمان جامعه نوین فعالانه اشتراک میورزند

پرا بله های سکتور دولتی در هیچ یک از کشورهای سمتگیری سوسیالیستی بطور کامل هنوز حل نگردیده است. پیچیده ترین مسئله افزایش سود آوری آن میباشد. بمنظور حل و فصل این پرابلم در تعدادی از کشورهای سمتگیری سوسیالیستی در زمینه اصلاح نمودن سیستم اداره سکتور دولتی قدمهای برداشته میشود. بطور مثال در الجزایر در آخر سال ۱۹۷۱ مسئله سازماندهی سوسیالیستی موسسات به تصویب رسید که منجمله جلب زحماتشان رادر اداره موسسات دولتی احتواء میدارد. در تانزانیا به اساس بخش نامه ریاست جمهوری نمبر یک سال ۱۹۷۰ در هر کمپانی دولتی ایکه بیشتر از ده کارگر داشت شورای کارگری ایجاد گردیده. یک سلسله تدابیر دگر نیز اتخاذ میگردد.

پیروزی کامل سکتور دولتی - مسئله آینده نسبتاً دور میباشد. امروز دول ملی و دموکراتیک مجبور است که بامسائل مختلف الجوانب بسازد، زیرا ایجاد سکتور دولتی مستلزم وسائل بزرگ افزایش قابلیت تولیدی کار و بنا بر آن زمان زیاد میباشد. باز هم سکتور دولتی یک هدف حقیقی است. تجربه ساختمان اقتصادی برخی کشورهای افریقای (الجزایر تانزانیا و غیره) امکان عملی کار سود آور موسسات دولتی را در شرایط کشور های در حال رشد به اثبات رساند. بطور مثال در مصر در اواسط سالهای شصت عواند موسسات دولتی پنجاه درصد همه عوائد بودجه را تشکیل میداد (کتاب در سال ۱۹۷۷ بچاپ رسیده است مترجم). اکثر موسسات دولتی تانزانیا نیز موفقانه فعالیت مینماید. گرچه بخش اساسی آن نسبتاً در گذشته نزدیک به مالکیت دولت در آمد اما سود روز افزون را تحویل میدهد. در تانزانیا مفاد موسسات دولتی در سال ۱۹۷۱ نسبت به سال ۱۹۶۶ بیشتر از سه مرتبه افزایش یافت.

(بقیه در صفحه ۲۶)

به سکتور های دولتی و کوپراتیفی اقتصاد، دولت کنترول عمومی رادر قسمت سکتور خصوصی اقتصاد انجام میدهد (صفحه ۳۲). بدین منظور درین کشور ها حقوقاً حد و فعالیت سکتور خصوصی تعیین گردیده است. اسناد حقوقی اشکال کنترول را بالای سکتور خصوصی تعیین نموده، امکانات سرمایه خصوصی را محدود میسازد و بوسیله مواضعی آنرا تحدید مینماید که برای سمتگیری سوسیالیستی خطری را متوجه نمیکند.

بطور مثال ممالک سمتگیری سوسیالیستی از طریق استفاده از انحصارات دولتی در سرمایه گذاری میخواهد که تاثیر سرمایه خصوصی را در آن ساحات اقتصادی تحدید کند که فعالیت آن در ساحات مذکور بامناف ملی متضاد میباشد (صنایع دفاعی امور بانکی و بیمه، تجارت خارجی، همه انواع ترانسپورت و غیره). در برخی کشور ها انحصار کامل دولتی در سرمایه گذاری برقرار نگردیده است. در تانزانیا مثلاً دولت حق حصول شصت درصد سهمیه را در هر موسسه کشور دارا بوده و در الجزایر این رقم پنجاه و یک درصد میباشد.

صنایع نفتی الجزایر مثالی در قسمت انجام انحصار غیر کامل از طرف دولت میباشد هر کمپانی نفتی خارجی باید نمایندگی تحت اداره مقامات الجزایر داشته باشد. این نمایندگی با کمپنی ملی الجزایر در تماس بوده و یا با آن کمپانی مختلطی را ایجاد مینماید که سهمیه کمپانی ملی الجزایر کمتر از پنجاه و یک درصد نمیشد.

فعالیت سرمایه خصوصی در کشورهای سمتگیری سوسیالیستی بوسیله چنین تدابیر مالی مانند برقراری کنترول شدید در قسمت انتقال مفاد و فیصدی ها بخارج و همچنین محدود نمودن اندازه اعظمی چنین انتقالات پولی نیز تحدید میگردد. مثلاً انتقال سالانه مفاد کمپانی های خصوصی نمیتواند که در الجزایر بیشتر از پانزده درصد مجموع سرمایه در حال دوران و در گیتی بیشتر از بیست درصد باشد. در برخی ممالک حتی انتقال معاشات متخصصین خارجی بخارج محدود میباشد. در گیتی بطور مثال سالانه انتقال الی سی درصد عوائد کارمندان اروپائی بخارج اجازه داده میشود.

کشور های سمتگیری سوسیالیستی همزمان یک سلسله اقداماتی را در جهت تأمین افزایش آهنگ رشد سکتور دولتی انجام میدهند (ملی نمودن مالکیت های خارجی، در اختیار گذاشتن قرضه ها، تخفیفات مالیاتی و غیره). نتیجه آن استحکام سکتور دولتی در اکثر کشورهای مورد مطالعه بود در الجزایر سکتور دولتی هشتاد درصد تولیدات صنایع (بدون صنایع نفتی) و شصت درصد تولیدات زراعتی، در سوریه هفتاد پنج درصد و در جمهوری دموکراتیک مردمی یمن چهل هشت درصد تأمین مینماید. در سال ۱۹۷۶ در موسسات سکتور دولتی جمهوری مردمی کوریا بیشتر از نصف کسانی که در مقابل مزد کار میکنند اشتغال داشتند، این موسسات چهل - پنجاه درصد همه تولیدات صنایع کشور را تحویل میداد.

از : سویت ملیتری ریوو

مترجم : دگر وال ارکانعرب غلامسخی کاوون

جنگ ایدیدو لوزیک

و میخواهند که نظر موافق توده های محروم کشورها ایشانرا بخاطر گرفتن بودجه های بزرگ نظامی بمنظور اختراع و بکار انداختن اسلحه و وسایط جدید جنگی بدست آورند باید گفت که این مامول رادر قطب دیگر با محدود گردانیدن بودجه های خدمات عامه میتوانند درمنصبه اجرا گذارند و هم مصارف وسیع پیمان ناتو راموجه جلوه دهند. درین مورد لیو نید ایلیچ بریژنف چنین گفته است : «در حقیقت وبدون شك خطر اتحاد شوروی نه برای غرب و نه برای شرق وجود دراد چنین برداشتی در واقعیت امر از آغاز تا انجام دروغ بزرگی میباشد ...»

خطر واقعی برای صلح جهان نیی از جانب امپریالیزم و کامپلکس صنایع نظامی آن است که با استفاده از آن میخواهد مسابقه تسلیحاتی راسرعت بخشد.

کشور های عضو پیمان ناتو بدون مصارف ایالات متحده امریکا سالیانه در حدود بیشتر از ۱۵۰ هزار ملیون دالر را بمنظور فعال نگهداشتن ماشینزده جنگی خود مصرف مینمایند، مصارف ایالات متحده امریکا سالیانه تنهایی در حدود همین رقم بوده و سالیانه پنج تا هفت فیصد ارتقاء مینماید.

واشنگتن و پیکینگ مسوول مداخلات وسیعی در امور داخلی افغانستان بوده و این مداخلات را از جانب خود ناشی از کمک های برادرانه اتحاد شوروی با کشور های همسایه موجه می شمارند.

در حالیکه این کمک ها کوچکترین تهدیدی به صلح جهانی ندارد، در واقعیت امر تلاشی برای نقب گذاری دیتانت بین المللی و تسریع نمودن مسابقات تسلیحاتی مینماید.

این سو گواری های امپریالیزم که «خطر اتحاد شوروی» جهان را تهدید میکند جز حيله و فریب مطلق نمیتواند چیز دیگری باشد.

اینست که در وضع بین المللی انکشافات سود مندی بوجود آمدن به اثر مساعی اتحاد شوروی و کشور های برادر سوسیالیستی پدیده تازه ی (دیتانت) که زائیده و محصول تلاشهای اتحاد شوروی و کشور های برادر سوسیالیستی و نتیجه تغییر توازن قوا میباشد، در روابط بین کشور ها بوجود آمد.

دیتانت امکانات گسترده را بخاطر جلوگیری از حرب جدید بسویه جهانی و هم بخاطر تامین همکاری اقتصادی و فرهنگی بین کشور های دارای نظام های از هم متفاوت به میان آورد. ... اما در سالهای اخیر، قوای نظامیگر غرب به همکاری چین این ترس را بوجود آورده که مباد بشریت مترقی تحولات اجتماعی ناشی از دیتانت را بحرب سرد مبدل گرداند. بنابر بمنظور بدست آوردن تفوق نظامی، تلاش وسیع نموده و سعی مینمایند حقه بازیهای شانرا برای جهان سوسیالیستی موجه جلوه دهند.

طرفداران امپریالیزم و مائوئیسم بخاطر این تلاش یاره سرائی میکنند که دیتانت زمینه ارتقای پوتانسیل حربی و امکان بیشتر تهدید اتحاد شوروی را در برابر غرب و چین بوجود می آورد. آنها از سر نخ واحدی گرفته اند

مبارزه شدید بین دوسیستم متضاد یعنی سوسیالیستی و سرمایه داری، از مشخصه تحولات جهان معاصر است، سوسیالیزم، از نیرو های مترقی، و سرمایه داری، از نیرو های ارتجاعی نمایندگی میکند. این مبارزه در ابعاد گسترده ادامه دارد و از جمله مخصوصاً در بعد ایدیدو لوزیک آشتی ناپذیر است. جنگ ایدیدو لوزیک به مثابه یکی از اشکال مبارزه طبقاتی، تضاد بین این دوسیستم را در ساحت پسکو لو-ژیک انعکاس میدهد.

جنگ ایدیدو لوزیک توقف و خاموشی نداشته و به نحوی از انحاء ادامه می یابد. ارتجاع بین المللی بخاطر ایجاد موانع در راه پیروزی های سوسیالیزم با استفاده و کار برد اسلحه سنتی خود یعنی: انتی کمونیزم، ناسیونالیزم، راسیسم و نئو فاشیسم هیچگونه فرصتی را از دست نمیدهد. درین مقطع مشخص زمانی که نیرو های پیشرو جهان با امپریالیزم و فاشیسم در مبارزه اند، جنگ ایدیدو لوزیک مختصات و محتویات مشخصی دارد که باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

امپریالیزم دیتانت رانقب گذاری میکند :

از خصوصیات سالهای دهه هفتاد

با اینکه سیستم جهانی سوسیالیستی اکنون در مقایسه با گذشته ها نیرومند و پر قدرت است تمام مساعی خود را برای تأمین صلح جهانی با تعقیب مشی صلح آمیز متمرکز ساخته است . جهان سوسیالیزم بخاطر پیا مدهای پیروزمند این پالیسی صلح آمیز در دراز مدت خوشبین است و این خود کافی است که یاوه سرانی های دایر بر «تهدید نظامی اتحاد شوروی» را تکذیب نماید .

سیاستمداران و رسانه های جمعی غرب با دورویی اعلام میدارند که از دیادسلاح و وسایط و آمادگی های نظامی غرب ناشی از «خطر قریب الوقوع کمونیزم» است . این موضعگیری غرب کاملاً طبیعی است زیرا حلقه های نظامی گر جهان بدون در نظر داشت وضع بین المللی برای پلان های توسعه جویانه شان دلایل جستجو میکنند و آنرا موجه جلوه میدهند ، و همیشه درصد دهستند «شواهدی» برای این عمل بدست آورند . اما به هیچ صورت نمیتوانند تمام یلات و اعمال نظامیگرانه خود را مخفی نگهدارند .

باید خاطر نشان ساخت که جنگ اندیشه ها علیه سوسیالیزم توسط موسسات و مراکز زیاد به اصطلاح علمی ایالات متحده امریکا براه انداخته میشود که نام عده آنها را میگیریم : انستیتوت جنگ هورور ، انستیتوت «انقلاب و صلح» که از مدت پنجاه سال به این طرف بکار و فعالیتش ادامه میدهد که به اصطلاح محصولات آن برای سپوتاژ های رادیویی و طباعتی مورد استفاه قرار میگیرد رول مهم رادرین جنگ که ظاهراً به نظر نمی خورد به عهده موسسه هودسن است که تحت نظر و هدایت مستقیم «سیا» فعالیت مینماید .

انستیتوت دیگری در پوهنتون کولمبیا بنام «انستیتوت مطالعات بر

کمونیزم» پیوسته طرز عملیات «سیا» را در برخورد با حوادث تاریخی و سیاسی مورد مطالعه قرار میدهد .

در پوهنتون کولمبیا همچنین مرکزی بنام مسایل مربوط به اتحاد شوروی وجود دارد که فارغان آنرا ژورنالیستان جامعه شناسان ، مورخین و عده که مطالعات شانرا در مورد اتحاد شوروی تکمیل میکنند تشکیل میدهند . به این صورت در تمام مراکز یکه علیه اتحاد شوروی فعالیت مینمایند و هم رسانه های گروهی که ازین طریق تمویل میگرددند توسط اشخاصیکه وظیفه تنظیم جنگ ایدیولوژیکی را به عهده دارند اداره میگردند .

در حدود دوصد موسسه ایکه تحت نامهای مختلف مانند انستیتوت ها ، کمیته ها موسسات امدادی پولی ، جمعیت ها و امثال آنها در ایالات متحده وجود دارند که چنین فعالیت هارا تنظیم مینمایند اینرا هم باید تذکر داد که در کشور های دیگر سرمایه داری هم موسسات مشابهی وجود دارند که همه آنها از طرف گروه انحصارات نظامی میگران و از بودجه های دولتی تمویل میگردند و تحت نظر حکومت این کشور ها فعالیت مینمایند .

رول رهبری کننده را در اجرای این پروپاگندهای تخریبی بر علاوه «رادیو بی بی سی» صدای امریکا «رادیوی اروپای آزاد» رادیوی بنام آزادی «رادیوی دویچه ویلا» وده ها و صد ها مرکز سخن پراگنی دیگر که در اجرای حرب پسیکولوژیکی سهم میگیرند به عهده دارند .

باید خاطر نشان ساخت که توسط این بلندگوها در یک هفته یک هزار و پنجصد ساعت با ۲۴ زبان خارجی علیه اتحاد شوروی تبلیغات خصمانه صورت میگیرد ، شبکه های پروپاگندی پنتاگون هم از امکانات وسیعی برخوردار است «تی کافین» یکی از جامعه شناسان امریکائی در یکی از کتابها یش باین نکته اشاره میکند که وزارت دفاع

این کشور ، ماشینری عظیم حرب پسیکولوژیکی را ، به مقصد تخدیر عقاید پرسونل مربوط بقوای مسلح بد سترس دارد در همین ارتباط قوای مسلح ایالات متحده در خارج از خاک امریکا ، دوصد و پنجاه ستیشن برود کاست رادیویی و ۲۴ مرکز پخش تلو یزیون دارد تمام این وسایل و امکانات بخاطر آن است که اتباع کشور های سوسیالیستی را ، با چنین سبوتاژهای پسیکولوژیکی ، تحت تأثیر منفی قرار بدهند . در نشرات این مراکز از انواع مختلف خبرهای نشراتی استفاده میشود .

روش دیگر در این پروگرامها این است که بخاطر بی اعتبار و بدجلوه دادن اشخاص در ذهنیت عامه بخصوص شخصیت های سیاسی و کشورها توهین های افترا آمیز را تنظیم میکنند چنین میتودی را تنظیم کنندگان پلان های پروپاگندی بورژوازی وسیعاً براه می اندازند تا از معطوف گری دیدن نظرات مردم به قضایا مخصوصاً قضایای سیاسی مورد نیاز و مورد استفاده آنها در کشور های سوسیالیستی و کشور های روبه انکشاف جلوگیری نمایند .

اگر بعضی از اوقات در کشور های سرمایه داری حوادثی رخ بدهد و مبنی بر واقعیات باشند و درین صورت به دستگاه های پروپاگندی ضربت وارد آید ، این دستگاه ها با سرعت دست بکار میشوند و بفوریت اذهان مردم را بیک حادثه دیگر متوجه میگردانند . و در پهلوی آن در باره یک حادثه عادی که مطلب ضدیت با شوروی و کمونیزم را داشته باشد به نشرات وسیع گمراه کننده آغاز مینمایند .

رسانه های گروهی کشورهای کپیالیستی با استفاده از خدعه و فریب و افتراآت ناروا افسانه های مانند ددیو کراسی غربی ، آزادی فرد و مانند اینها اذهان توده هارا درین کشور

ها تخدیر مینما یند و بادقت وزیر کی تلاش میکنند این حقیقت را که استثمار، فاشیزم، بیکاری و غلامی معنوی زائیده سرمایه‌داری است روپوش گذارند و اجازه نمیدهند مردم آنها بدانند که دو حرب‌خانما نسوز جهانی و حربهای منطوقی محصول سرمایه‌داری میباشد.

«جهان آزاد» امروز، جهان رقابت و جهان صحنه های خونین رقابت ها بوده که تشدید احساسات ضد شوروی محور عمده آنرا تشکیل میدهد و این همان محوری است که نیروهای ضد سوسیالیزم بدور آن متمرکز شده و باین نام تلاش های شبه جنگی خود را برآه می اندازند و از این تلاش بمنظور تسریع مسابقه تسلیحاتی هم استفاده مینمایند.

وحدت نامقدس نیرو های امپریالیستی در همکاری نزدیک با رهبران پیکنگ که میخواهند ایده های انقلاب را از بین ببرند در عمل مورد استفاده قرار میگیرد.

مائوئیزم در کنار ارتجاع :

رهبران پیکنگ راه خیانت به طبقه کارگر را در پیش گرفته اند که فرجام خوبی برای آنها ندارد.

آنها به افتضاح سیاسی، کفایت نکرده و بر اساس ضدیت با شوروی در کنار ارتجاع امپریالیستی صف گرفتند، پیکنگ از حالت یک احتیاط بالقوه امپریالیزم بدوست تمام عیار آن مبدل گردیده است.

از جمله فکتور های اساسی این وضع یکی طرز تفکر همونستی و نظامیگری رهبران پیکنگ میباشد.

ضدیت پیکنگ با اتحاد شوروی از این حقیقت ناشی میشود که اتحاد شوروی مانع بزرگی در راه رسیدن چین به موفق قدرت جهانی میباشد. چنین طرز العمل در زمان مائوتسه دون متداول بوده لیدر شپ فعلی چین از آن پشتیبانی جدی نموده و در عمل آنرا تطبیق مینماید.

رهبران چین از دو حکم مائوتسدون

که میگوید: دشمن نمبریک چین شوروی است و چین با هر که با اتحاد شوروی ضدیت دارد دوست و متحد است پیروی جدی دارند.

این طرز تفکر رهبران چین شاخص تمام فعالیت های سیاسی شان بدور همین محور میباشد.

تمام آنچه از آن تذکر بعمل آمده نه تنها فساد دردستگاه چین را نشان میدهد بلکه تبانی این کشور را با امپریالیزم هم به اثبات میرساند.

رهبران چین هنگام بازیدن نمایندگان حکومت امریکا از این کشور این موضع گیری خود را بصورت آشکار اعلام نموده اند. اکنون خطوط مشخص اتحاد سیاسی و نظامی هر دو کشور به جهان نیان پوشیده نیست و باید یاد آور شد که این امر وضع بین المللی را متشنج تر گردانیده است.

روابط دوستانه چین با جهان سرما یداری باعث ایجاد حوادث داغ جهان شده است.

چین در هیچ معاهده دایر بر عدم استعمال اسلحه اتمی یا محدود ساختن آزمایشات آن امضا ننموده است، این کشور تمام موافقات محدود ساختن مسابقه تسلیحاتی را مورد اعتبار نمیداند و بخاطر موجه جلوه دادن این پالیسی، «تهدید اتحاد شوروی» را برای جلب نظر کشورهای در حال رشد روپوش قرار میدهد.

تبانی چین با کشورهای عضو ناتو انگیزه بی دیگری است که این کشورها با استفاده از آن سلاح و وسایط حربی خوبی را انکشاف بیشتر میدهند.

جنون جنگی به مقصد رهیابی و حرکت بدور محور ناتو برای رهبران چین بسیار خوش آیند است، سران این کشور و کشورهای سرمایه‌داری حین باز دیدن شان، از فابریکه ها و وسایط جنگی یک دیگر هم بازدید مینمایند و به قول «ولت درار بیت» یکی از نشریه های آلمان غربی، چین میخواهد

وسایل مدرن نظامی، مانند وسایل الکترونیک پیچیده و غیره سیستم های پیشرفته اسلحه را از غرب بخرد و دهمین مسیر، زبان دیپلوماتیکی چین هم مانند همیشه سبک غربی را بخود میگیرد قرارداد های خریداری این اسلحه در حدود سی تا چهل هزار ملیون دالر است.

مداخلات مغرورانه ایالات متحده امریکا و ناتو در امور داخلی کشورهای دیگر پیامد ناگوار و منفی اتحاد ایالات متحده امریکا و چین میباشد.

اگر به حوادث و بحرانات ۲۱ سال گذشته در جهان بطور مشخص نظر اندازیم، بخوبی آشکار میگردد که چین همون نیست همواره با امپریالیزم و ارتجاع در یک صف قرار گرفته و بدین صورت آنها بوده اند که اوضاع جهان را متشنج ساخته اند مثال های چنین اتحاد نامقدس را در بحران خاور میانه، چیلی، منطقه کارابین، انگولا، شاخ افریقا، افغانستان و دیگر نقاط جهان بخوبی میتوانیم ببینیم.

همین اکنون چین اعمال دهشت افکنی را بر علیه افغانستان با همکاری نزدیک واشنگتن تنظیم مینماید، باند های اجیر شده را تعلیم و تربیه نظامی میدهد و جهت اعمال خرابکارانه به سرزمین افغانستان آزاد و مستقل میفرستد در حالیکه نشریه مائوئیستی ژینمن ژیبائو *Zhenmin Zhibao* این مداخله را «بخاطر دفاع از آزادی و استقلال» قلمداد میکند.

این بکلی معلوم گردیده است که واشنگتن و پیکنگ مانند دیگر متحدین ناتو همکاری های معین سیاسی و نظامی را بین خود عمیقاً انکشاف داده اند تا در برابر حوادث داغ بین المللی وحدت عمل داشته باشند. فکت های زیاد این اتحاد را به اثبات میرساند، بطور مثال یک نمونه یی این اتحاد را تشدید اعمال تجاوز کارانه علیه ویتنام و افغانستان بعد از دیدن باز دید شخصیت های متنفذ حکومتی

این کشورها تذکر داد. درارتباط با این موضوع روزنامه یی فرانسوی زبان «لوموند» باین عقیده است که چین، ایالات متحده امریکا و ناتو بخاطر همینگونه موضع گیری شان در برابر چنین حوادث جهانی چنان روابطی را بین خود بوجود آورده اند که بسیاری نزدیک به يك پیمان نظامی میباشد.

باید یاد آور شد که حتی درساحه ایدیا لوزیکی دربر خورد های آنها روحیه هم تیم بودن شان به روشنی جلب نظر میکند و متحدان يك حرب پسیکو لوزیکی را علیه اتحاد شوروی

براه انداخته اند .

موضع گیری متضاد مائو ییزم و امپریالیزم در برابر دیتانت (هر دو موضع گیری همگون بخاطر تقرب گذاری دیتانت دارند) به ثبات وضع بین المللی ضربت ناگواری وارد نموده و زمینه حرب سرد را فراهم می آورد . حوادث وفکتها نشان میدهد که مائو ییزم های چین بیشتر از پیش بر است لغزیده و در واقعیت امر از نگاه سیاسی و ایدیا لوزیکی مائو ییزم و امپریالیزم روند سمت واحدی را بر ضد انقلاب تعقیب میکند . اتحاد و دوستی نزدیکی مرتجع

ترین نیروهای عصر مایعنی امپریالیزم و مائو ییزم با اینکه توسط دستگاه های پروپاگاندی آنها ستر و اخفامی شود، اما باید بخاطر داشت که دوستی و اتحاد بسیار خطرناکی میباشد . پیوست به این باید تذکر داد که حتی باتجربه ترین شخصیت های مسوول تنظیم جنگ پسیکولوژیکی در غرب نمیتواند از موضع استوار و با ثبات اتحاد شوروی بخاطر صلح سرتاسر جهانی چشم پوشانند ایده های انقلابی و یقین کامل به پیروزی عدالت اجتماعی از هر آزمونی سر بلند بیرون خواهد شد زیرا که حقیقت اندو حقیقت پیروز میشود.

تحولات در کشورهای سمت گیری سوسیالیستی

(بقیه صفحه ۲۲)

که در جهت ارتقای سطح زندگی نفوس صورت میگیرد نظری می اندازیم .

پلانگذاری در شرائط سمتگیری سوسیالیستی مداخله وسیع دولت دموکراتیک ملی رادر همه ساحات اساسی حیات اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاب مینماید . دولت بدرجه اول به انکشاف سکتور دولتی و تجسس منابع جدید ذخیره و سائل دولتی و غیره بذل توجه مینماید . با تفاوت از ممالک سمتگیری سرماییداری اقدامات فوق الذکر به نفع اقشار و یاطبقات استثمار گر که به حمایه دولت در قسمت رقابت خارجی ضرورت دارند صورت گرفته بلکه به مفاد همه مردم انجام می یابد . گذشته از آن اگر در ممالک رشد سرماییداری هنگام توزیع وسایل دولتی نفع مادی سرمایه داران قاطعاً در نظر گرفته میشود ، اما در کشورهای سمتگیری سوسیالیستی مورد مطالعه ماملحوظات اجتماعی- اقتصادی ، غور در مورد بلند بردن سطح زندگی ایدوی و سیاسی مردم نقش قاطع دارد . در همه کشورهای سمتگیری سوسیالیستی انکشاف اقتصادی و اجتماعی به اساس پلان های دولتی صورت میگیرد که برای سه - پنج سال در نظر گرفته میشود .

بدین ملحوظ که اقتصاد دول هنوز به سیستم واحد و دقیق فعال مبدل نگردیده پلانها همیشه تکمیل نمیشود و اصلاحات و تجدید نظر را در مراحل بعدی ایجاب میکند (منظور از دول سمتگیری سوسیالیستی میباشد مترجم) . بطور مثال در برما پروگرام چار ساله انکشاف اقتصادی (۷۲ / ۱۹۷۱ - ۷۵ / ۱۹۷۴) تکمیل نگردید . بنا بر آن کنگره دوم حزب سراقاقتدار در سدل ۱۹۷۳ پروگرام چهار ساله جدید را به تصویب رسانید که از سال ۱۹۷۴ تحقق آن آغاز یافت .

در ابتدا در کشورهای سمتگیری سوسیالیستی سکتور دولتی پیش از همه در صنایع انکشاف یافت . اما چون رویهمرفته ممالک افریقائی زراعتی بوده و رهبران شان زیاد تر به اساسات سمتگیری سوسیالیستی در روستاها بذل توجه مینماید بدین مقصد در زراعت موسسات دولتی ایجاد میگردد . بصورت عموم موسسات بزرگ زراعتی در نتیجه ملی نمودن مالکیت های خارجی (بطور مثال موسسه مختلف الساحه « اوفیس دونیژر » در مالی) و یا به کمک کشورهای سوسیالیستی (گوس خوز در سوماالی که به کمک اتحاد شوروی ساخته شد) بوجود آمده است .

گوس خوزها (اقتصاد دولتی) هنوز در اقتصاد کشورهای سمتگیری سوسیالیستی رول مهم را بازی نمیکند (به استثنای سکتور مستقل در الجزایر) . آنها در قسمت کادر های اداری و فروش محصولات و غیره موارد با مشکلات قابل ملاحظه ای مواجه میگرددند . اما بدون تردید آینده خوبی را در پیش دارند .

بالاخره انجام يك سلسله تحولات انقلابی عمومی دموکراتیک دیگر به نفع واشتراک توده های وسیع مردم که شرایط اقتصادی و اجتماعی را برای ساختمان سوسیالیزم فراهم مینماید از خصوصیت کشورهای سمتگیری سوسیالیستی میباشد . در قسمت پلانگذاری اقتصاد ، اصلاحات ارضی و امورات اجتماعی

چرا واشنگتن پارتنرفراموش شده خود پاکستان را دوباره بيد آورد

نیست و در آن ابر های تیره و تار که
توفان مدهشی بدنبال دارد بوضاحت
دیده میشود .

حالا ما به تاریخ چند سال قبل
روابط دیپلماسی این دو کشور نظر می
افکنیم. روابط بین دو کشور امریکا
و پاکستان در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۷
قرار نظر سیاستمداران هر دو کشور
اگر چه دوستانه خوانده، شد اما
در حقیقت روبه سردی می رفت
در اینجا این سوال مطرح میگردد
که چرا رکودی در روابط دو کشور
متذکره بوجود آمده بود، در جواب این
سوال باید گفت که اگر محافل حاکمه

پاکستان در سالهای مذکور تغییرات
و اصلاحات جدی را در سیاست خارجی
پاکستان وارد ساخته و تلاش های
موجود بود پاکستان از بلاک های نظامی
که جنبه تجاوز کارانه دارد و توسط
کشور های امپریالیستی به مقاصد
خاص ساخته شده است خارج گردد،
و همچنان سعی بعمل می آمد تا
سیاست خارجی پاکستان از تاثیر رهبر-
ان قصر سفید خارج ساخته شود. و در
مسائل مهم مستقلانه تصمیم اخذ
گردد.

دراثر تعقیب پالیسی خارجی
مستقلانه، پاکستان از پیمان های نظامی
(سیاتو، سنتو) خارج گردید و به
جنبش کشور های بیطرف پیوست،

در سالهای بین ۱۹۷۰ - ۱۹۷۷ روابط امریکا و پاکستان روبه سردی
میرفت . پاکستان با تعقیب سیاست خارجی مستقل از پیمان های نظامی
(سیاتو و سنتو) خارج گردید و به جنبش کشور های بی طرف پیوست .
اما وقتی در سال ۱۹۷۷ حکومت نظامی قدرت را توسط يك كودتا
بدست گرفت ، تغییرات منفی در سیاست خارجی پاکستان بوقوع پیوست
حکومت نظامی پاکستان آن کشور را به يك ذخیره بزرگ اسلحه ممالک امپری-
الیستی و هژ مونیست های پکن مبدل نمود . در مقابل کمک های
نظامی پاکستان حاضر شد تا يك پایگاه بحری در خاک خود به امریکا بدهد
و شبکه استخباراتی کشف هوایی اوکس را بیفک یبرد .

امریکا حاضر شده است تا کمک های نظامی در حدود ۲۲۰۰ میلیون دالر
به پاکستان بنماید . در اثر تعقیب پالیسی نظامی فعلا پاکستان بیش از
۹ میلیارد دالر از کشور های امپریالیستی مقروض است . هشتاد و پنج
فیصد عاید ملی پاکستان صرف خریداری تجهیزات نظامی میگردد ، در حالیکه
صرف پانزده فیصد آن برای اعمار صنایع و اقتصاد آن کشور صرف
میشود .

سویه های مختلف برقرار گردید .
در اینجا قابل تذکر است که
از نظر روابط نورمال بین المللی دید
بازدید هیئت ها و ماموین عالیرتبه
بین کشور ها يك مسئله عادی
بوده و قابل هیچگونه تشویش نمی
باشد، هرگاه به امر تقریه صلح و-
دیتانت بین المللی کمک نماید و به
منافع مردم کشور های که با هم
تبادل هیئت مینمایند موافق باشد.
در حالیکه فضای نزدیکی واشنگتن
و اسلام آباد بکلی صاف و روشن

بعد از به قدرت رسیدن حکومت
ریکن چندین هیئت عالیرتبه امریکا
از پاکستان بازدید بعمل آورد. از آن
جمله بازدید معاون وزارت امور خارجه
امریکا جان باکلی نماینده دائمی
امریکا در ملل متحد جان کیریک پاتریک
قابل یا دآوری است. از جانب پاکستان
وزیر خارجه آن کشور «آغا شاهی» هم
از واشنگتن بازدید بعمل آورد،
همچنان يك هیئت عالیرتبه نظامی
پاکستان به واشنگتن رفت، و چندین
تماس دیگر هم بین طرفین به

روابط نزدیک و همکاری های نزدیک و متقابل با شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی در پیش گرفته شد .

پالیسی مستقل رهبران آنوقت پاکستان برای محافل حاکمه واشنگتن خوش آیند نبود ، و برای مقابله با آن واشنگتن کمک های اقتصادی خود را به پاکستان تا اندازه زیادی تقلیل داد .

ضرورت تحول جدید در مناسبات واشنگتن و اسلام آباد وقتی بوجود آمد که حکومت ذولفقار علی بو تو توسط کودتای نظامی جنرال ضیا الحق از بین رفت . و از طرف دیگر در منطقه هم انکشافات و تحولات تاریخی رخ داد که مهمترین آن انقلاب ملی و دموکراتیک افغانستان و انقلاب اسلامی در ایران است . این حقیقت غیر قابل انکار است که با عملی شدن انقلاب اسلامی در ایران و از بین رفتن رژیم شاه خود رادر منطقه از دست داد ، زیرارژیم شاه در ایران وظیفه ژاندارم امپریالیزم رادر منطقه بعهده داشت . امپریالیزم آمریکا متیقن بود که در وقت ضرورت میتواند آنرا برضد تمام جنبش های آزاد یخواهی ملی منطقه مورد استفاده قرار دهد . بر علاوه منابع سرشار نفت ایران و غیره مواد خام طبیعی آن ، لقمه ی خوبی برای انحصارات امپریالیستی و صنایع آنها بود . نه تنها منابع سرشار خود ایران بلکه با استفاده از قدرت نظامی آن که توسط آمریکا روز بروز تقویه میگردد میتواند بر تمام منابع سرشار نفتی خلیج فارس و بحیره عرب حاکمیت خود را حفظ نماید .

همچنان پیروزی انقلاب شور در افغانستان در سال ۱۹۷۸ در حقیقت پلانهای ارتجاع جهانی رامبنی بر استفاده از موقعیت افغانستان بجهت يك «پلاسدارم» برای انجام عملیات تخریبی و شوم در سرحدات جنوبی اتحاد شوروی به ناکامی حتمی مواجه ساخت انکشافات جدیدی که در منطقه شرق میانه و جنوب شرق آسیا رخ داد

باعث شد تا توجه واشنگتن به شریک فراموش شده آن کشور در بلاک های نظامی دوباره جلب شود . پاکستان که سرحدات طولانی با افغانستان و ایران دارد با آمریکا نظر به معاهده سال ۱۹۵۹ همکاری های نزدیک نظامی داشت . ضرورت کشانیدن پاکستان برای تحقق اهداف توسعه جویی قصر سفید در شرق میانه باعث شد تا واشنگتن در تغییر حکومت پاکستان در سال ۱۹۷۷ که منجر به از بین رفتن ذولفقار علی بو تو و رویکار آمدن رژیم دیکتاتوری نظامی جنرال ضیا الحق گردید بیعلاقه نباشد .

پس از رویکار آمدن حکومت نظامی در پاکستان سیاست خارجی آن کشور به صورت جدی شروع به انحراف



نمود و دوباره تلاش ها برای تقویت نظامی پاکستان و علاقه پیوستن به پیمان های نظامی تجاوز گر به وجود آمد . در سال ۱۹۸۰ رئیس حکومت نظامی پاکستان جنرال ضیا الحق برخلاف پالیسی خارجی حکومت سابق پیشنهاد رئیس جمهور آنوقت آمریکا کارتر رادر باره دادن ۴۰۰ میلیون دالر به پاکستان قبول کرد . جنرال ضیا الحق متیقن بود که با آمدن رئیس جمهور جدید ریگن به قصر سفید ، حکومت جدید آمریکا موقعیت استراتژیکی پاکستان را با ارزشتر تلقی خواهد کرد . وی میتواند که کمکهای بیشتر آمریکا رادر ساحات نظامی جلب کند .

محاسبه دیکتاتوری نظامی پاکستان صحیح بود ، حکومت جدید امریکا بریاست ریگن آمادگی خود را برای تادیه مبالغ ۳ میلیارد دالر کمکهای نظامی و اقتصادی به پاکستان در ظرف شش سال آینده اعلام نمود . نظر به توافقات جدید نظامی بین پاکستان و آمریکا ۴۰ پروند طیاره فوق العاده عصری نظامی نوع اف-۱۶ که از آن به مقاصد مختلف در محاربات استفاده شده میتواند و طیارات مجهز شکاری و با بمبارانند بزودی به پاکستان تحویل داده میشود . قابل تذکر است که طیارات مدرن نظامی نوع اف ۱۶ صرف برای کشور های عضو پیمان ناتو اسرائیل و عربستان سعودی به هیچ کشور خارجی دیگری به جز پاکستان داده نشده است . همچنان اسلام آباد وعده دریافت تانکها ، زره پوش ها ، راکت ها ، توپچی ذات الحركه و هلی کوپترهای مدرن مجهز به راکت آخرین مودل را دریافت کرده است که سال آینده به پاکستان تحویل داده خواهد شد . بر علاوه حکومت امریکا حاضر شده است تا به پاکستان پرزه جات فالتو تجهیزات نظامی ساخت امریکا راکه قرار است ، عربستان سعودی به پاکستان بدهد هم تهیه نماید .

این همه کمک ها برای اسلام آباد به قیمتی گزاف تمام خواهد شد ، زیرا در مقابل کمک های سه میلیارد دلاری امریکا ، پاکستان تعهد سپرده است تا يك پایگاه بحری در « گوادر » پاکستان برای قوت های عمل سریع امریکا با تسهیلات لازم فراهم نماید . همچنان در خاک پاکستان سیستم استخباراتی و کشف هوایی خلیسی مدرن اوکس از طرف امریکا تاسیس خواهد شد . بر علاوه از تعهدات فوق حکومت پاکستان آمادگی خود را برای اجرای پرواز های منظم طیارات مدرن استخباراتی امریکا در طول سرحدات

خود باهند و افغانستان اظهار کرده مسئله دیگر قابل توجه در ارتباط با روابط امریکا و پاکستان قانونی است نافذ در امریکا که نظر به آن هر کشور که تحقیقات اتمی انجام میدهد و یا تاسیسات اتمی اعمار میکند، باید تمام فعالیت های آن تحت کنترل موسسه کنترل بین المللی اتمی «ماگاتی» قرار بگیرد. هر گاه کدام کشوری دزمینه از کنترل بین المللی ابا می ورزد حکومت امریکا مکلف است تا تمام کمک های خود را به شمول کمک های نظامی به آن کشور قطع کند. در مورد پاکستان، امریکا نه تنها از قانون متذکره تخلف میورزد بلکه با ارسال جدید ترین تجهیزات نظامی به پاکستان و مسلح ساختن آن کشور تا گلو از یک طرف و از طرف دیگر با تخلف از مقررات بین المللی اسلام آباد را در راه ساختمان «بمباتمی اسلامی» کمک های همه جانبه می نماید.

همچنان امریکا تمام تلاش های رژیم دیکتاتوری جنرال ضیاء الحق را در زمینه زیر پا کردن تمام حقوق و آزادی های اتباع در پاکستان و خفه ساختن دموکراسی و بالاخره دوام حکومت نظامی و سر باز زدن از انتخابات آزاد در آن کشور نادیده گرفته است.

حلقه های راستگرای برسر اقتدار اضلاع متحده امریکا کمکهای نظامی فوق العاده حتی از ذخایر خصوصی سلاح و تجهیزات نظامی خود تحویل پاکستان مینماید، آنها در تسریع این پروسه از شرکای خود در پیمان ناتو هم پیشقدم اند.

جریانات سیاسی اخیر نشان میدهد که حکومت انگلستان هم علاقمندی زیادی به انکشاف روابط با رژیم دیکتاتور نظامی ضیاء الحق در پاکستان نشان میدهد. نظر به راپور های منتشره در جراید خارجی حکومت انگلستان آمادگی خود را برای تربیه پرسونل نظامی پاکستان به یک پیمانهای وسیع اظهار کرده است. بر علاوه حکومت انگلستان به اسلام آباد وعده داده است که احتیاجات نظامی آن کشور را

تحت مطالعه قرار داده و حاضر است کمک های نظامی همه جانبه به پاکستان بنماید.

مسئله کمک نظامی اقتصادی انگلستان به پاکستان در مذاکرات ماه اکتوبر حین بازدیده میرمن تاچر از اسلام آباد بارنیس حکومت نظامی پاکستان مطرح گردیده است.

رهبران چین هم سیاست مشابهه را که با پالیسی عظمت طلبانه شان مطابقت دارد در مورد پاکستان تعقیب میکند. برای تحقق پلان های نظامی و استراتژی یکی خود رهبران چین به موقعیت استراتژی یکی پاکستان و استفاده از خاک آن کشور اهمیت فراوان

و ان قایل اند خصوصاً که این پلان ها کرکتر ضد افغانی و ضد هندی دارند. اسلام آباد در حال حاضر سلاح و تجهیزات نظامی به قیمت ۲ میلیارد دالر بدست آورده است که قسمت اعظم آن برای مسلح ساختن گروه های مخرب و باندهای آدم کش که در داخل خاک پاکستان در کمپ های مخصوص نظامی تربیه شده و بصورت مسلح به خاک افغانستان برای اجرای اعمال تخریبی ایجاد وحشت و ترور فرستاده میشوند.

بامکاری های تخنیکی و اقتصادی چین در پاکستان یک مقدار زیاد فابریکات نظامی و تاسیسات استراتژی یکی و میدان های هوایی نظامی ساخته شده و یا در حال اعمار اند. بر علاوه از همکاری های که در بالا تذکر رفت چین آمادگی خود را برای فراهم ساختن پولی گون آزمایش اولین بمب اتمی اسلامی پاکستان در سرزمین چین اعلام داشته است. از تذکرات فوق برمی آید که اسلام آباد مانند توافقات نظامی خود با واشنگتن با کشور چین هم همکاری های وسیع نظامی میدارد.

همه تلاش های محافل حاکمه واشنگتن و پیکن متوجه داخل ساختن مجدد پاکستان به بلاک های نظامی متجاوز در جنوب شرق آسیا و استفاده از خاک آن کشور برای ایجاد پایگاه های نظامی بوده است. حکومت نظامی

پاکستان هم بطور روز افزون کمک های نظامی چین و امریکاراقبول مینماید این همه تحولات در روابط پاکستان با واشنگتن و پیکن و پالیسی نظامی گری آن که کشور را به یک گدام اسلحه امپریالیستی و همونیستی مبدل ساخته این سوال را مطرح میکند که آیا باز هم پاکستان میتواند عضو کشورهای غیر منسلک باشد و یا خیر؟

همچنان پالیسی حکومت نظامی گری پاکستان تاثرات منفی را با لای روابط آن کشور با همسایگان آن و او ضاع منطقه وارد کرده است. محافل رسمی کشور هند از مدت ها به این طرف مسلح شدن روز افزون پاکستان را قابل تشویش خوانده و راجع به آن اخطار داده اند و آنها عقیده دارند که تجارب چند ساله نشان داده است هر وقتی که پاکستان توسط اسلحه امریکایی و چینیایی تقویه گردیده تجاوزی را علیه هندوستان براه انداخته است که چندین جنگ هند و پاکستان شاهد این مدعا است.

فعلاً نظر به راپور های مطبوعاتی در سرحدات بین هند و پاکستان در حدود ۳۵۰ هزار عسکر پاکستانی و بیش از ۲۰۰۰ میل توپ دارای منزل انداخت دور و دستگاه های راکت وجود دارند.

جنرال ضیاء الحق حاکم نظامی پاکستان موقف بکلی خصمانه ای را علیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از پیروزی انقلاب ثور اختیار کرده است. حکومت نظامی گری پاکستان حتی یک روز هم جنگ اعلان نشده علیه افغانستان انقلابی رافراموش نکرده است. محافل راستگرا و ارتجاعی پاکستان به پیشنهاد های حکومت افغانستان درباره مذاکرات مستقیم برای عادی شدن اوضاع در منطقه جواب مثبت نداده است.

دزائر تعقیب پالیسی نظامی گرانه اقتصاد پاکستان هم ضربه سنگین را متحمل گردیده است. قرضه خارجی پاکستان تا اخیر سال ۱۹۸۰ به ۸۹ میلیارد دالر میرسد. بودجه مالی سال ۱۹۸۱-۱۹۸۲ پاکستان مبلغ در حدود

۹ میلیارد روپیه پاکستانی کسر داشته است. در حالیکه ۸۵ فیصد این بودجه به مقاصد غیر تولیدی و بیشتر نظامی مصرف میگردد، و صرف ۱۵ فیصد آن به مصرف احتیاجات عامه و انکشاف صنعت و اقتصاد کشور به مصرف میرسد.

این همه مصارف کمرشکن نظامی برای یک کشور در حال رشد کشوری که پائین ترین عاید سرانه را در جهان دارد کشوری که هنوز نتوانسته عواقب استعمار را که به شکل خیلیها بی رحمانه بالای مردمان آن تحمیل شده است از بین ببرد. مانند بی سوادی امراض ساری فقر و گرسنگی و سایر امراض اجتماعی که محصول استعمار امپریالیسم است کمرشکن و غیر قابل تحمل است.

قابل تذکر است که سطح انفلاسیون در چند سال اخیر در پاکستان به سرعت رشد میکند و به ۱۵ تا ۲۰ فیصد رسیده است قیمت های مواد مورد ضرورت اولیه مردم خصوصاً زحمتکشان پاکستان روز بروز بلند می رود. جنرال ضیاء الحق حاکم نظامی پاکستان چندین مرتبه به مردم آن کشور وعده انتخابات عمومی را که توسط آن یک حکومت غیر نظامی جانشین حکومت نظامی فعلی گردد داده است. مردم

بخوبی بخاطر دارند زمانی که در سال ۱۹۷۷ ضیاء الحق توسط کودتای نظامی بر سر اقتدار آمده اعلام داشت که صرف نود روز حکومت را در دست خواهد داشت و در ظرف این مدت زمینه را برای سپردن قدرت به حکومت انتخابی مردم فراهم خواهد ساخت در حالیکه وی بر خلاف وعده های که به مردم داده بود حالت نظامی و عمر رژیم دیکتاتوری نظامی را نسبت به تمام حکومتات نظامی گذشته پاکستان طویل تر ساخته است.

تلاش های حاکم نظامی پاکستان برای بقای حکومت خود باعث شده تا همیشه در کشور حالت اضطراری و غیر عادی برقرار باشد و همه آزادی های دموکراتیک مردم سلب گردد. سانسور شدید بالای مطبوعات وضع گردد، و قیودات شدیدی بالای فعالیت احزاب سیاسی در آن کشور بوجود آید. زعمای احزاب مخالف دولت یا در زندان و یا تحت نظارت قرار داشته باشند. نظر به قول مقامات رسمی پاکستان فعلاً در زندان های آن کشور در حدود ۳۵۰۰ نفر فعالین حزبسی احزاب مخالف بسر میبرند امانیاندگان احزاب مخالف تعداد زندانیان سیاسی آنکشور را ده تا پانزده هزار نفر نشان داده اند.

همچنان نظر به قانون جاری پاکستان مظاهرات، اجتماعی و میتنگ ها بکلی ممنوع بوده و به گشت و گذار و اجتماع گروه های بیش از ه نفر بکلی ممنوع است.

درین اواخر دولت اعلام داشته است که هیچکس نمی تواند در جاده ها و کوچه ها باستک های هاگی، ظاهر گردند، هر گاه اجازه ای از پولیس محلی نداشته باشند. همچنان دولت به مقابل مخالفین خود از اختناق و تشدد، حتی فیر بالای مظاهره کننده گان و اعتصاب کنندگان و غیره کار میگیرد.

برای آنکه حکومت نظامی پاکستان در اقدامات اخیر، خود را حق به جانب نشان دهد مطبوعات آنکشور مردم را از خطر نام نهاد تهدید نظامی شوروی میترساند.

در حقیقت امر این همه پروپاگند ها هیچگونه حقیقت نداشته و آنرا امپریالیزم و هژمو نیزم صرف برای تحقق منافع خود در پاکستان اختراع کرده و توسط حکومت پاکستان به پیمانهای وسیع بین مردم تبلیغ میگردد. در حالیکه حکومت اتحاد شوروی همیشه طرفدار انکشاف روابط خود با پاکستان مطابق به اصول و موازین بین المللی بوده است

قوای مسلح قهرمان افغانستان!

از کشور عزیزتان دفاع کنید. امکان یک فیرتفنگ را هم به دشمنان انقلاب ندیده

« از بیانیه تاریخی ۱۱ دلو ۱۳۵۸، رفیق برک کارل »

د محدود دی اتومی جگړی

پالیسی

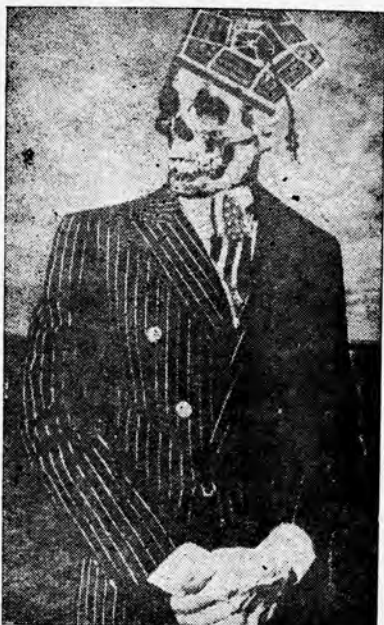
امپریالیسم دینکاری محناور په توگه دیوی خوا باید مضر بحیرک وی او د بلی خوا باید قوی او زوروی، دامپریالیسم بحیرکتوب د هغه په چالونو کی راخر گندیوی او زور نی د وسلو په سیالیو کی .

امپریالیسی هیوادونه د صنعت په لحاظ پ—ر مختللی هیوادونه دی د دغو هیوادو واکداران تل په دی لټه کی دی چی دخپلو لویو کار خانو دپاره د وروسته پاتی هیوادو اومه مواد واردکړی او په مقابل کی دخپلو پخوموادو دپاره (معمولاً وسلی) لوی بازارونه پیدا کړی ، که ددوی دا هیله دچال او فریب دلاری ترسره نه شوه نو امپریالیستان تیار دی چی حتی دتودو وسلو په وسیله هغه ترلاسه کړی . دهمدغه نارواگتو ترلاسه کول دی چی امپریالیسم دجگړو پالیسی ته رابولی او په دی ډول کله په یوه نوم او کله په بل دجگړو پالیسی ترتیبوی چی موږ به اوس دناټو بلاک او دهغوی په سرکی د امریکی د واکدارانو دجگړو دپالیسیو په باب غورکړی و لیکو . د دوهمی نړیوالی جگړی را پدیخوا د امریکي دمتحده

مخکی لدی چی موږ د امریکي دامپریالیسم د اتومی محدودی جگړی په باب څه ولیکو لازمه ده چی د مضمون په سریزه کی په عام ډول دامپریالیسم او جگړو په هکله څه ناڅه روښنائی واچوو او وروسته بیا د امریکي د واکدارانو نظر د اتومی جگړی په باب وگورو .

په تاریخ کی داسی امپراطوری نشربولای چه هغه دی بیله جگړو څخه دسولی له لاری جوړه شوی وی ، توی امپراتوی دپخوانی مصرڅخه نیولی بیا د روم ، یونان ، مغولو او بریتانیا تر امپراتوریو پوری د جگړی له لاری جوړی شوی دی ، دا جگړی دی چی داستعمار ونی ته نی اوبه ورکړی دی اوزموږ په دوران کی دا دجگړو پالیسی (خصوصاً د وسلو دسیالیو پالیسی) ده چی دنوی استعمار نیالگی ته او به ورکوی .

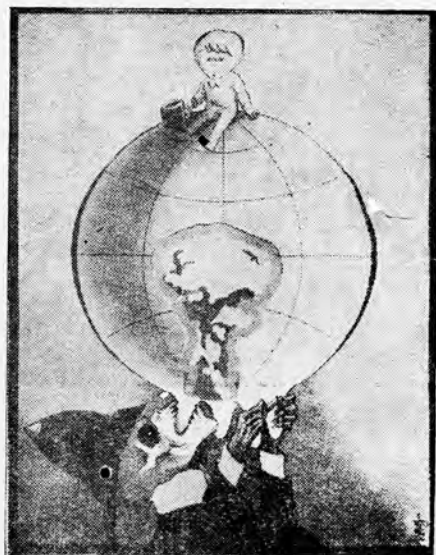
امپریالیستان تل د ناروا گتو په وسیله خپل جیبو نه ډکوی ، دوی دنورو د وینو د زبیشلو په وسیله خپلی گیلدی ډکوی او په دی ترتیب دغه بی پټه ژوند ته دوام ورکوی . دا نو ښکاره خبره ده چی د ناروا گتو ترلاسه کول نو په رضا سره سرته نه رسیږی بلکی داگتې تل دزور او یا چال او فریب دلاری ترلاسه کیږی . نو دادی چی



د پټنا گون
واکداران دا -
ډول هیلې او
امیدونه لری !



امپریالیزم پربشر
بانندی زړه سوی
نلری حتی پریاکو
ماشرمانو!



اتحاد خپل لومړنی اتومي ازموینه سر ته ورسوله او په دې ترتیب د امریکې د اتومي انحصار دوران پای ته ورسید، د چرچیل د تورو هیلو دوران ختم شو او په دې ډول د نامحدودې اتومي جګړې د پالیسۍ دوران هم پای ته ورسید .

۲- د اتومي الستیکی جګړې پالیسی: کله چې دشوراگانو دولت خپله لومړنی اتومي چاودنه په بریالۍ ډول سر ته ورسوله نو د پښتګون واکداران د امریکې د نورو سیاسي لارښوونکو سره دې نتیجې ته ورسیدل چې نور د محدودې اتومي جګړې دوران پای ته رسیدلی دی اوس دوی باید بله پالیسی طرح کړي ، دوی دې نتیجې ته ورسیدل چې د اپالیسی باید د اتومي الستیکی جګړې پالیسی وي . د اتومي الستیکی جګړې پالیسی مرام دادی چې نور نو د امریکې د متحده ایالاتو دولت نشي کولای چې هر چیرې او هر وخت کي اتومي جګړه پیل کړي ، د اتومي الستیکی جګړې پالیسی سیمه او وخت محدود وو، ددې پالیسی لوی طرح کوونکی جنرال مارشال ډیوید ایزنهاور دی، جنرال مارشال چې د کوریا په جګړو کې د امریکې د پوځ مشر وو او د خلی و غوښتل چې د الستیکی اتومي جګړې څخه کار واخلی خو په هغه وخت کې د شوروي اتحاد مارشالانو دا په ډاګه کړه چې که د امریکې متحده ایالاتو نه اتومي وسله پر کوریا استعمال کړي نو د شوروي سوپوځ به یې تفاوته پاته نشي ، همدغه اخطار وو چې د پورته جنرال (مطلب امریکائی جنرال دی) د کوریا په جګړه کې پورته پالیسی عملی نکړای شوای . د کوریا د جګړې د پای ته رسیدو نه وروسته ورو ورو د شوروي اتحاد او د امریکې د متحده ایالاتو اتومي قوت سره مساوی شو نو په دې وخت کې یو محل بیا د امریکې د متحده ایالاتو اتومي پالیسی بدله

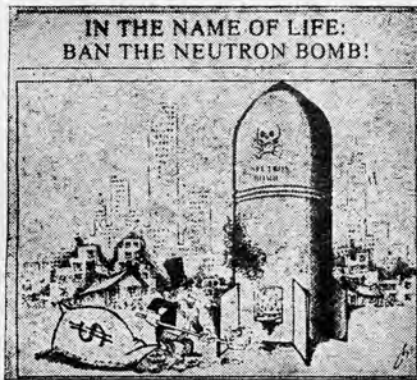


کله چې یوه ځوانه مور د نیو تروني بم دمخ نیوی پرسند لاس لیک کوي او دريگن د حکومت څخه غواړي چې نیو تروني بمونه جوړ نکړي



ایالتونو اتومي پالیسی په درو مرحلو کې را څرګنده شوه چې موږ درې سره مرحلې دلته لیکو .

۱- د نامحدودې اتومي جګړې پالیسی: د ۱۹۴۸ کال په دوران کې د اپالیسی د امریکې د وخت جمهور رئیس هاري ترومن او ډیویډ ایزنهاور له خوا ومنل شوه، ددې پالیسی د اعلانولو مانداوه چې د امریکې دولت کولای شي هر چیرې او هر وخت وغواړي اتومي جګړه پیل کړي، د بریتانیا د وخت صدر اعظم چرچیل غوښتل چې ددغه پالیسی څخه د شوروي اتحاد په ضد ګټه واخلی، چرچیل غوښتل چې د امریکې جمهور رئیس هاري ترومن ته د شوروي اتحاد په ضد د اتومي جګړې بلنه ورکړه ، چرچیل به تل خپلو انځورونو ته ویل چې تردې د مخه شوروي اتحاد خپل اتومي ازماينست سر ته ورسوي باید دهغوی تولى اتومي کارخانې بمباري شي ، حتی چرچیل دا هیله هم لرله چې د شوروي اتحاد دولت دې بیخي دښمنی له مخ څخه ورک کړل شي ولی وخت د شوروي اتحاد او سوله غوښتونکو کړیو په ګټه تیریدی که د امریکې په متحده ایالتونو کې وه او که په بریتانیا او یا اروپا په بله کومه سیمه کې خلک د سولې غوښتونکی وه ، خلک د جګړو څخه ستړی شوي وه ، خلکو د عادي جګړو حوصله لاهم نلرله نو د امپریالیسم د نامحدودې جګړې توان حتی پخپله په امپریالیسم کې نه وو پاتې .



امپریالیستان په دې عقیده دي چې نیو تروني بمونه یوازې ژوندی موجودات وژني نه انسانی تمدن نوځکه موږ ورته خوشحال یو

د اتومي شانناژ ترڅنګه د ترومن حکومت په مایکرو-لوژیکی جګړو لاس پورې کړ او ۸۱ مجلسي د شوروي اتحاد په ضد ددغې جګړې نه کار واخیست ، سره ددې چې په دغه دوران کې اتومي وسله یوازې د امریکې د دولت په انحصار کې وه خو د نړۍ خلک ددغې وسلې نه نه ویریدل، د امریکې د دولت اتومي غاښ چپچنی بیله کومې نتیجې پاتې شوي ، د ۱۹۵۰ کال په نیمايي کې شوروي

شوه نودادی چی ۱۹۶۵ کلو نو په دوران کی دمحدودی اتومی جگړی پالیسی پیل کیږی .

۲ - دمحدودی اتومی جگړی پالیسی :

کله چی په اتومی وسلو کی دشوروی اتحاد او امریکی تومنځ د اتمی وسلو تله (توازن) سره نږدی کیږی نو د پنتاگون واکداران اود امریکی سیاسی لارښوونکی په نوی پالیسی باندی کارکوی او په دی ترتیب د ایستیکمی اتومی جگړی دوران پای ته رسیږی اود دمحدودی اتمی جگړی دوران پیل کیږی .

پورته پالیسی دجان . اف . کنیدی په دوران کی طرح او ترتیب شوه او جانسن هم ددغه پالیسی نه کار اخیسته کله چی (۱۹۶۸) دویتهام جگړو شدت وموند نو گولد و اتر او دهغه پیرو جورج بوش چی اوس د امریکی د متحده ایالتونو د جمهورر رئیس مرستیال دی ، دلیندن جانسن غځه وغوښتل چی ویتنام په اتومی گولیو بمباری کړی که غه هم دلیندن جانسن اشتهما (سیل) دگول و اتر او جورج بوش غځه لږنه وه ، خود جانسن جرئت دومره نه وو چی اتومی وسله په ویتنام باندی استعمال کړی ، لکه دشوروی اتحاد لارښوونکو جانسن ته اخطار ورکړی وو چی باید د اتومی وسلی استعمال غځه ډډه وکړی .

دنکسن او جیرالد فورډ دورانونه تقریباً آرام تیر شول ، دنکسن په دوران کی د امریکی متحده ایالاتو نو په ویتنام کی حتمی ناکامی ته غاړه کښیښودله او په دی ډول



نیو ترونی بمونه مه جوړوی

د امریکی پوځ وروسته له پهنلسر کلو نو جگړو دویتهام نه وشړل شول ، دواتر گیت درسوانی نه وروسته کله چی نکسن د سپینی ماڼی پریښو لو ته مجبور شو نو دهغه پرغهای جیرالد فورډ کښینی ، دجیرالد فورډ په دوران کی هم دپورته پالیسی په باب غه نه ویل کیدل ، کله چی کارتر د امریکی د جمهورر رئیس په توگه ټاکل کیږی نو دادی چی بیاد اتومی جگړی ډول وهل کیده او هغه نسبی ارامه دوره چی دنکسن او فورډ په دوران کی تیره شوی وه دناغای شوره سره مخامخ شوه ، د امریکی خلکو د لږمودی دپاره د اتومی جگړی په باب غه نه اوریدل خو کله چی جیمی کارتر د ۵۹ نمبر دیرکتیف لاسلیک کوی نو دمحدودی اتومی پالیسی دوران بیا را ژوندی شو .

دمحدودی اتومی جگړی دپالیسی عمده هدف دادی چی اتومی جگړه دی دملکی ښارونو غځه بهر په داسی محایو کی وشی چی هلته ددځمن پوځهای پرغهای شوی وی . دالستیکی اتومی جگړی وخت محدود وو خو دمحدودی اتومی جگړی وخت محدود نه دی . کیدای شی چی محدوده اتومی جگړه په دوامداره توگه سرته ورسیری خو یوازی د اتومی بمونو د استعمال محای محدود شوی دی چی په دی ترتیب دغه ډول پالیسی دمحدودی اتومی جگړی دپالیسی نوم اخیستی دی .

اوس به موږ لږ تر لږه درین اود دمحدودی اتومی جگړی دپالیسی په باب څو کرښی ولیکو .

ریکن دتکساس د کوبائی فلمونو تکره لوبغاری دی ، دا ښاغلی دآسونو په سواری او دتفننگچی په ویشلو کی خاص مهارت لری هغومره چی د کوبائی فلمونو په جوړولو کی ئی مهارت درلوده هغومره بیاد نږی دسیاسی وضعیت په بیژندلو کی ټنبل دی .

کله چی رونالد ریکن دجمهوری ریاست دخو کی نیولو دپاره مبارزه کوله نو د امریکی خلکو ته ئی وعده ورکول چی دی به دبری نه وروسته د امریکی ددفاع وزارت (پنتاگون) پوځی لگښت راتیټ کړی او په مقابل کی به ئی دنورو وزارتونو (روزنه ، روغتیا اونور) لگښت لوړ کړی ، خو کله چی دی ښاغلی دجمهوری ریاست څو کی ونیوه نو دخپلو وعدو پر خلاف ئی دپنتاگون لگښت لوړ کړ او په مقابل کی ئی دنورو وزارتونو لگښتونه راتیټ کړل د بیلگی (مثال) په ډول اوس دچینو خیر غوښتونکو موسسره هغه لگښتونه گورو چی ۱۹۸۲ کال دپاره دهغوی بودجه را ټیټه شوی ده .

— دڅدائی موادو د لگښتو نو بودجه په ۱۹۸۲ کال کی دوه ملیارده اوشپږ سوه ملیونه ډالره راتیټه شوی وه خو په راتلونکو کالونو کی به دارقم دری ملیارده اوشپږ سوه ملیونه ډالرو ته ورسیری .

چي دنهي دسياسي ڊگر قهرمان شي ، خو په تأسف سره بايد وليکو چي د فلمي لوبو او سياسي لوبو ترمنځ لوي واټن پروت دي .

هغه وسيله چي نن ريگن مآرقي نهي او دهغه په سرکي دشوراگانو دولت به ويروي دنيوتروني وسلو په نوم ياد يږي ، که څه هم نيوتروني وسلو د جوړولو امپريالستي وياړ د ايزنهاور اوجان ، اف ، کينيدي په برخه دي خودادي دازنهار (لعتني هار) نن دريگن په غاړه شوي دي دنيوتروني وسلې جوړولو پلان په ۱۹۵۸ کال کي د ساموئل کوهين (يو امريکائي فزيک پوه) له خوا د پويده ايزنهاور دولت ته وړاندي شو ، ساموئل کوهين په دي پلان کي دولت او خصوصاً د پنتاگون د واکدارانو څخه غوښتنه کړي وه چي د اتومي او هايډروجنې وسلو لپاره بايد د نيوترون وسلې ونيسي ، ځکه د نيوترون وسلې د تخريب له نظره د اتومي او هايډروجنې وسلو څخه سپکي دي ، د نيوتروني وسلې بل خاصيت دادي چي يوازي ژوندي ژوي او انسانان وژني خو په عام ډول انساني تمدن (مطلب تخنيکي وسايل ، فابريکي ، کورونه ، پلونه او نور له مينځه نه وړي) . د انو امپريالستانو د پاره پوره بڼه وسله وه ، ځکه دوي خويوازي د مآرقي بشر دشمنان دي (البته دلته بيا هم مطلب ټولنيز ترقی زموږ مطلب دي نه تخنيکي) او غواړي چي د ميکي مخ د سوله غوښتونکو او مترقي بشر نه پاک کړي ، خرد دغه بشر په کورونو کي بايد دوي لپاره پرځای شي .

د نيوتروني وسلې کار په ۱۹۵۸ کال کي پيل شو او په ۱۹۷۵ کال کي معلومه شوه چي د امريکي پوځ د يرش سپريټ ډوله توغندي لري چي هر يوي ي په څو کيلو تنډ نيوتروني سرگلولي باندې سمبال شوي دي ، دا توغندي د شمالي ډاکرتا د ايالت د گرین فورک په هوائی اډه کي لپاره پرځای شوي وه (په دي پتاراز باندې يوازي د امريکي دولت وخت جمهور رئيس او د پنتاگون محيني واکداران خبر وو) .

د امريکي جمهور رئيس مرستيال جورج بوش د لوس انجلس ټايمز دورځپاڼي د پوښتنې په جواب کي داسي وويل «موږ به په اتومي جگړو کي بريالي شو» .

ددې څخه دا څرگنديږي چي امپريا لستان اتومي جگړي ته تيارې نيسي که داسي نه وي نو څرنگه کيدا ي شي چي د امريکي د متحده ايالاتو د جمهور رئيس مرستيال ياهه بله ژبه د امريکي دولت دوهم نفر داسي بيا کانه محاب وورکړي چي موږ په اتومي جگړه کي بريالي شو .

دا يوازي بناغلي جورج بوش نه دي چي د محدودې جگړې ناري سوري ئي پيل کړي دي ، دده ترڅنگه هيک د امريکي د بهرنیو چارو وزير او کسپارو ونيوگر هم ولاړ دي ، (پاته په ۳۸ مخ کي)



— د ټولنيز امنيت د بودجي څخه په ۱۹۸۲ کال کي او ه سوه مليونه ډالره او په راتلونکي کلونو کي يو بيليارد او او ه سوه مليونه ډالره .

— د درملو د جوړولو په بودجه کي په ۱۹۸۲ کال کي يو بيليارد ډالره .

— د مينډو او کورچنيانو دروغتيا د ساتني د بودجي څخه په ۱۹۸۲ کال کي يو بيليارد او او ه سوه مليونه ډالره ريگن د پنتاگون پوځي بودجه چي په ۱۹۸۰ کال کي ۱۳۶۵ بيليارد ډالرو په شاوخوا کي وه د ۱۹۸۱ کال د پاره ۱۸۱- بيليارد ډالره قبوله کړه او د ۱۹۸۲ کال د پاره ممکن د ۲۱۰- بيلياردو ډالرو په شاوخوا کي وسني ، چي په دي ترتيب گرانو لوستونکو ته دريگن دوه مخي (دوروي) جوته کيږي .

که څه هم د دوهمي نويوالي جگړې را پديخوا د امريکي د متحده ايالتونو جمهوري رئيسانو د ترومن څخه نيولي بيا د جانسن او کارتر پوري ټولو د وسلو د سياسي څخه خوند اخيستي او امپريالستي پاليسي ئي پرمخ بيوله خو بناغلي ريگن له دوي ټولو نه ترمنځه دي ، بناغلي ريگن په سياست کي هم فلمي هيلي لري لکه څنگه چي د يوه کوبائي فلم لوبغاړي د فلم قهرمان وي دادي نن ريگن غواړي

جاپان در راه میلیتاریسم

اخراج یک تعداد نمایندگان پارلمان از حزب لیبرال
دموکراتیک تشکیل گردیده است .

۳ - حزب سوسیالیست جاپان ، یکی از جمله احزاب
مقتدر اپوزیسیون بوده در سال ۱۹۴۵ تشکیل گردیده که
متکی بیک قسمت از کارگران و قشر متوسط جامعه بوده
و موضع گیری ضد امپریالیستی و ضد مونوپولستی دارد .
رئیس حزب ، ای ، اسوکاتا و منشی عمومی حزب سوسیالیست
جاپان ، س تاکایا ، میباشند .

۴ - کومیئته (حزب پاک و خالص سیاست) در سال
۱۹۶۴ تشکیل گردیده و ارتباط مستقیم با سازمان بودائی
داشته ، اساس اجتماعی این حزب از قشر نیمه پرولتاری
و خورده بورژوازی تشکیل یافته است .

۵ - حزب سوسیالیزم دموکراتیک : در سال ۱۹۶۰
اثر اخراج گروپ رفرمیست های راست حزب سوسیالیست
تشکیل گردیده و مورد حمایت و پشتیبانی سازمان های راست
قرار دارد .

۶ - حزب کمونست جاپان : در سال ۱۹۲۲ تشکیل والی
ختم جنگ دوم جهانی بصورت غیرعظمی مبارزه مینمود .
حزب کمونیست جهت ساختن یک دولت دموکراتیک در
قدمه اول به ساختن جبهه متحد ملی مبارزه میکند ، رئیس
کمیته مرکزی حزب کمونست ، س ، ناسا کار رئیس هیئت
رئیس کمیته مرکزی حزب کمونست ، م ، سیامتا ، و رئیس
دارالانشأ کمیته مرکزی حزب کمونست جاپان ، ت ، فووه
میباشد .

درین اواخر در محافل رسمی توکیو اکثرآ سوالاتی
 مطرح میشود که چطور میتوان رول سیاسی کشور را با در
 نظر داشت نیروی اقتصادی آن به پیش برد - یعنی چگونه
استقامت سیاسی کشور را با نیروی اقتصادی قوای آن
 تعیین کرد ، حقیقتاً ، اقتصاد کشور در سالهای اخیر به مرحله
 عالی رشد و انکشاف نموده است در حال حاضر جاپان از نگاه
 تولیدات صنعتی مقام دوم را در جهان کاپیتالیزم حائز میباشد .
 محافل راست جاپان بلند رفتن رول سیاسی کشور خود را
 بطور دیگری فکر نمیکند بجز از طریق بلند بردن سریع
 مصارف نظامی در اتحاد با ایالات متحده امریکا یعنی صرف
 با بلند بردن مصارف نظامی در اتحاد با امریکا میتوان رول
 سیاسی کشور را بلند برد . این چنین تفکرات و عقاید در بسیاری
 از اسناد رسمی دولتی ، پیشنهادات ، و بیانات شخصیت های
 برجسته کشور تحریر و ثابت گردیده است .

موضع گیری و اشنگتن و توکیو در ساحات نظامی و سیاسی
 از ملاقات اخیر امریکا و جاپان که بسویه عالی در ماه می
 ۱۹۸۱ دائر گردیده بوضاحت فهمیده شده میتواند درین
 ملاقات برای اولین بار روابط بین ایالات متحده امریکا و
 جاپان خصصت اتحاد و همکاری نزدیک را بخود گرفته است .

جاپان کشوریست در آسیای شرقی که از ۴ جزیره
 ها کایدو ، هانسو ، سیکوکو ، کیوسو و همچنان از جزایر
 متعدد خورد و بزرگ متشکل گردیده است . مساحت خاک آن
 ۳۷۲۲ هزار کیلومتر مربع بوده ۱۱۵۲ میلیون نفر نظر به
 احصائیه (۳۱ ۱۹۷۹۳ در آن زندگی دارند که ۹۰٪
 باشندگان جزایر مذکور را جاپانی ها تشکیل میدهد . زبان
 رسمی کشور ، جاپانی بوده از مذاهب بودائیسم و سنتوئیسم
 پیروی میکنند .

انقلاب بورژوازی ، مهیدزی ، ۱۸۶۷ رشد کاپیتالیسم
 را در جاپان اساس گذاشت بعد از شکست قوای جاپان در
 جنگ دوم جهانی ۱۹۴۵ از دست قوای متحدین در آن نقش
 اردوی شوروی زیاد تر بود ، یک سلسله تغییرات در حیات
 اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان جاپان بوجود پیوست که به
 اساس آن قسمت بزرگ زمین زمینداران بین دهقانان
 توزیع گردید .

اما با زهم قدرت بدست بورژوازی که تحت حمایت مستقیم
 ایالات متحده امریکا قرار داشتند باقی ماند . قانون اساسی
 کشور تدوین و نافذ گردید . که به اساس آن داشتن قوای
 مسلح و پیشبرد جنگ با یکی از کشورها برای جاپان منع
 قرار داده شده است .

جاپان ، کشور شاهی مشروطه بوده در قانون اساسی
 امپراطور بحیث سببول وحدت دولت و مردم قبول شده است .
 قدرت دولتی توسط پارلمان کشور (که متشکل از مجلس
 نمایندگان ۵۱۱ نماینده و مجلس مشورتی ۲۵۲ نماینده
 که برای مدت ۴-۶ سال میباشند) تعیین میگردد .
 قدرت اجرایی به کابینه وزرا که توسط صدراعظم
 تعیین میگردد تعلق دارد .
 احزاب سیاسی کشور جاپان .

۱ - حزب لیبرال دموکراتیک : در سال ۱۹۵۵ تشکیل
 گردیده و طرفدار منافع و علاقه مونوپول ناپیتالیستی
 میباشد ، رئیس حزب مذکور ، م ، او هیرا میباشند .
 ۲ - کلوپ جدید لیبرال ها ، در سال ۱۹۷۶ در اثر

در مورد اتحاد و اشتنگتن و توکیو در ائتائیکه اداره رونالد ریگن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا روش ضد شوروی را به پیش گرفته روزنامه «اساهی» چنین نوشته بود.

«روش ایالات متحده بدان معنی است که هرچه فعال تر وجدی قرجاپان را به ستراتیژی ضد شوروی ایالات متحده بکشاند و این بهانه بزرگ دیگری بخاطر تحکیم همکاری شان در ساحات، نظامی، اقتصادی و سیاسی میباشد».

در جریان ملاقات جاپان تعهد سپرد که نیروی خود را به بخاطر بلسند بردن قدرت دفاعی چه در داخل جاپان، چه در آب های ساحلی و چه در فضا بلند ببرد. روی این منظور چندی قبل ژورنال «فاراستون» اکنون میک ریوی «چنین نوشته بود: جاپان در ده سال اخیر بطور قابل ملاحظه ای از ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای ناتو سبقت بسته است. درین مدت مصارف نظامی در بودجه دولتی جاپان به مرتبه زیادتر گردیده و همچنان رشد سریع مصارف نظامی در سال ۱۹۸۱ نیز در نظر گرفته شده است که بدین ملحوظ در بودجه اداره دفاع ملی (وزارت دفاع) در سال مذکور ۷۶۱ فیصد نسبت بسال گذشته افزودی بعمل آمده به همین علت بودجه وزارت دفاع به ۲۴ تریلیون ین بالغ میگردد.

در جروبحث چنین مسایل اکثر کارمندان اداره دفاع ملی، جنرال های باصلاحیت و دیگر مامورین پر قدرت جاپان که در شغل نظامی غرق میباشند طرفدار بوده و در مورد پافشاری مینمایند.

زیرا تولید و فروش اسلحه عاید زیادی را برای مالکین فابریکات و دیگر مانوپولیس ها ببار میآورد. جامعه نمایندگان پارلمان که بخاطر ساختن قانون اساسی مستقل مصروف باشند و در صفوف آن ۲۵۰ عضو پارلمان و همچنان ۱۸ عضو دولت امروزی شامل بوده کار و فعالیت خود را روی مسایل رایایی جاپان جهت تسلیحات استوار ساخته است.

هدف و بهانه اساسی برای مرتجعین راست در جاپان ماده نهم قانون اساسی میباشد که در آن جنگ بچیث وسیله سیاست ملی منع قرار داده شده است. درین ماده چنین آمده که جاپان هیچگاه قرای زمینی، و قوای بحری و مدافعه هوائی را تشکیل نخواهد داد خاصتاً امروز که به اثر تشویق و اشتنگتن و بیکن زمامداران جاپان سیاست مسابقات تسلیحاتی را که خصمت عمیق تجاوزگرانه دارد، قانون اساسی موجوده و خاصتاً ماده نهم آن مانع بزرگ و برضد طرفداران مف-کوره ملیتاریستی جاپان است که می خواهند جاپان را به ملیتاریسم سوق دهند چنانچه صدراعظم جاپان د. سوزوکی چنین اظهار داشته: «وقت آن فرارسیده که تدابیر و رویه عملی در مواد قانون

اساسی اخذ گردد» از یک طرف بچیث دولت باید قانون اساسی را احترام و حفظ کرد و از جانب دیگر بچیث حزب بر سر اقتدار به تجدید نظر آن اقدام کرد» البته به چنین بیانات و اظهارات رهبر دولتی از طرف بسیاری از شخصیت های بر سر اقتدار جاپان خاصتاً از طرف مامورین اداره دفاع ملی به گرمی استقبال شد.

امر اداره دفاع ملی فوراً چنین اعلان کرد. قانون اساسی به جاپان داشتن سلاح تکنیکی اتمی را اجازه میدهد. چند روز بعد از صحبت همکاری بزرگ خود امر شعبه دفاعی اداره دفاع ملی «سو نوده» در دیوارهای پارلمان چنین علاوه کرد:

«جاپان میتواند بخاطر دفاع، سلاح بکتريولوژی را داشته باشد و قانون اساسی، سلاح بکتريولوژیکی را برای جاپان منع قرار نمیدهد. در جریان همین رد و بندها کمپنی های مشهور جاپان، از سابق سلاح و مهمات را به کشورهای دیگر صادر میکنند. به اساس ارقام ارائه شده در مطبوعات جاپان مؤنپولست های جاپان در سال ۱۹۷۹ انواع مختلف سلاح و مهمات را به مبلغ ۲۳ میلیاردین به کشورهای دیگر بفروش رسانیدند. که این ارقام پنج مراتبه بیشتر از فروش اسلحه سال ۱۹۷۸ و ۱۵ مراتبه زیادتر از سال ۱۹۷۷ میباشد.

در جمله تخنیک و اسلحه فروخته شده هیلیکوپترها، کشتی های ترانسپورتی، نظامی، طیارات C-L و سایل مخابرات، تفنگ، مهمات و غیره شامل میباشد.

در چشم پوشی از قانون اساسی که صدور اسلحه را بخارج منع قرار داده مؤنپول صنعتی نظامی - بصورت وسیع ارسال و فروش اسلحه و تخنیک نظامی را بخارج گاهی بصورت پرزه پرزه و گاهی زیر موتورها و دیگر تخنیک های زراعتی مشق و تمرین مینمایند و چنین وانمود میکنند که گویا این تخنیک و پرزهجات به مقاصد ملکی استفاده میگردد. و بصورت فعال از چینل دیگری از شعبات جداگانه فابریکه ها و کمپنی های جاپان که در خارج از جاپان میباشد نیز تولید استفاده میگردد مثلاً کمپنی «فوردزی» در فابریکه چمانان (جنوب کوریا) سلاح و مهمات نظامی تولید مینماید که از انجا - رژیم دست نشانده جنوب کوریا جهت سرکوبی نهضت های دموکراتیک استفاده میگردد.

فابریکه تولید کننده سلاح و مهمات (می سوئی شی) تولیدات نظامی خود را از طریق کمپنی دختر خود که در هانگ کانگ است بفروش میرساند.

درین اواخر به تولیدات این کمپنی که تقریباً سوم حصه بازار فروش اسلحه جاپان را کنترول و در انحصار خود دارد رهبران پیکن علاقه مندی خاصی نشان میدهند.

مؤنپول نظامی - صنعتی جاپان امروز در حدود ۲۲۰۰ فابریکه مختلف را بخاطر تولید اسلحه مصروف ساخته است.

و این همان نیرویی می باشد که بصورت پایدار کشور را بره
میلیتاریستی سوق میدهد .

رئیس یکی از بانکهای پیشقدم جاپان - میسوتی - بنام
گک - کویامه - که زیاده تر رشته های نظامی را سرمایه -
گذاری میکند چنین میگوید :

« لازم است با جدیت و بزودی به تجدید نظر کردن قانون
اتاسی اقدام کرد » رئیس مجلس صنعت تجارت جاپان
میگوید « اکنون وقت آن فرارسیده که منع صدور اسلحه
از بین برده شود » با تحلیل سیاست خارجی جاپان درین
اواخر نمی توان گفت که این کشور بصورت فعال و عمیق
به سیاست هژمونستی و غارتگرانه واشنگتن پیکن که بر
ضد رفع تشنجات بین المللی ، برضد خلع سلاح است و در
متشنج ساختن این یا آن منطقه سهم فعال دارد کشانیده
شده است .

عنصر اساسی سیاست ضد صامح و ضد خلع سلاح - انٹی
سویوتیزم - (ضد شوروی) بودن است در خاک جاپان در
حدود ۱۴۰ پایگاه نظامی و ساختمان های پنتاگون و در
حدود ۵۰ هزار سرباز ایالات متحده امریکا بود و باش
دارد. اکنون واشنگتن از توکیو اقدام های جدید و مشمری
بخاطر نزدیکی هر دو کشور در ساحه نظامی تقاضا دارد
طور مثال - پنتاگون بصورت پایدار و جدید تقاضا دارد که
جاپان رول ایالات متحده امریکا را در آسیا و حوزه
اوقیانوس آرام عوض کند. یعنی جاپان را به وسیله سرکوبی
نهضت دموکراتیک که قبلا ایالات متحده اجرا میکرد تبدیل
نماید. اداره ایالات متحده امریکا بصورت بیشرمانه به
این موضوع پافشاری میکند که جاپان «خدمت بزرگ» را
در مسابقات تسلیحاتی کشورهای غربی که از طرف اکثریت
مخالف ارتجاعی امپریالیستی تشویق میشود رشد و انجام
دهد .

مالیده دهندگان - (اجاره کننده گان) جاپانی زیاده از
۴۱ میلیارد ین را در سال ۱۹۸۱ بخاطر بود و باش نظامیان
ایالات متحده در جزایر جاپان خواهند پرداخت . که این ارقام
۱۲ فیصد زیاده تر از مصرف سال ۱۹۸۰ می باشد .

در بودجه نظامی جاپان برای سال ۱۹۸۱ تخصیص
مشخص و زیادی بخاطر پیشبرد تطبیقات مشترک قوای
مسلح جاپان و ایالات متحده امریکا که بعد ازین همه ساله
بصورت دوامدار پیشبرده خواهد شد در نظر گرفته شده
است .

در خصوص اینکه کدام جهت این « معاهده » تجدید نظر
خواهد شد پلان پیشنهاد شده از طرف رئیس شو - رای
مطالعات پرابلم های دفاع ملی در جامعه نمایندگان پارلمان

(۱) میهارا ، پیشنهاد میکند که تاثیر مراد « معاهده امنیت »
را که صرف در مناطق « شرق دور » انتشار میکند از بین
برند و ساحه تاثیر این معاهده را در بحر هند و خلیج فارس
انکشاف دهند .

همچنان میهارا ، بصورت احمقانه میخراهر به اساس
این معاهده « اتحاد نا مقدس را بین دو کشور مقتدر
امپریالیستی که بدو طرف اوقیانوس آرام قرارداد است حکام
بخشد » آگاهان ارگان کمیته مرکزی حزب کمونس جاپان
چنین نوشته بود که « اتحاد ایالات متحده امریکا و جاپان
خصلت و استقامت غارتگرانه ای را روز تار و زکسب نموده و وضع
را تشدید میبخشد » حتی کار به آن حد خواهد کشید که
باساس این اتحاد قانون هایی وضع خواهد شد که جاپان
مجبور آدر جنگی که ایالات متحده امریکا چه در اروپا
و چه در شرق میانه شروع کند یکجا با ایالات متحده امریکا
بدون آنکه خود جاپان تحت حمله قرار بگیرد شروع کند.
آمادگی برای این کار فعلا نیز شروع شده است .
در ادارات نظامی پیشنهادات و جرو بحث های زیادی
بخاطر تهیه و ترتیب قانون در خصوص « بر قوع پیوستن
وضع اضطراری » پیشبرده میشود .

روز نامه علاوه میکند آنها در نظر دارند تمام
فعالیت های آزاد قوای امریکائی را در جاپان تأمین
نموده و در پهلوی خود جاپان را نیز درین کار شریک
سازند . تا توانسته باشند تمام ثروت حیاتی کشور را به
مصارف و ضرورت های نظامی شان به مصرف رسانند .

در سیاست جاپان سیاست هژمونستی چین که بصورت
بی شرمانه ناگزیر بودن جنگ جدید جهانی را اعلام میدارد
و در عین زمان در عرصه جهانی نیز سیاست ضد صلح را
پیش میبرد تاثیرات ناگواری باقی گذاشته است . این
تمایل خاصیتاً بعد از عقد معاهده دو جانبه چین و جاپان در
ماه اگست ۱۹۷۸ خطر جدی را برای صلح و امنیت آسیا
به ارمغان آورده است. رهبران چین تلاش دارند بودجه
نظامی جاپان را دو چند ساخته و بیک قدرت بزرگ نظامی
تبدیل نمایند تا توانسته باشند یکجا با دیگر کشورهای
امپریالیستی و چین برضد اتحاد شوروی سد بزرگی را در
مبارزه آن بخاطر صلح بار آورند . درین اواخر اکثر آدر
مطبوعات جهان امکان ساختن اتحاد مثلث نظامی سه جانبه
ایالات متحده امریکا ، چین و جاپان پیشبینی و انتشار می یابد.
به حمایت و پشتیبانی حاکمان دولتی موجوده جاپان
در این اواخر تبلیغات وسیع ضد شوروی پخش گردیده

دمحدودی اتومی جگړی پالیسی

(د ۳۴ مخ پاڼی)

کسپار وینبرگر تل پردی خبره تینگار کوی چی نیوترونی وسله دی داروپا په خاوره که بخای پرخای شی . که غه هم د امریکی پخوانی جمهور رئیس جیمی کارتر د دوهم سالت پیمان (دستراتژیکی وسلو محدودولو پیمان) لاسلیک کړ ، خو په عمل کی ئی دهغه پر ضد عمل وکړ څکه کارتر د ۱۹۷۸ کال په اکتوبر کی امر وکړ چی دلانس د توغندی د پاره دی - ۳۵۰ - نیوترونی سرگلولی جوړی شی دلانس توغندی بوتکتیکی خطر ناکه توغندی ده چی د ۱۲۰۰ - کیلومترو اتن څخه اورکوی ، د امریکائی ابروس توپرونو د پاره هم داسی مرمی جوړی شوی دی چی نیوترونی سرگلولی لری او - ۲۰ - کیلومتره واتن څخه اورکوی .

پنتاگون د راتلونکی وخت د پاره لوی لری پلانونه لری ترڅو لوی دستراتژیکی توغندی او او بتلونه (تحت البحری) جوړکړی او په اټکل شوی اتومی جگړه کی دهغه نه کار واخلی ، د راتلونکی کال د جون تر میاشتی پوری به پنتاگون داسی قوی او بتل و لری چی د کروز ډوله ډیر لوی توغندی به وړلای شی ، دا ډول توغندی به د (۱۱۲۶) کیلومتره واتن څخه اورشی . د ۱۹۸۴ کال تر نیمائی پوری به پنتاگون داسی قوی او بتل و لری چی هغه به ډیر لوی تامهوک ډوله توغندی و وړلای شی د اتوغندی کولای شی چی د - ۲۱۷۰ - کیلومتره واتن څخه اورشی .

داده دباغلی ریگن دمحدودی اتومی جگړی پالیسی ، هرا د هغه ریگن دی چی د انتخاباتو په مبارزه کی ئی دسولی د تینگیت اوساتلو ناری وهلی خو دادی په عمل کی د بشر په سرنوشت کی لوبی کوی ، خویوشی باید د پاره ونه باسو هغه دا چی په اتومی جگړه کی هیڅوک بری لاس ته نشی راوړلای څکه اوس په اتومی گد امونو کی دومره نمونه زیرمه شوی دی چی کولای شی پنځلس محلی داخا ورینه کوره ایره کړی ، خو د بشر د پاره یوازی یو محل کفایت کوی چی د اتمدن ابری شی اود بشر نسل له مینځه ولاړشی ، اتومی جگړه یوازی د بشر تباهی ده اوس . دمحدودی اتومی جگړی پالیسی بیخی لیون توب دی .

وجریان دارد . هدف این تبلیغات آنست تا توانسته باشند تخم نفرت بر ضد شوروی را در بین مردم جهان کاشته و بدین ترتیب تحت شعار « تهدید شوروی » بتوانند میلیتاریسم را در جاپان تقویه بدهند .

برای مردم جاپان اعلانات رنگارنگ که در آن سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی تحریف و تهمت های ناحق را بصورت بیشرمانه بهتان بسته بمردم خود به ارمغان پیشکش میکنند . بزرگترین مطبوعات جاپان خوانندگان خود را چنین معتقد میسازد که گویا نفرت بر ضد شوروی خصلت ذاتی جاپانی ها بوده و ریشه های عمیق تاریخی دارد . با اساس دکترین نظامی جاپان اتحاد شوروی یگانه دشمن بزرگ جاپان اعلان گردیده است .

ولی مردم جاپان واقعیت ها را فهمیده اند و میدانند که دوست شان بخاطر تامین صلح کیست و جنگ افزوزان کیانند ؟

این فیصله موجب آن شده که انقی سر ویتیزم « ضد شوروی » بودن در سیاست دولتی جاپان بدرجه عالی خود برسد . ولی به یقین که تعقیب این سیاست برای کشور و ملت جاپان زیان آور است .

میلیتاریسم سابق چه اندازه فقر و بدبختی را به خلق جاپان به ارمغان آورد جنگ دوم جهانی حتی تا امروز برای انسانهای با درک و صلح خواه یک بار دیگر بیاد میاورد که دیگر در باره هیروشیما و ناگاساکی فکر نموده و خطر آینده میلیتاریزم و تسلیحات را بسنجند .

لئونید بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ۲۶ کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در خصوص روابط جاپان ، شوروی چنین بیان داشت . « در سیاست خارجی جاپان نقاط منفی وضعیفی دیده میشود که بازی با پلان های خطرناک و واشنگتن و پیکن بوده و نهایت به میلیتاریسم میباشد .

ما نمی گوئیم که این حرف قطعی توکیو است امیدوار هستیم که آنها عاقبت این موضوع را بینابینشند و در منافع حیاتی خود فکر کنند . اتحاد شوروی مانند سابق همیشه آرزومند دوستی و حسن همجواری و روابط نیک با جاپان میباشد . »

افشای جنایات امپریالیزم ایالات متحده امریکا و شوو نیزم عظمت طلب چین در افغانستان و جهان

احساسات به جهت منافع پلید خود بهره برداری نمایند . آنها باند های آدمکش و خرابکار را در پاکستان تربیه نموده و آنها را مجهز با انواع اسلحه حتی بم سمی و زهر دار بوطن محبوب ما کسپیل میدارند . این اجبران فروخته شده به وحشیانه ترین اعمال ضد انسانی دست زده باین ترتیب میخواهند موانع و مشکلات در راه تطبیق ارمان های انقلاب بوجود بیاورند .

بیش از اینکه به افشای بیشتر اعمال خاینانه امپریالیزم جهان خوار ایالات متحده امریکا و همدستان مرتد چینائی شان علیه وطن محبوب و گرامی ما افغانستان پرداخته شود ، بد نخواهد بود تا در باره وضع نا بسامان و از هم کسپخته نظام فرتوت و پوسیده سرمایرداری و تباهی امپریالیزم روبه زوال جهانی بارهبران مرتد و خاین چین نکاتی چند ارائه شود .

پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر در روسیه به تسلط بی حد و حصر امپریالیزم خاتمه بخشیده و سر آغاز هم پاشیدن سیستم سرمایرداری در جهان گردید .

پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک سلسله از کشور های دیگر باعث ضعف امپریالیزم گردیده - سیستم جهانی سوسیالیستی را نیرو مند ساخته و پروسه پوسیده امپریالیزم و زوال کزیری آنرا تسریع و مسجل نمود . دول نو آزاد شده آسیا افریقا و امریکای لاتین به کشور های سوسیالیستی بخاطر سیاست انسان دوستانه و کمک های همه جانبه و بی قید و شرط شان - علاقمندی روز افزون نشان میدهند . تناسب نیرو هادر سطح جهانی روز تاروز به نفع نیرو های صلح و ترقی و سوسیا - لیزم تغییر جهت داده و سوسیالیزم جهان بیک قدرت عظیم و بزرگ بخاطر سعادت و رفاه بشریت در جهان مبدل گردیده است .

اما امپریالیستان ایالات متحده امریکا پایگاه های نظامی را در خاک کشور های دیگر ایجاد نموده و جنگ های اشغال گرانه را علیه ملل آزاد شده و نیرو های مترقی بر اه می اندازند . نیرو های تجاوز کار امپریالیزم ایالات متحده امریکا مسا بقه تسلیحاتی را دامن میزنند . طی سی سال گذشته مصارف نظامی ایالات متحده امریکا ۱۵ برابر افزایش یافته است و در نظر دارد که در سال آینده دوصدو بیست و شش هزار میلیون دالر را صرف مقاصد نظامی نماید . تحت فشار مستقیم امپریالیزم ایالات متحده امریکا جمهوری فدرال آلمان ، انگلیس - ایتالیا و دیگر کشور های وابسته به پیمان تجاوز گر ناتو باخریسد نمونه های جدید سلاح های مدرن و پیشرفته بیش از پیش مسلح میشوند . همچنان کشور های ارتجاعی و مزدور و ضد منافع توده ها که به امپریالیزم ایالات متحده امریکا وابستگی دارند تادندان مسلح ساخته شده علیه نیرو های صلح و ترقی ممالک خود شان و همسایگان شان قرار داده میشوند . رژیم صیهونیستی اسرائیلی طی ده سال اخیر به قیمت سیزده هزار و یکصد ملیون دالر سلاح و مهمات نظامی ایالات متحده امریکا جهت سرکوب نمودن جنبش مقاومت فلسطینی و دیگر کشور های مترقی عرب بدست آورده است در سال ۱۹۸۰ فروش اسلحه امریکائی به دول ارتجاعی به پانزده هزار و سه صد ملیون دالر بالغ گردید که نسبت به سال گذشته دوهزار و سه صد ملیون دالر اضافه بود .

پیروزی انقلاب شکوهمند ثور و خصوصاً مرحله نوین و تکاملی آن ضربه محکمی بر پیکر تب آلود امپریالیزم ایالات متحده امریکا و شوو نیزم عظمت طلب چین وارد نمود و از همان آغاز انقلاب ما مورد خشم و غضب این نیرو های شیطانی و جنگ افروزان بین - المللی قرار گرفت . این دشمنان قسم خورده بشریت که با پیروزی قیام ظفر نمون شش جدی کلیم منافع آز مندانه خود را در میهن پر افتخار ما برای ابد برچیده یافته و همه نقشه های شوم و ناپاک شانرا در مورد وطن محبوب و گرامی ما نقش بر آب دیدند - در یک صف نامقدس متحد شده جنگ پلید و ظالمانه ایرا علیه مردم و انقلاب ما بر اه انداختند . امپریالیزم ایالات متحده امریکا و رهبران مرتد چین مذبحخانه تلاش میورزند تا با تشدید این جنگ نامقدس مواضع از دست رفته خود رادر این نقطه سوق الجیشی جهان احیانموده و وضعیت سترا تیز یکی را در خاور میانه به نفع خود تغییر بدهند . ایالات متحده امریکا و چین با سیاست ضد بشری و شیطانی خود از احمال هیچگونه فشار و شانتاژ برای بی اعتبار ساختن انقلاب شکوهمند ثور و دست آورد های آن خود داری نمیکند . حلقه های امپریالیزم ایالات متحده امریکا و متحدین رسوای چینایی آنها بارها کوشیده اند تا مفکوره جهانیان را علیه ج . د . ا و انقلاب ثور مغشوش ساخته و واقعیت هارا در وطن گرامی ما منحرف جلوه دهند . امپریالیزم ایالات متحده امریکا و یاران چینائی آنها از هیچ نوع مداخله مستقیم و غیر مستقیم علیه توده های وسیع مردم ما ابا نمی ورزند . آنها با پخش پروپاگند های دروغین میخواهند احساسات ملی و مذهبی مردم ما را تحریک نموده و از یکن

در این اواخر زمامداران تازه بدوران رسیده قصر سفید اعلام کردند که به ارزش سه هزار ملیون دالر اسلحه ومهمات به اختیار رژیم منفور و ضد مردمی ضیاالحق میگذارند تا نقش ژاندارم ایالات متحده امریکا را در منطقه ایفا نماید .

جنگ های تجاوز گرانه خصوصیت مشخصه امپریالیزم بوده و از طریق اشغال وغارت دیگر کشور ها وملل میکوشند — ثروت خود بیا فزایند . این جنگ ها که توسط امپریالیزم دامن زده میشود . سال ۱۹۶۱ متجاوزین ایالات متحده امریکا جنگ جنایت کارانه وظالمانه ایرا علیه مردم قهرمان ویتنام — فروخته ۱۴ سال تمام با استعمال مخوفترین سلاح مرگبار به شمول بم های ناپالم — سلاح کمیایوی ومکروبی وبمباردمان های شدید توسط طیارات ستراتیژیک ۵۲ — بی ، این جنگ ظالمانه را ادامه دادند . طی این جنگ بیرحمانه جهانیان چهره ددمنشانه وسفاک امپریالیزم ایالات متحده امریکا راشناختند و در نهایت امر خلق قهرمان ویتنام پوز این به اصطلاح دول قدرت جهان امپریالیستی را به خاک یکسان نموده و پیروزی را از آن خود ساختند .

امپریالیزم ایالات متحده مذبحخانه تلاش نمود و اکنون نیز مینماید تا جلو پیروزی خلق های انگولا موزامبیک — ایتوپیا — یمن جنوبی — افغانستان — ایران — لاوس — کمپوچیا — کوریا — نیکاراگوا وسایر کشور های مترقی جهان را بگیرد . ولی همانطوریکه ویتنام قهرمان بر امپریالیزم ددمنش ایالات متحده امریکا پیروز شد — خلق های دیگر کشور های مترقی جهان نیز پیروز میشوند . زیرا اردوگاه عظیم سوسیالیستی ودر راس اتحاد شوروی سوسیالیستی از آنها پشتیبانی مینماید و هم مبارزه شان عادلانه وبر وفق روند تاریخ است وتاریخ به عقب بر نمیگردد .

تلاش های مذبحخانه امپریالیزم ایالات متحده امریکا بخاطر استقرار رژیم خونین پنوچت در چلی وتهیه اسلحه به این باند خونخوار ، نقش خایانه ضد ترقی — صلح وانسانیت امپریالیزم ایالات متحده امریکا را اشکار میسازد . مردم شریف چلی قهرمانانه بخاطر نجات کشور خود از قید ستم واستبداد این رژیم اجیر میروند .

درکشور نیکاراگوا مبارزات قهرمانانه ضد امپریالیستی مردم منجر به سقوط رژیم دکتاتوری سموزا گردیده وزمینیه برای نجات انسانها از قید استثمار بی رحمانه رژیم مختنق سموزا مساعد گردید . جبهه آزادی ملی ساندنیست ها رهبری کشور را بدوش گرفت . امپریالیزم جهانخوار ایالات متحده امریکا — گروه های مخرب راعلیه دولت مترقی نیکاراگوا در خاک اندوراس سازمان داده به داخل آنکشور میفرستند . ایالات متحده امریکا

در سال ۱۹۷۵ — ۱۹۷۶ به همکاری رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی علیه مردم قهرمان انگولا دست بیک سلسله حملات تجاوز کارانه زد تا مانع پیروزی آنها شود . اما خلق قهرمان انگولا پیروز گردیده آزادی خود را بدست آورد .

وظیفه اردو وسازمان استخباراتی ایالات متحده امریکادر خارج آن کشور عبارت از طرح وتطبیق پلان های اشغالگرانه — تجاوز وغارت ملل کشور های دیگر جهان میباشد . اردوی ایالات متحده امریکا بزرگترین نیروی نظامی جهان امپریالیستی بوده و قدرت نظامی اردو گاه امپریالیستی را تشکیل میدهد . تعداد پرسونل آن به دو نیم ملیون نفر میرسد .

این اردوی تجاوز گر برای پیشبرد جنگ های اشغالگرانه و خانمانسوز ، ده هزار بم ذروی — ۴۶۰ کشتی جنگی راکت قاره پیما ۴۱ تحت البحری اتمی — بیش از ۴۵۰ طیاره حامل بم ذروی وتعداد زیادی از هدیه مرگبار بم های نیوترونی ودیگر انواع مدرن سلاح های عصری در اختیار دارد . قسمت قابل ملاحظه قوای مسلح امریکا دوراز سرحدات آن کشور قرار دارد .

نظامیگران ایالات متحده امریکا در حال حاضر در حدود ۳۰۰

پایگاه نظامی ، زمینی بحری هوایی وبیشتر از ۲۰۰۰ مراکز تسهیلات نظامی در سراسر جهان گسترده است که در آن ها بیش از نیم ملیون سرباز و افسر امریکایی متمرکز میباشد . ریگن اجاره دار جدید قصر سفید — این نماینده شیرانحصارات

امپریالیستی بااعلان آغاز تولید وسیع بم های نیوترونی یکبار دیگر چهره زشت وجنایت کار خود را به جهان نمایان ساخته وثابت نمود که دشمن بی چون وچرای جامعه بشریت میباشد . رهبران قصر سفید بی شرمانه تلاش میکنند که گویا بم نیوترونی سلاح تعرضی وتهاجمی نمیشد . بنا به گفته متخصصین مرکز تحقیقات اتمی امریکا با انفجار یک کلاهک اتمی بم نیوترونی در شعاع ۴۰۰ متر از مرکز انفجار کلیه شیشه های

ساختمان ها شکست واز موجودات زنده درین محدوده فقط یک مایع غلیظ بجا میماند ودرفاصله یک میل از مرکز انفجار در اثر تاثیر تشعشعات رادیواکتیف کلیه موجودات قدرت فعالیت خود را از دست داده وبعد از گذشت دو هفته به فجیع ترین وضع میمیرند . پروفیسرادوارد دانشمند انگلیسی اظهار میدارد که از استعمال این سلاح به فاصله چند نسل کودکان معیوب و ناقص بدنیا می آیند کار شناسان اتمی اظهار نظر میکنند که اسلحه نیوترونی از همه عوامل بم اتمی برخوردار بوده ونکات اتمی آن به مراتب شدید تر از بم اتمی میباشد . چند عدد محدود از این اسلحه امحای دستجمعی قادر است پایتخت های پرازدحام اروپا ودیگر کشور های جهان را از سکنه وانسان خالی نماید . امپریالیزم ایالات متحده امریکا کمک های همه جانبه اقتصادی ونظامی را بدسترس دشمنان انقلاب افغانستان میگذارد

(بقیه در صفحه ۴۷)



نړيوال انقلابي جنبشونه

د شور انقلاب د حقيقت په بري کي د داخلي او بهرني عوام سلوونډ

اکبر کرگر

دسولې ، آزادي ، ترقي په گټه دقواو دتناسب تغيير داوسونو دملې او اجتماعي آزادي
بېسرونکي نهضت پياوړتيا ، دامپريالستي بحران ژورتيا ، داستعمار داستثمار گرانه سيستم پاشل
کيدل ، دنړيوودې په حال کي هيوادونو پيدايش او په جهاني سياست کي دهغوي دنقش پياوړتيا
دنړيوال سوسياليزم تاريخي بري اودسولې او بين المللي ديقتانت برياليتوبونه .
دشور انقلاب داوسني نړيوالي انقلابي پروسې نه جلا کيدونکي برخه چي دنړي دستري
انقلابي پروسې منبع داکتوبر ستر سوسيالستي انقلاب چي په روسيه کي منځ ته راغلي دي دافغانستان
خلکو دشور انقلاب په بريالي تحقق سره ټولو نړيوالو ته ثابته کړه چي دوي په غوغه اونه
ستيدونکي توگه ، ددموکراتيزم اوتولنيزي ترقي دناپا نگوالي ودي لاره اوداجتماعي عدالت
دنوي ټولني لاره په خپل هيواد کي غوره کړيده .
دشور انقلاب ددويمې کاليزي په وياړ دا . خ . د . د . گدمرکزي کميټي تزسونه (۳) بند .

زموږ اودننني نړي داوسونو اړيکي پراخه دي. ددنيا
دخپلو روابطوله مخي کوچني شويده. دنن ورغي انسان
کرلاي شي په غوساعتو کي دټولي دنيا په چاپيروگرزي دډله
ييزي مفاهمي وسايل دنړي له هرگوت غځه موږ خبرولي شي

دنړي دزيار ايستونکو پراخي پرگني نن دخپل سرنوشت
په جوړولو کي ونډه اخلي په سياسي مبارزو کي گډون کوي
او هرعامل چي په سياست کي ددوي دگډون مخه ونيسي ،
نشي کرلاي په لرغوني شيوه عمل وکړي .

داولسونو زیات شمیر خلک دیوبل په ژبو پوره شوی دی او په ډیر اوچت تیراژ سره مسایل او وسایل خپریری اوله یوه بحایه بل بحای ته لیږدیری .

داوسنی نړی دغه پیچلی اړیکی ، ددی سبب شوی دی چی دنړی داولسونو دسرنوشت ټانکونکو حوادثوپه بری اوماتی کی دداخلی اودنننی عوامو اغیزه زیاته او پخپل مینځ کی هم پیچلی شی . دنن ورځی ډیری کوچنی پیدتی هم په نیوالو اغیزه کوی ، اوپه اوسنی زمانه کی ستر حوادث په یوه لوی سمندر بدل شوی چی هره کوچنی حادثه ورته دویالی او نهر په توگه لاره پیدا کوی او ورگډیری .

دتولنرو په حوادثو کی که داسی تپوس طرح شی چی داخلی او که خارجی عامل گوم یو برجسته او ټانکونکی دی نوحتماً دزمانی منطق اودقوتونو سمبالنبت اودتولنی جوش داخلی عامل ته زیات اهمیت ورکوی ، خودا ددی مانا هم نه لری چی گوندی بهرنی عامل پیاوړی او عمده رول نه لری اویادلایم اهمیت لرونکی نه وی .

خو کله چی دثور دملی دموکراتیک انقلاب په باب گډیږو دهغه دحقیقت په برخه کی هم ، موږ دداخلی او بیرونی عاملو منطقی اړیکی له نظره نه شو غور محولی ، لکه زموږ هیواد داسی پیښو او حوادثو شاهد دی چی دغه دوه یاد شوو فکتورونو پکی پخپل وخت مشته او یا منفی اغیزه لرلی ده . دمثال په توگه ، په ۱۹۱۹ کال کی دانگریزی استعمار په مقابل کی دافغانستان دخلکو پراخ قهرمانانه آزادی غوښتونکی پاغون بریالیتوب کی شو - واقعیتونه اغیزمن وو . له ۱۹۱۹ کال څخه دمخه په نړی کی داکتوبر ستر سوسیالیستی انقلاب بری ته ورسید ، په ختیزو هیوادو نو کی دانگلیس دا سپریالیزم پرضد آزادی غوښتونکو جنبشونو وده وکړه ، لومړی نیواله جگړه

ژر پای ته رسیدلی وه او داسی نور چی دخارجی عامل په برخه کی باد ولی شو . همدارنگه هیواد په دنننی سطحه کی چی حتماً له داخلی فکتوری قاطع او ټانکونکی عامل و ، دافغانستان خلک د استبدادی دولت ، د منځنیو پیړیو په غیر چلند څخه سخت زوریدلی وو ، دانگلیس د استعمار پرضد سخته کرکه موجوده وه ، روشنفکری جنبش تریوه حده وده وکړه او په پای کی دامیر حبیب الله مرگ او دهغه وخت دولت دکمزورتیا په نتیجو کی خپلواکی غوښتونکی نهضت دامان الله خان په مشرۍ اقتدار ترلاسه کړ او په نتیجه کی دافغانستان دخلکو پراخ انگریزی ضد پاغون بریالیتوب ته ورسید . همدارنگه موږ په عینی توگه دداخلی او بهرنی عواملو نقش دامانیه نهضت په له منځه تلو کی هم لیدلی شو اوله هغه داسی استنباط کولی شو چی دتولنی ددنی جوشش په ټولنه کی دقواو توازن دخلکو غوښتنی او دخلکو په قوت تکیه کول . سازمان ورکول او نور واقعیتونه ټانکونکی رول لری .

دثور انقلاب زموږ په ټولنه کی عینی زمینه لری ، پدی مانا چی دتولنی د وروسته پاتی ساتل شو یو مناسباتو او دموکرده قوتونو دتکامل قانونمنده نتیجه ده . دغه انقلاب زموږ په وروسته پاتی ساتل شوی ټولنه کی تاریخی دنده لری چی ټول فیوډالی اوله فیوډالی دمخه مناسبات له منځه یوسی دخلکو اصلاحاتو په اثر لوی مالکیتو نه محدود کړی اوبی دخلکو اولر دخلکو بزگرانو باندی په عادلانه توگه دخلکو وویسی ، لکه چی دغه چاری تریوحده ترسره شوی او جریان لری . دخلکو دژوندانه سطحه باید پورته لاړه شی . دملی اقتصاد بنسټ پیاوړی شی ، بی سوادی له منځه لاړه شی . دهیواد دټولو قومونو ، قبایلو او ملیتونو فرهنگ وده وکړی او ټولنیز او سیاسی ژوند دموکراتیزه شی .

خلک او سیاست

رئیس شورای وزیران جمهوری خلق بلغاریا

رفیق گریشا فلیپوف به تاریخ ۱۳ جون ۱۹۱۹ در شهر (کادا یویک اتحاد شوروی) دریک فامیل فقیر دهقانی مربوط به مهاجرین بلغاریائی مقیم آن شهر تولد گرید .

در سال ۱۹۳۶ فامیل اودوباره بوطن بازگشت نموده رفیق فلیپوف در



گریشا فلیپوف

سال ۱۹۴۰ به حزب کمونسټ بلغاریا پیوست ، پساً تر بحث محصل یو نیورستی سویاشناخته شد و در مبارزات محصلین مترقی آن یو نیورستی پرضد دیکتاتوری فاشیستی شاهی سهم فعال گرفت .

بعد از پیروزی انقلاب سوسیالیستی بلغاریا در سال ۱۹۴۴ پست های مهمی را در امور حزبی و دولتی آن کشور به عهده داشته است .

رفیق فلیپوف تحصیلات عالی خویش

عمومی هدف بود تحقق په خاطر مبارزه بی محله د خپل محدود چوکاټ څخه خارجیری .

له دی وبل شویو تګوڅخه داسی پوهیزو چی : د ثور ملی دیموکراتیک انقلاب زموږ د خلکو په قوت پرمخ ځی ، ځکه ددغه پروسس سرنوشت زموږ د خلکو سرنوشت دی. ددغه انقلاب حقیقت زموږ د خلکو د غچانده او انقلابی ژوند څخه عبارت دی پدی اساس له کومه ځایه چی دغه پروسه زموږ د خلکو د پیاوړتیا غوښتنی او د ټولنی د قواو ددنی توازن او تکاملی نتیجه ده نونه ستنید ونکی دی او د هغه داخلی عامل ددی وس لری چی د بهرنیو مساعدو شرایطو په مرسته بی تر اخیره ورسوی .

نړیوال شرایط ، د سولې - قواوی او نړیواله انقلابی پروسه .

د ثور انقلاب په سیمه کی د انقلابی جنبشونو مبارزه چټکه کړه . د سیمی په هیوادونو کی د زړو استبدادی رژیمونو پر ضد انقلابی غور ځنګ پیاوړی شو ، او په همدی لړی کی ، په ایران کی اسلامی انقلاب بری ته ورسید ، په واقعیت کی د ثور انقلاب څخه وروسته د امپریالیزم هغه ستر پلان چی غوښتل بی د ایران ، ترکیبی پاکستان او چین له لاری داکو برد انقلاب ستروطن تر تهدید لاندی راوی له ماتی سره مخامخ شو .

خو د ثور انقلاب په جریان کی بیا هم خطرناکی توطیې موجودی وی ، د حفیظ الله امین اقتدار ته رسیدل او د انقلاب پر ضد پراخه دسیسه نزدی د دی سبب شوی وه چی امپریالیزم خپل خطرناک پلان عملی کړی ، د ثور انقلاب نوی تکاملی پړاو چی د خلکو په اراده او د گردن د قهر مانانه مبارزه له مخی په مساعدو نړیوالو شرایطو کی پیل شو ،

د ثور انقلاب زموږ د هیواد د تاریخی تکامل د قانونمندی محصول او د افغانستان د زیار کښو خلکو د بشپړ اکثریت او داستمار کوونکو د کوچنی اقلیت تر مینځ د نه پخلاکید ونکو تضادونو منطقی نتیجه ده .

د ثور انقلاب دخپلی ټولنی د تکاملی میر د منطقی سره موازی دهغه د انقلابی پروسس ادامه هم ده چی په ۱۹۱۷ کال کی د اکتوبر د انقلاب په پیل سره په روسیه کی شروع شو . موږ د شلمی پېړی په څلورمه برخه کی واقع یو د اکتوبر څخه نږدی غوښتنه کاله تیر شویدی . زموږ خلک دخپلو انقلابی غوښتنو له مخی نه غواړی ، د پانګوالی څخه د پخوانیو او فیودالی مناسباتو اوله هغه څخه هم تر مخه اقتصادی او ټولنیزو مناسباتو په شرایطو کی ژوندو کړی . وروسته پاتی فرهنگ ولری ، کتلوی بی سوادی ، محکومو خلکو لرونکی کلتور ، د منځیو پېړیو تصور اتو سزه یو ځای او په قبیلوی او سیمه ییزو شرایطو کی ښکیل پاتی شی . حتماً ددغه لاری دیموکراتیکی او ارول مبارزی ته اړه کړی او هغه انقلاب چی د ثور داومی نیټی په انقلابی پاڅون پیل شو ، همدغه دیموکراتیک اهدافی درلودل .

د ثور انقلاب د بری داخلی عامل د هغه د ملی خصلت پوری هم اړه لری ، ځکه چی ملی خصوصیات او دهقانی مختصات مذهبی ژور احساسات او زموږ د خلکو قامونو او قبایلو په سننو کی بیلوالی په نظر کی نیسی او دهغو د یوالی سره مرسته کوی .

د ثور ملی دیموکراتیک انقلاب ملی خصوصیت د هغه له امپریالیستی ضد خصلت څخه هم جوتیری او د دی په خوا کی دیوه واقعاً اولسی پرگنیز انقلاب په توګه ، زموږ په دوران کی په نړیوال مقیاس سره نوی ټولنی ته د پانګوالی څخه تیریدل او د پورتنیو یادو شویو دموکراتیکو

سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونست بلغاریا پذیرفته شده ، بر علاوه موصوف نماینده مجلس ملی جمهوریت خلق بلغاریا نیز میباشد .

در سال ۱۹۷۹ رفیق فلپوف به مناسبت شصتمین سالگرد تولد خویش لقب پرافتخار قهرمان کلاسوسیا لیستی جمهوریت خلق بلغاریا را حاصل کرد .

در سال ۱۹۸۱ در جلسه مجلس ملی آن کشور بحیث رئیس شورای وزیران جمهوریت خلق بلغاریا انتخاب و تا الحال در این پست مهم اجرای وظیفه میکند .

رفیق فلپوف در پست های ذیل هم اجرای وظیفه کرده است :

معاون کمیته پلان گذاری دولتی بلغاریا ، آمرکمیسیون دایمی سیستم جدید مراقبت و تنظیم اقتصاد ملی در شورای وزیران جمهوریت خلق بلغاریا ، معاون اول کمیته پلان گذاری دولتی بلغاریا .

رفیق گریشافلپوف در سال ۱۹۷۱ بحیث سکرتر کمیته مرکزی حزب کمونست بلغاریا مؤظف گردید .

در سال ۱۹۷۴ به عضویت بروی

رادر رشته (اقتصاد صنعتی و تجارت) در یکی از موسسات تحصیلات عالی اتحاد شوروی مؤفقا نه پایان رسانیده و درجه کاندید علوم اقتصادی را دارا میباشد . بعد از ختم تحصیل در اتحاد شوروی رفیق فلپوف در کمیته پلان گذاری دولتی جمهوریت بلغاریا شامل وظیفه گردید همچنان زمانی بحیث معاون رئیس کمیته پلان گذاری امور پولی و تجارت کمیته مرکزی حزب کمونست بلغاریا مؤظف بوده است .



نوری عبدالرزاق د آسیا او افریقا دسولې او پیوستون د سازمان، سکرترې جنرال په دغه غونډه کې دگډون په حال کې لیدل کیږي .

په همدې اساس د امریکا امپریالیزم جدي هڅه کوي چې وکړای شي چې ددغه نویو حرکتونو او جنبشونو په وړاندې ودریږي او مقاومت وکړي ، خوله بلې خوا وینو چې په نړۍ کې امپریالیستي ضد قوتونه ورځ په ورځ پیاوړې کیږي ، زیات اعتبار ترلاسه کوي ددوی ترمنځ نوی مرستی او یووالی پیل کیږي او په نتیجه کې په نړیواله برخه کې دقوا توازن د امپریالیزم په تاوان پرمخ ځي ، بې له شکه چې دروانی پېرې ایتیايم کلونه زموږ په زړونو کې نوی امیدونه راژوندي کوي .

دمخه مروویل دثور انقلاب دحقیقت په بری کې بیرونی عامل هم اغیزمن وو ، او هغه په دې مانا له هغه ځایه چې دثور انقلاب دنړیوالی پروسی پوری اړه لري او په نړۍ کې دغه انقلابی پروسی نړیوال سوسیالیستي سیستم په پاڅوالي هیوادونو کې دکارگری طبیقی جنبش او ملی آزادی بڼوونکی غورځنگونو ورځ په ورځ زیاتیدونکی قدرت په ډاگه سبب شوی چې دثور انقلاب په بری کې اغیزه ولري ، سره له دې چې د انقلابی افغانستان پر ضد نا اعلانه جگړه پیل شوی او دوام لري ، خو بیا هم د انقلابی افغانستان سره د شوروی اتحاد بې غرضه مرستی او د ټولې مترقی نړۍ ملاتړ ددې واقعیت څرگندوی دی چې له هره پلوه په انقلابی افغانستان کې ژر تر ژره سیاسي ثبات منځ ته راشي

نن ورځ ټوله مترقی نړۍ پدې عقیده ده چې د انقلابی افغانستان حوادث او د افغانستان دخلکو سره د شوروی اتحاد بې غرضه مرستی د امپریالیزم لپاره بې ځایه بهانه ده .

وی کړای شول د افغانستان خلکو ، انقلاب او گوندته نجات ورکړي .
سره له دې چې د انقلاب نړۍ تکاملی پړاو کې د شوروی اتحاد پوځی مرستی امپریالیزم او د هغه سلیمه اییزو نوکرانو ته یوه پلمه شوه خو بیا هم د افغانستان د انقلاب په خواتول مترقی بشریت ودریده او په هرځای کې چې د افغانستان دخلکو د برحقه داعیې څخه ننگه څرگنده کړه . نننۍ نړۍ د انقلاب نړۍ ده ، دستم او استثمار څخه د پرگنو دخلاصون عصر دی . د افغانستان دملي دمورکراتیک انقلاب له پیل څخه وروسته په ایران ، نیکاراگوا ، السلوادور اولاتینی امریکا په نورو جمهوریتو- نوکی آزادی بڼوونکی جنبشونه ر او هڅیدل ، د زمبابوی دخلکو مبارزو اوج ونیوه او نژاد

پالوتنه یی ماتې ورکړه ، په پاکستان او عربستان کې نوی حرکتونه پیل شول په مصر کې همدا اوس دسادات مرک دخلکو دسترو پرگنو د قدرت په اور کې دهغه هیواد دارتجاعي رژیم دسوغیدو زیری دی .



د آسیا او افریقا دسولې او پیوستون سازمان چې په کابل کې جوړ شوی وو . د نیکاراگوا اوساينده دگډون په حال کې لیدل کیږي .



د مصر نماینده کله چې د افغانستان د لیکوالو او شاعرانو د اتحادیې په بلنه د آسیا او افریقا د سرلی او پیوستون سازمان د غړو سره کابل ته راغلی وو. د مرکې په حال کې نیدل کیږي .

هغه څه چې د یادونې وړ دي د افغانستان د خواو شا حالاتو سیاسي حل د افغانستان او گاونډیو داریکو عادی کیدل، د کرکیچ کمیټ، د امپریالیستی تیږیو او ارتجاعی دسیسرو بندول چې هم له بهر څخه او هم په دننه کې یې شدت موندلی دی .

همدارنگه هغه د افغانستان له سیاست څخه ملاتړ وکړوی ویل : «د افریقا، آسیا د خلکو د پیوستون سازمان هغه ابتکارونه چې د ا. د. ج له خوا د ۱۹۸۱ کال د اگست په ۲۴ وړاندې شوی ملاتړ کوی .»

د واقعیت له مخې د نننیو عوامو سر بیره د افغانستان د انقلاب سره بین المللی پیوستون دیو مثبت بهرنی عامل په توگه هغه لږی ده چې ترزیاتو حده یې د افغانستان د ملی دموکراتیک انقلاب حقیقت نړیو الوته لکه څنگه چې دی څرگند کړ، او پدی ډول نن ورځ زموږ انقلاب نه یوازې داچې په خلکو او پرگنډو کې خپله ټولنیزه پایگاه پراخوی بلکې په نړیواله سطحه کې هم داسې قوتونه د دغه انقلاب ملاتړ کوی .

چې نن نړیوال تاریخی ابتکار په لاس کې لری او پخپل بری باندې د افغانستان مترقی قوتونو او د افغانستان د خلکو عقیده لاپسی پیاوړی کوی .

د افغانستان د مترقی او سرلی ټول دوستان په څرگنده غوازی چې د افغانستان څخه دی د پردیو تیږی کوونکو لاس لنډوی، د آسیا لپاره د سرلی او امنیت په لاره کې د بین المللی کنفرانس په پریکړه لیک کې چې په ټولې هلی کې د ۱۹۸۰ کال په مارچ کې جوړ شوی وو څرگندیږي . «د افغانستان د دیمو — کراتیک جمهوریت په چارو کې دی د امپریالیستی مداخلو ټول شکلونه په تیږه د پاکستان له خاوری د امریکا د متحده ایالاتو، د چین او عربی — ارتجاع په مرسته او تحریک سملاسی بندشی .

— د پاکستان په خاوره کې د ورانکارو د روزنی او تربیی ټول غایونه له منځه لاړشی .»

د اروپای امنیت او مرستو په چارو کې د یونان د کمیټې عمومي منشی لیکي : «هغه څه چې د افغانستان د خلکو

سره د شوروی اتحاد د پوځی مرستو پوری اړه لری ، دوستانه مرسته ده چې نه یوازې د شوروی او افغانی ټرون د اصولو سره مطابقت لری بلکې د ملگرو ملتو د منشور د اصولو سره هم برابر ښت لری .»
د امریکاد متحده ایالاتو د کمونیست گوند عمومي منشی گس هال لیکي :

« همدارنگه د شوروی پرضد افتراآت د تونگین قطعنامه یادته راوړی چې د امریکا جمهور رئیس جانسن تری دویټنام د جنگ د پراختیا لپاره گټه واخیسته .»

پورتنی څو کړنې مثالونه ووچې زموږ د انقلاب سره د نړیوال پیوستون په باب وړاندې شول ، یوازې د سمندر څخه د څاڅکي مثال لری . په دی وختو کې د آسیا، افریقا د خلکو د پیوستون د سازمان د رئیس هیات لسمه غونډه په کابل کې جوړه شوه . دغه سازمان چې په ملی آزادی بڼوونکي غورځنگ کې پیاوړی نقش لری او د ناپیلتوب د غورځنگ ډیر نژدی ملاتړ دی په ډاگه یې د افغانستان د انقلاب څخه خپل ملاتړ اهلام کړ د دغه سازمان سکرتیر جنرال نوری عبدالرزاق د افغانستان د انقلاب څخه د ملاتړ په ترڅ کې وویل : «د افغانستان د خلکو د آزادی څخه باید درناوی وشي اودا . د . ج . ملی حاکمیت باید وساتل شی . یوازې دغه کار کیدای شی د لومړنی جهانی قبول شوی معیار په توگه بین المللی برخوردوی .»



دخپلې خوښې کارپوه څښه



لاس پوری کوی. د شمال په ډول په پولینډ کې چی دا انقلاب غځه وروسته ترزیاته وخته وسله وال بانډونه ، چی د ارتجاعی قوتونو او المانی فاشیستانو پوری یی اړه درلوده په ځنگلونو کی موجود وو، چی فابریکی یی سوزولی او نوری وړانکاری یی کولی. په شوروی اتحاد کی هم تر ۱۵ او ۱۶ کالو پوری له انقلاب غځه وروسته د انقلاب ضد بانډونه موجود وو . ارتجاع هر وخت یوه اندازه قوت لری او د تیر حالات دبیارا گرزولو په خاطر په سرسختانه توگه جنگیبری .

خو په انقلابی افغانستان کی درالیبرل شویو بانډونو او قطاع الطریقانو موقتی موجودیت غه نوی خبردنه ده همدا اوس زموږ گوند او انقلابی دولت زیات امکانات لری اوله دغو امکاناتو غځه یی گټه اخیستی ده .

او په همدی برخه کی زیات بریالیتوبونه منځ ته راغلی دی . په ډاگه ویلای شو ، نور امپریالیزم ، ارتجاع او هژمونیزم موجوده حالت پرمورنشی تحمیلولی او نه هم دهغو عمال زموږ دخلکو دمبارزو په مقابل کی توان لری زموږ دخلکو او هیواد راتلونکی روښانه او مطمئننه ده ، زموږ خلک خپلی نیکمرغی ته رسیدونکی دی ، نیکمرغی ، سوکالی او بری زموږ دخلکو دی . زموږ انقلاب دخپلو بریو وروستیو پړاوونو ته رسېدی او ټول دننی او بهرنی جریانات زموږ د انقلاب په گټه دی .

د افغانستان د خلکو لپاره د نژدی راتلونکی لند او منطقی انځور :

په انقلابی افغانستان کی د انقلابی ارمانونو او دخلکو دخوښی ، نیکمرغی دتأمین ، د فقر ، رنج ، بدمرغی اودټولو غیر انسانی اشکالو دسجوه کولو له پاره پراخه علمی او عملی هڅی روانی دی او پدی پوره ډاډه یوچی پرتولوستونځو به بریالی کیرو .

زموږ دخلکو جاری ژوند د سرسختو واقعیاتو شاهد دی ، پدی ماناچی زموږ د وطن اوسنی انقلابی نسل دخپله وینواوژوند په بدل دهرډول مظالمو ، بدمرغیو اوناخالو قبلولته تیاری ونوده او په آگاهانه ډول یی دروښانه راتلونکی په لارگامونه واخیستل . نن زموږ انقلاب دلا بریالیتوب په لور درومی ، دثور انقلاب پیل شوی ، نوی تکاملی پړاو غځه دوه کاله تییری . زموږ خلک داساسی اصولو غښتان دی ، دموکراتیکی آزادی اودموکراتیکه تأمینات هری کورنی ته لاره پیدا کړی ، چی په واقعیت کی دغه شیان زموږ دراتلونکی ژوند په لور لومړی گام دی .

دثور انقلاب دحقیقت دبری په نتیجه کی ، زیات شمیر انقلاب ضد بانډونه له منځه تللی دی اودهیواد په زیادتره سیمو کی امنیت تأمین دی . دیوتکی یادول بیا هم ضرور دی او هغه دا چی دنړی دمترقی ټولنو کجربوښردلی ده چی د انقلاب په سبا د انقلاب دښمنان په هرډول دسایسواوتوطیور

جهان صدها هزار جنایات نا بخشودنی را علیه خلق‌های آن کشور هامرتکب شده اند .

رهبران مرتد چین هرچه بیشتر و فعال تر به امپریالیزم و در راس امپریالیزم جنایتکار ایالات متحده امریکا نزدیکتر شده می‌رود .

رهبران شوونیست چین باگروپ فاشیستی پنوچت در چلی ورژیم نژاد پرست افریقای جنوبی همکاری نزدیک داشته به ضد انقلابیون در انگولا - ایتوپیا - نیکاراگوا - کمپوچیا هستند - افغانستان و برما کمک‌های همه جانبه می‌رساند بارژیم - سادات خاین ورژیم استبدادی ضیاءالحق دوستی به اصطلاح برادرانه دارد .

پلان‌های تجاوز کارانه مانوئیزم علیه ویتنام - قهرمان به شکست و ناکامی روبرو است . تجاوز خاینانه چین علیه ویتنام قهرمان در ۱۹۷۹ یکبار دیگر سیاست ضد انسانی و ضد ترقی آن کشور را به جهانیان فاش ساخت .

به اساس همین سیاست ضد انسانی و ضد ترقی رهبران مرتد پیکنگ است که عناصر ضد انقلاب افغانستان را در پاکستان تربیه نموده با انواع اسلحه و بم‌ها مسلح ساخته جهت تخریبکاری و جنایات غیر انسانی بوطن ماگسیل میدارد . اسلحه و وسایط جنگی ساخت چین از طریق شاهراه قراقرم به پاکستان جهت مسلح نمودن باندهای ضد انقلاب افغانستان فرستاده میشود مشاورین چینی عناصر ضد انقلاب را در ۷۰ پایگاهیکه در خاک پاکستان موجود است به استعمال اسلحه چینی آشنا ساخته و آنها را با فنون آدمکشی - وحشیگری - ترور ، آتش سوزی و دزدی تربیه نموده بعداً طور قاچاق بوطن ما صادر مینمایند . این آدمکشان حرفوی بعداً با اسلحه و تکنیکهای چینی جوانان - پیران - زنان و اطفال معصوم و بی‌گناه وطن ما را بی رحمانه بقتل رسانده مکاتب - شفاخانه و موسسات دولتی را به آتش کشیده پل‌ها و سرب‌ها را تخریب مینمایند . بدین ترتیب هر جنایت و وحشیگری که در وطن ما صورت میگردد دست‌های خون آلود رهبران مرتد چین در عقب آن دیده میشود . مانوئیزم در تبتائی و زدوبند با امپریالیزم جهانی و در راس امپریالیزم امریکا - سادات خاین - رژیم نظامیگر و مستبد ضیاءالحق ارتجاع عرب و منطقه - جنایات نهایت عظیم و بزرگی را علیه مردم و انقلاب ما مرتکب میشوند . ولی مایقین کامل داریم که سیاست‌های علامت‌نظیم شده اردو گاه کشورهای سوسیالیستی و در راس اتحاد شوروی همه این دسایس و توطئه‌های ننگین امپریالیزم و شوونیزم را خنثی نموده صلح را همانطوریکه در سه دهه گذشته با درایت کامل در جهان حفظ نموده‌اند همچنان حفظ مینمایند .

ما همچنان کاملاً مطمئن هستیم که انقلاب ما علی‌الرغم جنایات دسایس و توطئه‌های امپریالیزم امریکا و شوونیزم مرتد چین به پیروزی نهائی خود میرسد و آن روز دور نیست که جامعه آباد و شگوفان و مرفح را برای زحمتکشان کشور اعمار نمائیم .

متخصصین امریکایی باند‌های تروریستی ضد انقلاب افغانی را در داخل خاک پاکستان تربیه تخریبی و آدمکشی داده بعداً جهت تخریب موسسات عامه و ترور انسانهای زحمتکش هموطن ما به کشور ما میفرستند . امریکا در این راه هزینه‌های هنگفت پول را مصرف میکند چندی قبل رونالد ریکن رئیس جمهور ایالات متحده امریکا بی‌شرمانه اعلام داشت که به اشرار افغانی سلاح تهیه میکند که این خود تخطی صریح از موازین بین‌الدول بوده و مغایر منشور ملل متحد میباشد . تهیه سلاح به عناصر ضد انقلاب افغانستان با انزجار و تنفر شدید مردمان و مطبوعات مترقی جهان مواجه گردیده و به مثابه جنایت بزرگی علیه مردم زحمتکش و وطن ما ارزیابی گردیده است .

بلی توسط همین اسلحه و دالرهای امریکایی است که صدها جوان زحمتکش کشور ما - اطفال و زنان بی‌گناه وطن ما بی رحمانه توسط باند‌های تروریستی به قتل میرسند . مکاتب‌ها شفاخانه‌ها و سایر موسسات عامه و وطن ما به آتش کشیده میشوند - پل‌ها و سرب‌ها تخریب میگرددند . اطفال معصوم ما در مکاتب ما مسموم میگرددند معلمین و استادان مکاتب ما وحشیانه به قتل میرسند . بلی در پشت این همه جنایات آدمکشی‌ها و وحشیگری‌ها که در وطن ما صورت گرفته و میگیرد دست خون آلود امپریالیزم امریکا به وضاحت دیده میشود .

یک دسته جنایتکار اشرار مطابق دستور با داران امریکائی خود به یکی از مکاتب نسوان بغلان حمله کرده و در محضر اطفال معصوم یک معلمه شریف و بی‌گناه را وحشیانه به قتل رسانیده و ۱۲ تن از شاگردان معصوم و بی‌گناه را پارچه - پارچه کرده و سرشان را از تن آنها جدا کردند .

همچنان اشرار به یکی از قریه‌های پر نفوس آسمار نفوذ نموده به مردم قریه اخطار میدهند که با آنها به کوه‌ها بروند . برای اینکه اطفال و زنان باردوش شان نباشند به مرد های قریه وحشیانه دستور میدهند که اطفال و زنان خود را به قتل برسانند . ولی بلاخره خود این جنایتکاران همه اطفال و زنان معصوم و بی‌گناه قریه را در یک محل جمع نموده بالای آنها فیر میکنند که تعداد زیاد شان به قتل رسیده و هم یکتعداد آنها زخمی میگرددند . این جنایتکاری و وحشیانه و سایر جنایات حیوانی اشرار که به حکم با داران امریکائی شان در وطن ما صورت میگردد در تاریخ نظیر کمتر دارد . تراژیدی آسمار یک جنایت عظیم و نا بخشودنی امپریالیزم امریکا و نوکران زر خرید آن در وطن ما میباشد که نسل فعلی و نسل‌های آینده کشور ما به این جنایتکاران وحشی و ددمنش نفرین میفرستند . امپریالیزم خونخوار امریکا نه تنها در وطن ما مرتکب صدها از این نوع جنایات و وحشیگری‌ها شده‌اند بلکه در اکثر مالک و از جمله در انگولا - موزمبیک - زمبیا - عمان - کانگو - چلی - ایران ویتنام و ده‌ها کشور دیگر

نقش حزب طبقه کارگر در پروسه مبارزه طبقاتی

وضع استثمار را تغییر داد ولی انسان پوینده و امیدوار بزندگی و سعادتش در برابر ستمگران از تکاپو باز نماند و در طی قرون قادر شد تا با ایجاد تشکل و سازمانهای همبسته خویش راه نجات ستمکشان و کارگران را از زیر سلطه سلاک، فیودال، بورژوا و در نهایت وابستگان انحصارات دریابد این وظیفه عمدتاً بدوش سازمان انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان یعنی حزب آن که قادر بود پروسه تشکل کارگران و همه زحمتکشان را بدور حزب طبقه کارگر که نقش رهبری را بعهده دارد متشکل سازد و مبارزه طبقاتی را در امر محور کامل طبقات متخاصم و حل تضاد عمده بین دو طبقه استثمارگر و استثمارشونده در هر مرحله از تاریخ به شیوه اصولی انجام بخشد و تکامل دهد.

لینن رهبر شایسته زحمتکشان جهان درینمورد گفته است: «حزب باید پیشاهنگ پرو لتاریای انقلابی باشد و از توده ها جدا نشود، هرچه بیشتر به آنها نزدیک گردد و و آنها را تا سطح آگاهی انقلابی و مبارزه انقلابی ارتقا دهد...»

مبارزه طبقاتی در جهان پیرامون ما تاریخ بس طولانی دارد، در شرایط کنونی که جوامع بشری در مرزها و محدوده‌های مختلف و در قاره‌های جداگانه در موقعیت‌های متفاوت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارند، هر کدام مطابق شرایط قانونمند تکامل تاریخ ناگزیرند تا پنج مرحله تاریخ تکامل «کمون اولیه؛ بردگی، فیودالی، سرمایداری و سوسیالیزم» را طی کنند و در مرحله فیودالی با پیروزی انقلابات ملی و دموکراتیک میتوان از مرحله سرمایداری طفره رفت و در هر مرحله از تاریخ به استثنای کمون اولیه به نحوی از آنها مبارزه طبقاتی نضج یافته و همزمان با تکامل مرحلوی تاریخ رشد نموده و در روند تکامل قرار میگیرد، چنانچه قیام افسانوی کاوه آهنگر و برده‌ها به پیشگامی اسپار تا کوس تا هنوز معیار برخوردش مبارزه ضد ستم را از دیرزمانی نسل به نسل بازگو کرده است که ارزش چنین قیامها و مبارزات در پویه زمان زنده و پیرارج نگهداشته شده است. همگام با تکامل مرحلوی جوامع نه تنها مناسبات اجتماعی و اقتصادی رو به تغییر نهاد، شیوه تولید و مالکیت‌ها بالایی و سبایل تولید، مناسبات تولید، شیوه توزیع

۲ - اینکه مبارزه طبقاتی ناچار کار را به دکتاوری پرولتاریا منجر میسازد.

۳ - اینکه خود این دکتاوری فقط گذاری است بسوی نابودی هرگونه طبقات و بسوی جامعه بدون طبقات.

« نامه مارکس به وید میره مارس ۱۸۵۲ »

در جوامع طبقاتی احزاب وابسته به طبقات استثمارگر و بهره‌کش نه بخاطر نجات انسان از ستم بلکه بخاطر تحکیم پایه های استثمار و حاکمیت ستمگران تلاش و بزعم خود شان ایدئولوژی خلق میکنند، از طرح خلاق مارکس بانی ایدئولوژی طبقه کارگر استنباط میشود، حزب طبقه کارگر با تحقق ایدئولوژی علمی و خلاق آن نه بخاطر بقای استثمار بلکه برای محو طبقات، ستم و بهره‌کشی می‌رزد، استقرار دکتاوری پرولتاریا در یک جامعه بمنظور ایجاد تساوی حقوق، برکندن ریشه های سازمان سیاسی و اقتصادی ستم و استثمار و تأمین نظم عادلانه در جامعه است که تا مساعد شدن این زمینه حاکمیت سیاسی را حزب پیش‌آهنگ طبقه کارگر تشکیل میکند و جامعه را بسوی ایجاد تساوی حقوق انسانی و جامعه بدون طبقات می‌کشانند.

پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و انتقال قدرت سیاسی از طبقه استثمارگر به کارگران و زحمتکشان اتحاد شوروی بهترین ملامت حقایق مبارزه پیروزسند طبقاتی و تأمین حاکمیت کارگران و متحدینش در اتحاد شوروی است که برهبری لنین این رهبر شایسته حزب کارگران اتحاد شوروی «حزب کمونسٹ» برای اولین بار در یک بخش عظیمی از جهان قدرت حاکمه استبدادی سرمایه‌داران و استثمارگران در هم کوبیده شد، کارگران و زحمتکشان سرنوشت ساز خویش شدند، این پیروزی خارق العاده در جهت گسترش حاکمیت کارگری مهون رهبری و تلاش اثرمند حزب کمونسٹ اتحاد شوروی و زعامت خلاق آنست که در طی شصت و چهار سال پیروزی، به رشد جنبش‌های آزادی بخش ملل قاره‌های آسیا، آفریقا، اروپا و امریکای لاتین و ایجاد احزاب رهبری کننده آن نقش قاطع و تاریخی داشته است چنانچه در دهه کنونی قرن بیست علاوه بر اینکه بخش بزرگی از سیاره مارا کشور های سوسیالیستی تشکیل میدهد در ضمن کانون اولین انقلاب سوسیالیستی یعنی اتحاد شوروی مددگار انقلابات ملی و دموکراتیک در اکثر کشور های جهان نیز هست که خود به برچیده شدن بساط استعمار و امپریالیزم و ایجاد بحران در کشور های امپریالیستی نقش تاریخی را ایفا میکند.

قاطعیت نقش درست رهبری حزب طبقه کارگر در امر به پیروزی رسیدن جنبش مبارزه طبقاتی به سود کارگران و زحمتکشان بر اینست که با تحلیل صحیح وضع عیدنی و ذهنی

حزب شایسته و مجهز با ایدئولوژی علمی طبقه کارگر میتواند قادر به رهبری جامعه و دگرگونی عیدنی نظام اقتصادی سیاسی و اجتماعی باشد تا حاکمیت سیاسی جامعه به کارگران و زحمتکشان تعلق گیرد.

طبقات متخاصم و آشتی ناپذیر جامعه انسانی با وجود سابقه طولانی در تاریخ تکامل اجتماعی پایا نیست و اما این نبرد بین طبقات و تسریع پروسه آن بوسیله حزبی مجهز با جهان بینی علمی و تیوری انقلابی است که میتواند رهنمود سازماندهی و مبارزه منظم زحمتکشان بخاطر نجات شان باشد و این امر به گفته لنین رهبر کارگران جهان چنین است « بررسی هر حکم مربوط است، به تحلیل آن به شیوه تاریخی فقط در ارتباط با احکام دیگر، در ارتباط به تجربه مشخص تاریخ... » و از عهدہ چنین تحلیل خلاق فقط حزب طبقه کارگر و سازمان انقلابی آن میتواند پیروزمند بدر آید که ایدئولوژی علمی طبقه کارگر روشنگر راه نبرد آن باشد.

انگلس چنین شرحی را از پس منظر مبارزه طبقاتی بدست میدهد. « مسلم شده است که در تاریخ جدید کلیه مبارزات سیاسی عبارت است از همان مبارزات طبقاتی و تمام مبارزات استقلال جوینانه طبقات، با وجودیکه شکل سیاسی بخود میگیرد، زیرا مبارزه طبقاتی یک مبارزه سیاسی است، سرانجام به استقلال اقتصادی منتج میگردد. » در طی تکامل تاریخ به تناسب رشد نیروهای مولده و وسایل تولید، مناسبات تولیدی جامعه هم روه تغییر نهاد و هم زمان با تغییر زیربنای اجتماعی روفنای آن نیز تغییر یافت و با نهاد اقتصادی جامعه متناسب گشت، زیرا در جوامع طبقاتی حاکمیت سیاسی در تصرف و صلاحیت نیرویی است که قدرت اقتصادی جامعه را بدست دارد.

و اما در نظام سوسیالیستی نه تنها بنای استثمار از هم فرو میپاشد حتی طبقات نیز محکوم بزوال است مارکس و انگلس در راه ایجاد ایدئولوژی خلاق و علمی طبقه کارگر و تفکیک بلا فصل آن از ایدئولوژی های بورژوازی خورده بورژوازی و دیگر ایدئولوژی های غیر علمی و انحرافی کار خلاق و دوامداری کرده و لنین کبیر آنرا با شایستگی تکامل داد و در عمل پیاده نمود. چنانچه مارکس در مورد تاریخ مبارزه طبقاتی گفته است. « نه کشف وجود طبقات در جامعه کنونی و نه کشف مبارزه میان آنها، هیچکدام از خدمات من نیست، مدت ها قبل از من مورخین بورژوازی تکامل تاریخی این مبارزه طبقات و اقتصاد دانان بورژوازی تشریح اقتصادی را بیان داشته اند. کار تازه ای که من کرده ام اثبات نکات زیرین است:

۱ - اینکه وجود طبقات فقط مربوط به مراحل تاریخی معین تکامل تولید است.

جامعه و بالا بردن سطح شعور سیاسی و طبقاتی کارگران، حزب رهبری اصولی خود را تحقق می بخشد و محکومیت استثمار و زوال طبقات حاکمه مستبد و متمگر را مسجل میسازد که تاریخ تجارب کافی را در زمینه در اختیار ما قرار داده است. البته قبل از پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر هم مبارزه طبقاتی و شناختی از طبقات ستمگر و ستمکش وجود داشته است، اما نبودن حزب طراز نوین طبقه کارگر و عدم شناخت دقیق از شرایط اجتماعی و دشمن طبقاتی زمینه های حتمی پیروزی را ضعیف میساخت، چنانچه حوادث خونین ۱۸۴۸ در فرانسه، قیام کارگران در شیکاگو آمریکا و در نهایت پیروزی انقلاب ۱۸۷۱ در فرانسه. «کمون پاریس» شواهد عینی و پرشور مبارزه طبقاتی در عرصه پهناور جهان بود همچنان در اتحاد شوروی نیز در سال های ۱۹۰۵ و ۱۹۰۷ قیام های از جانب کارگران و زحمتکشانش صورت گرفت ولی اینهمه انقلاب ها و قیام ها یابنا بر نبودن سازمان متشکل و مجهز با ایدئولوژی علمی طبقه کارگر و یابنا بر عدم تکوین شرایط تکاملی جامعه و حزب پیشاهنگ طبقه کارگر به ناکامی مواجه گردیدند ولی ادامه مبارزه طبقاتی ایجاد حتمی احزاب طبقه کارگر را مسلم گردانیده است.

مبارزه طبقاتی بعد از ایجاد طبقات متخاصم در جهان پدیده جدایی ناپذیر از روند فعالیت و تلاش زحمتکشانش و ستمگران استثمارگر بوده است، برده ها، دهقانان و کارگران سعی میکردند تا از بار استثمار و ستم سبکدوش باشند و اما برده داران، ملاکان و سرمایداران سعی میکردند تا این شیوه مناسبات اقتصادی و اجتماعی را بی زوال و تغییر ناپذیر جلوه دهند و اما در طول تاریخ زحمتکشانش همیشه با ستم و استثمار در ستیز و نبرد بوده اند و در هر مرحله تاریخ طبقات متخاصم مشخصاً علیه همدیگر موضع گرفته و زحمتکشانش در نبردهایی بخش خویش ادامه داده اند که این مبارزه به شکل جنگها، قیام، مبارزات مسلحانه و خونین بروز کرده است چنانچه قیام تایلور در انگلستان «قرن چاردهم» قیام ژاکری در فرانسه «قرن شانزدهم» قیام بالوتنیکوف رازین «قرن هفدهم» و پوگاچف «قرن هجدهم» در روسیه و قیام تای پین در چین «قرن نوزدهم» شاهد گویایی از انعکاس مبارزه و قیام انقلابی دهقانی در پس منظر تاریخ جهان ما بوده است.

و این قیام ها نمیتوانست به استثمار و ستم پایان بخشد زیرا هنوز اگر شرایط عینی مساعد بود و دهقانان ضد استثمار و ستم قیام کرده بودند، شرایط ذهنی مساعدت نمیکرد، نیروی خلاق رهبری کننده و علمی طبقه کارگر یعنی حزب زحمتکشانش وجود نداشت.

و اما انقلاب کبیرا اکتوبر و رهبری صحیح حزب کمونیست اتحاد شوروی بحق در مرحله معینی از تکامل تاریخ این

ایده را در عمل پیاده کرد و راه پیروزی های عظیم را به پیشگاه زحمتکشانش جهان کشود.

با شناختی از نیروی محرکه تاریخ و آموزش تجارب انقلابات جهان، کشور انقلابی ما نیز در پروسه زوال ستم و استثمار و پیروزی انقلابها در جهان قرار گرفت و عناصر خلاق وابسته به زحمتکشانش کشور در صدد ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر شدند و این حزب منجیت سازمان پیشاهنگ در نبرد رویاروی طبقاتی با دشمن توانست در طی بیشتر از شانزده سال مبارزه برحق و عادلانه اش کارگران، دهقانان و تمام اقشار و نیروهای ملی و وطنپرست را سازمان دهد و در قلب آسیا در افغانستان انقلابی، انقلاب ملی و دموکراتیک را در مقطع خاص زمان در مرحله ای که هنوز مناسبات سرمایداری در هسته های کوچک در تکاپوی رشد بودند و انحصارات ممالک سرمایداری تسلط ریشه ای در مناسبات اقتصادی کشور حاصل نکرده بودند، به پیروزی رسانید. این حزب دموکراتیک خلق افغانستان «پیشاهنگ طبقه کارگر و زحمتکشانش کشور» بود که بمشابه سازمان طراز نوین و انقلابی در کشور در انتقال قدرت سیاسی به زحمتکشانش کشور نقش تاریخی ایفا کرد و ضربه بر پیکر لرزان دژ فیودالیسم وابسته به ممالک امپریالیستی در کشور ما زد و در شرایطی که هنوز مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی در شیوه تولید و مناسبات اقتصادی و زیربنایی کشور حاکم بود گلیم استثمار را برچید و کارگران، دهقانان و همه زحمتکشانش کشور را بر سر نوشتشان حاکم و مسلط گردانید.

مابدرستی می بینیم که امپریالیسم و ارتجاع مانند همیشه که در طول تاریخ علیه خروش کارگران و دهقانان توطئه چیده است در کشور ما نیز برای ایجاد موانع در راه تکامل انقلاب مداخله و دسیسه می چیند، ولی خلق زحمتکش ما دیگر کارگر و دهقان قرون قبلی نیست، بلکه زحمتکشانش آگاه اند و منافع طبقاتی خود و دشمنان شان را بخوبی درک کرده اند، دیگر محال است که ارتجاع، استعمار، امپریالیسم و هژمونی بتواند یکبار دیگر تجربه تلخ تاریخ را در کشور ما تکرار کند و با استفاده از احساسات پاک مردم در برابر تحقق اهداف انقلابی حزب و انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور ما موانع جدی ایجاد کند.

مردم ما با همبستگی بدور حزب انقلابی و دولت مردمی شان علیه آنانی که برضد منافع کشور و مردم ما قرار دارند موضع گرفته و برای سرکوبی و محو دشمنان داخلی و خارجی شان میزمنند و یقیناً خس و خاشاک مسیر راه انقلاب و اعمار جامعه شان را با پیگیری در مبارزه از بین می برند و راه رفاه و سعادت و اعمار جامعه فارغ از ستم را برویشان می گشایند و مسیر آینده رفاهیت بار را هموار میسازند.

سازمانهای اجتماعی

بنگله دیش

اتحادیه محصلان و جوانان :

از اولین لحظات دستاورد های استقلال بنگله دیش در سال ۱۹۷۱ نقش مهم را در جنبش های جوانان و محصلان کشور اتحادیه محصلان و لیگ جوانان بنگله دیش ایفا نموده است که این اتحادیه تحت رهبری حزب مترقی بنگله دیش لیگ مردم بنگله دیش فعالیت داشت .

در سال ۱۹۷۵ فعالیت های سیاسی حزب و سازمان اجتماعی در کشور ممنوع قرار داده شد. پروسه احیای جنبش های محصلان بنگله دیش دوباره از سال ۱۹۷۶ شروع گردید . در آنوقت اتحادیه محصلان ساخته شده و در کنفرانس اتحادیه فیصله بعمل آمد تا مبارزات پیگیری برای حفظ و استحکام استقلال کشور ادامه یابد .

هدف اتحادیه اعمار جامعه سوسیالیستی در بنگله دیش بود . رهبران اتحادیه محصلان بنگله دیش توجه زیادی به مبارزه بر علیه بیسوادی و پیشرفت تعلیمات مبذول داشتند . اعضای اتحادیه در کارهای مختلف از قبیل پاک کردن کانالها اعمار بناها و راه ها و پروگرامهای انکشاف اقتصادی و زراعتی سهم فعال گرفتند . بین اتحادیه محصلان بنگله دیش و شورای محصلان اتحاد شوروی مناسبات دوستانه و همکاری متقابل وجود دارد .

اتحادیه جوانان بنگله دیش در سال ۱۹۷۶ تشکیل شده و حدت آن مجهز ساختن توده های وسیع جوانان در مبارزه به خاطر اعمار جامعه شکوفان در کشور است که از هر نوع استثمار انسان از انسان فارغ باشد

این اتحادیه تربیت جوانان را در روحیه ضد امپریالیستی و وظیفه خود دانسته و می کوشد تا پسران و دختران جوان کشور را با معلومات و دانش وسیع بجامعه تقدیم نماید .

در پائیز سال ۱۹۷۷ خبر تاسیس انجمن محصلان بنگله دیش نشر شد که یک سازمان دموکراتیک و انقلابی مردم بنگله دیش میباشد .

(بقیه در صفحه ۶۰)

جمهوریت هندوستان :

فدراسیون جوانان، سرتاسری هند در سال ۱۹۵۶ بوجود آمد این فدراسیون یکی از سازمان های مترقی جوانان هند بود که در ایالات مختلف تشکیل گردید جلسات نوبتی فدراسیون سرتاسری جوانان هند وظیفه بزرگ و سنگین را در احیای دیموکراسی در کشور به تصویب رسانید که در آن کمک در ویفورم اراضی و محو بقای استعمار انگلیس و مبارزه برای دیموکراتیزه کردن تحمیلات و بهتر شدن مناسبات جوانان شهری و دهاتی و غیره بود چندی بعد حزب کمونسنت هند توجه عمیقی در اهمیت کار با جوانان و محصلان کشور معطوف داشت . در آغاز سال ۱۹۶۶ جلسه مخصوص شورای ملی حزب در مورد جوانان فیصله های درباره مسایل جوانان به عمل آورده و تصمیم گرفت که جوانان بیحیث آیندگان نقش مهم در نهضت های آزادی بخش و مترقی داشته و پروگرام هفت ماده ای در مورد پروگرام های جوانان و روحیه فداکاری دموکراتیک و همبستگی آنها با مردم وضع نمودند .

در دسامبر سال ۱۹۶۵ (جنوری سال ۱۹۶۶ در شهر پندی چیری در جنوب کشور چهارمین کنگره فدراتیف که در آن بصورت مشخص پروگرام فعالیت سازمان ها تثبیت گردید دایر شد که در آن وظایف جوانان با جوانان و نقاط زراعتی تنظیم گردید . سازمان های جوانان دارای اضافه از دو صد هزار عضو بودند .

ارگان نشراتی شان عبارت از مجله «نیوجنریشن» است .

کنگرس جوانان :

این کنگرس در سال ۱۹۵۲ تشکیل یافت و وظیفه این کنگرس توضیح و تبلیغ سیاست حزب در بین جوانان بود که بنام « کنگرس ملی هند » یاد میشد و وظیفه آن تهیه کدرها برای حزب و تربیه نسل جوان در روحیه اعتماد و گاندی-ایزم بوجود آوردن شرایط صاحب آمیز جامعه بدون طبقات و دموکراتیک سوسیالیزم بود .

در اواخر سال ۱۹۶۵ رهبران حزب « کنگرس ملی هند » تصمیم گرفتند تا « کنگرس بیشتر از پیش مجهز و با ثبات در جواب دادن به سوالات مورد علاقه جوانان هند گردد .»



حماسه آفرینان

انقلاب پیروزمند شور همزمان با سیر زمان در مسیر اصولی اش رشد میکند و تکامل می یابد و دشمنان جیره خوار انقلاب ثور و مرحله تکاملی آن، این وابستگان ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم روزتاروز زوال می یابد و محکوم به شکست افتضاح آمیز اند، که اینهمه شکست وزبونی ضد انقلاب مرهون پیگیری فرزندان وطنپرست این میهن در امر نبرد دلیرانه با دشمن است این دلیران میهن پرست اعم از سربازان، افسران و تمام نیروهای وطنپرستی اند و در برابر مادر وطن تعهد سپرده اند که دیگر تاسرکوب قطعی دشمن و تامین امنیت عام و تمام در میهن آرامش را نمی شناسند و سنگر گرم بر علیه دشمنان داخلی و خارجی را ترک نمیکنند.

مادرین شماره نیز از کارنامه های سربازان و افسرانی نام می بریم که در مبارزه علیه ضد انقلاب دلیرانه رزمیده و حماسه آفریده اند که جاودانه ثبت تاریخ کشور ما میشود.

یکه سرباز میگوید :

روحیه انقلابی کمکم کرد تا دشمن را ضربه بزنم و قطعه ام را از محاصره نجات دهم

بیش نیستند که در میهن محبوب ما جای زندگی برایشان نیست و خودشان با معامله گری بیشرمانه خود را به سر-نوشت محکوم و ننگین مواجه ساخته اند، ماکه از منافع مردم زحمتکش وطن، استقلال وطن و انقلاب دفاع میکنیم پیروزی از آن ماست و دشمن محکوم بزوال است.

این مطالب از گفته های سرشار از احساسات پاک و انقلابی محمد سلیم، سرباز قطعه انضباط یکی از غنچه های فرقه (۸) است. او با یک رفیق هم رزم و دلیرش توانست

وفاداری به آرمان های انقلاب، وطن و مردم و شناخت ماهیت اصلی دشمنان، برخورد باضد انقلاب برای انسان روحیه می بخشد و راه رسیدن به پیروزی راهوار میسازد. زیرا ما درک کرده ایم که دشمنان ما نه تنها پابند به معتقدات اسلامی نیستند بلکه حیثیت، شرف و حتی منافع میهن و مردم شانرا نیز در برابر دالر و کلدرا امپریالیزم هژمونیزم و ارتجاع منطقه به معامله گذاشته اند، و دیگر این ضد انقلابیون به اصطلاح «مجاهد» اجیران فروخته شده ای

با استفاده از بم دستی و سلاح دست داشته با مهارت و روحیه رزمندگی، دشمنی را که با اشغال مواضع قطعه اش را بمحاصره کشانیده بود، غافلگیر کرده ده نفر آنها را سرکوب و دشمن را مجبور به فرار و عقب نشینی نماید، و راه تعرض قطعه را بردشمن مساعد سازد. محمد سلیم سرباز که غرور سرشار از پیروزی در سیمایش هویدا است به خبرنگار مجله گفت: قطعه مادر دره سوبه ولایت کنروطیفه محاروبی داشت تا منطقه را از وجود عناصر ضد انقلاب، این رهنان اجیر پاک سازد، در یکی از شبها دشمن با استفاده از تاریکی شب مواضع را اشغال و قطعه ما را بمحاصره کشاند، اما من و دین محمد سرباز که جوان با شهامتی بود با استفاده از عوارض اراضی و تاریکی شب توانستیم از خط محاصره دشمن با مهارت عبور کنیم و دشمن را از عقب ضربه بزنیم.

وی گفت: من درک کردم که دشمن یک گروه عجم را تشکیل داده، یکعهده شان از مواضع اشغال شده بالای قرارگاه قطعه ما انداخت می نمایند و گروه هجوم آن نیز در حال تقرب است من به رفیق خود گفتم که بعد از اینکه من بم دستی را بالای دشمن پرتاب نمودم او با ضر به ماشیندار گروه هجوم دشمن را تحت تاثیر آتش قرار دهد.

سعی کردیم که خود را به گروه هجوم نزدیک سازیم ما در حالیکه با عبور از خط محاصره در عقب دشمن قرار داشتیم با تکنیک خاصی خود را نزدیک و بم دستی را بالای گروه هجوم پرتاب نمودم و رفیق هم رزم من دین محمد گروه هجوم و دور و پیش ما را زیر آتش گرفت و بم دستی دومی را به سرعت آماده کرده پرتاب نمودم، درین مرتبه دیدم در حدود ده نفر آنانیکه باید عملیات را بحیث گروه هجوم دشمن پیش میبردند از بین رفته و چند نفر محدود شان رو به فرار نهادند و ضمناً نعهده ضدا انقلابیونیکه داخل موضع بودند نیز مواضع هایشان را ترک و رو به فرار گذاشتند. به تعقیب دشمن رفتیم و این عناصر اجیر شده خاین بوطن بخوبی سرکوب بعد آرقای دیگری هم رزم ما هم به کمسک مارسیده و به تعقیب دشمن رفتیم و این عناصر اجیر شده خاین بوطن بکلی سرکوب شدند و چار نفر شان را دین محمد سرباز از بین برده بود که در نتیجه ده میل کله شینکوف مصری سه میل هاوان سه میل د. ش. ک، یکپایه دستگاه بی سیم R-105، بدست آمد

و این اجیران فرخته شده از جانب سربازان دلیر قطعه تا آخرین نقطه دنبال و سرکوب شدند که در نتیجه تعقیب قطعه یکعهده زیاد باقیمانده این اجیران وابسته به ارتجاع و امپریالیزم محو گردیده سلاحهای کلاشینکوف مصری، ماشیندار چینیایی، هاوان و راکت انداز هابدمت آمده و در ضمن از قرارگاه این دشمنان انسان و میهن ما اسناد مربوط به باند های ضد انقلابی دستیاب گردید، همچنان یک ماشیندار ثقیل با نود و دو مرمی و شریک مرمی که در یک موضع پنهان ساخته شده بود بدست قوای مسلح افتاد.

او گفت: بعد از ختم این عملیات فردایش مردم شریف و زحمتکش کمر با گرمی و صمیمیت از قوای مسلح که این چپاولگران را سرکوب کرده بود استقبال کردند.

محمد سلیم سرباز افزود: در یک عملیات محاروبی که در چک وردگ وظیفه داشتیم با اشرار و برو شدیم که تعداد شان بیست و دو نفر بود، با یورش دلیرانه سربازان جزو تام ما یکعهده زیاد این باند آدمکش و راهگیران محو و شش نفر شان با ۱۸ میل سلاح مدرن امریکایی، چینیایی و مصری و بم های دستی و اسناد غیر قابل انکار بدست آمد.

وی به تمام سربازان میهنش پیام داشت: تا دشمن را محو نکنید سلاح بر زمین نگذارید و به دشمن فرصت ندهید تا به تخریبات در کشور ما ادامه دهد و دلیرانه در راه سرکوبی آنان ثابت قدم باشید و شجاعانه عمل کنید، پیروزی از آن ماست.

محمد سلیم بیش از ۳۳ ماه است که در صفوف قوای مسلح سرباز است از مبارزاتش بر ضد دشمنان وطن، مردم و انقلاب خاطرات تلخ و شیرین زیادی دارد که خودش میگوید جزء مهم تاریخ زندگی اش میباشد و هرگز چپاولگری ها آدمکشی های دشمن و پیروزی های قوای مسلح را در امر سرکوبی دشمن و شهامت سربازان وطنپرست کشور را فراموش نخواهد کرد.

او در برابر این همه دلیری هایش همیشه مورد ستایش فرماندان و افسر قطعه اش میباشد.

او پیش آمد تمام افسران را با سربازان رفیقانه و برادرانه خواند.

«عکس این سرباز دلیر را در صفحه اول هشتی ملاحظه فرمائید»

قو ماندان قطعه ۵۰ میگوید مهارت های تکتیکی و تخنیکی عامل عمده پیروزی در عملیات محاربوی است



عبدالرشید سرباز

دارند ، بکمک مردم شریف منطقه قوای مسلح توانست در آستانه عملیات را موفقانه انجام داده اش را را سرکوب و اجیران وابسته به باندهای ضد انقلابی را ضربه بزنند .

درین عملیات بر علاوه اینکه یک بخش مخزن سلاحهای شان از بین برده شد یکنه عدد کافی اسلحه پاکستانی ، چینایی ، امریکایی و مصری ، دو عراده موتر ، موتر سائیکل یکصد و پنجاه بیبرل پترول و از جای دیگر سه دیپوی اسلحه چاوصد بوری بوره ، یکصد و پنجاه صندوق چای و یکنیم میلیون افغانی پول نقد بدست قوای مسلح افتاد که در تمام این ساحات ما از همکاری مردم زحمتکش برخوردار بودیم .

سرباز دیگری بنام عبدالرشید از غند پنجاه از خا طراتش چنین حکا یه کرد :

قطق آرزو مند هستیم دشمنانی را که علیه انقلاب ما قرار دارند هرچه زوتر محو کنیم و با روح آرام مصرف کار و آبادی وطن مان شویم .

دشمن تطمیع شده و اجیران گماشته شده ارتجاع و امپریالیزم به اتکای دالر ، پوند و کلدان باهم میهنان ما میجنگند تا مسیر انقلابی کشور ما را به موانع مواجه سازند ولی سربازان و افسران دلیر و هموطنان زحمتکش ما بخاطر دفاع از شرف و ناموس وطن و حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی و در نهایت در سنگر دفاع از دستاوردهای انقلاب کشور باضد انقلاب میروزمند و باروحیه شکست ناپذیر و آهنین به آنها ضربه کوبنده وارد میسازند .

قطعات و جزو تام های فرقه ۱۸ در عملیات مختلف برضد این عناصر اجیر ضد بشریت و آرامش انسان سهم شایسته گرفته و در بخش های مختلفی ضد انقلابیون وابسته به باند های اجیر و آدمکش راسرکوب نمرده و سلاحهای مختلف امریکایی ، چینایی ، مصری و پاکستانی را بدست آورده اند که اینهمه موفقیت ها نمایانگر شجاعت و وطن پرستی سربازان و افسران دلیر و همکاری های مردم زحمتکش آن مناطق است . قومانندان یکی از قطعات فرقه ۱۸ راهنگامی هم صحبت شدم که او موفق به اخذ مدال ستاره درجه سوم نیز شده بود .

وی در برابر یک پرسش خبرنگار مجله اردو گفت :- در عملیاتیکه در ولسوالی شترین تگاب ولایت فاریاب صورت گرفت وظیفه گرفتیم ، در داخل منطقه ولسوالی رفته و بعد از تماس با مردم و تشریح اهداف انقلابی حزب و دولت دریاقتیم که دشمن بمردم زحمتکش ما طوردیگری تبلیغ نموده و زمانیکه مستقیماً با مردم در داخل مفاهمه شدیم در عمل و پیش آمد ثابت نمودیم که ما بخدمت مردم خود هستیم ، تمام مردم زحمتکش آن منطقه دسته دسته با ما آماده همکاری بودند .

سربازان و افسران قوای مسلح نیز صمیمانه از هیچنوع رهنمایی و پیش آمدی که انعکاسگر احساسات پاک شان بودند در برابر مردم دریغ نمیکردند . و ما هم با تماس هرچه بیشتر روز تاروز تبلیغات خصمانه دشمن را خشتی میکردیم و به تنویر مردم می پرداختیم .

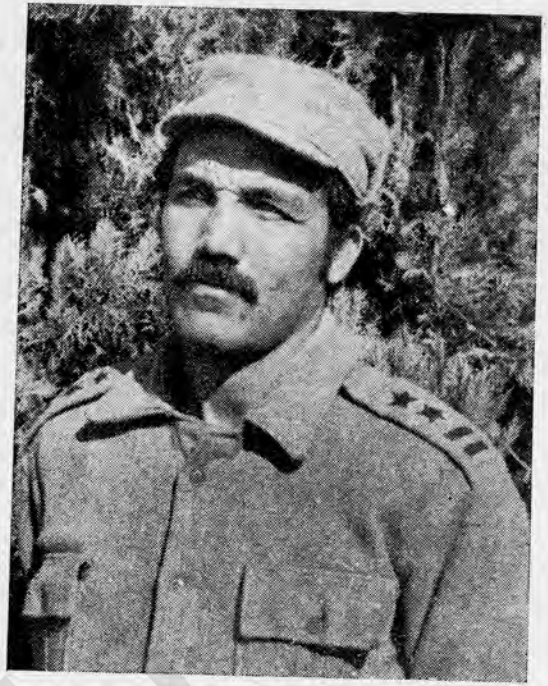
وی گفت : « طبق اطلاع دریافته بودیم که در منطقه آستانه این ولسوالی رهنان و ضد انقلابیون پناهگاه و سازمان

همیشگی را تا مین و از جریان فعالیت ها را پور درست داده مقامات مربوطه را در جریان اصلی وقایع قرار دهد و جزو تام کشف بتواند وظیفه محوله ترصد و کشف فعالیت تکنیکی و محار بوی، نوع سلاح، موقعیت موضع شانرا بدرستی انجام دهد، دیگر اشکالی در حصول پیروزی وجود نخواهد شد و راه پیشرفت قوای پیاده و تانک در عمق مواضع دشمن مساعد خواهد گردید.

در چند عملیات محار بوی ای که در مربوطات بلخ، سمنگان و فاریاب صورت گرفته است جگتورن عبدالستار آمر مخابره یکی از کاندک ها و سرباز حضرتقل از کندک فوق برانندگی هابی در انجام وظیفه داشته اند که مورد تأیید و ستایش قوماندانان شان نیز بودند.

جگتورن عبدالستار که ضمناً منشی سازمان اولیه نیز است یکی از موفقیت های خود و سربازانش را چنین بازگفت: در دره ژوندون سمنگان لازم افتید تا عملیاتی بخاطر سرکوبی اشرار صورت بگیرد، درین بخش وظیفه نامین ارتباط محار بوی بدوش من و قومانده عملیات بدوش محمد دیدار قوماندان توالی به سرکردگی محمد نعیم سرباز دلیر ما بود که در نتیجه بر خورد های تکنیکی پنج نفر ضد انقلابی با سلاح شان دستگیر شدند و از سوی دیگر در دامنه کوه بست با استفاده از تکنیک میتودیک کشف پنج کمیته یکی از باندهای اشرار از بین برده شده، دیپوی مهمات و سلاح و یک مقدار کافی مواد ارتزاقی بدست قوای مسلح افتید.

وی گفت، در هر بخش فعالیت خویش قوای مسلح ما از حمایت مردم شریف و زحماتکش کشور برخوردار است و از آدمکشان اجیر و گماشتگان ارتجاع و امپریالیزم که تمام



جگتورن عبدالستار آمر مخابره

سربازان در هر وظیفه ای که میگیرند روحیه شان قویتر، رزمندگی و آشتی ناپذیری شان بیشتر از قبل در برابر گماشتگان اجیر شده، ارتجاع و امپریالیزم، این دشمنان مردم و میهن ما است.

او هم در بسا وظایف محار بوی سهم داشته است، ضمن تذکر خاطر ازش گفت: در عملیات محار بوی به ما مسل در ساحه ای که ما پیش میرفتیم دشمن موضع گرفته بود، ما هم چار نفر بودیم و دو نفر ما نظر به قومانده از دو جناح بالا رفته نقاط حاکم را گرفتیم و دو نفر دیگر در مواضع اولی دشمن را مصروف نگه داشتند و ما بعد از رسیدن بمحل مطلوب بطرف دشمن پائین آمدیم و دو نفر دیگر هم بالاسی آمدند و محاصره تنگ شد تا اینکه دشمن بجز تسلیمی چاره نداشت و درین برخورد چهار نفر دشمن را با چار میل سلاح از زیر سنگ که موضع آنها بود دستگیر نمودیم.

وی گفت: روحیه عالی سربازان از رهنمایی صمیمانه و توضیح درست تکنیک محار بوی و تخنیک سلاح است وی حاکمیت بالای سلاح دست داشته و فهم درست تکنیک محار بوی را از عوامل مهم پیروزی خراشد و افزود که داشتن احساس پاک و وطنپرستانه و روحیه عالی میتواند زمینه های پیروزی را موثق سازد.

در ایفای فعالیت های محار بوی جزو تام مخابره و کشف در تحقیق درست پلان طرح شده هر کدام نقش موثر و تعیین کننده دارد، اگر جزو تام مخابره قادر شود که ارتباط



حضرت گل سرباز

اعمال شان ضد کرامت انسانی و مخالف تعلیمات اسلام است
نفرت دارند .

حضرت قل سرباز که از سیمایش نبرد ، سلحشوری و
آشتی ناپذیری علیه دشمنان وطن و انقلاب بصراحت خوانده
میشود ، با آنکه از تعهدش در برابر حزب ، دولت و انقلاب
بمنظور محو کامل دشمنان مکرر یاد آور میشد گفت : تازه ام
سرباز این مردم رنجدید و این وطن خواهیم بود تا دشمنان
سوگند خورده آنرا محو نکنم آرام نخواهم گرفت .

وی صحبتش را چنین ادامه داد : فداکاری در راه
مردم و میهن افتخار است و محو دشمن پرافتخار تر از آن ،
حضرت قل از چار کنت این خاطره را بزبان خودش توضیح داد :-
پوسته ما در یک منطقه نسبتاً دور از جزو تام ما موقعیت
داشت شب در پیره بودیم که یکعده عناصر ضد انقلابی بالای
بلوک ما حمله آورد و به اثر فیرهای متقابل ، مجادله ما با
دشمن به جنگ تن به تن کشید و اما از سلاح من منمی خلاص
شده بود به اثر یک ضربه فنی با برچه یکی از دشمنان را از
پاد آوردم و سلحش را گرفتم متوجه شدم که سلاح مذکور
هم خالی است اما دشمن از پا در آمده دو شاجور احتیاطی
در بغل دارد ، از آن استفاده کرده بسوی سایر عناصر ضد
انقلابی که تعداد شان تقریباً به سی نفر میرسید ضربه وارد
نمودم متوجه شدم که بی دربی توانستم شش نفر شان را از
پا در آورم و رفقای دیگرم با دیدن این صحنه روحیه
گرفته بسوی سایر دشمنان حمله بردند بعضی را با برچه و
بعضی را با فیر محو کردیم و صرف چند نفر محدود شان رو به
فرار نهادند و اما درین برخورد تن به تن و رویا روی
بیست و دو نفر از اشرار کشته شدند و یکتعداد زیاد سلاح
و مرمی هایشان نیز بدست قوای مسلح افتاد .

او گفت : درین نبرد رویا روی من هرگز بفکر مردن و
مرگ نبودم و یقین داشتم که دشمن بی ایمان است زبون
و محو میشود و ما پیروز هستیم ، زیرا نبرد و مبارزه ما برحق
و عادلانه است .

خاطرات فراموش ناشدنی سربازان قهرمان ما

افسران و سربازان دلیر و شجاع قوای مسلح در هر گوشه
از خاک وطن که وظایف محاروبی را انجام میدهند ، هر کدام
بنوبه در فعالیت های محاروبی پیروز مندانه دشمن را
سرکوب و از وطن دفاع مینمایند . درین کار روائی ها و
قهرمان های دوتن از سربازان قهرمان را که در دورترین
قسمت وطن و در سرحدات کشور مادر دفاع از تجاوز بیگانگان



سرباز وزیرخان نشانزن ماهرو نمونه مثال است .

و خنثی نمودن تخریبات دشمنان داخلی قرار دارند ، شرح
میدهم .

سرباز وزیرخان ، که اضافه از سه سال دوره خدمت پرافتخار
زیر بیرق را مؤقانه سپری کرده است خاطرات زیادی را بیاد
دارد تجاربی را که از دوره تعلیم و تربیه محاروبی آموخته
است و با فراگیری تکنیک های محاروبی و حاکمیت بر سلاح
دست داشته اش ، فعالیت های محاروبی را به حسن صورت
انجام داده است . او در یکی از فعالیت های محاروبی خود
که دشمن کمین کرده را نابود و سلاح اش را بدست آورده
است میگوید :

« قطعه ما بخاطر سرکوبی دشمن در قلعه بندر اسد آباد
ولایت کفر فعالیت های محاروبی را انجام میداد ، من بایک
رفیق دیگرم که با سلاح ماشیندار دشمن مسلح بودیم ، بایک
تکنیک خاص چار نفر از دشمن را که در قست های بالای
دره جایجا شده بودند بالای سربازان ما آتش میکردند
توانستیم بایک ضربه ماشیندار از بین ببریم و چارمیل سلاح
آنهارا بدست آوردیم . » او در یکی از خاطرات دیگرش که
با رفیق همسنگر خود توانست یک میل ماشیندار « زیگویک »
را از دشمن بگیرد صحبت خود را چنین دنبال کرد : دشمن
از قلعه بلندیکه توسط درخت های انبوه پوشیده شده بالای

ببرد او توانست دشمن را بزودترین فرصت تشخیص و دستگیر نموده و به قوماندان قطعہ تسلیم دهد، که در زمینه معلومات زیادی ازین اسیر شده بدست آمد. همه این فعالیت هایش از تجاربیکه در جریان سه سال خدمت کرده حاصل گردیده است.

دربرابر دشمنان انقلاب و وطن بیهراس میرزم

دست آوردهای انقلاب ثور که نتیجه مبارزات قهرمانانه مردم ماست از پشتیبانی قاطع و بی دریغ مردم زحمتکش ما برخوردار بوده و هست. اردوی قهرمان ما که منجیت پاسداران انقلاب ثور در جهت دفاع از دست آوردهای انقلاب ثور با تلاش های خستگی ناپذیرش بخاطر بهبود شرایط زندگی آرام و سرفه و اعمار یک افغانستان نوین و مترقی جان بازی ها و سرسپردگی های انقلابی نموده اند، سربازان دلیر و شجاع مادر امر تحقق آرمان های انقلاب از طریق اجرای وظایف محاروبی در شرایط مختلف در چوکات قطعات مربوطه فعالیت های انقلابی مینمایند. اردوی قهرمان ما در محو و اضمحلال باندهای آدم کش وابسته به امپریالیزم چون دژ فولادین و استوار رزمیده اند که به غنای افتخارات مبارزات مردم ما که عیله استبداد و ارتجاع نموده اند، افزوده است و به ارتجاع منطبقه و جهان جواب دندان شکن داده شده است. در ذیل راپورتی



محمد قاسم سرباز

ما آتش میگرد، من و رفیقم با ماشیندار دشمن. ک پرسونل این سلاح شان از بین بردیم، به ترتیبی که خودم چند متر دور تر از رفیق خود از موضع بالای دشمن انداخت کردم، فوراً موضع خود را تغییر دادم، دشمن متوجه موضع قبلی شد، به مجرد، تغییر آتش دشمن رفیقم با دشمن. ک بالای آنها فیر کرد، که در نتیجه هر دوی آنها از بین رفتند و سلاح شان بدست ما افتاد.

فعالیت ها و فداکاری های این سرباز غیور که واقعا فراموش ناشدنی است، مورد تحسین، قوماندانی فرقه کتر واقع گردید، قوماندانی مذکور به پاس این فداکاری مکافات داد، از طرف قوماندان قطعہ خودش نیز تقدیر شد. دو نفر دیگر از اعضای فامیل این سرباز با شهامت در صفوف قوای مسلح ایفای وظیفه میدارند، و از وطن انقلابی شان دفاع میکنند.

سرباز سید نصرالدین شاه نیز از جمله سربازانیست که سه سال خدمت مقدس زیر بیرق را با کمال افتخار سپری نموده است، او در وظیفه اش مهارت کامل دارد، و نکتیک های محاروبی را در جریان این سه سال بخوبی آموخته است، او حالا یک سرباز با تجربه است، با ماهیت دشمنان، این اجیران حلقه بگوش و فروخته شده دالر و کلدار که مردم بیگناه ما را میکشند. مساجد و موسسات دولتی را به آتش میکشند و خود را در زیر پرده اسلام جامیزند بخوبی میدانیم او خطرات فراموش ناشدنی را که همه محصول تجارب تعلیم و تربیه محاروبی او میباشد بیاد دارد. او شب و روز وظیفه اش را با علاقه و دلگرمی دنبال میکند در یکی از فعالیت های محاروبی که در قسمت دره بیچ ولایت کتر انجام داده است، با چند نفر از همسنگران خود توانست که چار نفر از دشمن را دستگیر و آنها را زنده به قوماندان فرقه تسلیم کند و سلاح دست داشته آنها را بگیرد. این سرباز جوان فعالیت های زیادی را انجام داده که هر یک به نبوبه خود اهمیت و ارزش خاص دارد، بطور مثال زمانیکه این سرباز با چند نفر از رفقای دیگر تولی خود طور داوطلبانه وظیفه گرفت تانان و مواد غذایی را به سربازانیکه در قسمت بریکوت و نانی مصروف فعالیت های محاروبی بودند برساند در طول راه بادشمن رو برو شدند اما تا رسیدن قوا با وجود کمی پرسونل توانستند با دشمن مقاومت کنند و با رسیدن کمک ۳۵ نفر از آنها دستگیر، ۱۷ میل سلاح را از نزد آنها بدست آوردند و اضافه از چهل نفر آنها را از بین بردند، نه تنها این سرباز و وظایف محاروبی را به حسن صورت انجام میدهد بلکه در روشن ساختن اذهان سربازان و پیشبرد مسایل تبلیغی نیز در داخل قطعہ اش فعالیت ها مشمری را انجام داده است. مثلاً: در یکی از روز ها که دشمن در داخل قطعہ آنها نفوذ کرده و میخواست که سربازان را فریب داده با خود

بالای جوانان دارد ، در قطار قوای مسلح شامل شوم بوطن
و دولت انقلابی خود مصدر خدمتی مردم خود شوم .
وی گفت انقلاب ثور ، انقلاب مردم افغانستان است
که به خواست مردم ما به پیروزی رسید و حال دشمنان
انقلاب دین و وطن در بین مردم ما جای ندارند.



نیک محمد سر باز

مجله اردو مصاحبه ای با دوتن از سربازان قوای مسلح
جمهوری دموکراتیک افغانستان نموده که بیانگر احساس
زنده آنان در برابر وطن و وجایب ملی شان در امر
انقلاب میباشد .

محمد قاسم سرباز قطعه ۷۷ دافع هوا سرباز است که از
چهره اش شور و طپستی و عشق بوطن نمایان میگردد
نامبرده در مقابل سوالی به راپورتی در مجله گفت من از زمانیکه
به خدمت مقدس عسکری موظف شده ام و لباس قابل افتخار
عسکری را پوشیدم و به حیث یک سرباز در صف قوای
مسلح ج - د - ا ، در پهاوی سایر برادران خود بیهراس
در برابر دشمنان وطن و انقلاب رزمیده ام . بمن بزرگترین
افتخار است که از طریق سربازی بوطن محبوب خود مصدر
خدماتی میشوم و وجیبه ای که وطن بالایم دارد ادا میکنم
و در این راه تا محدود دشمنان وطن و انقلاب پایدار خواهم ماند .
وی به ادامه صحبتش گفت : انقلاب ما نه تنها از طرف
مردم زحمتکش کشور ما پشتیبانی میشود بلکه بسویه جهان
تمام نیروهای مترقی از انقلاب ما با قاطعیت دفاع میکنند
همین چند روز قبل جلسات سازمان همبستگی خلقهای
آسیا و افریقا در کابل برگزار گردیده بود و هر یک از
نمایندگان ممالک مختلف جهان نظریات خویش را در
مورد انقلاب افغانستان ابراز داشتند و ما آنرا از طریق
تلویزیون بچشم سر دیدیم که تمام مردمان جهان مدافع
انقلاب ملی و دموکراتیک در کشور ما اند و مداخلات
ارتجاع و امپریالیزم را تقبیح کردند . و یک بار دیگر به
جهانیان نشان دادند ، انقلاب افغانستان که به رهبری
ج . د . خ - افغانستان به پیروزی رسیده است پشتیبانی
جهانی دارد و نمی گذارد تا امپریالیزم امریکا ، شئونیزم
چین در مسایل داخلی افغانستان به مداخلات خود ادامه
بدهند و مداخلات امپریالیزم را در افغانستان هر یک از
نمایندگان مردمان صلح دوست جهان تقبیح نمودند .

محمد قاسم سرباز افزود : وابستگان ارتجاع و
امپریالیزم یعنی اشرار چند روز قبل با چند فیر خود بالای
بطریه ما میخواستند مورال سربازان ما را پایین بیاورند ولی
بطریه ما با دادن جواب دندان شکن ، اشرار بار دیگر
جرت نکرد تا بطرف ما حتی یک مرمی فیر کند .

همچنان نیک محمد سرباز بعد از جلب و احضار قسمی
به خدمت عسکری شتافته و به قطعه (۷۷) دافع هوا به حیث
سرباز مانند سایر سربازان پرتحرک بوظایف مقدس خویش
ادامه میدهد . وی به ادامه صحبتش با راپورتی در مجله گفت :
من بعد از فیصله شورای وزیران در مورد احضار قسمی
بوظیفه مقدس عسکری ثبت نام نمودم تا فریضه ای که وطن

سر باز از مرگ نمی ترسد

تورن عبدالرحیم مربوط فرقه‌ی نمبر ۸، یکی از افسران شجاع و سرسپرده‌ی راه انقلاب است. جوانیست متین و خونسرد، و در یک خانواده زحمتکش پا به عرصه‌ی وجود گذاشته است، و پس از ختم دوره‌ی بکلوریا به اساس ضرورت و شرایط انقلابی کشور، به حربی پوهنتون شامل و پس از فراغت به صفوف رزمجویانه‌ی قوای مسلح پیوسته است.



تورن عبدالرحیم

تورن عبدالرحیم چنانچه خودش اظهار میدارد در مناطق زیادی با عناصر ضد انقلاب روبرو و روپیکار گرم نموده است.

در نواحی پنجشیر در راه سرکوبی اشرار، دوشادوش دیگر افسران دلاور، جنگیده و خاطرات ارزنده و الهام بخشی را از مبارزات انقلابی خویش بحافظه دارد. چهره‌ی تابناک، چشمان تیز بین و پروت‌های پرپشت تورن عبدالرحیم بروشنی گویای غرور و تسلیم ناپذیری او در مبارزه است، و با صدای پرطنین خویش چنین زبان گشود:

تاکنون در مناطقی از قبیل ولایات پروان، کاپیسا، بامیان و نیز در ولسوالی‌های خوست، سیدخیل غوربند، گلپهار، جاجی میدان، خان کلی و در اخیر به پنجشیر علیه دشمنان مردم و ومان، مسلحانه جنگیده‌ام.

وی در برابر سوالی که از جریان مبارزات خود برضد اشرار که در پنجشیر جا بجا شده گفت: اشرار تمام روز به اذیت و کشتار مردم می پردازند، و ما با سلاح‌های مجهز بسوی پنجشیر حرکت کردیم. در قسمت دوه‌ی پنجشیر رسیدیم، با همه دشواری راه از دره گذر کردیم. با اینکه از دره گذشتیم از قسمت‌های دور و بلند از عقب سنگ‌های کلان، فیرهای متواتر بطرف ما صورت گرفت، ما به شتاب خود را پروت و عقب سنگها و پناهگاه‌ها قرار دادیم. در حالیکه رفقای ما و رفقای همسنگر ما درین مناطق آشنایی هم نداشتیم بزودی بجا‌های مناسبی برای خود موضع گرفتند قوماندان ما با دلاوری و شور انقلابی که همیشه در قلبش مشتعل بود چند تن از سر بازان و همچنان مرا یکجا با خود گرفت و خود شش پیشا پیش ما سلاح بردست از یکجوی بسوی کوه یعنی بهمان طرفی که دشمن قرار داشت حرکت کردیم. فیر دشمن همچنان ادامه داشت.

قوماندان، بما دستور داد که بی وقت فیر نکنیم. ما فقط به پیش می رفتیم، و بدشمن بسیار نزدیک شدیم. یکبار آتش دشمن با اینکه مارا دید شدید و شدیدتر شد. قوماندان ما جستی زد و خود را در حصه‌ی من که سنگرگاه خوبی بود رساند و آرام ماند و گفت: بگذار که فیر کنند!

لحظه‌ی بعد فیر دشمن کمتر شد و سر بازان بدنبال قومانده آهسته آهسته متواری شدند و بصورت خم‌خیم و خاموشانه یعنی هر یک در فاصله‌ی بیسین ۲۰ - ۳۰ متر پیش می رفتند تا که دشمن محاصره گردد و نتواند که فرار کند. ولی سایگان فیر انفرادی می‌کردیم البته در صورتی بود که سر دشمن از چموری‌ها و یا عقب کدام سنگ کلان دیده میشد.

درین لحظه مردی که رویش را بالنگی پیچانده بود به شتاب برای خود موضع می جست از دور به نظر می‌خورد، بزودی او را از پشت یک سنگ نشان گرفتیم و ضربه کردیم. دشمن، فریاد برآورد و بر زمین افتید. درین هنگام از پهلوئی او کسی سربلند گرد و در حالیکه دشنام و فحش‌های خلاف کرامت انسانی از دهانش می برآمد بسویم ضربه‌های متواتر نمود. من به شدت خود را بزمین انداختم و ده‌ها مرمی بود که از بالای سرم و پهلویم برق آسا رد می شدند. و خوشبختانه که یکی هم بمن اصابت نکرد، ولی از یک گوشه‌ی پهن دشمن را دیدیم. او در حالت ضربه بسوی من بود که از طرف دیگری، کدام رفیق همسنگر من او را مورد آتش قرار داد که از پای درآمد و افتید. و من دوباره برخاستم و بدنبال سر بازان در حرکت شدم. در نتیجه دشمن را محاصره کردیم.

صدای (اور) قوماندان بگوشم	برای خود سراغ ندیدند سلاحهای	سرباز را علیه دشمن ، متکی به
رسید ، رفقا بسوی دشمن آتش	خود را گذاشتند و دست ها بالا ،	سه چیز اظها داشت و گفت :
کردند و پیش رفتند و من در قبال	خود را تسلیم کردند .	۱- بلدیت داشتن به استعمال سلاح
قوماندان بودم . او درین فرصتی که	دشمن دیگر زبون شده بود و	۲- استفاده از تکنیک های
سربازان ما به دشمن محاصره شده می	پیروزی از آن سربازان پیکار چوری ما	محار بوی
تاختند میگفت :	که در راه حق و عدالت می جنگیدند	۳- مطابق اوامر قوماندان
--- سرباز از مرگ نمی ترسد !!	شده بود .	اجرا آت نمودن .
پیش می رود و بادلاوری می جنگد.	تورن عبدالرحیم ، در پایان	اینست اسبابی که هر سرباز را
دشمن یکا یک سرکوب شده میرفت	سخنانش به اساس تجربه های	از خطر دشمن مصئون و به او
تا که عده یی هم چاره و گزیری	فراوان خود ، اسباب پیروزی یک	پیروزی بار می آورد .

صفحات حماسه آفرینان به خاطر قدر دانی از حماسه هائی که سربازان قهرمان مادر
جبهات گرم ، خلق میکنند تهیه میگردد .

از قوماندانان و کارکنان سیاسی قطعات و جزو نامهای مربوط آرزو می رود تا عکس ها و
صفحات مربوط به کار نامه های این حماسه آفرینان جاویدان را به جریده های دیواری نصب و
هم خود سربازان قهرمان را از جریان مطلع سازند و حتی در صورت امکان میتوانند این
قهرمان ها را در اجتماع عمومی قطعه و یا جزو نام معرفی و مطلب نشر شده درباره آنها
قرائت گردد.

بنگله دیش

(بقیه صفحه ۵۱)

چلی پشتیبانی نموده و از روز جهانی طفل تجلیل بعمل
می آورند .

اتحادیه نوجوانان :

این اتحادیه در سال ۱۹۵۶ به ابتکار ژورنالیستان و
نویسندگان مترقی بنگله دیش تشکیل گردید و در حدود
بیست و پنجهزار طفل و نوجوان بین سنین ۱۵ تا ۱۶ در آن عضویت
فرهنگی و هنری نوجوانان بوده . این سازمان مسابقات
سپورتی ، هنری و اساسی نیز نموده و کلوب های ادبی
تاسیس نموده است . رهبران این سازمان بعد از بوجرد آمدن
کشور بنگله دیش در همبستگی با مردم ویتنام ، چلی ، فعالیت
زیادی نمودند .

سازمان اطفال :

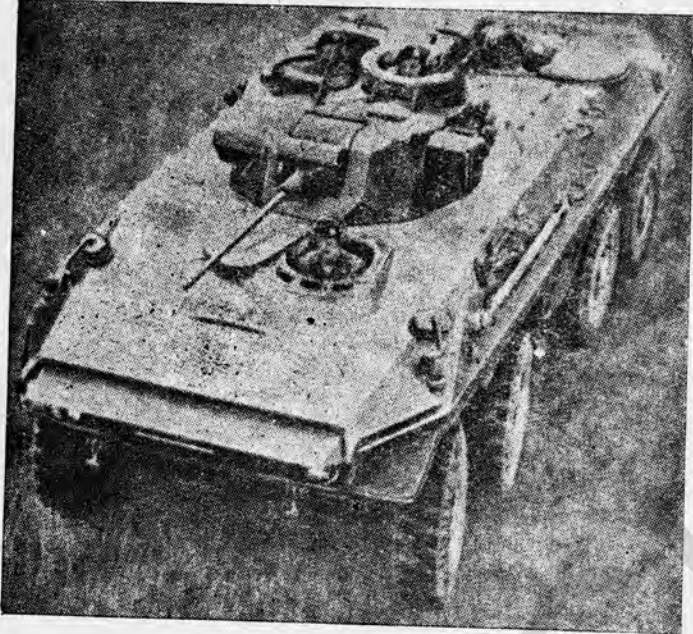
این سازمان در سال ۱۹۵۲ توسط یکک گروپ
نویسندگان مترقی بوجرد آمد و در آن سی هزار عضو که اکثر
شان اطفال ، کارگران و تجار کوچک و دهقانان و کارمندان
است شرکت نمودند .

فعالیت این سازمان مطابق به اساس نامه آن شامل
مباوزات دامنهدار و پیگیر بخاطر پخش سواد و دانش
در بین مردم است و نیز هدف این سازمان مبارزه برای صلح
اتحاد انتر ناسیونالیستی مردم جهان است .

سازمان ضمن میتنگ هایی از مردم ویتنام و قهرمانی
آنها و نیز از مردمان کشورهای عرب و از مبارزات مردم



احضار افکار ببری



ترجمه از : دگرمن ارکانجرب
عبدالروف «بیگی جان»

کشف یگانه و اسطه تامین کننده قرار فرماندان است

فرماندانان بدون اجرای کشف و دانستن وضعیت قدم در محاربه پیش نمی گذارند ، باید گفت که موفقیت جنگ دوم جهانی را اعتماد فرماندان بر کشف کمائی کرده است .

در تعرض ، در مدافعه ، در رفتار و محاربه تصادفی حتی در ساحات سیاسی ، اجتماعی اقتصادی بدون کشف موفقیت بدست آمده نمی تواند موضوع بحث ، کشف عسکری است که ثبات اردو امنیت مملکت از تجاوزات خارجی بر آوردن خواسته های فرماندانان و رجال سیاسی را در زمینه از بین بردن دشمنان در محاربه و خنثی نمودن پلان محاربه ای آن ها که همه به کشف ارتباط می گیرد تامین کرده می تواند .

چنانچه مکنامارا وزیر دفاع سابق امریکا در بک جلسه عمومی به صراحت اعلان کرده بود که اگر کشف ، تمام معلومات ها را راجع به تغییرات و تحولات عسکری ، سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی بطور مؤثق و بوقت و زمان آن اطلاع ندهد برای ما این چنین یک اردوی بزرگ هیچ لازم نیست .

به همین منظور است که اجنت های مخصوص و عسکری او در تمام ممالک و حتی در ابحار جهت معلومات فرستاده شده است و در بعضی ممالک پایگاه نظاسی و جاسوسی را بوجود آورده اند درین راه هر عضو بلاک ناتو کوشش می کنند که یکی بر دیگری در ساحه کشف و تقویه آن تقدم حاصل کند .

با ارتباط این موضوع کشف زمینی در قول اردوی آلمان غرب را به خوانندگان محترم

تقدیم می دارم

کشف زمینی در قول اردوی آلمان غرب

حوضه های نظامی گر آلمان غرب می خواهند در بلاک ناتو در بین حریف های اروپای غربی خود بحیث لیدر باشند. به این نسبت برای انکشاف و تقویه قدرت نظامی قوت های مسلح خویش پول زیادی مصرف می کنند. شاهد حقیقی این موضوع ترتیب و تنظیم پر و گرام فوق العاده است که از طرف قوماندانی قوای مسلح برای مدین ساختن قوتها از نظر کیفیت و تنظیم تشکیل جز و تاسما قطعات و جز و تاسمای بزرگ و همچنان بهتر ساختن میتود های کشف و بلند بردن اسکانات آنها در امور کشف یکجا با جز و تاسمای محاروبی می باشد.

فعلاً تمام آزمایشها و فعالیتها بخاطر مؤثریت و وسایط کشف و میتود های کشف اجرا میشود. نظر به اصولنامه های آلمان غرب شخص قوماندان قول اردو یگانه امر دهنده و کنترل کننده فعالیت های قوتها می باشد و جهت بدست آوردن معلومات لازم در باره دشمن مخصوصاً وسایط ذروی و وظیفه اصلی و خیلی ها سهم را بدوش جز و تاسمای کشف می گذارد.

ترتیب و تنظیم کشف بدست آوردن معلومات مستقیماً به امر کشف مربوط است که وضعیت و قدرت دشمن را محاکمه نموده و مفکره احتمالی او را بمیدان بکشد. نظر بگزارش مطبوعات آلمان غرب کشف باید موقیعت، نوعی قطعات، تعداد، تشکیل و خصوصیات فعالیت محاروبی و منطقه جایجا شدن سلاح های ذروی، محلات سوق و اداره و سیستم مخابره دشمن را بوقت و زمان به میدان بکشد. در اصولنامه های قوای مسلح مذکور خاطر نشان شد که معلومات لازمی در باره دشمن با مساعی قوت های کشف زمینی و هوایی قول اردو بدست می آید.

و همچنان برای اجرای کشف مساعی مشترک تمام ارگانهای کشف مانند: کشف قطعات، طوپچی، انجنیری، کیمیاوی، بیولوژیکی، راداری، را دیوی و را دیو تخنیک ضروری است.

کشف قطعات:

در قول اردوی آلمان کشف توسط قواء و وسایط کندک کشف فرقه (تانک و پیاده) که در خط اول نظام محاروبی فعالیت می کنند (نظریه تطبیقات دو فرقه) و بلوک های کشف، غندها و جز و تاسمای محاروبی خط اول اجرا می شود. ارگانهای اساسی کشف که از جز و تاسما و قطعات افزاز می گردد عبارت می باشد از:

— پوسته های ترصد.

— قطار های کشف (مفرزه کشف)

— گروههای کشف که در عقب دشمن فعالیت می کنند.

— جز و تاسمای که به کمین افزاز می گردد.

— اجرای پالیدن.

— کشف محاروبی.

پوسته های ترصد:

پوسته های ترصد در شرایط تماس مستقیم بدشمن برای اجرای کشف و وظیفه میگیرند در تمام جز و تاسما و قطعات از تولی شروع الی جز و تاسمای بزرگ پوسته های ترصد را افزاز می کنند که در نتیجه آن سیستم ترصد بوجود می آید. پوسته های ترصد از ۳ - ۴ نفر و پیاده ترهم شده میتوانند پوسته های مذکور با آلات مختلف الکترونی و اپتیکی - تله - متری های لایزری (مسافه سنچ) مجهز می شوند. منزل فعالیت این همه آلات الی ۱۰ کیلومتر شده می تواند انحراف اندازه گیری به ۵+ می رسد.

در پهلوئی این پوسته های ترصد در محلات ترصد ایمنی و وسایط ترصد با آلات مربوط زره پوش های ۱۱۳ - ۱۱۱ تانک های «لیوپارد» ماشین محاروبی «ماردر» زره پوش های کشف SPIA ماشین محاروبی «لوکس» استعمال میگردد. منزل اجرای کشف از محلات ترصد مربوط به نوعیت آلات الکترونی و اپتیکی بوده و از ۵ کیلومتر تا به ۱۰ کیلومتر می رسد.

قطار کشف:

قطار کشف از جز و تاسمای پیاده تانک و جز و تاسمای کشف فرقه جهت فعالیت در عمق و در عقب دشمن افزاز می گردد. ترکیب قطار کشف مربوط به کرکتر وظیفه محوله و شرایط اجرای کشف بوده و معمولاً جهت اجرای وظیفه یک بلوک و یادلگی موظف شده می تواند.

نظریه تعلیم نامه آلمان غرب قطار های کشف ثقیل و یا خفیف شده می تواند.

اگر در تشکیل قطار کشف ماشین محاروبی بازره پوش باشد بنام خفیف و اگر با تانک تقویه شده باشد بنام قطار کشف ثقیل یاد میشود.

از کندک پیاده و یا تانک یک قطار کشف و از کندک کشف فرقه ۱۰ - ۶ قطار ثقیل والی ۱۶ خفیف به ترکیب الی دلگی افزاز شده می تواند.

در مطبوعات نظامی آن ها دیده میشود که قطار کشف وظایف ذیل را اجرا می کند:

— بمیدان کشیدن دشمن در مناطق معین. نمرات. ترکیب و فعالیت آنها.

— بمیدان کشیدن سلاح تأثیر دسته جمعی و تعیین کوردینات آنها.

— بمیدان کشیدن موقیعت و وسایط آنشی - محلات سوق و اداره - دیپو های تأمینات مادی و تخنیک تاسیسات تدافعی و مواضع انجنیری.

- کشف استقامت رفتار

- بمیدان کشیدن موانع و مناطق زهرآلود سواد
رادیواکتیف مسموم کننده .
- بمیدان کشیدن راه های عبور راه های دورانی و یا
عبور آن ها .

قطار کشف غیر از وظایف فوق در عقب دشمن فعالیت
نموده امیران ، اسناد و انواع جدید سلاح و وسایط
محرابوی دشمن را بدست می آورد .

با ارتباط وظایف محوله در تعرض و مدافعه عمق
فعالیت قطار کشف که از کندک های پیاده و تانک افراز
می گردد قرار ذیل است .

قطار کشف که از لوا افراز می گردد بمسافه ۱۰ کیلومتری
از فرقه عمق ۴۰ - ۳۰ کیلو متر افراز شده می تواند
جهت اجرای کشف برای هر قطار کشف ۲ - ۱ هدف کشف ،
استقامت کشف و منطقه کشف داده میشود و قطار های
کشف میتوانند کشف را توسط ترصد در شریده ۵ - ۴ کیلومتر
و با افراز اوچ بشکل پیاده و بالای موتراز ۵ - ۴ کیلومتر
زیاد تر اجرا کرده می تواند .

اگر در تشکیل قطار کشف دستگاه رادار بالا می تواند
با توقف های کوتاه در شرایط مساعد به مسافه الی ۵
کیلومتر « توسط دستگاه راتوره » و توسط دستگاه
ANITP3-33 الی ۱۸ کیلومتر ساحه را ترصد کند .

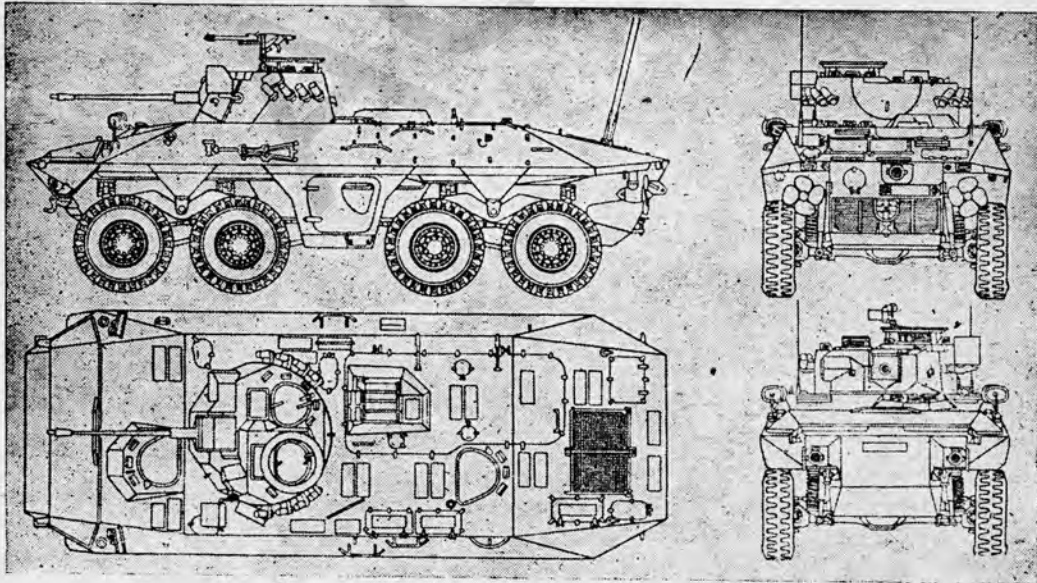
گروپ های کشف (P.۲):

گروپ های کشف جهت فعالیت در عمق دشمن افراز
میگردد . آنها در چوکات فرقه های پیاده (تانک) و از
پرسونلی که تعلیمات خصوصی دیده باشد ۶ - ۴ گروپ
تشکیل میگردد .

ترکیب گروپ کشف مربوط به وظایف محوله بوده
از دلگی الی بلوک افراز شده میتواند آنها در عقب دشمن
می توانند وظایف ذیل را اجرا بدارند .

- بمیدان کشیدن موقعیت سلاح تاثیر دسته جمعی و
گروپمان قطعات دشمن در منطقه تجمع و در رفتار -
محلات سوق و اداره - میدانهای نشست هلوپتراها و
میدانهای هوائی طبارات - اهداف مختلف تحکیم شده
او پراتیفی در ساحه فعالیت آنها و غیره . گروپ کشف به عقب
دشمن بصورت پیاده با استفاده از راه های عبور و یا توسط
قوت های هوائی و یا توسط آلات برنده افراز شده می تواند .
در جریان کشف در ساحه ۷۰ - ۵۰ کیلو متر مربع یک
گروپ کشف بمدت ۲۴ ساعت ۲ - ۱ هدف را کشف کرده
میتواند . عمق فعالیت گروپ کشف به ۱۰۰ کیلومتر رسیده
میتواند .

در مطبوعات غربی خاطر نشان شده که در بعضی اوقات
جزو تاسمهای پیاده و کشف جهت اجرای وظایف خصوصی
بمقصد بمیدان کشیدن ترکیب محرابوی دشمن - وسایط آتشی
آن و غیره استخدام شده می تواند .



ماشین محرابوی کشف « لوکس » افراد نمبر (۴) وزن محرابوی (۱۹ ، ۵) تن دارای سلاح توپ اتومات
(۲۰ م م) ماشیندار دافع هوای م (۷ ، ۶۲) قدرت انجن (۳۹۰) اسپا ور ، سرعت حرکت فی ساعت در سرك
اسفلت ۹۱ / ج / کیلومتر ۹۰ در آب ۴ / کیلومتر ۱۰ ذخیره تیل برای کیلومتر ۸۰۰ در تشکیل قوای مسلح از سال
۱۹۴۵ در کندک های کشف فرقه به تعداد (۴۰۸) عراده موجود است .

در جمله وظایف خصوصی متخصصین نظا می آلمان غرب کمین پالیدن و کشف توسط محاربه را شامل می سازند .

کمین :

کمین توسط پرسونل تعلیم یافته ، جزو تانمهای پیاده و کشف جهت بدست آوردن اسیر ، اسناد و نوع اسلحه جدید دشمن اجراء میگردد . در بعضی اوقات کمین در عقب دشمن توسط گروهها و یا قطارهای کشف تاسیس شده میتواند .

پالیدن :

کشف - پالیدن نظر به هدایت قوماندان فرقه (لوا) یا قول اردو در شرایط تماس مستقیم با دشمن ترتیب و تنظیم میگردد . زیاده تراز همه کمین توسط جزو تانمهای پیاده اجراء میگردد . مقصد از پالیدن ، بدست آوردن اسیر - اسناد و اسلحه جدید دشمن می باشد . معمولا پالیدن در شرایط تماس مستقیم با دشمن بعمل می آید .

به این حساب مسووقیت پالیدن به احضارات دقیق جزو تانمها - انتخاب درست اهداف و تقرب مستور به آنها عملیات بدون صدا دور از ترصد و وسایط کشف دشمن مربوط شده میتواند .

کشف محاربه :

نظر به امر قوماندان قول اردو توسط قوتهای کشف (از تولی الی کندک) در شرایط تماس مستقیم با دشمن در صورتیکه بدست آوردن معلومات راجع به تشکیل و خصوصیات فعالیت محاربه ای امکان نداشته باشد بعمل می آید .

در اثنای اجرای آن بطور مؤثر توپچی - هاوان ها هلیکوپتر های حمایه آتش طیارات تکنیکی هوایی و وسایط دیگر استعمال شده میتواند .

قول اردو نظریه امکانات زیاد نظر به افزا از ارگانهای

کشف که بطور مؤثر میتوانند بعمق ۵۰-۳۰ کیلومتر در ۲۴ ساعت ۱۰۰ اهداف دشمن را کشف نماید (که در آن ۰۷۰ فیصد اشتراك نموده) و ۳۰ فیصد قوتها و وسایط در احتیاط گذاشته میشود .

با وجود آنهم در قوتهای پیاده کشف قطعات که توسط وسایط مدرن از قبیل وسایل الکترونی و اپتیکی تجهیز شده دوامدار انکشاف می کند ساختن ماشین جدید محاربه ای کشف در عین حال برای محلات ترصد سیار ساختن ارگانهای کشف که در عقب دشمن فعالیت های محاربه ای کشف اجرا میکند جایجا ساختن وسایط تلویزیونی اتو ماتیکی برای جمع آوری معلوماتها در باره وضعیت در وقت و زمان آن . متخصصین آلمان غرب به این عقیده هستند که در فرقه عوض کندک کشف باید بگذرد که از دو کندک تشکیل باشد ساخته شود . اجرای کشف توسط (ماشین محاربه ای تانگ) و اجرای کشف تخنیکی توسط (رادپو ، رادپو تخنیکی و طیارات بی پیلوت و طیارات کشف) بعمل آمده میتوانند

کشف عمقانی

توسط قوت و وسایط تولی بعمق قول اردو اجراء میگردد . کشف عمقانی اهداف مهم دشمن محلات سوق و اداره ارگانهای محاربه ای و بطور عمومی وسائط انتقال تأثیر دسته جمعی و رادیو الکترونی را « P Q B » میدانهای نشست هلیکوپتر و میدانهای هوایی ، و دیپوهای مواد مادی و تخنیکی دشمن و غیره را تعیین میکند .

به تشکیل او میتوانند ۲۴ گروه باشد به عقب دشمن به طریق پاراشوتی به عمق ۱۵۰-۱۰۰ کیلومتر افزا شود هر کدام آن در جریان ۲۴ ساعت میتوانند سه هدف مختلف دشمن را کشف نمایند .

احتیاط ۳۰ فیصد قوت و وسائط تشکیل میشود . محل سوق و اداره تولی با جزو تانمهای تأمین کننده در نزدیکی محل قوماندان قوماندان قول اردو و آماده زیاد نمودن کشف عمقانی میباشد .

تعداد ارگانهای کشف قطعات در قول اردو

طور مثال :

ارگانهای کشف	کندک	لوا		فرقه		مجموع در خط اول قول اردو (فرقه)
		بلوکهای کشف	مجموع	کندکهای کشف	مجموع در خط اول	
پوسته های ترصد	۱-۲	۱-۲	۴-۸	۳-۴	۱۱-۲۰	۲۲ - ۴۰
قطارهای کشف	۱	۱	۳-۴	۲۲-۲۶	۲۸-۳۴	۵۶ - ۶۸
گروههای کشف	-	-	-	۴-۶	۴-۶	۸ - ۱۲

کشف توپچی

در چوکات قول اردو توسط آلات الکترونی و اوپتیکی صدائیه و رادار که در کندک توپچی آلات کشف موجه دامت اجرا میگردد .

کشف اوپتیکی

از محلات ترصد بطریقه ها و کندکها بعمل می آید. حالات الکترونی و اوپتیکی در شرایط مساعد با انحراف بسیار کم ($\pm 10-15$) متر امکان میدهد که کوردینات های اهداف مختلف را (بر میدان محاربه بدست آورده و معدومات مذکور را بسیار به سرعت مطالعه نموده در مدت ۵ دقیقه به اطلاع قرار گاه مربوط برسانند .

کشف صدائیه (کشف ساحه صدا)

بوسیله شش دستگاه $G-P8$ که در تشکیل کندک توپچی آلات کشف موجود است ترتیب و تنظیم میشود . دستگاه های مذکور موقعیت سیستم های توپچی انداخت کننده را نظریه قطر توپها تا مسافه الی ۲۰ کیلومتر به میدان کشیده میتواند .

کشف رادار

در چوکات قول اردو با استفاده از قوتها و وسائط کندک های کشف و کندکها توپچی ، فرقه های مربوط قول اردو تاسیس میگردد . آلات اساسی آن دستگاه های رادار جهت کشف اهداف مختلف زمینی به مسافه ۱۰ کیلومتر و تقاطع ها و آنها ، توپها ، موضع های سردت و غیره به مسافه الی ۱۸ کیلومتر فعالیت مینمایند .

دستگاه های مذکور عبارت است از (راتاک) و

$AN/TPS-33$

$AN/MPQ-4A$

$AN/MPQ-10A$

کشف رادیوئی و رادیو تخنیک

از طرف کندک رادیو تخنیک قول اردو که وسائط آن در ۶-۴ کیلومتری خط جبهه جایجا میگردد . جهت بمیدان کشیدن و مطالعه اشعه الکترو مقناطیس و وسائط رادیو الکترونی سوق و اداره قوتها ، اسلحه و وسائط محاروبی در قدمه تکنیکی اجرا میگردد غیر از آن کندک مذکور همزمان وظیفه مانع شدن فعالیت دستگاه های رادار دشمن و کنترل مراعات محریمیت سوق و اداره مخفی قوتها را تأمین میکند .

طبق اطلاعات منابع مطبوعاتی المان غرب جزو تاسمهای کندک (۴ تولی) الی ۳۰ پوسنه ثبت مخبرات رادیوئی

۴-۲ پوسنه پلنگاتور (مقاطع) در باندهای موج کوتاه و بسیار کوتاه (YKB) (KB) افزانده می تواند کشف رادیو تخنیکی از طریق ۲۰ پوسنه تقاطع اجرا میشود . جهت پخش پراز یتها در حدود ۳۰ دستگاه های مختلف استخدام میگردد .

کشف انجنیری :

در چوکات قول اردو از طرف جزو تاسمهای کشف کندک های استحکام قول اردو و کندکهای استحکام فرقه اجرا میگردد .

کشف انجنیری وظایف ذیل را اجرا مینماید .

۱- بدست آوردن معلومات درباره اراضی و تاسیسات تدافعی دشمن .

۲- به دست آوردن معلومات در باره قوتهای انجنیری دشمن .

۳- وظایف مختلف دیگر که جهت ترتیب و تنظیم و تأمینات فعالیت های محاروبی از طرف قوماندان اتخاذ میگردد .

جهت اجرای وظایف محوله پوسنه های کشف انجنیری و گروههای کشف انجنیری افزانده میگردد . بطور عمومی در ساحه فعالیت قول اردو بیش از ۳۰ ارگان مختلف کشف تاسیس شده میتواند .

جمعاً در ساحه فعالیت قول اردو میتواند ۳۰ و زیاده تر ارگان مختلف کشف تاسیس شود .

کشف کیمیاوی و بیولوژیکی :

کشف کیمیاوی در قول اردو بمقصد بمیدان کشیدن استعمال سلاح کیمیاوی و ایقاپ قوت بوقت و زمان آن تاسیس میشود . در مطبوعات المان غرب ملاحظه میشود که جهت اجرای وظایف محوله در تشکیل قول اردو ، کندک مستقل و در تشکیل فرقه تولی میباشد کشف راه های حرکت و مناطق موقعیت قوتها از طرف گروههای خصوصی که در چوکات تولی موجود است با استفاده از وسائط تخنیکی انجام داده میشود .

ضمناً وسائط محاروبی که دارای مقاومت زیاد برضد سلاح تأثیردسته جمعی میباشد یعنی تانکها - زرهوشهای کشف و هلیکوپترها استخدام میگردد .

متخصصین نظامی قوای مسلح المان غربی (بوندسفر) به این مفکوره اند که قوتها و وسائط کشف زمینی قول اردو امکان میدهد تا معلومات لازمه را درباره دشمن بمیدان کشیده به وقت و زمان به قوماندان و قرارگاه های مربوط جهت گرفتن قرار محاروبی ترتیب و تنظیم و اجرای هر نوع فعالیت های محاروبی تقدیم نمایند .

دستی آموختانده و بالای شان اجرا میگردد . بيم دستی را میتوان به دو صورت پرتاب نمود :

با بالا و عقب بردن دست و با پائين و عقب بردن دست . بيم دستی را میتوان از حالت ایستاده جابجا ، رفتار ، زنگین کيژد ، پروت و یا از داخل خندق پرتاب نمود که این ها همه عملا از طرف قوماندان و یا معلم به سربازان نمایش داده می شود .

آموزش پرتاب بيم دستی

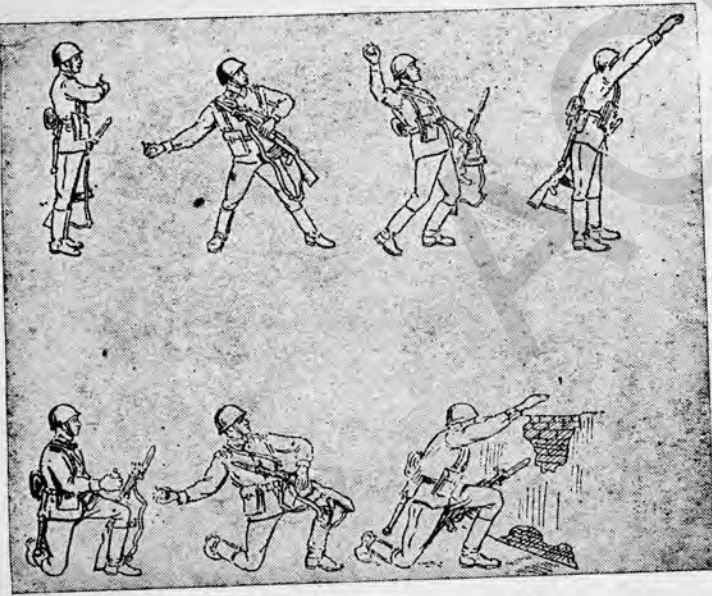
برای پرتاب بيم دستی از حالت دست بالا و عقب سربازان باید روبرو در مقابل هدف به ایستد دستی که بيم دستی در آن قرار دارد بحال آزاد آویزان نگهداشته شود ، پای راست به عقب کشیده شده و تمام ثقل بدن بر آن وارد گردد . آن گاه دست با بيم به بالا و عقب برده شده و با تمام ثقل چرخ بدور کمر اجرا گردد دست چپ در حالیکه اسلحه پیاده را نگهداشته در برابر سینه قرار گیرد پرتاب بطور آزاد و بانرشی کامل وجود صورت می گیرد آن گاه لازم است تمام ثقل بدن بالای

قوماندانان جزو تام های تکتیکی با در نظر داشت اصل اساسات دیر کتيف ها و رهنمود های تعلیم و تربیه برای پیشبرد صفحات مختلف تعلیم و تربیه سربازان پلان های تفرعاتی را در زمینه آموزش فنون و مسلک های مختلفه محاروبی ترتیب و بر طبق آن ماکت ها ، شمه ها و تعلیم گاه های مخصوص را تدارك و تجهیز مینمایند .

از آن جمله است پلان آموزش پرتاب بيم دستی ، که جهت رهنمایی قوماندانان جزو تام هائیکه مسوولیت مستقیم تعلیم و تربیه سربازان متوجه آنان است . نمر نه دیل را بطور مثال پیش کش می نمایم .

با استفاده از رهنمود های تعلیم و تربیه قوماندانان (بلوک) با مطالعه تعلیم نامه ها پلان مرقونی تدریس پرتاب بيم دستی را حاضر نموده و پس از آنکه محل آموزش پرتاب و خود بيم تعلیمی دستی آماده گردید به آموزش عملی آن اقدام می نماید .

در نخستین ساعت درسی برای سربازان موضوع درس هدف و وظایف آن توضیح می گردد . پس از آن برای چند دقیقه به سربازان حرکات ورزشی مخصوص پرتاب بيم



پرتاب بم دستی از حالت زنگون کیرد و پروت بعد از پیشروی یک مسافه بشکل زحف صورت می گیرد. وقت و مسافه پرتاب بم دستی از حالت پروت نسبت بحالت زنگون کیرد بیشتر است. زیرا در حالت پروت عضلات و مفاصل آزاد تر حرکت کرده میتوانند. اما باید این کار خیلی بسرعت صورت گیرد تا دشمن موقع هدف گیری و نشانه روی را بطرف پرتاب کننده نیابد. در حالت پروت سلاح بطرف راست آماده بوده تا پس از آنکه بم دستی پرتاب گردید فوراً آماده آتش و نشانه گیری گردد.

به زور هر دو آرنج سرباز تنه خود را از زمین اندکی بالا می کشد بعداً تکیه بدن بر زانوی چپ و کف پای راست شده و بعد از آنکه بم دستی بطرت هدف بسرعت پرتاب گردید. دوباره حرکت را برعکس اجرا نموده و پروت می نماید و آن گاه خود را برای آتش از سلاح پیاده حاضر میدارد.

این خصوصیت را نباید فراموش کرد که پرتاب بم دستی از داخل موضع حاضر شده از حالت ولاز، زنگون کیرد و یا پروت، باید بصورت پائین عقب بهتر است. اما از داخل خندق ها، موضع های چقر تنها بالای عقب توصیه می گردد.

توجه جدی در اثنای آموزش سربازان باید به درست اجرا نمودن حرکات وجود آنان معطوف گردد. و پس به پرتاب دقیق بم دستی بالای هدف معینه.

پس از آنکه اهداف افقی مورد آزمایش و تمرین قرار گرفت. سربازان به تمرین پرتاب بم دستی بالای اهداف عمودی می پردازند که این اهداف عمدتاً کلکین ها سفاره های مقابل در ارتفاعات و بالای دیوارها میباشند.

لازم است در ختم تعلیم و تربیه مسابقه های منفرد مانند پرتاب دور و پرتاب دقیق و یا مرکب که هر دو را در بر می گیرد در بین سربازان آموزش دیده صورت گرفته و از این طریق تشویق گردند.

پای چپ آورده شده و با حرکات سریع انگشتان بم بطرف هدف پرتاب گردد.

در صورت پرتاب بم دستی از حالت دست پائین و عقب حرکات پا و بدن مانند قبل است اما در آخرین قسمت می بایست دست راست کرد و آن گاه پنجه ها به بالا دور بخورند ما بقی همه مانند حرکت پرتاب دست بالا و عقب صورت می گیرد.

سربازان در ابتدا این حرکت را بشکل نمایشی اجرا می دارند و سپس آن را با بم های تعلیمی تمرین می کنند. که این مشق و تمرین شامل طرز گرفتن بم دستی، حرکات دست و پا، تخمین راست مسافه تا به هدف و پرتاب دقیق بم به هدف می گردد. هر بار یک سربازان برای آموزش فن پرتاب بم دستی آمادگی می گیرند باید نخست حرکات ورزشی لازم را که شامل گرم کردن عضلات بدن، مفصل ها آرنج و انگشتان می گردد اجرا نمایند تا در اثنای پرتاب بم دستی کمتر اشتباه رخ دهد، در اثنای پرتاب بم دستی وجود باید بطور آزادانه بدون آنکه کدام قسمتی از وجود تحت فشار غیر نورمال قرار داشته باشد صورت گیرد. اشتباهات هر نفر باید بصورت منفرد برایش توضیح گردد.

پرتاب بم دستی از حالت حرکت زمانی صورت می گیرد که در اثنای اجرای وظیفه محاروبی سرباز مجال آن را داشته باشد که قدر است بایستد و با پیش روی بسوی هدف قادر به پرتاب بم دستی بدون آنکه ضرری از آتش دشمن برایش متصور باشد و برای آنکه این کار در اثنای ایفای وظیفه محاروبی طور لازم صورت گرفته باشد. فرماندان و یا معلم خود طرز گرفتن و عیار ساختن بم دستی دویدن بسوی هدف و پرتاب را عملاً به سربازان می آموزاند. تجربه نشان میدهد که دویدن در مسافه طولانی در حالیکه سلاح اتومات هم در دست دیگری قرار داشته باشد. پرتاب بم دستی را خیلی مشکل ساخته و پرازشتابه و نارمایی می سازد. بنا بر این در اثنای آموزش مسافه دوش برای هر سرباز نظر به قدرت فیزیکی آن تخمین گردد.

پدیده دائمی و طبیعی مبدل می‌سازند. آنها تلاش دارند تا ثابت سازند نظام سرمایه داری، و پی آمدکنونی آن در مقابل جنگ موضع گیری «معصومانه» دارند.

جامعه شناسان بورژوازی قوانین بیولوژیکی را به قوانین حیات اجتماعی، و نسج بغرنج پدیده‌های آن یکسان دانسته و بدین ترتیب جنگ را معلول عوامل طبیعی از قبیل، تناقضات نژادی شرائط جغرافیایی و خواست رهبران و رجال‌های که گویا مجرد از روابط اجتماعی و سیاسی اند تبلیغ می‌نمایند. در سالهای اخیر مراکز امپریالیستی به الفتح تئوری‌ها و نظریات بورژوازی می‌پردازند که در آخرین تحلیل جنگ‌ها را زائیده به اصطلاح طبیعت متجاوز بشر، «غریزه» «جنگ و غریزه مرگ آدمی» می‌پندارند.

برخی از صاحب نظران ایدئولوژی بورژوازی جنگ‌ها را نتیجه ترقی علوم و تکنولوژی تلمتی نموده و جنگ‌ها و تناقضات مسلحانه را در پرابلم‌های جهانی، از قبیل مناسبات انسان و محیط زیست، و کنترل تزايد جمعیت مستحیل می‌کنند.

تمام این تئوری‌ها و طرز تفکرات، سیمای مجهول عوامل و نهادهای جنگ را بدست می‌دهد، جهت اجتماعی این تئوری دارای محتوی عمیقاً ارتجاعی؛ و ضد ترقی اجتماعی است و گرایش‌های ایدئولوژیکی آن بر مبنای، متافزیک، و معیارهای شعبه علمی اتکاء دارد. در دوران معاصر بورژوازی سعی دارد تا تا نیج و پویآمدهای جنگ جهانی را باردیگر احیاناً نماید، حلقه‌های ارتجاعی امپریالیستی بنا بر همین ملحوظات به وسعت دامنه جنگ سرد و وخامت دائمی اوضاع جهانی تمایل دارند.

بعد از پیروزی دولت شوروی بورژوازی بین‌المللی عوغازی تبلیغاتی عنان گسیخته‌ای را بر ضد اتحاد شوروی و پرستیژ روزافزون جهانی نظام سوسیالیستی برآه انداختند. این تبلیغات از تهدید نظامی اردوی سرخ اتحاد شوروی آغاز و با اختراعات تصنعی امروزی جهان امپریالیزم «تهدید اتحاد شوروی و تهدید کمونیزم» دنبال می‌شود بنآء چنین اتهامات ادعایی علیه‌آورد و گاه صلح و ترقی اجتماعی نو نبوده، بلکه تاریخ طولانی دارد. چنانچه رینیتراف وزیر خارجه هتلر نیز زمانی اخبار داشته بود «جنگ علیه اتحاد شوروی مدافعه از جرمنی نازی است» این اختراعات قادر نیستند تا حقایق تاریخی را از ذهنیت‌ها بر بایند.

جنگ جهانی دوم که از تناقضات درون سیستم سرمایه داری زائیده شد، در میدان‌های این جنگ قدرت‌های استیلاگر امپریالیستی بخاطر انتقال و تقسیم جهان دیوانه وار بجان یکدیگر افتیدند.

از: سویت ملیتری ریویو

ترجمه: احسان «آذری»

منشأ عوامل جنگ‌ها

جهان بینی علمی طبقه کارگر جنگ را یک پدیده تاریخی و طبقاتی می‌انگارد، جنگ‌ها همواره از عمیقترین جریانات و تناقضات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع مبتنی بر طبقات و بهره‌کشی سرچشمه می‌گیرد. بدین ترتیب جنگ‌ها زائیده جامعه مبتنی بر استثمار و مالکیت فردی اند.

در دوران معاصر عوامل بنیادی جنگ‌ها و تناقضات مسلحانه پیوسته احیا می‌شود این عوامل از همه بیشتر در روابط اقتصادی پدید شده و به خصیصه لاینفک سرمایه داری انحصاری تبدیل شده است.

تاریخ جنگ‌های محلی و موضعی که بوسیله مهاجمین برآه انداخته می‌شود، مؤید این حقیقت است که برای درگیری جنگ‌ها و برخوردهای مسلحانه محمل‌ها و عوامل زیادی ایجاد می‌شود. که این عوامل را می‌توان بطور کلی بدو نوع تقسیم کرد. اولاً عوامل عمومی که معرف مناسبات و روابط اقتصادی مبتنی بر تضادهای انثاگونیستی است. ثانیاً عوامل خاص است عبارت از ارثیه‌ها و سنت‌ها نیست که بنا بر روابط اقتصادی و اجتماعی طبقات مختلف آنرا کسب می‌کند. باید یادآوری نمود که در درگیری جنگ‌ها پاره‌ای از عوامل دیگر نیز مؤثر می‌باشد. که این عوامل بنا بر شرایط و اوضاع مشخص بروز می‌کند.

ایدئولوژی‌های بورژوازی از دیرزمان با شناخت جهان بینی مترقی از جنگ، مخالف اند. و پیوسته کوشیده اند با طرخ تئوری‌ها و دکتورین‌های عوام فریب‌علت‌ها و منشأ واقعی جنگ و ستیز طبقاتی را تحریف نمایند جامعه شناسان بورژوازی برای توجیه خصائل ذاتی نظام بین‌المللی امپریالیزم و فورماسیون سرمایه داری، جنگ را به یک

تعریف نمودن و غلط جلوه دادن عوامل اساسی جنگ جهانی دوم که بوسیله مراکز تبلیغاتی امپریالیزم صورت میگیرد هرگز قادر نیست تا جرایم ننگینی که نیروهای امپریالیستی بخاطر نابودی بشر، دست آوردهای علوم و کار انسانی و امحای فرهنگ مادی و معنوی انسان انجام داده اند از دید تاریخ پنهان سازد.

در شرایط امروزی نیز امپریالیستهای متجاوز نقشه های جنگ و تراژیدی بشر را فراموش نکرده اند. ماشین تبلیغاتی بورژوازی در تقلاي آنست تا پالیسی حاضر امپریالیسم را سراسر در توسعه مسابقات تسلیحاتی، تشدید و خاست اوضاع بین المللی و آمادگی برای جنگ جهانی دیگر بکار اندازد.

در شرایط امروزی برعکس توازن قوا بدون کوچکترین تردید بسود سوسیالیزم و ترقی، تحول و تغییر می پذیرد:

این پروسه بعد از خاتمه دومین جنگ جهانی تسریع گردید. که این پروسه نیرومند انقلابی امکانات استعمال جنگ و قوه را در روابط بین المللی کاهش داد. باید تذکره داد علی الرغم آنکه امپریالیزم و مقام کنونی آن به پایه های لرزان و متزلزل اتکاء دارد. ولی این بدین معنی نیست که مشخصه تجاوزگری امپریالیزم ضعیف یا متزلزل شده، و یا نیروهای امپریالیستی قادر نیستند تازیانهها و فجايعی را برای بشر ببار آورد.

در مسابقه و تقابل دو سیستم متضاد، نهادهای اجتماعی و اقتصادی امپریالیزم بصورت فزاینده روبه فرسوده گی می گراید، در حالیکه سیستم بین المللی سوسیالیزم پیوسته در بالش و تعالی است. در چنین مقطع زمانی که امپریالیزم در تحت ضربات جبر تاریخ قرار گرفته است و امپریالیزم داغ محکومیت محتوم تاریخ را خورده است. امپریالیستها این وضع و بالش و تعالی نظام نوین سوسیالیستی را برای اجرای مقاصد شوم و تجاوز زگری خود بهانه و فرصت تبلیغ می کنند. حلقه های حاکمه امپریالیستی هنوز مفکوره احیای مقام فعال مایشایی سابقه امپریالیزم را با استعمال زور و قوه از مخیله های تنگ خود دور نکرده اند.

برعلاوه بحران عمومی سرمایه داری تناقضات سرشتی این نظام غارتگری راهنوز هم نمایان ساخته است. امپریالیزم بمقصد کاهش دامنه وسیع بحران به میلیاردها ساختن تمام شئون اجتماعی و توسعه مسابقات تسلیحاتی دل بسته است. این تقلاي امپریالیزم تهدید خطر جنگ را همواره با خود حمل می کند. نیروهای امپریالیستی در مناطق و حوزه های استراتژی یک و دارای غنای طبیعی و ذخائر مواد خام، میتودهای کهنه و مندرس خود را با اسلوب های نو استعماری عوض کرده است. این نیروهای ارتجاع جهانی، درین مناطق بخاطر حمایت از ارتجاعیترین نیروهای

محکوم به زوال کشیده گی ها و مشخصات مسلحانه را دا من می زند. مداخله در امر داخلی کشورها، سرکوب قهر آمیز جنبش های آزادیبخش ملی، و خفه ساختن حقوق مردمان از سنت های دیرین امپریالیزم است. در سالهای اخیر حلقه های حاکمه ایالات متحده امریکا به این شیوه ها ارج گذاشته، و آنرا یکایک در نقشه های استعماری خود عملاً بکار می بندد. فعالیت ها و کارزار ملیتارستی امریکا در اندونیزیا، خاورمیانه و نیمکره غربی موید حقیقت متذکره است.

کشورهای سوسیالیستی، جنبش های آزادیبخش ملی، جنبش طبقه کارگر بین المللی، سه آماج کنونی ضد امپریالیستی است. که در مبارزه با این سه جریان تعیین کننده انقلابی عصر ما امپریالیزم از هیچ جنایتی فروگذار نیست.

انکشافات اخیر در سیاست بین المللی نشانگر موجودیت تهدید جدی در راه صلح و امنیت جهان است، و این تهدید پیوسته توسط نیروهای امپریالیستی در قدم اول حلقه های حاکمه و اشنگتن تغذیه می شود.

آماده گی امریکا برای جنگ و مانور های ملیتارستی پنتاگون و ناتو، برای جهان نیان نگرانی آوراست در سال مالی (۱۹۸۲) مصارفات نظامی پنتاگون مطابق اراده دولت کنونی امریکا به دو صد و بیست و شش هزار میلیون دالر صعود خواهد کرد. نصب امین ملیتارستی نیروهای امپریالیستی با فعالیت های موزیانه ناتو و ایالات متحده امریکا بخوبی مبرهن می گردد. بطور مثال تسریع و توسعه فزاینده فعالیت های بلاک ناتو و پنتاگون از قبیل، مانور های نظامی، آماده گیری مسلحانه، تفویض جنگ افزارهای اتمی و نیوترونی در حریم ارضی بیگانه، احداث پایگاه و تخته های خیز، تاسیس پکت های نظامی و... همه نشان دهنده نیات شوم انحصارات حاکم در جهان غرب است.

امپریالیزم امریکا، دولت های ارتجاعی، و هژمونیزم پکن چینی سه نیروی جهنمی اند که در همه جا برضد تلاش های صلح آمیز، قد علم می کنند، و در سیاست جهانی از پالیسی واحد و جمعی پیروی مینمایند.

برای انحراف اهداف امپریالیزم و گمراه ساختن ذهنیت های عامه جهان سیاستمداران امپریالیستی در بین مردمان جهان با خدعه گری و تزویر، انواع دروغ ها و تعقید های ضد شوروی را پخش میکنند.

تبلیغات هستریک نیروهای ارتجاع و امپریالیزم بین المللی در ارتباط به کومک نظامی شوروی به کشور عزیز ما که مطابق درخواست دولت انقلابی و قانونی ما و همچنان موازین و مقررات بین المللی منجمله اعلامیه موسسه ملل متحد توافق کامل دارد، نمونه و مظهر گویای چنین تعقید های واهی امپریالیستی اند.

امپریالیسم امریکا با اشاعه این تبلیغات جریانات واقعی را در افغانستان منحرف میسازد، باندهای ضدانقلاب با سلاح پاکستان امریکا و چین مجهز و تسلیح میشوند و بعداً از مرزهای پاکستان جهت آدمکشی و تخریب بخاک افغانستان صادر می شوند. ضدانقلاب در سایه کمک های همه جانبه مادی و معنوی ارتجاع جهانی پیوسته به تجدید تاکتیک ها از ترور گرفته تا دهشت انگیزی و تخریب میپردازند. پرو پاگند های امپریالیستی هرگز نمیتواند تا اذهان جهان را بفریبد، تبلیغات نیروهای امپریالیستی از هر نوع پایه و اساس بی بهره است.

سوسیالیسم و صلح جدائی ناپذیر اند تجارب و حقایق تاریخی به اثبات میرساند که سوسیالیسم به مثابه یک سیستم هرگز منبع و یا عامه ل جنگ نبوده اند برعکس منابع و عوامل جنگ در بطن جوامع مبتنی بر استثمار و امپریالیسم زایش میکنند.

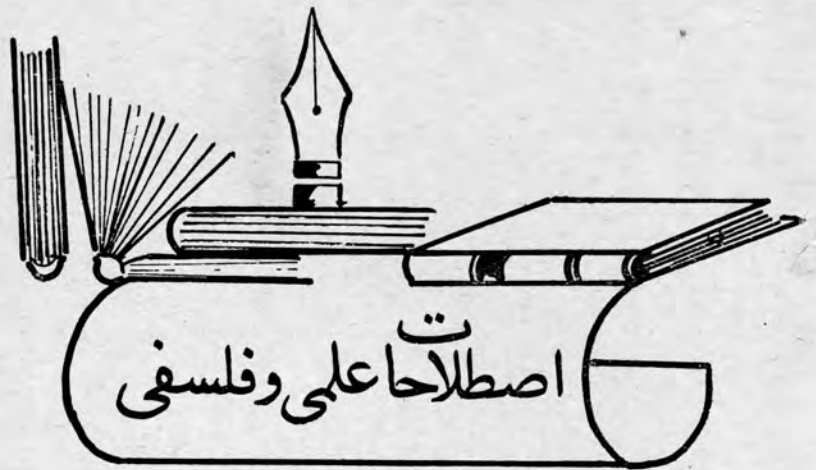
اتحاد شوروی در رأس نیروهای مترقی جهان تلاشهای مستمر خود را بخاطر حفظ صلح جهانی، و امحای خطر جنگ هستوی لحظه ای هم متوقف نه ساخته است. بشریت مترقی در آنجهت پیکار میکنند تا جنگ بچیث يك وسیله اجرا و تطبیق اهداف اقتصادی و سیاسی کا ملا در روابط بین المللی محو شود.

عدم استعمال زور و قوه در روابط بین المللی، منع عام و تمام خلع سلاح، محدودیت سلاح سترا تیزیک و حفظ موازنه قوای نظامی اهداف مهم پالیسی اتحاد شوروی را تشکیل می دهد.

تلاشهای مذبحانه عناصر تجاوز کار و فرصت طلب ارتجاع جهانی و هژمونیزم جنون خطرناک تهدید جنگ را هنوز در تار و پود خود می پروراند. و از هیچ عمل و قیچانه حتی تکرار يك فاجعه جهانی تحاشی نمیکنند که این عوامل در شرایط کنونی قابل اهمیت و سزاوار توجه است در عصر ماسیستم نیرومند سوسیالیستی، جنبشهای اوج گرفته آزادی بخش ملی، و جنبش وسیع طبقه کارگر جوامع سرمایه داری عمده ترین قدرت صلح، و تکیه گاه ضد جنگ است.

نقش ناگزیر جنگ در روابط بین المللی، مفکوره عمیقاً غیر انسانی است. اکنون وقت آن فرا رسیده است تا جنگ و نیروهای هواخواه آن به زباله دان تاریخ سپرده شد. در شرایط امروزی زمان فعال مایشایی امپریالیسم زوال نموده است، و امپریالیسم امکانات محدود در اختیار دارد تا به سر نوشت بشریت بازی کند. در شرایط کنونی برای بشریت وظیفه مهمتر از حفظ و دفاع از داعیه صلح وجود ندارد.

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د سده وال پوځ نچیلو لویو
اولسی خصلتو نوسره د شور د پرمین انقلاب د خلانده راتلونکی ساتلو دی



نقشب تحولات و انقلابات علمی و فنی در تکامل عمومی جامعه انسانی

کوشش برای دوره بندی روند تکامل

علمی و فنی تمدن انسانی

(قسمت چهارم)

دوران سوم

دوران سوم از ۱۷۹۱ تا ۱۹۱۷ (انقلاب بورژوازی فرانسه تا انقلاب سوسیالیستی اکتوبر) را دربر میگیرد. چون قصد نگارش تاریخ علم یا تاریخ فن در میان نیست، دشوار است در مورد این دوران بسیار غنی حتی در آن حد به ذکر موارد مشخص بپردازیم که در مورد دوران های ما قبل یاد کردیم لذا به برخی یادآوری های عمومی بسنده می کنیم. بویژه آن که در باره تاریخ علوم آثار معینی به فارسی ترجمه شده و مطلب با شرح و بسط کافی در آن کتب آمده است. اگر در قرن های گذشته رشد نیروهای مولده زمیند ساز پیدایش نظام نوین بورژوازی شد و آن را بوجود آورد قرن نوزدهم با پیشرفت های علمی و صنعتی بی سابقه خود این نظام را تحکیم کرد و آن را بسوی بالا

گرفت اگر آن انقلاب سیماساز یک تمدن سنتی و دیرنده بود، این انقلاب نیز چهره پرداز یک تمدن نوین صنعتی است که هنوز باید به نضج و کمال واقعی خود برسد و مصایب ژرف ضد انسانی و ضد اجتماعی (یعنی بهره کشی سرمایه داری و استعمار و نو استعمار) و ضد زیستی خود (لودگی و تاراج محیط زیست را بر طرف کند و تمدنی عادلانه، انسانی در مقیاس بشریت متحد بر پایه دانش و خرد امروزی بوجود آورد تحولات علم فن در قرن نوزدهم با تحولات تدارکی علم فن در دوران دوم این تفاوت را داشت که در این انقلاب بهم بافتگی علم و فن با هم بیشتر و « فواصل اجراء » با هم کوتاه تر میشود. شاید ما نتوانیم تحول علم و فن در سده نوزدهم را یک انقلاب علمی و فنی به معنی کامل

ترین مرحله اش یعنی امپریالیسم را ند و در عین حال با اجتماعی کردن وسیع تولید شرایط زوال و منسوخیت آن را نیز فراهم ساخت زیرا دیگر در آغاز قرن بیستم نیروهای مرده به چنان ابعاد هنگفتی رسیده بودند که در چار چوب مناسبات سرمایه داری نمی گنجیدند و بحران های اقتصادی و جنگ های استعماری و جهان خوارانه حاکی از تپ و تاب جامعه ای بود که مناسبات تولیدی نوین می طلبد.

پای کودک بازم بزرگ تر شده و کفش « سرمایه » دیگر تنگی میکرد. انقلاب صنعتی دوران نوین با انقلاب کشاورزی آغاز پیدایش جوامع کلاسیک (از ۱۰- هزار سال تا ۱۰ هزار سال پیش) دارای این تفاوت است که این انقلاب در مدت زمانی بس کوتاه طرح و باخلاقیت و کارائی و بازدهی به مراتب عظیم تر انجام

کلمه (آن طوریکه اکنون نام گذاری می کنیم) بنامیم ولی چندان ازین مفهوم نیز دور نیست. در زمان کنونی، علوم با دائر کردن آزمایشگاهها و پژوهش گاه های خود در جنب کارخانه ها و با پذیرش توصیه های بی درپی موسسات صنعتی و پرداختن مستقیم به حل معضلات فنی و دادن توصیه های مختلف به این موسسات به یکی از عناصر نیروهای مولده بدل شده است. در باره دانش اکادمیک قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم این سخن را نمی توان گفت:

در آن ایام فن و علم علی الرغم تماس ها و مبادله ها، هنوز مانند گذشته مسیر محسوس و مشهود جداگانه خود را داشتند. وای به هرصورت پیدایش نیروی مولده جدید (برق) وزایش یک جرگه عظیم از ماشینها و دستگاه ها و افزارها بر پایه این نیروی مولده و گسترش عظیم شیمیائی شدن تولید ماشینی شدن آن، بدون یاری دائمی علم و حتی تجربی ترین تیوری های فزیک و ریاضی ممکن نبوده. در این دوران دانشمندان که هریک با کار خود گره مهمی را گشودند یا فصل نوی در دانش نوشتند مانند لاپلاس و پاستور، پیر کوری از فرانسه هومبولت، هلم هلتمس، کخ، اینشتین، کیرش هوف، ماکس پلانک از آلمان، فارادی ماکسول را ذر فرد از انگلستان، منده لیف، تسیولکوسکی در روسیه و ده ها نام مشهور دیگر پدید شدند. از خصایص این دوران مبادله به مراتب حادثر و سریع تر اطلاعات علمی بین کشورها و پیدایش نوی بستر جهانی در دنبال کردن تحقیقات است.

کسانی که در این دوران تقریباً به طور اختصاصی در رشته فن کار می کنند نیز خود با سرمایه علمی مجهزند. مثلاً می توان از کسانی مانند زیمنس و دیزل و فردو ادیسون و نوبل و

مرس و مارکونی نام برد که نام غالب آن ها همراه کشفیات آن هاست. این دوران مانند دوران اول، دوران افزار زایی مجدد وسیع در تمدن انسانی است، تلگراف، تلفن، چراغ گاز و برق، اتوموبیل، هواپیما، قطار تندرو، کشتی بخاری، رادیو انواع جدید اسلحه و غیره معجزات دانش انسانی ها را متجلی میکند. تقریباً تمام کالاهای مصرفی چهره دیرنده سنتی خود را گم می کنند و تولید عظیم ماشینی آن ها را ساده تر و فراوان تر و علمی تر (پراتیک) در دسترس قرار میدهد و حتی خاموش ترین بازارهای افریقائی آسیایی از ساخته های ماشینی انباشته میشود. همراه دانش های طبیعی، علوم انسانی نیز پیش از تاریخ خود خارج میشوند. و با پیدایش اندیشه و ران کلانی مانند مارکس و انگلس جامعه شناسی علمی پای به عالم وجود میگردد اگر کسانی مانند ویکو، ماکیاولی، هابس، و لتر، روسو، منتسکیو، برای ایجاد تکان عقلی به سود بورژوازی کافی بودند، این بار دیگری بایست تحلیل گران پدید شوند که قادر باشند سراپای تاریخ را مورد بررسی علمی و تراز بندی و نتیجه گیری قرار دهند و مکانیسم عمل جامعه را باز کنند و راه آتیه را نشان دهند.

در فاصله بین جنگ اول جهانی و جنگ دوم جهانی تحولاتی روی داد که از سوی در چار چوب سرمایه - داری امپریالیستی و از سوی دیگر در چار چوب سوسیالیسم است و آن را می توان وارد همین دوران سوم سازیم زیرا به انحای مختلف اجتماعی تاریخی و علمی، فنی نوعی ادامه نوعی به گل نشستن و ثمره دادن این دوران از جهت علمی و فنی است بویژه آن که دوران چهارم، از جهت کیفی، یعنی از جهت در گرفتن یک

انقلاب علمی فنی عظیم و بی سابقه در تاریخ انسانی (که شکل محتوی، نتایج علوم و فنون را فوق العاده مورد تطور و تحول قرار داده است) از دوران پیش به کلی مجزاست. ولی تکامل علوم طبیعی و فن در این بخش از دوران سوم به هرجهت با بخش اول تمایزاتی دارد زیرا نوعی جهش دیده میشود که ناشی از همان حرکت شتاب گیر یا مسرعه است که بشابه یک قانونمندی در تکامل نیروهای مولده از آن یاد کرده ایم در سال ۱۹۱۹ راذر فرد اولین « واکنش هسته ای مصنوعی» را به شکل تجربی علمی ساخته است و میتواند این حادثه را آغازگاه چیرکی بر نیروی اتم دانست. در این بخش دوم از دوران سوم، رادیو تکامل مییابد و تلویزیون که نقشی برابر و شاید بزرگ تر از دستگاه چاپ در تاریخ ایفا می کند) و تکنیک رادار وارد میدان می شوند رادیو، تلویزیون، رادار فصل جدیدی را در بسط روابط « اطلاعاتی» می گشایند. شیمی الی به کشفیات دوران ساز مانند ایجاد بنزین و لاستیک و الیاف مصنوعی دست می یابد در همه رشته های علوم کار پژوهشی، تجربی و وسایل آن گسترش و جدیتی بی سابقه کسب می کند و پیوند تحقیق و تولید بیشتری شود مهم ترین انحصارهای سرمایه داری جهانی در جنب موسسات صنعتی، موسسات تحقیق و توسعه خاص خود را بوجود می آورند در این زمینه مثلاً می توان از انحصارهای متعلق به دوین و جنرال موتورز در امریکا و گروپ وئی. گک، فاربن در آلمان نام برد. سو توریزه شدن سراسری حمل و نقل و پیدایش راه های اتوموبیل رو و خطوط هوایی موجب بسط استخراج نفت و پالایش آن و بالا رفتن اهمیت این سوخت طبیعی و نیز

(بقیه در صفحه ۹۳)



قوای مسلح در مسیر تاریخ

نگاهی به تشکیلات نظامی در دوره سدوزائی ها

همیشه یکصد هزار سرباز آماده داشت چنانچه زمانشاه در سفر بری سال ۱۷۹۷ م، به صوب پنجاب، هشتاد هزار سرباز پیاده و سوار داشت. تعداد زنبورک های وی در این سفر به هفتصد میل و توپ های وی به شصت و دو عراده می رسید.

در «سراج التواریخ» و «تاریخ حسین شاهی» میخوانیم که زمانشاه، سی هزار سرباز از دسته های ابدالی داشت دسته غلامان صف شکن به دوازده هزار گارد سلطنتی دوازده هزار، شاهینچی باشی به یک هزار و دو صد دسته عملی شاهی اردوی عهد زمانشاه به هفت هزار نفر می رسید شمارش سائر دسته های اردوی درانی که اکثراً تحت قوماندی امراء و خوانین شان ایفای وظیفه مینمودند، بدین قرار است: سی هزار سرباز از قبیله های مختلف درانی، دو هزار و سه صد تن از مردم پشاور ختک، بنگبش مهمند و یوسف زائی، پنج و یا شش هزار سوار از قبایل مختلف بلوچ، هژده هزار سرباز از اقوام وردک، سلیمان خیل، خوگیانی، مهمند تیرائی، شینواری، افریدی و کوهاتی

درانی که از وحدت نظر مردم به وجود آمده بود. با بروز اختلافات، قابلیت های بزرگ محاروبی خویش را آهسته آهسته از دست میداد، نظم و دیسپلین در اردو در حال از بین رفتن بود. جمع آوری سربازان دسته های غیر منظم تقریباً به مشکل مواجه گشته بود. اینها همه باعث آن گردیده بود که پلان های وسیع زمانشاه در نیم قاره هند همچنان تا فرجام بماند.

تاریخ نگاران مجموع اردوی سفری زمانشاه را کمتر یا بیشتر، یکصد و سی هزار سرباز ذکر نموده اند که در بر گیرندهی، دسته های سواره نظام رساله های شاهی، دسته های پیاده دسته های توپچی (خفیف و ثقیل) و دسته های انجنیران استحکام، میگردد. زمانشاه در سفر بری های بزرگ

زمانشاه مانند جدش احمد شاه بابا، پلان های وسیعی را طرح و میخواست آنرا عملی نماید، ولی در سراسر قلمرو پهناور درانی ها که از شرق تا به حیدرآباد در غرب تا به مشهد و نیشاپور و در جنوب تا به بحیره عمان می رسید، اوضاع بنا بر جاه طلبی ها و خود سری های پسران تیمور شاه، کاملاً متشنج و نا آرام گشته بود و از طرفی هم مرز های امپراتوری درانی در غرب توسط دربار تهران به استشارهی انگلیس تهدید میگردد و از جانب دیگر سکها در پنجاب گاه و بیگاه به عصیان و شورش های میبپرداختند. دسته های اردوی درانی، بنا بر خود خواهی های سران درانی در برابر یکدیگر استعمال میشدند و شیرازه وحدت اردو در حال از هم گسیختن بود. اردوی امپراتوری

دو هزار سرباز پیاده از خیبری ها
و افریدی ها و پانزده هزار از مردم سند
و ملتان و دیره جات و دوازده هزار سرباز
از خراسان زمین .

«کانکو فسکی» تعداد سربازان ولایت
هرات را در عهد زمان شاه پانزده هزار
سرباز میدانند ، وی در مقاله خویش
مینویسد که زمان شاه دوازده هزار و
نهصد میل زنبورک فعال و سه هزار و
دو صد هفتاد میل زنبورک احتیاطی داشت .
«سرجان مال کم» نماینده ی بریتانیا
در هندوستان ، تعداد اردوی دائمی
زمان شاه را سی هزار سوار ، ده هزار
پیاده و سه هزار میل زنبورک یاد نموده
است . «تاریخ حسین شاهی» پرسونل
توپچی اردوی درانی را در همین زمان
یک هزار و دو صد تن ذکر نموده است .

اوضاع داخلی امپراتوری درانی بعد از برکناری زمان شاه :

بعد از کور ساختن زمان شاه به اشاره
شهبازده محمود در سال ۱۸۰۱ م ،
اوضاع در داخل امپراتوری رو به
وخامت گذاشت ، نا آرامی ها و جنبش
ها روز به روز اوج میگرفت و شدید
تر میشد دشمن دیرینه افغانستان -
انگلیس - و همچنان در بار تهران
وسکهای پنجاب ، اوضاع مغشوش و نا-
آرام امپراتوری درانی را کاملاً به
خواست خود میدیدند و انگلیسها ، خطر
پیشروی اردوی درانی را در خاک ،
هندوستان ، تقریباً از بین رفته تلقی
میکردند .

هرچند که در مرکز امپراتوری وضع
عادی به نظر میخورد سائر ولایات
از تابعیت حکومت مرکزی سر باز میزدند
چنانچه خوانین بلوچ و بعضی از قبائل
افغان حاضر نبودند که شهبازده محمود
را به حیث شاه به رسمیت بشناسند .
مردم ولایات غزنی ، لوگر و قلات به

رهبری سردار عبدالرحیم خان قوت
بیست هزاری تهیه دیدند که بعد از
اشغال غزنی در ۱۸۰۱ م به صوب
کابل مارش نمودند و در ناحیه ی
سجاولند لوگر با قوای فرستاده شده
از مرکز در آویختند ، ولی نسبت
نداشتن اسلحه درست و نظم متین در
برابر اردوی مرکز عقب نشینی
نمودند .

در بهار سال ۱۸۰۲ م مردم لوگر ،
قلات ، غزنی و بعضی از مناطق قندهار
با اردوی پنجاه هزار نفری خویش یك
بار دیگر توسط اردوی مرکز شکست
یافتند . درین محاربه ، اردو به دو
دسته بیست هزاری و یک دسته ده
هزاری تقسیم شده بود . مطابق پلان
طرح شده دسته ده هزاری باید در
مناطق خود اردوی درانی را مصروف
نگه میداشتند و دو دسته بزرگ دیگر
باید از دو جهت به اردوی امپراتوری
میناخنند .

در جریان این حوادث ، شاهزاده
شجاع الملک ، برادر تنی زمان شاه ، نیز
آرام نه نشسته و در صدد گرفتن
انتقام برادرش بود که میتوان از بر-
خورد های وی با اردوی مرکز سپتامبر
سال ۱۸۰۱ م در ناحیه سرخ رود -
یورش وی به پشاور در تابستان سال
۱۸۰۲ م یاد کرد که در هر دو بار
شکست یافت و عقب نشینی نمود .

همچنین جنبشهای مردمی که توسط
سید احمد خان میر و اعظ و شیر -
احمد خان مختار الدوله رهبری
میشد روز تاروز به شدت خود می
افزود ، چنانچه در چون سال ۱۸۰۳ م
مردم به قشله ی غلام خانه حمله
نموده و آنرا اشغال کردند ، شاه محمود

در بالا حصار کابل محصور ماند و شهبازده
شجاع به کمک سرداران درانی زمام امور
را بدست گرفت .

عظمت اردوی درانی درین دوره تقریباً
از بین رفته بود اکثریت قبایل
افغان حاضر نبودند تا به مرکز سربازان
دسته های غیر منظم خویش را ارسال
دارند . در محاربات که در جریان
سالهای زمام داری شاه محمود به وقوع
پیوست ، حتی از عمله و خدمت گاران
سلطنتی که تعداد شانرا «تاریخ
حسین شاهی» هفت هزار نفر مینویسد
کار گرفته شد . مناطق تحت الحمايه
یکی پی دیگری از امپراتوری جدا
میکردیدند .

با استفاده از این وضع در باره تهران
در سال ۱۸۰۲ م به مشهد و نیشاپور
هجوم برده آنرا اشغال نموده نادر
میرزا حکمران آنجا را اسیر گرفتند و به
این ترتیب مشهد و نیشاپور از ساحه
امپراتوری درانی برای همیشه جدا
گردید . فتح علی شاه قاجار به این
هم بسنده نکرده و آرزو داشت در
در خاکهای افغانستان پیشروی نماید .
به همین ترتیب سکها و امرای سند
از دادن مالیه به حکومت مرکزی
ابا میوزیدند .

با به قدرت رسیدن شاه شجاع وضع
مالی امپراتوری تقریباً به کلی برهم
خورده بوده قسمت اعظم مالیه را امرای
و خوانین نصیب میشدند که در رسیدن
شاه شجاع به تخت ، او را یاری نموده
بودند به حیث مثال عاید مالی سالانه
پشاور به خوانین دره خیبر تخصیص
داده شده بود ، به همین روال بسیاری
از محلات خود را تابع حکومت مرکزی

ندانسته و از پرداخت مالیات ابناء میوزیدند . درچنین وضعی حفظ نگهداری يك اردوی قوی و منظم که بتواند با مشکلات داخل و خارج امپرا- توری دست و پنجه نرم کند ، دشوار به نظر میخورد .

و از طرفی قلمرو امپراتوری درانی میدان تاخت و تاز های وزیر فتحخان و همدستانش شده بود در هر شهر و ولایتی که میرسید حکمرانی و شهزاده ای را بر علیه شاه شجاع تحریک میکرد و جنگ های داخلی را بیش از پیش دامن میزد ، طور مثال شهزاده فیصر پسر زمانشاه حکمران قندهار سه مرتبه بین سالهای ۱۸۰۴ و ۱۸۰۷ م به تحریک فتح خان بر علیه حکومت عصیان کرد که هر بار توسط شاه شجاع شکست خورد و بخشیده شد

همچنان شهزاده کامران پسر شاه محمود چندین بار توسط فتحخان بر علیه شاه شجاع اغوا شد ! ولی در هر مرتبه شکست خورد .

با استفاده از این فرصت ، ایرانیها قوتی را تحت رهبری نائب محمد خان قاجار جهت اشغال شهر هرات بدان صوب گسیل داشتند ، حاجی فیروزالدین حکمران هرات با هفت هزار سرباز و دو هزار محافظش در ناحیه شکیبان هرات با قوای ایرانی مقابل شد حرب چهل روز به درازا کشید ، تا اینکه قوای کمکی به قوماندهی شهزاده کامران و ملک قاسم میرزا از عقب بر سپاه ایران حمله آوردند و بدین ترتیب ایرانیها عقب نشستند .

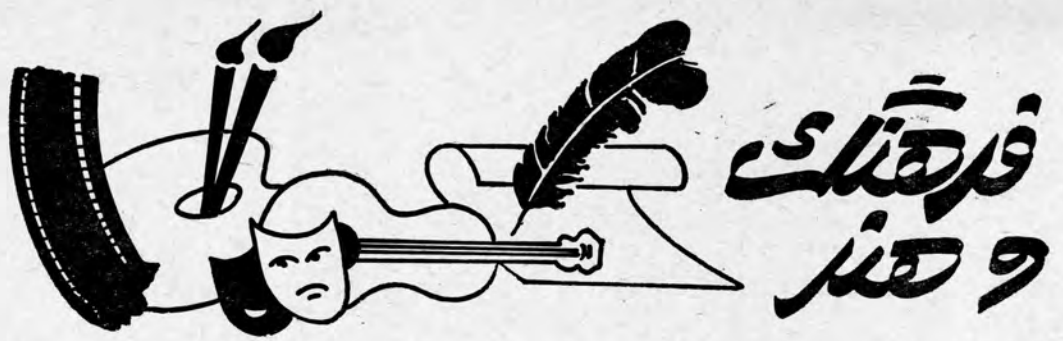
نسبت خرابی اوضاع داخلی و جنبشهای باشنده های مناطق تحت الحمايه

و تجاوزات بیگانگان در قلمرو امپرا - توری درانی ، شمارش اردو خیلی پائین آمده بود به عقیدهی « کائکو فسکی » تعداد اردوی دائمی درانی ها در ین زمان کمتر یا بیشتر به پنجاه هزار سرباز میرسید ، قوای عسکری کشمیر به هشت هزار و ششصد و پسر سونل توپچی به هفتصد تن تقلیل یافته بود تعداد زنبورک های اردوی درانی «الفنستون» در ین دوره هفتصد میل مینویسد .

« باقیدارد »

خواننده گان گرامی شمالین سلسله را به استناد « سراج التواریخ » تألیف فیض محمد ، « مطالعه تاریخی افغانسان از نگاه عسکری » و « تاریخ حسین شا هی » نوشته ی میرامام الدین حسینی مینخوانید .

مشکلم بار دوستر بلادرانه و وحدت تمام ملتیهبا رقوم و قبایر
افغانستان که ضامن تمامیت ارضی ، شرف و آزادی مسهین
محبوب ما میباشد



دفاع از خاک

خصم تواند دید بر تو گزند
 بست اولاد تو هر یک قبرمان
 غیر با چشم تعرض بست کرد
 میکنیم مجوز جهانش بی مان
 میکنیم از خاک پاک خود دفاع
 با دل آگاه چون ز زمستان
 خون می ریزد براه میسرم
 این بود بر من هزاران فخر و شان
 در ره اعمار میسرم همه میسرم
 چونکه مستقیم عاشق افغانستان
 باغ و در مروی از خاک خود
 پاسداری می کنیم ارشاد و بیان

میهن آزاد ام افغانستان
 پرورشگاه هزاران قهرمان
 خاکت بشهامت پردهست
 در دلیری نیز فخر این جهان
 از خطوط برگزین گلشن
 رازهای قهرمانی پریشان
 کوهسار تپه غرور و پرشکوه
 بحر مواجت خروشان بی گمان
 مهر و شاد تو نیز بخشش دل
 عشق پاکت مینواز و قلب و جان
 باغ و در گرم قد افراشتی
 در همه ادوار تاریخ و زمان

ددا نیوب



ننداره

یودمینی ماز یکردی
یودمینی ننداره
دیا نوش خزانی ونی
لکه خلی دسرو بریبسی
* * *

دسیندونواو خنگلونو
دکار پات اوالپ په غیر کی
دسرو سپینو مجاریانو
په بنایسته بنکلی هیوادکی
* * *

دگیلیرت له هسکی خوکی
له یاد کار دآزادی نه
لاندی لاندی هسی گورم
ددا نیوب رزواو پوته
* * *

ته وا هارد سپینوزرو
دمار گیت غاری چاپیره
دبودا اوپست تر منځه
جوړوی زرینه لیکه
* * *

لاتراوسه هغه بنکاری
په کالیود عیسی کی
زنکولی لانگازی کړی
دمتیاش په کلیساکي
* * *

چی یووخت پکی شاهانو
دزور زرو خاوندانو
رانبول خپل گناهونه
او پرسرا یېنووول خولونه
* * *

هلته سپور دخيال په تال کی
زور فاشیست گر خند وی وړاندی
راکنبیوخی له هسک ستو نځه
مخ پر خوړی دغره بیخ ته
* * *

خرخر کوری په لرو پن
ددونای مستو خپوته
بنکلی پله دآزادی ته
آسما نڅکو بنکلو ته
* * *

زړه یی غوخ ، غونی یی زیر شی
له ارمانه اوله خنکه
چی شیرین دیرش کاله یی مخکی
بمبار کړی وښار خنکه
* * *

او اوس دنکی ودانی دی
پر آورا نوکنه والوی
دبری روغی یووالی
دوروری برابر والی ...

دانیوب او دونای دواړه د یوه سیند نومو ننه دی
یا نوش ، کارپات ، الپ او اوگیلیرت د غرونو مونه دی
مار گیت دهماغه واکمن لوروه چی ویلی یی وو ؛
که چنکیز له مجار ستا ننه په ماته ورک شی نو خپله
نوی زیر یدونکی لور به مارگیت ونو موی او راهبه
به یی کړی . په پای کی همدا سی شوه او داچی
د دانیوب په یوه تا پو کی دیره شوی وه ، نو
هغه تا پو تر ننه د مارگیت پر نامه یاد یږی .

دوکتور زیار بوداپست ۳۰۸۳۰۹

نوگند

ملا بهر تو اور ملک آری قسم است
به زن و زن خاک تو بهر قسم است
به گریه به غم آری طفل بی ماله
به آه و ناله بهر آری قسم است
ملا بهر است آری بهر با وجودم
اپ بهر سر و سر و شته قسم است
ملا بهر عفت آری بهر با حس
به آب دیدن آری بهر گدا قسم است
بخون پاک شهیدان را آزاد
به راحت چشم بهر بر قسم است
به قبران ز موی که هست در سنگ
به عزم پاک دلیران باهوا قسم است
به سوز و حسرت دل با ناز و غنیمت
مرا به برتر بسیار برده قسم است
به نام پاک تو ای که کاروم
به قتل نظر آری شیر پر با قسم است
دلایه به من به تمام شیر خوار گیم
بپاس بهر تو ای که باهوا قسم است
اجانم درم درم اعتبار میبندم خویش
مرا به مرحمت پاک آری خدای قسم است
لله عز و جل

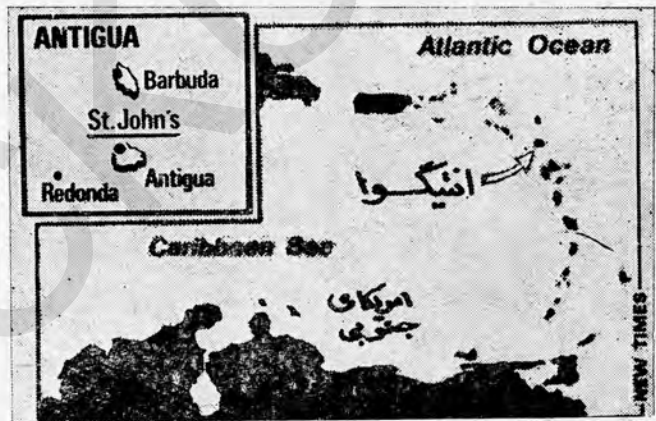


درس سرتخر صیت

دولت جدید در بحیره کارا بیدین

انٹی گوا

روز اول نوامبر سال ۱۹۸۱ در شهر (سنت جونس) واقع در جزیره انٹی گوا که توسط آب های بحیره کارا بین محیط است ، بیرق پنج رنگ (سرخ و سفید ، سبز زرد و آبی) کشور تازه به آزادی رسیده انٹی گوا رسماً برافراشته گردید .



شروع کردند بعد از نیمه دوم قرن ۱۷ زرع لبلبو و نیشکر ، پنبه و میوه های ستروس رایج گردید .

در سالهای بعد از ۱۹۴۰ اقتصاد جزایر انٹی گوا و بر سودا تحت نفوذ انحصارات ایالات متحده امریکا قرار گرفت ، تا سیاست تولید نفت و گاز صنایع نساجی ، و صنایع توریستیک این جزایر (در اختیار سرمایه داران امریکا قرار گرفت و از طرف آنها اداره میشد .

در سال ۱۹۴۰ اضلاع متحده امریکا قسمتی از جزیره انٹی گوا را برای مدت ۹۰ سال تحت اجاره گرفت تا از آن برای تأسیسات نظامی و پایگاه بحری اردوی امریکا استفاده کند حقوق انتخاب و کلا ، برای پارلمان به باشندگان این جزایر در سال ۱۹۵۱ داده شد در سال ۱۹۶۷ این جزایر در (بقیه درص ۸۱)

در اثر جمع آوری معلومات چندجانبه و دقیق تجزیه و تحلیل این معلومات می توان در ظرف يك ساعت پیشگویی دقیق از اوضاع جوی نمود .

خدمات مترو لوژیکی آینده ، به پیماننه وسیع برای محاسبات و پیشگویی های خود از کمپیوتر های خیلی دقیق ، مغلق و سریع العمل که بتواند ۵۰۰ سلیرن عملیه را در يك ثانیه اجرا کند ، استفاده خواهد کرد .

اینهمه وسایل متذکره ، این امکانات را به وجود خواهد آورد که پیشگویی دقیق اوضاع جوی را در ظرف یکروز برای ده شبانه روز آینده امکان پذیر خواهد ساخت .

پیشگویی دقیق اوضاع جوی در آینده

انکشافات در ساحه مترو لوژیکی همیشه با انکشافات و تحولات تخنیکی ارتباط نزدیک داشته است .

خدمات مترو لوژیکی ، صرف وقتیه به صورت ابتدایی به وجود آمد که تلگراف کشف گردیده تا سال ۱۹۹۰ بدون شك سیستمهای مکمل مراقبت از وضعیت طبقات خلیصها ضخیم اتومسیفر و قشر سطحی اجبار ، به وجود خواهد آمد که این سیستم ها به وسایل مغلق و پیشرفته مشاهدات زمینی و فضایی ، اتکاء خواهد کرد .

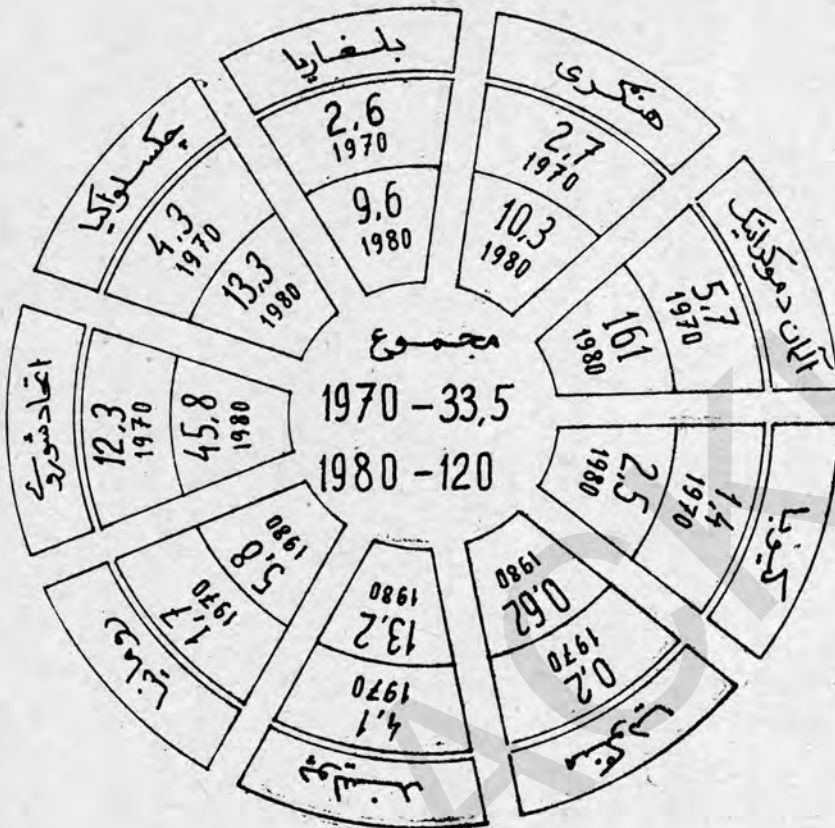
این کشور که متشکل از جزایر انٹی گوا ، بار بودا و مجمع الجزایر دیدون میباشد ، ۳۴۹ سال تحت اشغال برتانیه قرار داشت .

مساحت مجموعی این جزایر ۴۴۳ کیلومتر مربع است و در حدود ۷۵ هزار نفر جمعیت دارد که اکثریت آنرا باشندگان لوبی تشکیل میدهند پایتخت کشور جدید شهر (سنت جونس) ۳۰ هزار باشنده دارد . جزایر انٹی گوا در سال ۱۴۹۳ توسط کولمبو کشف گردید . در سال ۱۶۳۲ انگلیسها این جزایر را تصاحب کردند . در ابتدا باشندگان این جزیره به کشت تنباکو

مبادله اجناس بین کشورهای

عضو شورای تعاون اقتصادی

(به میلیارد روبل معادل)



در شصت و یکمین کنفرانس فوق العاده اتحادیه کشور های صادر کننده نفت (اوپک) فیصله به عمل آمد تا بعد از اول نوامبر سال ۱۹۸۱ تمام کشورهای عضو اوپک نفت صادر شده خود را به یک قیمت معین بفروش برسانند.

آنها تصمیم اتخاذ کردند که قیمت یک بیبرل نفت (معادل ۱۵۹ لیتر) که به کشورهای دیگر صادر میگردد . ۳۴ دلار امریکایی تعیین شده است . کشورهای عضو اوپک اعلام داشتند که این قیمت جدید نفت تا اوایل سال ۱۹۸۲ مدار اعتبار خواهد بود .

نفت که جنسیت عالی دارد و نزدیک سرازیر بزرگ مصرف کننده این ماده حیاتی موقعیت دارد می تواند کمی قیمت تر بفروش برسد. و این کشور ها در مقابل یک بیبرل نفت ۳۸ دلار دریافت میکنند. عربستان سعودی که قبلا نفت خود را به قیمت ارزان عرضه میکرد حالا در هر بیبرل ۲۲ دلار قیمت آنرا بلند برده است . در مقابل کشورهای دیگر عضو اوپک قیمت نفت را در هر بیبرل کاهش داده اند و هم کشورهای متذکره از پلان های که نظر به آن باید قیمت نفت خود را در همین نزدیکی بلند ببرد صرف نظر کرده اند.

بدین ترتیب بعد از آنکه عربستان سعودی موافقت کرد که مؤقف مشترکی در زمینه قیمت نفت با دیگر کشورهای عضو اوپک داشته باشد .

در کنفرانس گذشته اوپک وزیر نفت عربستان سعودی [ار-ریاض] مخالفت جدی خود را با افزایش قیمت نفت ابراز کرده استدلال نمود که به اثر بحران اقتصادی در غرب بازار های فروش نفت تقلیل یافته و تقاضا برای نفت کمتر شده است در خزان امسال کشور نایجریا مجبور شد تا قیمت نفت خود را تنزیل بدهد .

غربی قسمت اعظم نفت مورد ضرورت خود را از عربستان سعودی بدست میاورند . اما این مسأله باز هم باعث خشنودی عرب شد که کشورهای عضو اوپک قیمت نفت خود را تا اواخر سال ۱۹۸۲ تغییر نمی دهند .

هیگ وزیر خارجه امریکا این تصمیم عربستان سعودی را یک موفقیت مهم خواند، وی علاوه کرد که پالیسی نفت عربستان سعودی ارتباط نزدیکی با این تصمیم حکومت امریکا دارد که حاضر شده است برای کشور

(بقیه درص ۸۶)

هم چنین کشور کویت هم از این اقدام نایجریا پیروی کرد .

قیمت اوسط فروش نفت از طرف کشورهای عضو اوپک قبل از دایر شدن شصت و یکمین کنفرانس . فی بیبرل به ۳۲ دلار تقلیل یافت که در اثر آن کشورهای عضو اوپک موافقه کردند تا با عربستان سعودی در قسمت پائین آوردن قیمت نفت و تعیین یک قیمت ثابت همنا گردند .

در غرب تصمیم عربستان سعودی مبنی بر افزایش قیمت نفت آنکشور با نگرانی مقابل گردید زیرا اکثر کشورهای

پیشبرد اهداف استعماری تحت اسم کمک‌های اقتصادی

امپریالیسم جهانی، به استثمار ممالک رو به انکشاف نه تنها ادامه میدهد؛ بلکه آنرا، بطور روز افزون، بیشتر می‌سازد. آنها در مقابل این کشورها، از سیاست‌های اقتصادی و تجارتي، با حقوق غیر مساوی و تیپ استعماری کمین، کار میگیرند.

امپریالیستها، دیوانه وار، تلاش دارند تا کشورهایی را که تازه استقلال سیاسی خود را به دست آورده اند؛ به شکل کشور های عقب مانده از نظر اقتصاد و هم، عضو وابسته و قابل استثمار، برای اقتصاد کاپالیستی جهانی، نگهدارد.

بدینتر تیپ، اشکال جدید وابستگیهای تخنیکی، اقتصادی و پولی عرض وجود می‌کند. در نتیجه کمکهای تیپ امپریالیستی به کشورهای تازه به استقلال رسیده سال به سال، این کشورها تحت بار کمر شکن قروض اقتصادی خارجی، خم می‌گردند.

هرگاه، در سال ۱۹۵۵ کشور های تازه به استقلال رسیده و روبه انکشاف آسیایی، افریقایی و امریکایی لاتین، در حدود ۹ میلیارد دلار از ممالک بزرگ امپریالیستی، قرض گرفتند این قروض در سال ۱۹۸۰ به ۳۰۰ میلیارد دلار ارتقا یافت؛

کشور های تازه به استقلال رسیده جهان، صرف مفاد این قروض راهمه ساله باید، در حدود (۱۳-۱۴) میلیارد دلار، بپردازند و در غیر آن مفاد اصل قرض ایشان اضافه شده، و در آینده، مجبور خواهند بود، مفاد را به فیصدی بالاتری، تا دیه کنند.

مشکلات ممالک تازه به استقلال رسیده، به نسبت عقب ماندگی علمی و تخنیکی ایشان عمیقتر شده می‌رود و در نتیجه، وابستگیهای تکنالوژ-یکی آنها را، به ممالک کاپتالیستی صنعتی، روز بروز، بیش-تر می‌سازد. مصارف کشور های جهان آسیایی، افریقایی و امریکایی لاتین، برای تهیه تکنالوژی عصری در ختم سال ۱۹۶۰، همه ساله ۱/۵ میلیارد دلار، بوده است.

در سالهای (۱۹۶۰-۱۹۷۰) در حدود ۳-۵ میلیارد دلار و در سالهای (۱۹۷۰-۱۹۸۰) در حدود ۹ میلیارد دلار، بوده است.

بانکها و کانسر نهایی بزرگ امریکایی در بین سالهای (۱۹۴۶-۱۹۷۶) مبلغی در حدود ۳۰/۲ میلیارد دلار را به شکل سرمایه، به کشورهای تازه به استقلال رسیده صادر و سرمایه گذاری با مفاد بلند نموده‌اند و در همین مدت از پول متذکره،

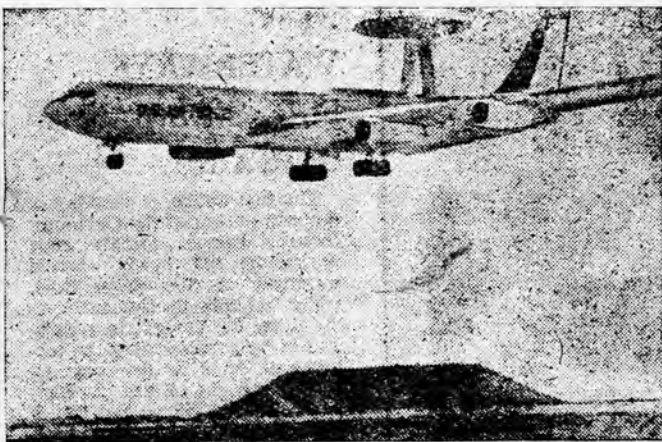
بیشتر از دو نیم چند آن یعنی ۷۶/۹ میلیارد دلار، مفاد به دست آورده‌اند. در سالهای (۱۹۷۶-۱۹۷۸) عایدات کمپنی‌های امریکایی در کشورهای تازه به استقلال رسیده، بیش از ۴۰ میلیارد دلار، بوده است.

کمپنی‌های خارجی از کشورهای رو به انکشاف در سالهای (۱۹۷۰-۱۹۷۷) صرف به شکل مفاد خالص ۷۲/۲ میلیارد دلار بوده‌اند که این مبلغ ۱/۸ مرتبه بیشتر از مجموع سرمایه گذاری این کشورها، بوده است.

ارقامیکه ذکر می‌شود، عایدات سرسام آور امپریالیستی را از کشورهای رو به انکشاف نشان میدهد:

در سال ۱۹۷۶ اضلاع متحده امریکا در کشورهای روبه انکشاف ۲۵/۲٪ بود، در حالیکه در همین سال در ممالک انکشاف یافته کاپتیا-لیستی بیش از ۱۱/۹٪ نبوده است.

بصورت عموم، استثمار امپریا-لیسی روابط نامساوی اقتصادی و تجارتي برای کشورهای روبه انکشاف و تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم آن بالای اقتصاد کشورها به صورت مجموعی مبلغی در حدود ۵۰-۱۰۰ میلیارد دلار، تمام می‌شود.



اضلاع متحده امریکا روز بروز قوتهای نظامی خویش را در شرق میانه به مقصد مداخله هرچه بیشتر در امور داخلی کشور های این منطقه افزایش میدهد.

ماه گذشته دو طیاره آواکس که به پیشرفته ترین تجهیزات الکترونیکی مخصوص عملیات استخباراتی و انکشافی مجهز است به مصر اعزام گردید

سیستم اسلحه استراتژیکی در جهان چه وقت بوجود آمد

سال تولید در اتحاد شوروی	سال تولید در امریکا	نام سلاح
۱۹۴۹	۱۹۴۵	۱ بمب اتمی
۱۹۵۴ - ۱۹۵۵	۱۹۴۸	۲ طیارات استراتژیکی زمین القاره (مخصوص نقل سلاح اوبسته)
۱۹۶۸	۱۹۶۰	۳ تحت البحری اتمی مجزبه راکت های اتمی
۱۹۷۳	۱۹۶۴	۴ راکت های قاره پیماداری چندین سرگلوله اتمی تیپ راهبانی شده آن

اسلحه الکترونیکی مجهز به اشعه لایزر برای تخریب راکت های قاره پیما و اقمار مصنوعی، کشتی های فضایی که هم به مقصد تحقیقات علمی و هم برای مقاصد نظامی که از هر چهار پرواز آن یک پرواز برای مقاصد نظامی مورد استفاده قرار می گیرد. راکت های MNU ضد اقمار مصنوعی اکتشافی که مورد پرواز آن ۲۰ - ۳۰ کیلو متر است و از طیارات جنگی فیرمی گردد. تحت البحری های غول پیکر مارک (Trideut) که مجهز به ۲۴ عدد راکت بالستیکی است هر راکت بالستیکی آن دارای ۸ عدد سرگلوله به قدرت ۱۰۰ کیلو تن میباشد.

پست صدارت این کشور تازه به آزادی رسیده به آقای (ویس کور نویل برد) رهبر حزب لیبرال انتی گوا تعلق گرفت. قابل تذکر است که حزب لیبرال انتی گوا از سال ۱۹۴۶ به اینطرف به سر اقتدار بوده و ۱۳ نفر نماینده از جمله ۱۷ نفر تمام نمایندگان پارلمان مربوط این حزب است

بقیه دولت جدید...

امور داخلی خود آزاد، اما در مسایل خارجی مربوط جزایر برتانیه اعلام گردید. یعنی سیاست خارجی آن و مسایل نظامی آن بشمول حراست ازین جزایر متعلق برتانیه بود. بعد از حصول آزادی کامل، در نوامبر امسال

سیستم راکت های استراتژیکی مارک (MX) دشتی فضایی تیپ جدید که توسط یک سر نشین مانند طیاره به یک ارتفاع بلند به مدار زمین قرار می گیرد و ارتفاع خود را نظر به ضرورت کم ساخته می تواند.

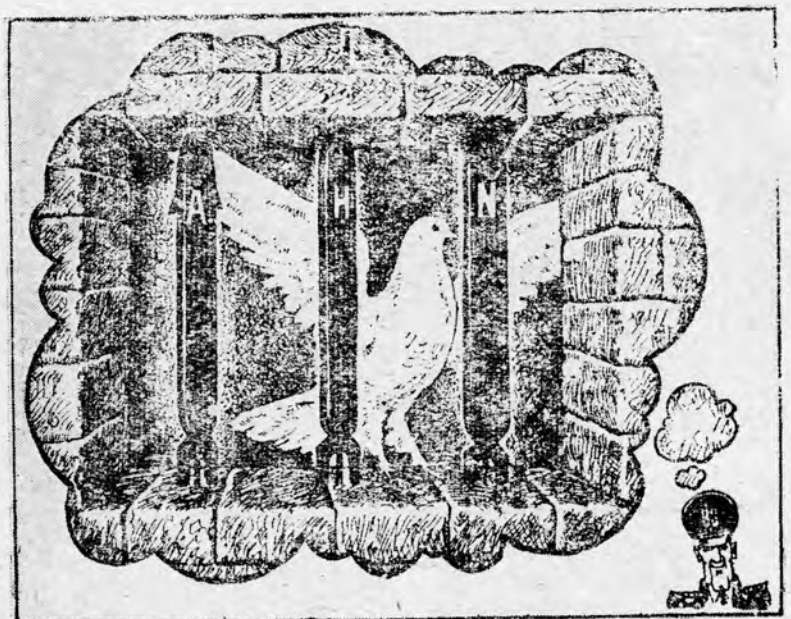
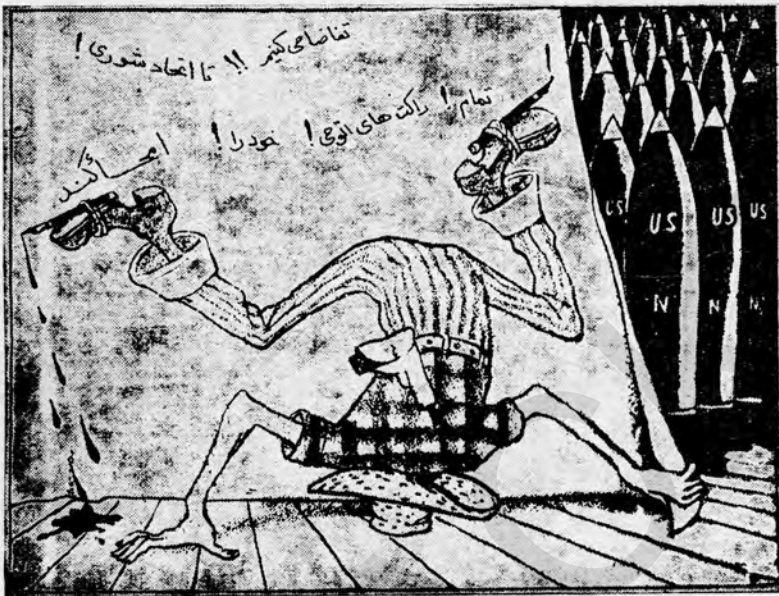
واشنگتن این اسلحه و صدها نوع دیگر نسل جدید را تولید کرده و یا اینکه دیوانه وار تلاش دارد که انواع مختلف آنرا تولید نماید امریکا چنین می خواهد به جهانیان تبلیغ کند که این همه اقدام نظامی را برای جلوگیری و حتی مقابله با (خطر نام نهاد از جانب شوروی) تولید می کند. اما حقایق طور دیگر است، جهانیان میدانند که در ظرف ۵ سال اخیر واشنگتن در مقابل پیشنهاد های واضح و همه جانبه اتحاد شوروی در قسمت توافقات ساعت دوم، همچنان ده ها پیشنهاد دیگر، اتحاد شوروی در زمینه محدود ساختن قوت های نظامی طرفین خاموشی اختیار کرده است.

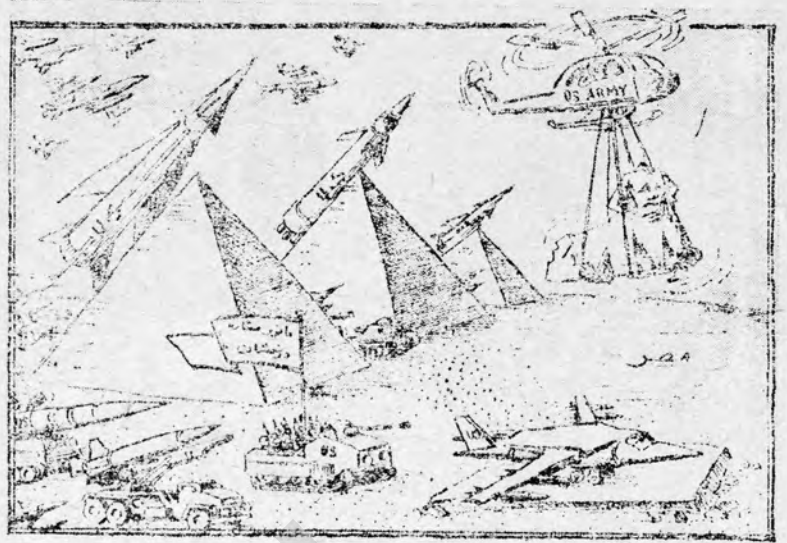


افکاری عامه و مترقی جامعه امریکا بر ضد پالیسی نظامیگرانه حکومت ریگن به مظاهرات خیابانی دست میزنند. در عکس تعدادی از باشندگان نیویارک بر علیه مصارف نظامی امریکا و بلند رفتن قیمت مواد اولیه دست به مظاهره زده اند. در عکس راست پولیس نیویارک حینی که یکی از مظاهره کنندگان را توقیف می نماید.



خارتون





بدون شرح



بدون شرح



نیکاراگوا

مساحت در حدود (۵۷۱۴۴) میل مربع - نفوس (۲۵۰۰۰۰) پایتخت (ماناگوا).

نیکاراگوا از زمره کشورهای آمریکای وسطی بوده و در بین جزایر کارابین و بحرالکاهل موقعیت دارد.

در شمال نیکاراگوا هاندوراس، در جنوب کوستاریکا، در شرق جزایر کارابین و در غرب بحرالکاهل موقعیت دارد. این کشور در سال ۱۸۲۱ آزادی خود را بدست آورد و بطور مؤقت با مکزیکو متحد گردید و سپس با ایالات متحده آمریکا مرکزی پیوست و در ۱۸۳۸ کاملاً با حیث یک کشور آزاد و مستقل شناخته شد.

کشور نیکاراگوا دارای طبیعت خیلی قشنگ و مناظر سرسبز و زیباست، سرسبزی دائمی، جنگلات استوایی و جهیل‌هایی آبی و قشنگ مناطق کوهستانی، بین کوه‌های سربلک کشیده، مراد آتشفشانی سرد شده که در سواحل جهیل‌های طبیعی به آسمان سر کشیده مناظر خیلی قشنگ و جادویی را میسازند که انسان از دیدن آن لذت میبرد و روح انسان را شاد میسازد.

نیکاراگوا دارای معادن بزرگ مس، طلا و نقره است همچنان این کشور خاک خیلی‌ها مستعد برای زراعت دارد. در دره‌های وسیع و حاصل خیز نیکاراگوا پنبه و قهوه به وفرت زرع میگردد. مزارع بزرگ نیشکر و لبلبو رامیتوان در هر گوشه و کنار آن پیدا کرد، پنبه، قهوه، گوشت و شکر از اقلام صادراتی این کشور بشمار میرود. همچنان نیکاراگوا دارای جنگلات فراوان است.



کشور انقلابی نیکاراگوا موقعیت مهمی در آمریکای مرکزی دارد.

کشور نیکاراگوا منابع سرشار نفت دارد که پروسه تصفیه آن به سرعت در حال انکشاف است. مردم نیکاراگوا مردم با استعداد، زحمتکش و کار دوست اند امانه ثروت‌های طبیعی بیکران آن و نه استعداد



شاگردان یکی از مکاتب پایتخت نیکاراگوا شهر (مانا گوا) در
 اثنای تجلیل روز طفل که بمناسبت اولین سالگرد پیروزی
 انقلاب آن کشور برگزار شده بود.

باشندگان آن و نه پشت کار مردمان آن
 توانسته بود اکثریت زحمتکشانشان این
 کشور را از فقر و بدبختی نجات دهد.
 بیسوادی، فقر، مرض که اکثریت
 باشندگان نیکاراگوا در آن درگیریم
 قرن - کمروائی رژیم خونخوار
 سموزابه آن مبتلا بودند پروبلی
 جدی را در راه انکشاف کشور بوجود
 آورده بود. امام - مردم قهرمان
 نیکاراگوا در سال ۱۹۷۹ با - پیام
 مسلح تحت رهبری جبهه آزادی بخش
 ملی آن کشور (سان - دانیست) این



تصویر ملی نیکاراگوا که بعد از پیروزی
 انقلاب به قصر (قهرمانان انقلاب)
 مسمی گردید

اراضی وسیع که در اختیار دیکتاتور
 پیشین سموزا، فامیل و وابستگان وی
 قرار داشت توسط دولت مصادره
 شد و امروز زراعت کولکتیف عام
 تر شده و رول سرمایه گذاری در
 حیات اقتصادی نیکاراگواروز بروز
 انکشاف مییابد.

های فاشیستی و غیر مردمی وابسته
 به انحصارات بین المللی روبه نابدی
 اند و دیگر توده های مردم و سبیر
 زمان با آنها هم آهنگ بوده نمیتوانند.

از زمان پیروزی انقلاب نیکاراگوا
 کمتر از دو سال سپری گردیده اما
 قدمهای بزرگی در راه ارتقاء سطح
 زندگی مردمان آن کشور برداشته شده

است. بطور مثال مرحله اول پلان امجا
 بیسوادی مؤفانه تطبیق گردید و
 در نتیجه صدها هزار دهقان و کارگر
 نوشتن و خواندن را فرا گرفته اند.

فابریکه ها و موسسات صنعتی
 بزرگ با روش جدید و مترقی پروسه
 های تولید خود را هم آهنگ ساخته
 و تولیدات آنها نسبت به گذشته بلند
 رفته است.

دیکتاتور فاشیست را از صحنه سیاست
 دور ساخت. حکومت ساموزا در
 حدود چهل سال با پشتیبانی امپریالیزم
 در عرصه سیاست این کشور حاکمیت
 مطلق داشت.

تغییرات انقلابی در نیکاراگوا
 نیروی الهام ده - نده برای مبارزه
 مردمان امریکائی مرکزی ولاتین است.
 پیروزی سان - دانیست ها در
 نیکاراگوا - نشان داد که رژیم

کار ساختمان عمارات عصری برای
 زحمتکشانشان به سرعت تمام جریان داشته
 و تعداد زیادی از زحمتکشانشان دارای
 خانه های مجهز و عصری گردیده
 اند.

پروگرامهای وسیع برای پیدای
 شدن کار رویدست گرفته شده و کوشش
 بعمل میآید تا بیکاری بکلی در آن
 کشور از بین برود.

توجه زیادی به اعاده کلتور ملی،
 انکشاف معارف و مطبوعات، صحت
 عامه به عمل آمده است، اتحادیه
 های کارگری و صنفی و غیره
 مؤسسات اجتماعی انکشاف قابل
 تذکر نموده است - و آم به آن
 کمیته دفاع از انقلاب نیکاراگوا



۳ - منظره بی از قلل آتش فشانی در منطقه مومر تومبو

بنام (ماندا نیست) فعالیت های خود را روز بروز به نفع انقلاب و آرمانهای زحمتکشان آنکشور گسترش میدهد. ماه گذشته تجاوزاتی از کشور هند و راس در مناطق مرحدی نیکاراگوا صورت گرفت گروه پهای مسلح تروریست

اما مردم قهرمان نیکاراگوا همه بصورت متصرفه مقابله تجاوز دشمنان مردم زحمتکش آنکشور قیام کردند. گروههای داوطلب تربیت و شب و روز برای دفع حملات متجاوزین به حال آماده باش درآمدند.



اسروز اخبار داخلی و خارجی مورد علاقه تمام مردم است



جمع آوری قهوه دریکی از مزارع نیکاراگوا

تعداد زیادی از گروه های مسلح از بین برده شدند، مردم قهرمان نیکاراگوا قهرمانانه از انقلاب ملی و دست آورد های آن دفاع میکنند پیروزی از آن زحمتکشان نیکاراگواست.



کارهای ساختمانی در شهر ماناگوا و دیگر مناطق نیکاراگوا به سرعت در جریان است

و خرابکار بدمتور امپریالیزم امریکا و حمایت رژیم ارتجاعی هند و راس به قتل اطفال و مردم بیگناه پرداخته و عمارات عام المنفعه را آتش زدند و به ایجاد نا آرامی و وحشت پرداختند.



در دهات نیکاراگوا مبارزه جدی علیه بیسوادی در جریان است

بقیه صفحه (۷۹) قیمت نفت

عربستان سعودی طیارات میج-هیز به سیستم (اواکس) را تهیه کند. ناظرین خارجی عقیده دارند که انقلاب سیون که در اثر پائین آمدن دائمی عایدات فروش نفت کشور های صادر کننده نفت به آن رو برو می شوند باعث خواهد شد که کشور های عضو اوپک یکبار دیگر سوال مساله تعیین قیمت فروش نفت را مورد ارزیابی قرار دهند.

ملا للک، رابا بارللی اورم



در باره تاریخچه ایجاد و استعمال بم اتومی
به دوام گذشته

امر نمبر ۱۳

ترجمه از : نیوتایمز
دگرمن ارکان حرب تورپالی عثمانی

پیلوت ها مشکلات علاوه گی را تولید مینما یدخط کشید. سیستم-
سون مخالف بمباردمان کیوتو بود و میگفت: «که این شهر
پایتخت باستان و یک شهر مقدس جاپان بوده و انهدام این
شهر دشمن مردمان جاپان را بمقابل ایالات متحده شدت
میبخشد».

۳- اگست فضای هیروشیما، کاکورا و ناگاساکی را
ابرغلیظی پوشانیده بود. بناً اجرای امر نمبر ۱۳ به تعویق
افتاد. پیش بینی وضع جوی به ۶،۵ اگست اطمینان بخش
بود. ۴ اگست در جزیره خوردی در بحر الکاهل مسمی به
تی نیان برای اینکه پیلوتان با پلان عملیات آشنائی مقدماتی
حاصل کرده باشند پروازهای تعلیمی مخصوص صورت
گرفت.

در این تعرض، هفت طیاره بمباردمان ۲۹-B اشتراك
ورزید. از جمله آن ها سه طیاره یک ساعت قبل نسبت به
گروپ طیارات اساسی پرواز نمود و وظیفه داشتند تا وضع

۲- اگست سال ۱۹۴۵ فرماندان جزوتام بزرگ دوم
قوای هوایی ایالات متحده امریکا امر اشد مجرم نمبر ۱۳
را که در باره بمباردمان اتومی بود امضا کرد. به کندی
بیست و دوم هوایی وظیفه تعرض نمودن سه هدف داده شد.
هدف اساسی هیروشیما و اهداف فرعی کاکورا و ناگاساکی
بودند.

چرا این شهرهای جاپان انتخاب شده بودند؟

نخست اینکه این شهرها خاصیت ستراتیژیکی، نظامی را
نداشتند و امریکائی ها هم در پی این اهداف نبودند، برای
آنها تنها «امکانیت» نمایش بمب اتومی کافی بود. ثانیاً در
همانوقت شش شهر بزرگ جاپان بسیار زیاد تخریب شده
بود و آنها را از لست قربانیان خارج ساختند. باقیمانده
شهرهای هیروشیما، کاکورا، ناگاساکی، فیگاتا و کیوتو،
گروفس پیشنهاد کرد که بالای شهرنیگاتا برای اینکه به
مسافه بعیدی نسبت از سه شهر دیگر قرارداد و برای



دگروال تی بتس امروز جنرال ور رئیس هواپیمایی دراوهاو در مقابل سوالیکه درباره حادثه هیروشیما چه نظریه دارد؟ پاسخ داد:

«من امر را موافقانه به انجام رسانیدم... هرگاه فرد الازم باشد که بمب مخرب تری را در کدام محل دیگری پرتاب نمایم عیناً مانند سابق عمل خواهیم نمود.»



میترو لوزی هیروشیما، کاکورا و ناگاساکی را تعیین نمایند. بمب اتمی پنج تنه به اسم مستعار «کودک» توسط هواپیمای دگرمن تی بتس حمل میشد. و دو هواپیمای دیگر ویرا همراهی میکرد. عمدهای هوا پیمای جگرن سوسین وظیفه داشتند که بالای «هدف» آلات اندازه گیری را جهت ثبت قوه انفجار اتمی پرتاب نمایند. و هواپیمایی تورن مارک ورد باید عکاسی و فلمبرداری مینمود. هرگاه قابلیت دید بالای هدف اولی محدود میبود، سه طیاره به فرماندانی دگرمن تی بتس بطرف اهداف معاونه پرواز میکردند.

طیاره هفتم B-29 بطرف جزیره ای فود زیماکه در نیم راهی جاپان قرار داشت حرکت نمود و وظیفه داشت که در صورت خرابی طیاره تی بتس وی را تعویض نماید. در شب ۶، ۵ اگست در تی نیان احضارات مخصوص حکمرمائی میکرد. خط پرواز و طیارات بواسطه روشنی خیره کننده تنویر شده بودند.

بعد از پایان یافتن آخرین هدايات، سپاتس قوماندان طیارات سترا نیژیک دست تی بتس را فشرده و اظهار داشت:

«دگروال، بار دیگر خطر نشان میسازم کاین وظیفه اعلام نهایت اعتماد به شما میباشد. در وقتش نام شما در تاریخ مین ما جاودان خواهد ماند.»

نظریه امریه ترومن ۶ اگست به ساعت دو و چهل و پنج دقیقه طیاره «ای تولدگی» به آسمان مسیر شد. و به تفاوت دو دقیقه طیاره تیکه ویرا همراهی مینمودند پرواز کردند. در ساعت هفت و نه دقیقه طیارات کشف اطلاع دادند که هیروشیما و ناگاساکی صاف میباشد. و قبل از آن اطلاع بدست آمد که آسمان کاکورا نیز صاف است. نیروی «ای تولدگی» شفر ذیل را بدست آورد. «هدف اول توجه میشود» مرنوشت هیروشیما تعیین شده بود.

ساعت هشت و سیزده دقیقه هواپیمای تی بتس تعرض را ساعت هشت چهارده دقیقه محفظه بمب باز شده و در آسمان پراشوتی که بمب پنج تنه «کودک» آنرا بطرف پائین می کشید

پدیدار شد. به ساعت هشت و پانزده دقیقه زمانیکه ۵۰۰ متر مسافه به زمین باقی مانده بود میکا نیزم انفجار حق املائی ذروی فعال گردید.

بالای هیروشیما آفتاب دومی برق زد. آفتاب مرگ در یک لحظه کوتاه این آفتاب ۸۰ هزار نفر را بیدار عدم فرستاد. ۱۴ هزار نفر بدون اثر ناپدید گردید. امواج ضربوی انفجار آبادی هارا به چندین کیلو متر بلند کرد. و به خاک و خاکستر تبدیل نمود.

کی رون، یکی از عملی «ای تولدگی» به خاطر می آورد:

«نخست رعد روشن انفجار پدیدار شد. بعداً یک روشنی خیره کننده که در آن موج انفجار دیده می شد، سپس ابر بزرگ سمارق مانند به نظر خورد و چنین مفکوره پیدا شد مثلیکه در بالای شهریکه بحر جوشان قیر در تلاطم باشد.»

«کودک» خون ریزتر و مخرب تر از آنچه ایجاد کنندگان آن پیش بینی نموده بودند از کار برآمد، و باعث تراژیدی هیروشیما گردید. انفجار در زمانی صورت گرفت که بسیاری از خانواده ها مصروف تهیه صبحانه در بالای داشهای خود بودند. موج شدید انفجار این داش ها را به مشعل ها تبدیل کرده که تمام تاسیسات چوبی را طعمه حریق ساخت در وقت نزدیک شدن «ای تولدگی» سکنال خطهوانی داده شد زیرا طیارات دشمن بسیاری اوقات بالای شهر پرواز کرده اما کدام بمبی را پرتاب نمی کردند و این موضوع جاپانی ها را فریب داد.

تراژیدی هیروشیما را خیلی دشوار است تا به الفاظ بیان نمود. شاهدان عینی این انفجار، نقاشان جاپانی ای ری و توسی کو برندگان جایزه بین المللی جهانی آنرا چنین تعریف میدارند: جرعه خیره کننده انفجار، حواس پرت شده موج سوزان باد، لحظه بعد همه جا در آتش می سوزد. خاموشی مرگ بار را آواز ترق ترق شعله های آتش مختل می ساخت.



پیلوت های امریکائی قبل از پرو ز، هیروشیما را چنین می دیدند.

۹ اگست به ساعت یازده و دو دقیقه بمب دیگری را مسمی به «چاق» و این نام به افتخار چرچل انتخاب شده بود ناگاساکی را به ویرانه تبدیل کرد.

آیا برای این عمل ضرورت نظامی محسوس می-گردید؟ پاسخ این سوال را واقعیت های ذیل ارائه می-دارد: در شب ۸/۹ تانکهای شوروی اردوی کوانتسوکی را که افتخار و قره اسامی ضربوی قوای امپراطوری محسوب می-شود به شکست مواجه ساخت. تسلیم شدن جاپان حتمی بود.

هدف از تغییر دادن و جلو آوردن روز پرتاب بمب اتمی از ۱۲ به ۹ اگست چه بود؟ پاسخ آن واضح است و عبارت از متیقن ساختن جهانیان بر اینکه اردوی شوروی نه بلکه این بمب اتمی امریکا بود که جاپان را وادار به بلند کردن بیرق سفید نمود.

اما این حساب درست از کار بیرون نیامد. جهانیان طوریکه ایجاب می-کرد این عمل و اشتگتن را ارزیابی نمودند. حتی خود امریکایی ها درباره چنین می-گویند: «شخصیت بزرگ حربی ایالات متحده امریکا امیرال لی گبی می-نویسد: به عقیده من استعمال این سلاح وحشیانه در هیروشیما و ناگاساکی برای ماکدام کمک چشم گیری را بمقابل جاپان به بار نیاورد، زیرا جاپانی ها قبلاً به شکست مواجه شده بودند و حاضر بران بودند که تسلیم شوند احساس شخصی من در باره اینست که با استعمال بمب اتمی سطح اخلاقی خود را تا سرحد وحشی های قرون اوسطی پائین آوردیم.»

در یک لحظه انسانها یا البسه سوخته می افتند، دستها، سرها، سینه ها، بر آسمان بلند شده. . . جمعیتی بادستهای بلند در حالیکه آواز درد و ناله شان به آسمان هامی رسید در حرکت بود. در زمین کودک شیر خواری افتاده و پهلویش مادر مرده اش به نظر می خورد، اما برای کسی قدرتی نمانده که به کمک وی بشتابد. انسانهای گنج، سوخته دیوانه هر طرف شتافته و کور کورانه راه خروج را در تکانها پویند...» هیروشیما در یک لحظه قربانی نگردد. وی به حیث محلی باقیماند که در آنجا زخمی ها حسرت فریبان را میخورند که از وحشت تراژیدی مرگ شکسته بار و ندریچی فرار نموده بودند. هر یکی که میتوانست بدود، برود و یا خورد را به سینه بکشاند در جستجوی آب داگر، دوا یا نزدیکان خرد بود. . .

«یکی از شهردمی گوید دیدن زنده ها بارها وحشتناک تر از مرده ها بود. انسان هائیکه چشمان شان از حدقه برون برآمده بود و وحشت زده به خیابان ها سرازیر شده و تلاش میورزیدند که راه استقامت دریا را به خاطر آورند و عطش بی پایان و سوزنده خود را فرو نشانند. . . آنها به انسان ها شباهتی نداشتند و بیشتر به کرم های درختی می ماندند که از برگ ها روی پیاده روها افتاده باشند. . .»

پانزده دقیقه بعد از انفجار از عرشه هوا پیمای «ای تولدگی» برتی نیات رادیوگرام آتی مخابره گردید «همه چیز طبق پلان پیشرفت کرد و موقیت آمیز بود. آماده گی عملیات بعدی را همین اکنون توصیه می-دارم. . . در هواپیما بعد از پرتاب بمب وضعیت نورمال بوده و در بازگشت بطرف پایگاه می-باشیم.»

بزودی اطلاع در باره تخریب هیروشیما به کشتی «اگست» که در آن ترومن از کنفرانس پوتستدام بازمی-گشت مخابره گردید این صحنه را خود رئیس جمهور چنین توصیف مینماید: «۱۶ اگست، در روز چهارم مسافرت ما از پوتستدام، خبر جدید تاریخی که جهان را به لرزه در آورد موصلت ورزید. و قتیکه ترون فرنک گری خیم پیام را بمن داد من صبحانه میخوردم در متن پیام چنین آمده بود: «از طرف وزیر دفاع به رئیس جمهور بمب بزرگی پرتاب گردید... اطلاعات اولین، حالی از پیروزی نام برده و پیروزی آن حتی بیشتر از تجربه قبلی می-باشد.»

برای اینکه «پیروزی» را جشن گرفته باشد. ترومن امر کرد تا بوتل شامپانی را بیاورند. جام خرد را بلند کرد اظهار داشت:

— آقایان، همین چند لحظه قبل، بمبی را بالای جاپان پرتاب نمودیم که قدرت آن معادل ۲۰ هزار تن تروئیل میباشد... و این بمب بنام اتم یاد می-شود.

معلومات ارفاقی و برابره ارو و ای بعضی از ممالک جهان

ردیف	اسم مملکت	نفوس به میلیون	پرسونل نظامی	مصارف نظامی در میلیون دلار	فیصلی نظریه اعیادات خالص	خدمات عسکر
۱	اسپانیه	۳۶٫۷	۳۱۵۰۰۰	۲۳۲۳	۱٫۷	۱۵ - ۱۵
۲	انگلستان	۵۶٫۷	۳۱۲۰۰۰	۱۳۵۷۹	۵٫۰	جمیر
۳	المان فیدرال	۴۳٫۴	۴۹۰۰۰۰	۲۱۳۵۵	۳٫۴	۱۵ - ۱۵
۴	ایتالیا	۵۷٫۱	۳۶۲۰۰۰	۵۶۱۰	۲٫۴	۱۸۶۱۲ - ۱۵
۵	ایران	۳۶٫۴	۴۱۲۰۰۰	۹۹۴۲	۱۰٫۹	۲۴ - ۱۵
۶	ایالات متحده امریکا	۲۱۸٫۶	۲۰۶۹۰۰۰	۱۱۳۰۰۰	۲٫۰	جمیر
۷	بریتانیا	۹٫۹	۸۷۱۰۰	۲۴۷۶	۳٫۴	۱۰۳۸ - ۱۵
۸	ترکیه	۴۲٫۱۱	۴۸۵۰۰۰	۲۲۸۶	۵٫۷	۲۰ - ۱۵
۹	جاپان	۱۱۵٫۶	۲۴۰۰۰۰	۸۵۳۷	۰٫۹	جمیر
۱۰	چین	۹۷۵ - ۹۶۰	۴۳۲۵۰۰۰	۲۴۳۸	۸٫۵	۵۵۲ سال
۱۱	سویدن	۸٫۳	۲۵۷۰۰	۲۹۴۵	۳٫۴	۱۵۵۱۸ - ۱۵
۱۲	سوئیس	۲٫۴	۱۸۵۰۰	۱۵۴۷	۱٫۹	۱۷ (شماره)
۱۳	عربستان	۷٫۷	۵۸۵۰۰	۱۳۱۷۰	۱۳٫۴	جمیر
۱۴	فرانسه	۵۳٫۸	۵۰۲۰۰۰	۱۷۵۱۸	۳٫۴	۱۲ - ۱۵
۱۵	نیجیریا	۲۸٫۲	۲۳۱۵۰۰	۲۲۷۰	۷٫۸	جمیر
۱۶	یونان	۱۹٫۳	۱۹۰۰۰۰	۱۵۲۳	۵٫۰	۲۰۳۲۴ - ۱۵
۱۷	هند	۱۳٫۹	۱۰۹۷۰۰	۴۲۰۸	۲٫۶	۱۷۶۱۴ - ۱۵
۱۸	هند	۲۳۵٫۴	۱۰۹۶۰۰۰	۲۵۷۱	۲٫۱	جمیر

مرحوم شاه محمد ولد دین محمد خان در سال (۱۳۱۹) در قریه نیلی ولسوالی نیپور ولایت غوروات متولد و دوره تحصیلات ابتدائی و ثانوی خود را در زادگاه خویش به پایان رسانید و جهت فرا گرفتن تحصیلات عالی شامل حربی شونخی گردید و در سال (۱۳۴۰) از ح. ش. مؤقانه فارغ و جهت آموختن تحصیلات عالی نظامی شامل حربی پوهنتون شد و در سال (۱۳۴۲) از ح. پ. فارغ و بجهت دوم بریدمن به غند (۵) نقلیه مقرر شد. و در سال (۱۳۴۷) برتبه لمپی بریدمن و در سال (۱۳۵۰) برتبه تورن ترفیع نائل آمد.



خلص

سوانح

دگرمن

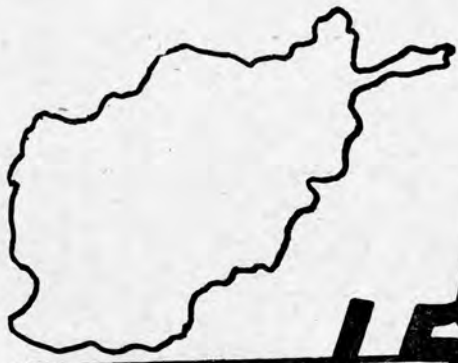
شاه محمد

مرحوم شاه محمد در سال (۱۳۵۱) در بست قول اردوی پکتیا مقرر گردید و در سال (۱۳۵۳) برتبه جگتورنی ترفیع نموده و در سال (۱۳۵۵) نظر به لزوم دید مقامات صالحه از قول اردوی پکتیا در بست فرقه (۱۸) مزارتین شد و در سال (۱۳۵۷) نظریه ابراز لیاقت از رتبه جگتورنی به رتبه جگونی ترفیع نموده و در سال (۱۳۶۰) از بست فرقه (۱۸) مزار شریف به غند (۲۲) لوژستیک مقرر شد و بتاريخ ۲۷/۲/۶۰ برتبه دگرمن ترفیع نمود.

شهید شاه محمد در دوران وظیفه داری خود از هیچ گونه زحمات و عرق ریزی در راه آبادی وطن خویش دریغ نکرد که نظریه لیاقت و زحمت کشی با اخذ مکافات نقدی و جنسی نائل آمد و همچنین به اخذ نشانهای برونز و ورتیا مفتخر گردیده است با تأسف اطلاع گرفته ایم که دگرمن موصوف در راه دفاع از دست آورد های انقلاب شکرمند ثور جام شهادت نوشیده است.

(انالله وانا الیه راجعون)

وزارت دفاع ملی از شهادت این وطنپرست مبارز که یک تن از افسران لایق و وطن پرست قوای مسلح بود سخت متأثر گردیده و آنرا یک ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر دانسته از بارگاه ایزدمتعال برای مرحوم طلب مغفرت و برای بازمانده گانش صبر جمیل تمنا دارد.



اخبار داخلی

ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي ح، د، خ، د، خ

ورئيس شوراي

انقلابي



ج. د. ا. افغانستان پس از
انجام مسافرت رسمي و
دوستانه از کشور بلخاريا
بوطن مراجعت کردند

۴ جدی ۱۳۶۰

ببرك كارمل منشي عمومي كميته مركزي ح. د. خ. ا. ورئيس شوراي انقلابي
ج. د. ا. هنگام بازگشت از سفر در کشور دوست بلغاريا در ميدان هوايي بين المللي
كابل با رئيس شوراي وزيران مصافحه مي فرمايند .

ببرك كارمل منشي عمومي كميته
مركزي حزب دموكراتيكي خلق
افغانستان ورئيس شوراي انقلابي

شوراي انقلابي و معاون هيات رئيسه شوراي انقلابي
جمهوري دموكراتيكي افغانستان ، وزير ترانسپورت و
توريزم لوي درستيز قواي مسلح ، شارژدايرهاي سفارت
كبراي جمهوري دموكراتيكي بلغاريا و سفارت كبراي
اتحاد شوروي مقيم كابل از ببرك كارمل با گرمي استقبال نمودند .
درين موقع عده بي از پيشآهنگان دسته هاي گل به
ببرك كارمل اهدا نموده و بازگشت شانرا بكابل خير
مقدم گفتند .

جمهوري دموكراتيكي افغانستان بعد از انجام مسافرت
رسمي و دوستانه به جمهوري مردم بلغاريا عصر روز پنجشنبه
۳ جدی بوطن مراجعت کرده و در ميدان هوايي بين المللي كابل
مورد استقبال گرم و صميمانه مقامات حزبي و دولتي و
نمايندگان زحمتكشان شهر كابل قرار گرفتند .

در نزديك طياره سلطان علي كشتمند عضو بيروي سياسي
ورئيس شوراي وزيران ، اعضاي بيروي سياسي و منشي هاي
كميته مركزي حزب دموكراتيكي خلق افغانستان ، معاونين

۶ - جدی

جلسه بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بتاريخ ۶ جدی تحت ریاست رفیق بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح. د. خ افغانستان و رئیس شورای انقلابی ج. د. افغانستان در مقرر شورای انقلابی دایر گردید.

درین جلسه نقایح مسافرت رسمی هیأت عالرتبه حزبی ودولتی ج. د. افغانستان در تحت رهبری رفیق بېرک کارمل به جمهوری مردم بلغاریا مورد بحث و ارزیابی عالی قرار گرفت. همچنان نسبت به ملاقات رفیق بېرک کارمل با رفیق لیونید ایلیچ بریژنف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونست و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در حین مسافرت رسمی به جمهوری مردم بلغاریا در مسکو و اهدای نشان (د آزادی لمر) (خورشید آزادی) از جانب رفیق بېرک کارمل به رفیق لیونید ایلیچ بریژنف بمناسبت هفتا دو پنجمین سالگرد تولد وی برضائیت و خورسندی ابراز گردید.

بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح. د. خ افغانستان نقایح مسافرت و مذاکرات رفیق بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح. د. خ افغانستان رئیس شورای انقلابی ج. د. افغانستان و اسناد و موافقت نامه هائی را که در جریان مسافرت در جمهوری مردم بلغاریا با مضاعف رسانیده است مورد تأیید کامل قرارداد.

در جلسه تاریخی فوق بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح. د. خ افغانستان پلان کار و وظایف عمومی حزبی و دولتی برای ربع اخیر سال ۱۳۶۰ مورد تصویب قرار گرفت و در باره تطبیق آن تصمیم لازم اتخاذ گردید.

اصطلاحات علمی و فلسفی

(بقیه صفحه ۷۲)

گسترش صنایع الکتریکی می شود. سازمان تولید و مدیریت آن در اثر ابعاد عظیم تولید صنعتی اهمیت ویژه ای کسب می کند و رقابت شرکت های انحصاری عظیم و جهانگیر تضاد های

۶ - جدی

همچنان بیروی سیاسی کمیته مرکزی ح. د. خ افغانستان فیصله کرد که توزیع کارتهای عضویت حزبی ح. د. خ افغانستان همزمان با تجلیل از هفدهمین سالگرد پرافتخار تاسیس ح. د. خ افغانستان آغاز گردد.

* * *

بېرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح. د. خ افغانستان و رئیس شورای انقلابی ج. د. افغانستان هدایت داده اند که جهت تهیه مواد سوخت به منظور گرم کردن مساجد و تکیه خانه های شهر کابل و ولایات، ترمیم مساجد و عبادت گاه ها و اماکن متبرکه و بخصوص آن مساجد شریفیکه توسط اشراغ سوخته و تخریب گردیده اند. و همچنان به خطباء، امامان و سلاهای بی بضاعت و دیگر خادمان مساجد و اماکن متبرکه کمک های لازم بعمل آید.

شورای وزیران ح. د. ا. ریاست عمومی شئون اسلامی راموظف ساخته است تا با همکاری سازمان های جبهه ملی پدر وطن و شاروالی ها اقدامات مقتضی و فوری در زمینه تطبیق این دستور بېرک کارمل صورت گیرد.

* * *

دقوس - ۴۸

دملی دفاع دوزارت او ستر درستیز گوندی فعالینو دملی دفاع په وزارت کی غونده وکړه. په دی غونده کی دافغانستان دخلک دموکراتیک گوند د مرکزی کمیته دسیاسی بیرو غړیو او منشیانو داکتر صالح محمدزیری او نور احمد نور برخه درلوده او په وسله وال پوځ کی یی دگوند غړیو د انقلابی کار او مبارزی په بار کی اوږدی وینا وی وکړی.

* * *

این بخش دوم یا به کار گیری انرژی اتمی بصورت بمب اتمی از جانب امریکا و محر ۳۳۵ هزار و آسیب دیدگی؛ هزار ژاپنی در شهر های هیروشیما و ناگازاکی خاتمه می یابد انقلاب صنعتی در چارچوب فرمانروایی سرمایه داران دم به دم فاجعه هایی عظیم به بار میآورد.

امپریالیسم و جنگ های امپریالیستی را تشدید می کنند و در بخش سوسیالیستی جهان ما با اقتصاد سوسیالیستی و نقشه ای رو برو می شویم که نغمه ای به کلی تازه در تاریخ انسانی بود.

تاریخ درین لحظه حساس و ظایف خطیر را بدوش قوای مسلح گذاشته است

بتاریخ دوم جدی کنفرانس مطبوعاتی به اشتراك عده ای زیاد از ژور نالستان حقیقت انقلاب ثور، هیواد، انیس، رادیو، آلو یزیون، آژانس باختر، درفش جوانان، رادیو ماسکو- آژانس مطبوعاتی نووستی- ریاست نشرات قوای مسلح مجله اردو حقیقت سر باز در دفتر کار تورن جنرال ارکان حرب با به جان لوی در ستیز وزارت دفاع ملی دایر گردیده بود، که متن مفصل گزارش ذیلا آتقدیم میگردد:

سوال:

شما عمل وطن پرستانه ای آنعده از سربازانی را که تصمیم گرفته اند بعد از سپری نمودن دوره مکلفیت شان به خاطر دفاع از میهن محبوب ما ج. د. ا در صفوف قوای مسلح باقی بمانند چگونه ارزیابی می نمایند؟

جواب: از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور، چیزی کم چهار سال و از مرحله نوین آن، دو سال سپری می شود. انقلاب که با خود دستاورد های زیادی را برای جامعه ما به ارمغان آورده است و روزتا روز پایه های توده ای می یابد و مستحکم تر میگردد، به پیش میرود. مردم ما با احساس عالی سیاسی می کوشند تحت رهبری ج. د. خ. ا در کشور خویش یک جامعه نوین بدون

استثمار انسان از انسان را اعمار نمایند و وطن خود را شکوفان سازند. آنها در این راه موفق اندو به پیروزی های زیادی رسیده اند. اعمار و ترمیم مساجد و مکاتب منازل رهایشی بسط و توسعه و انکشاف مباحه های اجتماعی، فرهنگی زراعتی تخنیککی، تعلیمی، تجارتنی، مبارزه با بیسوادی و غیره که به نفع مردمان رنج دیده و زحمت کش کشور ما عملی شده و قسما در حال تطبیق و تحقق است از نمونه های کوچک آنست ولی هرگاه مداخلات امپریالیزم امریکا، ارتجاع داخلی و منطقه، هژمونیزم چین، صهیونیزم اسرائیل... و همدستان شان که به مقابل افغانستان انقلابی جنگ اعلان نشده رابه راه انداخته اند نمی بود، این پیروزیها بیشتر و گسترده تر می بود.



تورن جنرال ارکان حرب با به جان لوی در ستیز قوای مسلح در یک مصاحبه مطبوعاتی به سوالات خبرنگاران موسسات نشراتی پاسخ داد

این واقعیت ثابت است که چرخ تاریخ را به عقب راندن ممکن نیست. در این شرایط مشکل جامعه ما، تاریخ، وظایف خطیر و مسوولانه را که عبارت از کوتاه ساختن دستان کثیف اشرار و پاک کردن میهن عزیز ما از وجود ناپاک دشمن میباشد، بدوش قوای مسلح گذاشته است که منسربان غیور و با شهامت قوای مسلح با غرور کامل و بادل و جان، این رسالت را پذیرفته اند. طوری که، در تحلیف عسکری گفته شده آنها در انجام و جایب خویش در این راه مقدس، از جان و خون خود دریغ نمیکند و در این شرایط دشوار، صفوف قوای مسلح را مستحکمتر میسازند انضباط و دسپلین آهنین عسکری را در قطعات استحکام میدبخشدند و احضارات محاروبی را در سرکوبی دشمن به وجود می آورند که این از زمره وظایف عمده هر منسوب عسکریست و از همینجاست که وقتی مصر به شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلان شد، از جانب سربازان با احساس، وطنپرست و دلیر، این فرزندان اصیل و شجاع وطن، لیبیک گفته شده و عملاً از آن جانبداری شانرا نشان دادند که میرساند سربازان ما از آگاهی بلند و وسیع سیاسی برخوردارند و آرزو دارند وطن و خاک شانرا آباد سازند و با ایثار جان خویش، دشمنان وطن را نابود کنند.

بنابر همین درک عالی و نیت انسانی است که سربازان، باز هم به طور داوطلب در صفوف قوای مسلح باقی میمانند و میکوشند که قوای مسلح قهرمان ما باز هم قوی تر و مستحکمتر گردد.

سربازان آگاه و سرسپرده با عمل داوطلبانه خود مصمم اند آرمانهای انسانی حزب و دولت مردمی ما را در جهت محور ضدا انقلاب و تامين رفاه مردم رنجیده تطبیق کنند تا زحمتکشان وطن محبوب ما در مدت کوتاهی زندگی آئین بدون استثمار انسان از انسان را بسازند و آرزوی دیرینه مردم را تحقق بخشدند تا زنان با مردان حقوق مساوی داشته باشند، پیران در آسایش به سربرند، و جوانان در شرایط خوب و مساعد کار و پیکار نمایند. مادران به چشم سر ببینند که فرزندان شان به شگوفانی میرسند و حیات مسعودی را میگذرانند.

حزب، دولت و وطن ما این کار وطن پرستانه سربازان با احساس، دلیر و رزمنده ای میهن راهیچگاه فراموش نخواهند کرد. آنها شایسته تحسین و سزاوار مکافات و امتیازات مادی و معنوی زیاد میباشد و این عمل شان به خط درشت وزرین در تاریخ وطن ثبت میشود.

سوال :

از این سربازان در قوای مسلح ج. د. ا. چه استفاده ای خواهد شد؟

جواب :

اولاً باید ارزیابی گردد که سربازان کهنگی، ظرف

سالهای خدمتگزاری شان در قوای مسلح به چه امتیازاتی دست یافته اند. آنها آبدیده شده اند. از نظر سیاسی آگاهی و معلومات زیادی به دست آورده اند. به انضباط و دسپلین عسکری به شکل عملی و مطلوب آن وارد و آشنا شده اند، خلاصه، عسکر حقیقی و سرباز واقعی شده اند، زیرا مسلک نظامی را درست و در عمل فرا گرفته اند. بنابراین وقتی این سربازان کهنگی آبدیده و رزمنده در صف جوانان تازه وارد و سربازان نوکی قرار میگیرند، آنها را خوبتر رهنمایی میتوانند، به آنها تجربه های خود را می آموزانند که باین ترتیب به صفت بهترین معاونت کنندگان فرماندانان و کارکنان سیاسی در کار هاسهم فعال میگیرند. پیشبرد امور تعلیم و تربیه، تحکیم دسپلین و انجام وظایف محاروبی از جمله کارها و وظایفی است که تطبیق آن به کمک سربازان و رزیده کهنگی سربعتر، مطمئنتر، درست تر انجام گردیده و سربازان جدید الورد را به عقب خویش میکشانند زیرا آنها با تجربه اند و ما میدانیم هر قدر که سربازان تجربه دار در صف قوای مسلح باقی بمانند و موجود باشند، بهمان اندازه صفوف قوای مسلح مستحکمتر شده و قطعات، دارای احضارات بلند تر محاروبی میگردند.

سوال :

منسربین قوای مسلح که داوطلبانه دوره اضافه خدمت مکلفیت را ادامه میدهند از چه امتیازاتی برخوردار میشوند؟

جواب :

امتیازات زیادی به این سربازان اختصاص یافته است که به طور فشرده میتوانیم از این موارد یاد کنیم:

۱ - آنان میتوانند به موافقه فرماندانان قطعه در هر گار نیز یونی که مورد علاقه شان است، در هر گوشه ای کشور که باشد، به خدمت خود ادامه بدهند.

۲ - هفته یک بار نظر به لزوم دید فرماندانان قطعه می توانند رخصت بگیرند و به دیدن خانواده شان بروند.

۳ - در بخش پوشیدن یونیفورم سربازی هم برای شان امتیازاتی داده شده.

۴ - به آنان بدون گرفتن امتحان کانکور فرصت و امکان شمول به مکاتب عسکری فراهم شده است که از جمله می توانند به کورسهای تعلیمی ذیل فرستاده شوند:

الف - خوردن ظابطان مکتبی.

ب - افسران.

ناگفته نماند که در ختم کورس نظر به تحصیل برای شان رتبه و ترفیع داده میشود.

۵ - به هر کدام نظر به وظیفه قبای، معاش داده می شود که البته از «سه هزار افغانی» کم نخواهد بود.

۶ - در صورت شهادت و معلولیت داوطلب اضافه خدمت

حقوق تقاعد به اندازه معاش فارغ مکتب خورد ظابطان به خانواده شان پرداخته می شود .

۷- در صورت تمدید اضافه خدمت در آغاز یک ماه معاش و در اخیر سال دو ماه معاش به طور مکافات داده می شود .

۸- در جریان یک سال اضافه خدمت ، نظربه گرافیک بیست روز رخصتی داده می شود .

۹- داوطلب ادامه خدمت می تواند به خواست و انتخاب خود در صفوف اردو ، جزو تاسمهای او پراتیفی غارندوی یا خاد بماند .

۱۰- پس از ختم دوره پنجساله خدمت ، مانند افسران قوای مسلح ، امتیاز اخذ زمین به خانواده آنان داده می شود .

و لکن هیچ چیز را از آنها (سربازان داوطلب و همه سربازان و منسوبین) رزمنده و وطن پرست دریغ نمی کند چونکه آنها فرزندان صادق و اصیل میهنند و در شرایط دشوار و تاریخی وطن به ندای ما در وطن ، در صفوف اول مبارزه با دشمن می جنگند .

اجرا و تطبیق و تعمیل مواد و امتیازات یاد شده در خصوص سربازان و برای آنها بدست قوماندانان ، کارکنان سیاسی و آمران و مسوولین مربوطه آن می باشد به این مفهوم که آنها مکلفیت دارند از سربازان مواظبت کنند حقوق و استحقاق قانونی آنها را برای شان دقیقانه و صحیح توزیع نمایند . یعنی اول مطابق به فیصله حزب و دولت از حال و چگونگی ایشان و ارسی و مراقبت و رسیدگی نمایند و سپس به مطالبات خویش از آنها مبادرت ورزند . در بعضی قطعات به این موضوع طوری که لازم بود قبلا توجه لازم معطوف ساخته نمیشد که این حرکت درست نبود بایست به آن اهمیت فراوان داده شود .

سوال :

قوماندانان و آمران قطعات و مؤسسات عسکری در زمینه استفاده بهتر از این سربازان داوطلب چه تدابیری را رویدست دارند ؟

جواب :

در جواب سوال دوم هم قبلا گفته شد ، سربازانی که در عسکری به طور داوطلب می مانند ، تجربه زیاد و خوب دارند ، مسلک عسکری را خوب فرا گرفته اند و از آنها ، استفاده مطلوب صورت گرفته می تواند . البته این مساله به قوماندانان و کارکنان سیاسی آنها تعلق دارد که از این سربازان آبدیده در چه وظایفی کار بگیرند ، به طور مثال اگر يك تا نکسیت مجرب ، ورزیده و ماهر کهنگی را در کدام وظیفه اکمالاتی و لوژستیککی توظیف نمایند ، درست نیست همین طور نقش آنها در پیش برد دروس تعلیم و تربیه به نحو شایسته و صحیح آن برجسته و با ارزش است لهذا ، در صورتیکه از این سربازان نجیب و دلیر نظربه شایستگی شان درست کار گرفته شود ، کیفیت تعلیم و تربیه زودتر ارتقایی باید و مدت تطبیق آن کوتاهتر و مؤثر تر پیشبرده می شود .

قوماندانان و کارکنان سیاسی فکر نکنند که چون این سربازان قبلا خوب تعلیم و تربیه دیده اند و با آنها کار پیگیری سیاسی پیش برده شده است بنا بر آن همراهان کار سیاسی و مسلکی و تربیوی پیش برده نشود نه این درست نیست بلکه برعکس هر قدر که به آنها با هم بیشتر و وسیعتر کار شود ، به عین تناسب ، صفوف قوای مسلح ما مستحکمتر و ضربات ما بر دشمن شدید تر ، موثر تر و کوبنده تر شده ، بقایای ضد انقلاب زود تر سرکوب شده و وطن ما از وجود کثیف آنها و قتر پاک میشود .

۶- جدی

دوسله وال پوځ دسیاسی چارو لوی رئیس برید جنرال گل آقا دزغره وال پنخلسمی لوا د قوماندانی دهغه شمیر سرتیرو، ورو ضابطانو او افسرانو قدر و کمرچی دا انقلاب ضدکسانو په محلوکی یی خپلی اتلی بنودی دی .

په هغه غونډه کړی چی له دی امله په هغه قوماندانی کی شوی وه دسیاسی چارو لوی رئیس پدی ترخ کی چی دهغه قوماندانی منسوبین یی له پخوازیات خپلو وظیفو او مکلفیتونو ته متوجه کړل ، پر یوشمیر اتلوسرتیرو او افسرانو باندی یی یولو مهالونه اوسوغاتونه وویشل اود انقلاب خلکو او وطن دشمنانو دبخی له منځه وړلو په کارکی یی دهغوی دلازیات بریالیتوب هیله وکړه .

د د. ج. دملی دفاع وزارت د پاکستان

د مقاماتو تورو نه په مطلقه توګه بی اساسه و بلل

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت دملی دفاع د وزارت یو خبر محای د پاکستان پرفضایی قلمرو باندی په اصطلاح تیری په باب د باختر آژانس دخبر یال د پوښتنی په جواب کی داسی وویل :

د اسلام آباد مقاماتو غوورچی مخکی یو محل بیاد افغانستان دوسله وال پوځ دشپرو توپ لرونکو هلیو کو پترونو په وسیله د پاکستان پرفضایی قلمرو باندی په اصطلاح تیری په باره کی یو لړ جعلیات خپاره کړی دی چی گنی په سرحدی سیموکی یی دپه اصطلاح ، مهاجرینو ، پر یو کمپ باندی برید کړی دی او ان دیو ماشوم دوزلو سبب شوی دی .

یادونی ته اړتیا نشته چې دغه ډول بی محایه توروته په مطلقه توګه بی اساسه دی او له واقعیت سره هیڅ ډول پیروند نلری خودا لومړی محل نه دی چې پاکستانی مقامات د افغانستان د اردو پر ضد په هستریک آوازی خپرویی اوله افترا نه په ډګر تورو نولاس پوری کوی. په دی وروستیو وختو کی هغوی د افغانستان د دموکرا- تیک جمهوریت پر ضدیو ډول تبلیغاتی مبارزه پیل کړیده. دا پوښتنه پیدا کیږی چې د پاکستان پرفضایی قلمرو باندی په اصطلاح (تیریو) په باره کی دا ټولی ناری سوری دغه لپاره دی؟

اډو او پوځی روزنی له اسانتیاوو څخه په استفادی سره په افغانستان تیری کوی هغوی ښوونځیو او روغتونونو ته اوراچوی او وړانوی یی ، د ماشومانو او زړو خلکو په ګډون بی ګناه خلک وژنی او دخلکو او دولت شتمنی چوراو لوټوی .

دغه جنایتکارانه اوله وژنی ډک عملونه په منظمه توګه او په پراخه اندازه کیږی او د پاکستانی مقاماتو په همکاری او مستقیم ګډون سره سرته رسیږی .

د اسلام آباد مقامات ئی د افغانستان پر حاکمیت او د محکمې پر تمامیت باندی پدغه ډول واقعی او نه خیالی تیروی کی شریک دی هڅه کوی چه د افغانستان دخلکو پر ضد خپل جنایتونه پټ وساتی خودغه ډول هلی محلی کوم محای ته نه رسیږی د افغانستان خلک او دنړی عامه افکار ښه خبر دی چې د پاکستان پوځی حکومت په هغو جنایتونو کی شریک دی چې انقلابی ضد بانوونه ، بهرنی اجیران او ترورستان بی د افغانستان دخلکو پر ضد کوی .

محواب آسانه دی هدف بی دهغو واقعی تیرویو ټول دی چې د پاکستان د حکومت په ملګرتیا د افغانستان د دموکرا تیک جمهوریت پر حاکمیت او د محکمې پر تمامیت باندی کیږی نژدی هره ورځ د بهرنیو اجیرانو او ترورستانو پوره وسله وال او سمبال بانوونه د پاکستان په خاوره کی له

اول جدی ۱۹۶۰



چارمین کنفرانس علمی پرتیککی اکادمی علوم طب-ی قوای مسلح قبل ظهر اول جدی در تالار کنفرانس های آن اکادمی افتتاح گردید . رئیس عمرمی امور سیاسی قوای مسلح بیانیه در ارتباط به مؤثریت بهتر خدمات صحی در کشور و تعمیم تجارب پژوئش های طبی ایراد کرد . همچنان عده بی از دکتوران در ارتباط موضوع بیانیه های ایراد کرده و سر جراح اکادمی علوم طی راپور مفصلی از فعالیت روغتون مرکزی اردو رارائه نمود .

برید جنرال گل آقا رئیس امور سیاسی قوای مسلح هنگام ایراد بیانیه در چارمین کنفرانس علمی و پرتیککی اکادمی علوم قوای مسلح

بیت ونه قوس در جوار بند برق نغلو صورت گرفت بازدید به عمل آورد .

لوی درستیزان انداخت های درسی دیدن

نمود



تورن جنرال ارکان حرب بابه جان لوی درستیز قوای مسلح هنگام مشاهده تطبیقات قوای هوایی و مدافعه هوایی .

تورن جنرال بابه جان لوی درستیز در حالیکه ډگروال ارکان حرب جلال الدین مرستیال قوای هوایی و مدافعه هوایی ډگروال دوکتور شیر آقا حرکت رئیس تفتیش قوت های هوایی و مدافعه هوایی درستیزوال قوای هوایی و مدافعه هوایی ، قوماندان قوای دافع هوا ، هیأت های تعلیم و تربیه مدافعه هوایی ، کارکنان سیاسی ، اداری و عده بی از منسوبین قوای دافع هوا حاضر بودند ، از جریان انداخت های درسی ، اسلحه مختلف توپچی دافع هوا که توسط قطعه دافع هوای مقیم سروبی به تاریخ

آگهی

مجله اردو :

به ادامه فعالیت‌های فرهنگی خویش، در نظر دارد پس از این با کیفیت نوین، مضامین، مقالات و ترجمه‌هایی را که بتواند بیابانگر و افعیتها، رویدادها، پیشرفت‌های تاکتیکی عسکری در کشور ما و سطح جهانی باشد و بتواند با شرایط انقلابی میهن، ما تطابق یابد، به نشر بسپارد روی این احساس و ضرورت از نویسندگان و مترجمین محترم کشور، دعوت میکنیم با همکاری خویشان، ما را در زمینه یاری برسانند. به مضامین، مقالات مسلکی، تاکتیکی، از جمعیت داده می‌شود.

نویسندگان و مترجمین محترم، می‌توانند با پلان عمومی نشراتی مجله اردو، از طریق اداره مجله اردو، آشنا شوند و همچنان، ما خواهان نظریات، پیشنهادات و انتقادات دوستان در جهت خدمت هر چه بیشتر و بهبود مجله هستیم علاقمندان می‌توانند، نظریات خویش را عنوانی مجله اردو ارسال ۱۵ رند و یا به تلفن‌های (۲۴۲۰۸) و (۲۴۵۷۴) در تماس شوند.

سپس قطعنامه جلسه قرائت گردید که مورد تایید و پشتیبانی قرار گرفت.

خبرنگار علاوه میکند که در جلسه امروز شمال نیز شرکت ورزیده و کار جلسه را قناعت بخش ارزیابی کرد. جلسه با پخش سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان به پایان رسید.

از قهرمانی‌های افسران و سربازان قوماندانی غارندوی ولایت بغلان که در سرکوبی باند‌های صادرشده از خارج بی‌امان مبارزه نموده‌اند با توزیع تحایف تقدیر و تمجید بعمل آمد.

در محفلی که به همین مناسبت اخیراً در تالار سینمای شهر بغلان ترتیب شده بود چند نفر از افسران و سربازان با ایراد بیانییه‌هایی اعمال خصمانه و ضد انسانی گماشتگان ارتجاع و امپریالیزم راعلیه دولت انقلابی ما بشدت محکوم نموده آمادگی هرچه بیشتر شانرا در راه حراست از میهن و حمایت از دست آوردهای انقلاب ثور خاصاً مرحله نوین و تکاملی آن ابراز کردند.

* * *

شهادتنامه‌های فارغان کورس خورد ضابطان غند پنج نقلیه قوای مسلح بعد از ظهر روز ۸ جدی توسط رئیس تعلیم و تربیه وزارت دفاع ملی توزیع شد. در مراسم توزیع شهادتنامه‌ها که در قرارگاه غند مذکور ترتیب شده بود قوماندان غند نقلیه پیرامون چگونگی پروگرام کورس توضیحات داد. مقابلتاً آمر کورس و یک تن از فارغان بیانییه‌هایی ایراد نموده و به نمایندگی از هم‌قطاران خویش هر نوع از خود گذری را در راه دفاع از وطن و انقلاب وعده دادند.

برای فارغان ممتاز مکافاتی نیز توسط رئیس تعلیم و تربیه داده شد.

* * *

۹ جدی :

بمنظور تشدید مبارزه علیه ضد انقلاب در پرتو رهنمودهای پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پیام کمیته مرکزی حزب به افسران و سربازان قوای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالین حزبی قوای ۱۸ ولایت بلخ چندی قبل در کلوب عسکری ننداری آن قوا تشکیل جلسه دادند. در آغاز جلسه متن پیام کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان قرائت گردید که مورد تایید و استقبال شاملان جلسه قرار گرفت.

طبق گزارش خبرنگار آژانس باختر از شهر مزارشریف در جلسه فیصله بعمل آمد که بتأسی از رهنمود پلینوم هفتم کمیته مرکزی حزب افسران و سربازان قوای ۱۸ بصورت همه جانبه و پیگیر در تقویه عالی احضارات محاروبی سیاسی و تحکیم انضباط و دسپیل-ن حزبی و عسکری مساعی خستگی ناپذیر مبدول دارند.

اخبار خارجی



۲۴- قوس

حکومت فرانسه تصمیم گرفته روابط خود را با لیبیا عادی سازد. حکومت فرانسه معتقد است که جمهوری عربی لیبیا اقداماتی را علیه بی ثباتی اوضاع بین المللی اتخاذ نکرده است.

* * *

هفته نامه (لینک) چاپ دهلی مینویسد ایالات متحده آمریکا و چین تدارکات نظامی رژیم نظامیگر پاکستان را به همراه تشویق مینماید.

باساس گزارشات واصله از دهلی نو هفته نامه مذکور می نویسد سال آینده رژیم نظامی اسلام آباد اولین دسته طیارات بسیار عصری (اف - ۱۶) امریکارا دریافت خواهد کرد.

لینک می افزاید: علاوه بر آن امریکاتا نک های بسیار عصری وسایل نفر برزهری، توپ ها و هایکو پترها را نیز به رژیم اسلام آباد تمهیه خواهد کرد.

* * *

دپاکستان پوچی حکومت دقوس په ۲۴ نیته دهند سفیر ته اجازه ورنکره چه پیشورته لارشی او پاکستان دغی سیمی ته دهند دسفیر دمنع کولو علت نه دی شودلی دآل اندیا رادیو درپوت له مخی دبین المللی خبری منابعو دخبر له مخی دهند سفیر پتیلی و ه چی په هغه ورخ کی چارسدی - اوتورخم ته سفر وکری

په پاکستان کی دهند سفیر ویلی دی چی هغه پدی برخه کی یوه اوونی مخکی دپاکستان مقاماتو ته خپل غوښتن لیک وړاندی کړی دی.

دغه راز په کراچی کی دهند جنرال قنسل ته هم اجازه ورنکړی شوه چی دسند په ایالت کی دسکهر بنارته سفر وکړی اوددغه مخالفت دلیل هم معلوم شوی ندی.

* * *

۲۰- قوس

سهاجمین اسرائیلی درغزه یک خیانت تازه را مرتکب شده اند. به گزارش تاس آنها بریک مظاهره که از طرف شاگردان مکاتب با اعتصاب عمومی مردم علیه استبداد متجاوزین اسرائیل پیوسته بودند آتشباری کردند. در اثر این آتشباری دوفز از شاگردان مکتب مقتول و چند تن دیگر مجروح گردیده اند.

* * *

۲۲- قوس

رژیم نظامیگر پاکستان با ماهیت ضد مردمی خود درین اواخر آب و برق را برای مردم متدین و شرافتمند لندی کوتل قطع نموده و بر مشکلات مردم منطقه مذکور افزوده است. گزارش واصله از لندی کوتل حاکیست که مردم آن جا چندین بار از مقامات مربوط پاکستان تقاضا کردند تا این مشکل شان رفع شود ولی حکومت پاکستان این تقاضای برحق آنها را بصورت مکرر رد کرده که البته این امر سبب شد تا تظاهراتی برضد رژیم اسلام آباد صورت گیرد.

* * *

دقوس - ۲۴

دشوروی اتحاد دتولو کارگری اتحادیو دمرکزی شورامشئی الکساندر سو بوتین خبریالانوته ویلی دی چی دوسلو زور آزمویل نه یواحی بی بخایه کار دی بلکه خطر هم لری. ده ویل: پداسی حال کی چی په نری کی پنخوس ملیونه تنه دزیاتی لوری له لاسه خو ریری په هره ورخ یونیم میلیارد دالر دوسلو په زور آزمویل لگول کیزی دلویدیخو هیوادو پوچی اوصنعتی منبع دوسلودزور آزمویل مسؤله ده او هغوی دجگری لپاره تدارکات په تجارتی تصدیو بدل کړیدی.

* * *

د غه پلینوم د ۱۹۸۲ کال له پاره د هیواد د پرمختیایی اقتصادي پلانونو په مسودو او د دولتي بودجي په مسوده او دغه راز په نورو موضوعگانو باندې خبرې کوي.

* * *

۷ - جدي

سرخپوست ها که اقلیت نادار و بسیار محروم ایالات متحده امریکا را تشکیل میدهند قربانی جنایات سیاسی قرار گرفته و در همه ساحات حیات مورد تبعیض قرار دارند. این مطلب در بیانیه یی تذکر رفته که از طرف شورای جوانان سرخپوست در نیویارک انتشار یافته است. و در بیانیه علاوه شده که مقامات حکومتی امریکا با تخطی از تمام توافقات خویش با سرخپوستان آنها را بقتل رسانیده حقوق و آزادی های بشری آنها را زیر پا مینمایند. در بیانیه خاطر نشان شده که اکثر افتخارات فرهنگی سرخپوستان امریکا محو و نابود شده است.

* * *

۸- جدي

روابط اقتصادی و همکاری بین ایتوپیا و کشور های سوسیالیستی نتایج مثبتی برای منافع و مفاد متقابل داشته است. طبق گزارش چی. تی. کا، معاون رئیس مبارزات برای انکشاف انقلاب مای و شورای پلان گذاری مرکزی ایتوپیا گفته که یک فابریکه تولید سمنت با کمک و قرضه اتحاد شوروی در منطقه دبری داوایک فابریکه مشابه با قرضه و کمک جمهوریت دموکراتیک آلمان در نیومبرگرا عمار خواهد شد. همچنان یک سلسله تخصصات نفتی و گاز طبیعی در منطقه اوگادان با حمایت اتحاد شوروی صورت میگیرد و سایر کشورهای سوسیالیستی نیز در پروژه های مختلفی در ایتوپیا حصه گرفته اند.

* * *

رهبران جدایی طلب پنجاب که خواستار تاسیس سرزمین مستقل بنام خالصتان در ایالات پنجاب هند میباشد در کانادا، امریکا و انگلستان بسر برده و فعالیت های خود را برای برهم زدن وحدت مردم هند گسترش میدهند. هفته نامه لینک چاپ هند خاطر نشان کرده که رهبران جدایی طلب پنجاب تماس های نزدیک خود را با سرویس های مخفی امریکا حفظ کرده اند.

هفته نامه خاطر نشان کرده که یک قورلسنگری کشور به اصطلاح خالصتان با کمک فعال سی، آی، ای در وانکوور در کانادا بوجود آمده است.

همچنان رهبران افراطی سکها تماس های نزدیکی را با ایجنٹ های سی، آی، ای در کشور های همجوار هند برقرار کرده اند.

مقامات نظامی پاکستان قبيله شینواری را در منطقه خیبر طور سرزنش بخاطر مقاومت قبایل مختلف آن منطقه در برابر اقدامات تادیبی رژیم نظامی اسلام آباد جمعاً دو صد و بیست هزار کلدان جریمه کرده است.

قبيله آفریدی که یکی از قبایل بزرگ دیگر این منطقه میباشد نیز به جریمه پانزده هزار کلدان محکوم شده است. باید تذکر رود قبایل دیگر در لندن کوتل و سورکمر اخیراً تظاهرات احتجاج آمیز را علیه تمرکز دسته های نظامی آن رژیم در مناطق شان، قطع نل های آب و لین های برق منازل و مساجد شان و همچنان علیه انفاذ قوانین سیاه پاکستان مثل قوانین جرایم سرحدی که یکی از میراث های شوم دوران استعمار انگلیس میباشد براه انداخته بودند.

* * *

۹- جدي

شوروی اتحاد ۱۳۳ کوزموس په نامه یوه مصنوعی سپوږمی فضائنه و تغوله. پدی بیری کی د بهرنی فضا د خپلو د تعقیب په غرض یوه علمی دستگاه ایښودل شویده. د مصنوعی سپوږمی دستگاه په عادی ډول فعالیت کوي.

* * *

تجهيزات الکترونیکی نظامی در قتل قراقرم. (دهلی) روزنامه «پاتریوت» در یکی از شماره های اخیر خود مینویسد که دستگاه مرکزی استخبارات امریکا (سیا) یکجا با سرویس های استخباراتی چین به نصب دستگاه های مغناطی و حساس الکترونیکی نظامی مخصوص عملیات جاسوسی در قتل کوه های قراقرم دست زده اند. فعالیت دستگاه های جاسوسی مذکور متوجه هند، افغانستان و اتحاد شوروی است.

روزنامه علاوه میکند که همچنان محافل نظامی و اشنگتن موافقه کرده است تا یک استیشن زمینی مجهز را برای اخذ و تحلیل معلومات از اقمار استخباراتی امریکا به کشور چین بفروش برسانند. نظریه موافقه که بین حکومت نظامیگر پاکستان و حکومت امریکا بعمل آمده در شروع سال جاری عیسوی طیارات مجهز با سیستم عصری را دارنوع (آواکس) بصورت منظم به پرواز های جاسوسی خود در امتداد سرحدات پاکستان با افغانستان و هند شروع خواهد کرد.

* * *

۱۰- جدي

د کیوبا کمونیست گوند د مرکزی کمیٹی غلورم پلینوم د کمونیست گوند د مرکزی کمیٹی د لومړی منشی او د کیوبا د جمهوریت د دولتی شور را رئیس او د وزیرانو د شورا رئیس فیدل کاسترو په مشرۍ جوړ شو.



همبستگی و دوستی به شیوه
امپریالیستی.

AFGHAN MILITARY REVIEW

Monthly Magazine

Address: Urdoo Mojalla, Military Press, Kabul

Democratic Republic of Afghanistan

F-I 23208 - 24574

Subscription rate for foreigners & abroad

15 US Dollars.

Volume 66 Serial No 717 -

December - 1981

داردو مجله

نشریه ماهانه

قیمت اشتراك سالانه : ۱۵۰ - افغانی

ممبر حساب در دافغانستان بانک : ۶۰۰

آدرس: داردو مجله. دفاع مطبعه. کابل. افغانستان

نمبر تېلفون مدیر مجله ۲۳۲۰۸

د ملی دفاع مطبعه

قوت‌های مسلح ما برای دفاع از زمین
و دست آورده‌های انقلاب ثور همیشه
آماده است.

